

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

سال سیزدهم | شماره چهارم | پیاپی ۳۰ | تابستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه السلام

باهمکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار

مدیرمسئول: حسین حسن زاده سروستانی (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

سر دبیر: غلامرضا مصباحی مقدم (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیر داخلی: عباس پورحسن یامی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا):

رضا تهرانی استاد (تخصص: تخصص: مالی و سرمایه گذاری) دانشگاه تهران
علی رضائیان استاد (تخصص: مدیریت رفتار سازمانی) دانشگاه شهید بهشتی
فریدون رهنمای رودپشتی استاد (تخصص: مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
غلامرضا مصباحی مقدم استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
حسن آقا نظری استاد (تخصص: اقتصاد اسلامی و حقوق اسلامی) پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
غلامرضا گودرزی استاد (تخصص: مدیریت تحقیق در عملیات) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمد توحیدی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
علی سعیدی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
احمد شعبانی دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
سعید صحت دانشیار (تخصص: مدیریت ریسک و بیمه) دانشگاه علامه طباطبائی
محمد طالبی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
غلامعلی معصومی نیا دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی) دانشگاه خوارزمی

عضو مشورتی هیأت تحریریه:

محمدحسین قوام استادیار (تخصص: مدیریت بانکداری اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

* براساس مجوز شماره ۳/۱۸/۵۸۹۷۸۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» از شماره ۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۱) دارای درجه علمی - پژوهشی است.

مقاله‌های نشریه در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

پایگاه دواج: <https://www.doaj.org>
پایگاه گوگل اسکالر: <https://www.scholar.google.com>
پایگاه استادی علوم جهان اسلام: <https://www.isc.gov.ir>
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: <https://www.sid.ir>
پایگاه مجلات تخصصی نور: <https://www.noornags.com>
پایگاه اطلاعات نشریات کشور: <https://www.magiran.ir>
پایگاه مرجع دانش: <https://www.civilica.com>
پرتال جامع علوم انسانی: <https://www.ensani.ir>

ویراستار انگلیسی: علیرضا روشن ضمیر

ویراستار فارسی، صفحه‌آرا و تجدید طرح جلد: عباس پورحسن یامی

مقاله‌های نشریه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست. نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۹۶ صفحه | ۴۰۰۰۰۰۰ ریال | چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

مدیریت علمی، تحریریه و چاپ: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، تلفکس: (۰۲۱)۸۸۰۸۰۷۳۳

مدیریت فنی و پشتیبانی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: (۰۲۱)۸۸۰۹۴۹۱۵

وبگاه: <https://ifr.isu.ac.ir> | پست الکترونیک اصلی: ifr@isu.ac.ir | پست الکترونیک پشتیبان: ifr.isujournals@gmail.com

دوفصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

لیست داوران (به ترتیب رتبه و الفبا)

سال سیزدهم - شماره‌های: ۲۷ (پاییز ۱۴۰۲)، ۲۸ (زمستان ۱۴۰۲)، ۲۹ (بهار ۱۴۰۳) و ۳۰ (تابستان ۱۴۰۳)

ردیف	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	مشخصه و وابستگی علمی
۱	فریدون رهنمای رودپشتی	استاد	عضو هیأت علمی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲	محمد مهدی عسکری	استاد	عضو هیأت علمی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۳	غلامرضا مصباحی مقدم	استاد	عضو هیأت علمی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۴	سید حسین میرمعزی	استاد	عضو هیأت علمی، گروه اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران
۵	محمد توحیدی	دانشیار	عضو هیأت علمی، گروه مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۶	سید امراله حسینی	دانشیار	عضو هیأت علمی، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
۷	احمد شعبانی	دانشیار	عضو هیأت علمی، گروه اقتصاد پولی و مالی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۸	سعید صحت	دانشیار	عضو هیأت علمی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۹	محمد طالبی	دانشیار	عضو هیأت علمی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۱۰	رضا غلامی جمکرانی	دانشیار	عضو هیأت علمی، گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
۱۱	عبدالمحمد کاشیان	دانشیار	عضو هیأت علمی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
۱۲	کامران ندری	دانشیار	عضو هیأت علمی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۱۳	سید محمد امین‌زاده	استادیار	عضو هیأت علمی، موسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران
۱۴	صادق الهام	استادیار	عضو هیأت علمی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۱۵	حامد تاجمیر ریاحی	استادیار	عضو هیأت علمی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۱۶	حسین حسن‌زاده سروستانی	استادیار	عضو هیأت علمی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

۱۷	سید علی حسینی	استادیار	عضو هیأت علمی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
۱۸	رسول خوانساری	استادیار	پژوهشگر پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران
۱۹	محمد سلیمانی	استادیار	عضو هیأت علمی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
۲۰	محمد شیرجیان	استادیار	عضو هیأت علمی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران
۲۱	ماندانا طاهری	استادیار	عضو هیأت علمی، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲۲	علیرضا رام‌روز	استادیار	عضو هیأت علمی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲۳	مجید رضایی دوانی	استادیار	عضو هیأت علمی، گروه اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
۲۴	مرتضی عزتی	استادیار	عضو هیأت علمی، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲۵	مهدی قائمی اصل	استادیار	عضو هیأت علمی، گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۲۶	وهاب قلیچ	استادیار	عضو هیأت علمی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران
۲۷	محمدحسین قوام	استادیار	عضو هیأت علمی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
۲۸	رضا میرزاخانی	استادیار	عضو هیأت علمی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
۲۹	حسین میثمی	استادیار	عضو هیأت علمی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران
۳۰	محمد نعمتی	استادیار	عضو هیأت علمی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
۳۱	محمد نوروزی	استادیار	عضو هیأت علمی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
۳۲	امیرحسین اعتصامی	مریی	پژوهشگر، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، تهران، ایران
۳۳	احسان ذاکرنیا	مریی	دانش آموخته دکتری، مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران
۳۴	مهدی رعایایی	مریی	دانش آموخته دکتری، اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
۳۵	محسن رضائی صدرآبادی	مریی	دانش آموخته دکتری علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

دانش آموخته دکتری، مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران	مربی	یونس سلمانی	۳۶
دانش آموخته دکتری معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران	مربی	علی مصطفوی ثانی	۳۷
دانش آموخته دکتری، مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران	مربی	سید محمدجواد میرطاهر	۳۸

اهداف و چشم‌انداز نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» اولین نشریه تخصصی مالی اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی است که با همت گروه مالی اسلامی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام راه‌اندازی گردید و در حال حاضر توسط گروه مالی اسلامی، دانشکده معارف اسلامی مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و با همکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مشغول به فعالیت است.

نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» با هدف تولید ادبیات اسلامی در حوزه مالی به منظور ارتقاء و تحول دانش مالی با رویکرد اسلامی- ایرانی و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی سازمان‌ها و نهادهای مالی در زمینه‌ها و محورهای تخصصی ذیل منتشر می‌شود:

۱. تئوری‌های مالی اسلامی؛
۲. قواعد فقه مالی اسلامی؛
۳. فقه مالی اسلامی؛
۴. حقوق مالی اسلامی؛
۵. ابزارهای تأمین مالی اسلامی؛
۶. ابزارهای مدیریت ریسک اسلامی؛
۷. تحلیل اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی؛
۸. نهادهای مالی اسلامی؛
۹. بازار سرمایه اسلامی؛
۱۰. بانکداری اسلامی؛
۱۱. بیمه‌های اسلامی؛
۱۲. حسابداری مالی اسلامی؛
۱۳. قیمت‌گذاری اوراق مالی اسلامی؛
۱۴. صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی؛
۱۵. نظام مالی اسلامی در اقتصاد مقاومتی؛
۱۶. مالی عمومی اسلامی؛
۱۷. سایر موضوعات مرتبط.

انواع مقاله‌هایی که در نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» منتشر خواهند شد:

۱. علمی - پژوهشی.
۲. علمی - مروری.
۳. علمی - ترویجی.
۴. یادداشت.

فهرست مقاله‌ها

- علمی - پژوهشی (مالی عمومی اسلامی)
- ارائه یک مدل تصمیم‌گیری برای امهال مطالبات ناشی از تسهیلات غیرجاری بانک‌ها در قالب عقود اسلامی ۶۴۳
علی آقاجانی خوراسگانی / پرستو محمدی*
- علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی)
- بررسی دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی (مطالعه موردی بانک‌ها و مشتریان شهر یزد) ۶۷۷
اکرم تفتیان* / بهزاد حاج‌حسینی / فاطمه منصوری محمدآبادی
- علمی - پژوهشی (فقه مالی اسلامی)
- تحلیل فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در بازار سرمایه ایران ۷۱۹
سیدمحمدعلی ترابی* / محمد توحیدی / غلامرضا مصباحی مقدم
- علمی - پژوهشی (مالی عمومی اسلامی)
- راهکارهای اصلاح نظام مالکیت در ایران (با رویکرد اسلامی) ۷۶۵
محمدزمان رستمی / محمدهادی رستمی*
- علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی)
- الگوی ذهنی ذینفعان قرض‌الحسنه در بانک قرض‌الحسنه مهر ایران ۸۱۳
علی الیاسی* / غلامحسن تقی نتاج ملک‌شاه / محمد سلگی
- علمی - مروری (بازار سرمایه اسلامی)
- بررسی نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی در اقتصاد اسلامی: فرصت‌ها و چالش‌ها ۸۴۷
زهرا ضامن قدیرلی* / حامد تاجمیر ریاحی

A Decision-Making Model for the Postponement of Non-Performing Loans in the form of Islamic Contracts

Author: Ali Aghajani Khorasgani | Parastoo Mohammadi

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246766.1904>

ارائه یک مدل تصمیم‌گیری برای امهال مطالبات ناشی از تسهیلات غیر جاری بانک‌ها
در قالب عقود اسلامی

نویسندگان: علی آقاجانی خوراسگانی | پرستو محمدی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246766.1904>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



A Decision-Making Model for the Postponement of Non-Performing Loans in the form of Islamic Contracts

Ali Aghajani Khorasgani: M. A. Student, Financial Engineering, Faculty of Industrial and Systems Engineering, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

aliaghajani@modares.ac.ir | 0009-0004-1031-9418

Parastoo Mohammadi: Faculty Member, Faculty of Industrial and Systems Engineering, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

p.mohammadi@modares.ac.ir | 0000-0003-1767-333

Abstract

1. Introduction and Objective

The escalating issue of non-performing loans (NPLs) presents a significant challenge to the stability and efficiency of banking system in Iran. This paper introduces a novel, multi-faceted decision-making model specifically designed to optimize the process of rescheduling (known as "emhal" in Persian) bank receivables arising from non-performing facilities. The primary objective of this research is to provide Iranian banks and credit institutions with a structured, transparent, empirically informed, and practically applicable framework, meticulously aligned with the executive directive concerning the method of rescheduling receivables of credit institutions, ratified by the Monetary and Credit Council of the Central Bank of Iran on August 6, 2019. This framework aims to guide these institutions in making judicious and data-driven decisions regarding the rescheduling of their receivables portfolios, taking into comprehensive account a wide array of salient financial and operational criteria, with a particular emphasis on facilitating the potential rehabilitation and sustainable recovery of financially distressed borrowing entities, especially within the strategically important yet often economically vulnerable tile and ceramic manufacturing sector of the Iranian economy. The research also seeks to promote a more standardized and less ad-hoc approach to loan rescheduling within the Iranian banking system, thereby contributing to greater efficiency and reduced moral hazard.

2. Methods and Materials

The development of the proposed decision-making model was underpinned by a rigorous and systematically executed multi-stage

research methodology. The initial phase involved a comprehensive review of domestic literature on NPL management and international best practices in loan restructuring. To ensure contextual relevance within the Iranian banking environment, the preliminary criteria were validated through a two-round Delphi technique and in-depth interviews with eight experienced banking experts (credit and legal specialists with NPL rescheduling experience and banking instructors). The identified criteria were categorized into three hierarchical groups: (a) initial eligibility criteria for entering the rescheduling process; (b) general financial and operational criteria for credit assessment and future profitability estimation; and (c) specific industry-related criteria tailored to the tile and ceramic sector. The final criteria are presented in Table 1 of the original paper.

The model features three sequential modules: (1) initial eligibility assessment; (2) decision on the rescheduling method (re-installment, extension, renewal, contract conversion) using weighted general criteria; and (3) selection of a new Islamic contract type (if conversion is chosen) using weighted industry-specific and further general criteria. A Likert scale questionnaire administered to the expert panel was used to assign weights to the criteria in Modules 2 and 3, with the reliability of the responses confirmed using Cronbach's alpha. Weighted scoring models were developed in Microsoft Excel, inspired by business failure prediction models like Altman's Z-Score and Ohlson's O-Score. Variables in Module 2 (A, B, C, D) represent the applicant's deviation from the industry average for operating profit margin, sales-to-assets ratio, long-term investment-to-assets ratio, and current installment amount (with a negative coefficient). Variables in Module 3 (M, N, P, R, Q) represent deviations for receivables collection period, export-to-total sales ratio, product quality/diversity, orders/prepayments, and cost of goods sold-to-sales ratio (with negative coefficients for the first and last). A case study involving financial data from listed tile and ceramic companies illustrated the model's practical application.

3. Research Findings

The research successfully developed a three-module decision-making model for bank receivables rescheduling. Module 1 effectively screens applicants based on initial eligibility criteria such as not being subject to Article 141, no prior rescheduling, and the overdue period. Module 2 utilizes the weighted scoring system based on general financial and operational criteria to recommend a rescheduling method. For instance, Table 6 of the paper showed contract extension

as the top recommendation for Company X based on its financial performance relative to the industry average. If contract conversion is deemed necessary, Module 3 employs weighted industry-specific and operational criteria to prioritize and recommend the most suitable new Islamic contract type (e.g., Salaf was the highest-ranked in the example provided in the paper). The model provides a structured and data-driven approach for banks to evaluate rescheduling options, aiming to balance debt recovery with the potential rehabilitation of the borrowing entity within the specific context of the tile and ceramic industry.

4. Discussion and Conclusion

The developed decision-making model represents a novel domestic contribution specifically addressing the complex issue of NPL rescheduling within the Iranian banking system, with a targeted focus on the tile and ceramic manufacturing sector. This industry-specific focus enhances the relevance and granularity of the model's recommendations but also limits its direct applicability to other sectors without potential recalibration. The model's adherence to the Central Bank of Iran's directives ensures regulatory compliance while also imposing some constraints on incorporating all expert nuances. The expert-derived weights for financial ratios are integral to the model's calculations. The absence of a comprehensive historical database of rescheduling applicants necessitated a reliance on qualitative methods, specifically expert opinions validated statistically, which influenced the model's design. Future research should focus on developing more detailed recommendations for new contracts, integrating AI and machine learning techniques, designing dynamic policy options for banks, and extending the model's applicability to other industries facing NPL challenges.

5. Acknowledgments

The authors sincerely thank the esteemed banking experts, particularly Mr. Asghar Pourmatin, for their valuable insights that enriched this research.

6. Keywords

Decision-Making; Non-Performing Loans; Claims Postponement; Receivables rescheduling; Islamic Contracts; Tile and Ceramic Industry.

7. JEL Classification: G21, G33.

ارائه یک مدل تصمیم‌گیری برای امهال مطالبات ناشی از تسهیلات غیرجاری بانک‌ها در قالب عقود اسلامی

علی آقاجانی خوراسگانی: دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی مالی، دانشکده مهندسی صنایع و سیستم‌ها، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. aliaghajani@modares.ac.ir
پرستو محمدی: عضو هیأت علمی، دانشکده مهندسی صنایع و سیستم‌ها، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. p.mohammadi@modares.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

مقدمه و هدف: افزایش مطالبات غیرجاری (NPLs) چالش جدی برای ثبات نظام بانکی کشور است. این مقاله مدلی برای تصمیم‌گیری درباره امهال مطالبات بانکی در چارچوب دستورالعمل بانک مرکزی (مصوب مرداد ماه ۱۳۹۸) ارائه می‌دهد. هدف، ارائه چارچوبی ساختاریافته و مبتنی بر داده برای مؤسسات اعتباری ایران جهت تصمیم‌گیری در مورد امهال، با در نظر گرفتن معیارهای مالی و عملیاتی و با تمرکز ویژه بر صنعت کاشی و سرامیک به منظور تسهیل احیای واحدهای تولیدی دچار مشکل است.

مواد و روش‌ها: در این مقاله از روش دلفی و مصاحبه با ۸ خبره بانکی برای تعیین و دسته‌بندی معیارها (اولیه، عمومی، خاص صنعت) استفاده شد. مدل سه ماژول دارد: ارزیابی صلاحیت متقاضی، تعیین روش امهال (با معیارهای وزنی) و انتخاب عقد جدید اسلامی (در صورت نیاز به تبدیل). از پرسشنامه لیکرت برای وزن‌دهی معیارها و آزمون آلفای کرونباخ برای پایایی داده‌ها استفاده شد. مدل امتیازدهی وزنی با الهام از مدل‌های پیش‌بینی شکست در اکسل توسعه یافت و با داده‌های شرکت‌های کاشی و سرامیک بررسی شد.

یافته‌های تحقیق: مدل تصمیم‌گیری شامل سه ماژول است. ماژول اول صلاحیت متقاضی برای ورود به فرایند امهال را مشخص می‌کند. ماژول دوم وضعیت عملکرد و سودآوری شرکت را با استفاده از معیارهایی نظیر حاشیه سود عملیاتی، نسبت فروش به دارایی‌ها، میزان حصه جاری و نسبت سرمایه‌گذاری بلندمدت به دارایی موردبررسی قرار می‌دهد و تمرکز اصلی آن بر وصول مطالبات بانک است. این ماژول به شناسایی روش امهال از بین روش‌های تقسیط مجدد، تمدید، تجدید یا تبدیل قرارداد کمک می‌کند. در صورتی که نتیجه ماژول دوم، فسخ یا اقاله قرارداد فعلی و نیاز به تبدیل قرارداد باشد، ماژول سوم با استفاده از معیارهایی مانند دوره وصول مطالبات، نسبت صادرات به کل فروش، کیفیت و تنوع محصولات، سفارش‌ها و پیش‌پرداخت‌ها و نسبت بهای تمام‌شده به فروش به انتخاب

نوع عقد جدید از بین عقود خرید دین، اجاره به شرط تملیک، سلف و فروش اقساطی با اولویت‌بندی امتیاز آن‌ها کمک می‌کند. این مدل با استفاده از اطلاعات مربوط به معیارهای مالی در مورد شرکت متقاضی امهال، عقد مناسب برای تبدیل قرارداد را پیشنهاد می‌دهد. مدل رویکردی ساختاریافته و مبتنی بر داده برای ارزیابی گزینه‌های امهال ارائه می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری: این مدل اولین تلاش تحقیقاتی برای چالش بانک‌های ایرانی در مواجهه با امهال مطالبات غیرجاری با تمرکز بر صنعت کاشی و سرامیک است. تمرکز بر یک صنعت خاص، دقت مدل را بالا می‌برد اما کاربرد آن را می‌تواند محدود کند. برای کاربردی بودن مدل، رعایت دستورالعمل بانک مرکزی ضروری بود. وزن‌دهی خبرگان در این مدل بر نتایج تاثیر می‌گذارد. البته، نبود پایگاه داده جامع، اتکا به نظرات خبرگان را ضروری می‌ساخت. تحقیقات آتی می‌تواند جزئیات بیشتر قرارداد، به‌کارگیری هوش مصنوعی و گسترش مدل به صنایع دیگر را مورد بررسی قرار دهد.

تقدیر و تشکر: نویسندگان از خبرگان محترم بانکی به‌ویژه آقای اصغر پورمتین که با ارائه نظرات ارزشمند خود به غنای این تحقیق کمک نمودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایند.

واژگان کلیدی: تصمیم‌گیری؛ تسهیلات غیرجاری؛ امهال مطالبات؛ عقود اسلامی؛ صنعت کاشی و سرامیک.

مقدمه

یکی از معیارهای ارزیابی وضعیت شبکه بانکی، میزان تسهیلات غیرجاری (NPL) است. افزایش مطالبات غیرجاری، سلامت بانک‌ها و شبکه بانکی را تهدید می‌کند و در صورت عدم مدیریت صحیح تسهیلات اعطایی، کل نظام اقتصادی در معرض خطر قرار خواهد گرفت. طی بررسی‌هایی که از ۲۶ بانک و مؤسسه اعتباری داخل کشور انجام شده، مشخص شده که به‌طور متوسط، ۱۳ درصد کل تسهیلات بانک‌ها در طبقه غیرجاری قرار دارند (سجادی‌نژاد، ۱۴۰۱). میزان مطالبات غیرجاری شبکه بانکی از ۶۷ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۱۳۹۲ به ۵۳۹.۵۷ هزار میلیارد تومان در پایان آذر ۱۴۰۲ رسیده است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲).

جهت برخورد بانک با این معضل، بنابر اعلام وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، ۱۷۹۳ بنگاه اقتصادی به تملک بانک‌ها درآمده که ۷۵۰ واحد فعال و ۱۰۴۳ واحد غیرفعال هستند. البته برآوردها نشان می‌دهد تعداد بنگاه‌های تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی که به دلیل تلاش بانک‌ها برای وصول مطالباتشان به دردرافتاده‌اند، به بیش از ۲۴۰۰ واحد می‌رسد (همشهری، ۱۴۰۰).

یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های افزایش مطالبات غیرجاری در دوره‌های اخیر، رفتار نادرست بانک‌ها در استمهال این تسهیلات بوده است. بدین‌صورت که به‌جای تنظیم توافقنامه امهال، قراردادهایی تحت‌عنوان مشارکت مدنی، مشارکت مدنی استمهالی، مشارکت مدنی احیاء، مضاربه و امثالهم را منعقد می‌نمودند. در این شرایط، سرمایه عقد جدید به‌طرف قرارداد پرداخت نمی‌شد؛ بلکه به‌طور اصلی توسط بانک برای تسویه بدهی‌های قبلی استفاده می‌گردید. نتیجه چنین رفتارهایی، کاهش منابع بانکی و روی‌آوردن بانک‌ها به نرخ سود است که باعث رکود و تعطیلی در سیستم اقتصادی خواهد شد. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران حوزه بانک، بانک‌ها با گرایش به این شیوه غلط، یعنی اعتباردهی مجدد به اسم اجرای قانون امهال، به ضعیف‌تر شدن واحدهای تولیدی دامن زده‌اند و درنهایت، نتیجه‌ای به‌غیراز رشد نمایی بدهی‌های واحدهای تولیدی و به دنبال آن ورشکستگی واحدها و مصادره و فروش دارایی‌ها و

تجهیزات آن‌ها که هزینه‌های سنگینی برای استقرار آن‌ها و راه‌اندازی خط تولید، صورت گرفته است، حاصل نخواهد شد (عدالت نو، ۱۴۰۱).

در راستای حل این مسأله، دستورالعمل امهال مصوب ۱۵ مردادماه ۱۳۹۸ شورای پول و اعتبار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مشخصاً امهال و شرایط تفصیلی آن را تعیین کرده است. براساس این دستورالعمل اعطای مهلت بیشتر برای بازپرداخت، با ترتیباتی متفاوت از قرارداد اولیه مثل تقسیط مجدد، تمدید، تجدید، تبدیل قرارداد و نظایر آن به تشخیص بانک مرکزی از مصادیق امهال محسوب می‌شود.

در این مقاله، تلاش بر این است که برای کمک به بخش اعتباری بانک‌ها در اتخاذ تصمیمات خود برای نحوه برخورد با مشتریان خود که دچار درماندگی مالی در پرداخت بدهی‌ها و تعهدات خود شده‌اند، با تجزیه و تحلیل اطلاعات شرکت‌های تولیدی که همه در یک صنعت فعالیت دارند، براساس شاخص‌ها و معیارهای مختلف، با تأکید بر شاخص‌ها و اطلاعات مالی، یک مدل تصمیم‌گیری ارائه گردد.

۱. مرور پیشینه‌ها

۱-۱. علل غیرجاری شدن تسهیلات

توجه و بررسی عوامل عدم موفقیت شرکت‌ها در بازپرداخت بدهی خود به سیستم بانکی با توجه به شرایط مختص به زیست‌بوم اقتصادی حاکم بر کشور که در مقاله‌های داخلی مورد اشاره قرار گرفته است نیز در فرایند طراحی مدل علی - معلولی جهت انجام عارضه‌یابی و کشف چالش‌ها، مفید واقع می‌شود.

مطالعات گوناگونی بر روی علل مختلف مطالبات غیرجاری روزافزون صورت گرفته که برای نمونه به دو مورد از آن‌ها اشاره خواهیم داشت: یک پژوهش با عنوان «استخراج و رتبه‌بندی عوامل ایجاد مطالبات معوق نظام بانکی و ارائه راهکارهای پیشنهادی» ابتدا پنج بازیگر پنهان ساختار بازار پول، نحوه عملکردهای بانک‌ها، فضای اقتصاد کلان، عوامل محیطی و نظام نظارت و مجازات را به عنوان علل ایجاد مطالبات معوق تعیین کرده و پس از آن، متغیرهای آشکاری که در هر دسته از متغیرهای پنهان قرار می‌گیرند را رتبه‌بندی نموده است. مطابق این رتبه‌بندی، مهم‌ترین عوامل مطالبات

معوق بانکی، به ترتیب وزن هر عامل، افزایش تورم، نبود سازوکار و زیرساخت‌های موردنیاز نظام بانکی کشور، عدم‌استفاده از ابزارهای نوین وصول مطالبات، ویژگی‌های ساختاری بانک، رکود اقتصادی، رشد بازدهی بازارهای موازی، افزایش نرخ ارز، فشارهای گروه‌های ذینفع بانکی، عدم‌کفایت جریمه‌های در نظر گرفته شده، بروز و افزایش ریسک‌های سیاسی، حوادث غیرمترقبه‌ای و بلایای طبیعی، افزایش رفتار ریسک‌پذیرانه بانک، مشکلات نظارتی و موانع قانونی و قضایی پیگیری مطالبات، عدم ایجاد اطمینان کافی نسبت به بازگشت تسهیلات قبل از اعطا، ویژگی‌های اعتباری مشتریان و ضعف در فرایند ارزیابی مشتری، عدم استقلال بانک مرکزی و بروز ریسک‌های بانکی، ضعف در فرایند کارشناسی اعطای تسهیلات، ضعف در فرایند نظارت بر فعالیت تسهیلات‌گیرنده و بازپرداخت تسهیلات، نوع و شرایط قرارداد ناظر بر تسهیلات است (کریمی وردنجانی و حسن‌زاده سروستانی، ۱۴۰۰، ص. ۶۰).

یک مطالعه دیگر با عنوان «دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و راهکارهای اصلاح آن» بیش از سی عامل مختلف را در بروز مطالبات معوق در کشور شناسایی کرده است. پس از انجام آزمون فرضیه، نتیجه گرفته شده است که در نظام بانکی ایران، عوامل درون‌سازمانی بیشترین نقش را در شکل‌گیری مطالبات معوق دارند. نتایج نظرسنجی این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل سوء مدیریت منابع مالی، عدم تشکیل سبد دارایی بهینه در دارایی‌های بانکی، عدم ارزیابی صحیح طرح‌ها، فقدان فرهنگ اعتباری سالم و فعال، نقص در فرایند پژوهش و بررسی قبل از اعطای وام و عدم وجود رتبه‌بندی دقیق اعتباری مشتریان، به‌عنوان مؤثرترین عوامل درون‌سازمانی بر مطالبات سررسید گذشته و معوق می‌باشند. عواملی که در نظام انگیزشی کارکنان مشکل ایجاد می‌کنند، شامل پرداخت تسهیلات جدید به نکول‌کنندگان برای تصفیه تسهیلات غیرجاری، ضعف مدیریتی پس از اعطای وام، نظام مدیریت منابع انسانی غیرمنعطف و عدم‌رعایت ملزومات پس از اعطای وام است. همچنین، عوامل برون‌سازمانی نیز تأثیر کمتری بر مطالبات معوق دارند. براساس تحقیقات، به اعتقاد کارشناسان بانکی، عوامل برون‌سازمانی مؤثرترین عوامل بر مطالبات سررسید گذشته و معوق هستند. این عوامل شامل عدم‌استفاده از ابزارهای مالی نوین در کشور،

ناکارایی‌های قضایی و قانونی، بی‌ثباتی‌های اقتصادی، الزام بانک‌ها به اعطای تسهیلات تکلیفی و مشکلات مربوط به تعیین نرخ سود هستند. عواملی که می‌توانند تأثیر منفی بر مطالبات سررسید گذشته و معوق داشته باشند، شامل فضای بد کسب‌وکار، تحریم‌های اقتصادی، عوامل قهری و طبیعی، مشکلات مربوط به قانون جریمه دیرکرد و تخلف و نقض عهد هستند. این عوامل برون‌سازمانی هستند و تأثیر کمتری بر مطالبات سررسید گذشته و معوق دارند (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۷).

۲-۱. استمهال مطالبات غیرجاری بانک‌ها

در این بخش، باهدف بررسی تحقیقات گذشته مربوط به حوزه امهال مطالبات، به بررسی چند نمونه پژوهش داخلی و خارجی که به‌طور خاص بر موضوع امهال مطالبات غیرجاری بانک‌ها، متمرکز بوده‌اند، پرداخته شده است. مطالعه این پژوهش‌ها، نشان‌دهنده میزان توجه پژوهشگران حوزه مالی و اقتصاد به موضوع امهال مطالبات است.

یک پژوهش، با تحلیل و بررسی روش‌های استمهال موجود، یک راهکار جدید برای عملیاتی‌سازی استمهال مطالبات غیرجاری نظام بانکی ارائه نمودند. این راهکار براساس استفاده از عقد مشارکت مدنی کاهنده بوده که مشتری می‌تواند یکی از دارایی‌های سرمایه‌ای خود را با بانک به اشتراک بگذارد و در ازای استفاده از سهم‌الشرکه بانک، اجاره‌های دارایی را پرداخت کند و سهم بانک را تدریجاً خریداری نماید (موسویان و غلامی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۰).

در پژوهش دیگری چنین بیان‌شده که در نظام بانکی بین‌الملل، نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات معمولاً بین ۲ تا ۵ درصد است؛ اما در کشور ایران، این نسبت در اسفندماه ۱۳۹۶ به ۱۰.۳ درصد افزایش یافته است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی و مقایسه پدیده معوقات در نظام بانکی ایران با سایر کشورها بوده و شناسایی راهکارهای موجود در برخی کشورهای دیگر برای حل این مشکل موردتوجه قرار گرفته است. نتایج بررسی مقایسه‌ای نشان می‌دهد که باوجود استفاده از بانکداری غیرربوی در ایران، نظام بانکی این کشور نسبت به سایر کشورها در وضعیت مناسبی

قرار ندارد و نیاز به حل سریع مشکل مطالبات غیرجاری دارد (سزاوار، خزائی و اسلامیان، ۱۴۰۰، ص. ۲۶۳).

برای بررسی نمونه‌هایی از بانک‌های کشورهای خارجی، به مطالعه نحوه اقدام کشورهای عضو اتحادیه اروپا، پرداخته شد. دلیل این انتخاب، موفقیت نسبی این کشورها در کاهش نسبت مطالبات غیرجاری خود در دو دهه اخیر بوده است. مدل تصمیم‌گیری در سیستم بانکی این کشورها به این صورت است که بانک برای تعیین بهترین راهبردها در رویارویی با پرتفوی مطالبات غیرجاری خود، با یک تحلیل دقیق برای هر کدام از NPLها، براساس مشخصه‌های هریک از آنها، مشخص می‌کند که چه نوع اقدامی برای حداکثر کردن ارزش خالص فعلی NPLها مناسب است. در نتایج این تحلیل، NPLها به دودسته قابل دوام و غیرقابل دوام دسته‌بندی می‌شوند. برای بدهکاران قابل دوام، رویکرد مقابله بیشتر به صورت مشارکتی خواهد بود. برای بدهکاران غیرقابل دوام، اقدامات ویژه‌ای باید به سرعت انجام شود تا از اقدامات مخرب راهبردی اجتناب شود (مانند فرسایش ارزش وثیقه، نشت نقدی و...). زمانی که تسهیلات‌گیرنده دارای زیربنای قابل دوام است، NPLها باید بازسازی شوند. برای وام‌گیرندگان با مدل‌های تجاری پایدار اما مشکلات دوره‌ای، راه‌حل‌های ممکن شامل بازسازی بدهی یا مبادله بدهی به حقوق صاحبان سهام است. تجدید ساختار بدهی، شامل اصلاح شرایطی است که به وام‌گیرنده امکان می‌دهد تا بدهی را به صورت پایدار تأمین کند. در مبادله بدهی به حقوق صاحبان سهام که به دلایل عملی برای شرکت‌های بزرگتر مناسب‌تر خواهد بود، طلبکاران به سهامداران تبدیل می‌شوند و بخشی از مسئولیت بازسازی عملیاتی وام‌گیرنده را برعهده می‌گیرند. به این صورت، نیازهای بازپرداخت بدهی را کاهش می‌دهند و از تجدید ساختار بالقوه استفاده می‌کنند. زمانی که تسهیلات‌گیرنده دارای زیربنای غیرقابل دوام است، NPLها باید در یک فرایند منظم با استفاده از ابزار مناسب، منحل شود: یک ابزار مناسب، توقیف و فروش وثیقه. این رویکرد ممکن است زمانی استفاده شود که وام‌گیرنده در حالت نکول است و هیچ امیدی به بازگشت به ادامه حیات ندارد (مانند زمانی که وام‌گیرنده ورشکسته شده است). یک ابزار دیگر، فروش دارایی‌های بدهکار است. این راه‌حل زمانی مناسب است که وام‌گیرنده هیچ

گزینه‌ای برای بازگشت به ادامه حیات نداشته باشد (برای مثال اگر یک شرکت غیرمالی قبلاً نکول کرده باشد). در غیراین صورت فروش تدریجی دارایی‌های شرکت منجر به از دست رفتن حسن نیت می‌شود (European Systemic Risk Board, 2017).

در ایران، دستورالعمل امهال مصوب ۱۵ مردادماه ۱۳۹۸ شورای پول و اعتبار نیز مشخصاً امهال و شرایط تفصیلی آن را تعیین کرده است. براساس این دستورالعمل اعطای مهلت بیشتر برای بازپرداخت، با ترتیباتی متفاوت از قرارداد اولیه مثل تقسیط مجدد، تمدید، تجدید، تبدیل قرارداد و نظایر آن به تشخیص بانک مرکزی از مصادیق امهال محسوب می‌شود. تقسیط مجدد عبارت است از وصول مطالبات مؤسسه اعتباری از مشتری در قالب اقساط مشخص جدید در ادامه قرارداد فعلی. مقصود از تمدید قرارداد، افزایش مدت زمان اجرای مفاد قرارداد فعلی که موضوع آن به اتمام نرسیده است با توافق مؤسسه اعتباری و مشتری است. تجدید قرارداد، به منزله فسخ یا اقاله و خاتمه قرارداد فعلی و انعقاد قرارداد جدیدی از همان نوع قرارداد نسبت به موضوع قرارداد فعلی بین مؤسسه اعتباری و مشتری بوده و منظور از تبدیل قرارداد، فسخ یا اقاله و خاتمه قرارداد فعلی و امهال طبق یکی از حالات ذیل است. انعقاد قرارداد جدیدی متفاوت از قرارداد فعلی بین مؤسسه اعتباری و مشتری نسبت به همان موضوع قرارداد یا انعقاد قرارداد جدیدی از همان نوع قرارداد فعلی بین مؤسسه اعتباری و مشتری نسبت به موضوع متفاوت و یا انعقاد قرارداد جدیدی متفاوت از قرارداد فعلی بین مؤسسه اعتباری و مشتری نسبت به موضوع متفاوت (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸).

۳-۱. مطالعات مربوط به طراحی مدل تصمیم‌گیری در اعتبارسنجی مشتریان بانک

باتوجه به ماهیت و هدف غایی این تحقیق که طراحی یک مدل برای اعتبارسنجی مشتریان بدهکار بانک و تصمیم در خصوص چگونگی رفتار با پرونده آن‌هاست، ضرورت بررسی تحقیقات با موضوع طراحی مدل تصمیم‌گیری در اعتبارسنجی مشتریان بانک باهدف روشن‌تر شدن مسیر و نگرشی دقیق‌تر، بدیهی به نظر می‌رسد. تاکنون تحقیقات گسترده‌ای برای طراحی سیستم پشتیبان تصمیم در خصوص

اعتبارسنجی مشتریان جهت تخصیص منابع و اعطای تسهیلات به آن‌ها صورت گرفته است. بررسی این تحقیقات، ابزارها و فن‌های به‌کارگرفته‌شده در آن‌ها، به طراحی ساختار مدل و انتخاب روش ساخت قواعد و سناریوها، کمک شایانی نموده است.

پژوهشی با عنوان «طراحی سیستم توصیه‌گر به‌منظور بهینه‌سازی و مدیریت تسهیلات بانکی بر مبنای الگوریتم‌های خوشه‌بندی و طبقه‌بندی تسهیلات»، باهدف کاهش مشکلات ارائه تسهیلات مناسب به مشتریان بانک و طراحی سیستم توصیه‌گر تسهیلات بانکی، با استفاده از داده‌های قبلی مربوط به تسهیلات ثبت‌شده در یک بانک منتخب و بزرگ کشور، راهکار توصیه‌گر ارائه کرده است. این راهکار به این صورت بوده است که با دریافت داده‌های تسهیلات و اطلاعات حساب مشتری، گروه‌های مشتریان را در فرایند آموزش و اعتبارسنجی، فراگرفته و بر مبنای آن، امکان پیش‌بینی شرایط مشتری برای دریافت تسهیلات آتی را فراهم می‌کند. به‌منظور طراحی راهکار توصیه‌گر، روش‌های داده‌کاوی مناسب به همراه رویکرد اعتبارسنجی متناسب با هر روش انتخاب‌شده و سیستم نهایی با خطای اندک، جهت‌گیری مناسب بانک نسبت به متقاضیان دریافت تسهیلات را معین کرده است که به تصمیم‌گیری مدیران برای ارائه دقیق‌تر تسهیلات، یاری خواهد رساند. این سامانه به بانک‌ها کمک می‌کند تا با شناسایی انواع مشتریان خود، تصمیم‌های مرتبط با هر گروه را برای ایجاد حداکثر سود و کاهش هزینه‌های وصول مطالبات اتخاذ کنند و رویکرد مناسبی را برای هر مشتری در نظر بگیرند (سهرابی، رئیسی و انانی و زارع میرک‌آباد، ۱۳۹۵، ص. ۶۸).

پژوهشی دیگر، یک سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری برای کمک به متقاضیان تسهیلات بانکی در انتخاب عقد اسلامی مناسب طراحی نموده است. ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای، مدلی اولیه از معیارها و زیرمعیارهای ارزیابی و سنجش عقود اسلامی استخراج نمودند و سپس برای پالایش، تلخیص و تکمیل معیارها و زیرمعیارهای شناسایی‌شده از خبرگان نظرسنجی کردند. در مطالعه آن‌ها برای تعیین اهمیت نسبی معیارهای ارزیابی عقود اسلامی، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شده است. همچنین برای انتخاب عقد مناسب برای متقاضی، از رویکرد بهینه‌سازی چند معیاری

حل سازشی (VIKOR) که مبتنی بر ماتریس تصمیم‌گیری است، استفاده شده است (Jahani & Mohammadi, 2018, p. 21).

پژوهشی دیگر از ابزارهای داده‌کاوی و منطق فازی برای طبقه‌بندی مشتریان تسهیلات اعتباری استفاده کرده است. در این تحقیق، داده‌های مشتریان سابق بانک، طبق یک فرایند استاندارد داده‌کاوی، جمع‌آوری و پالایش شده و سپس طبقات و متغیرهایی که قابلیت فازی کردن داشتند، طبق نظر کارشناسان بانک مورد مطالعه و باتوجه به اصطلاحات کلامی آن‌ها برای این متغیرها، فازی شده و با استفاده از فن درخت تصمیم فازی، داده‌های نهایی مدل‌سازی شدند. همچنین داده‌های غیرفازی نیز با چند الگوریتم دیگر نیز مدل‌سازی شدند. در این تحقیق، هدف این بود که مدل تصمیم‌گیری ارائه شده برای فرایند ذهنی کارشناسان اعتبارسنجی نزدیک‌تر باشد. تأکید بر جنبه‌های یک مدل امتیازدهی اعتباری (مبتنی بر داده‌کاوی) بود که ابهامات و عدم قطعیت را در خصوص طبقات مشتریان و همچنین متغیرهای تأثیرگذار در رفتار آن‌ها پوشش نمی‌دهد. نتایج نشان داد که درخت تصمیم فازی نتایج بهتری از نظر دقت تفکیک مشتریان نسبت به درخت‌های سنتی، شبکه‌های عصبی و روش‌های آماری مانند رگرسیون لجستیک و شبکه‌های بیزین داشته است؛ اما نسبت به مدل‌های درخت ژنتیکی و ماشین بردار پشتیبان دقت کمتری داشت. از سوی دیگر، فن درخت تصمیم فازی نسبت به عملکرد پیش‌بینی کارشناسان اعتبارسنج بانک نیز توانایی پیش‌بینی بهتری داشت (تقوی فرد و نادعلی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰).

تحقیق دیگری با شناسایی معیارهای مهم و مؤثر در ارزیابی طرح، مدلی برای ارزیابی هر طرح با استفاده از فن تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی و باتوجه به ارزیابی حاصل، یک سیستم خبره برای تصمیم‌گیری براساس عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری نهایی وام‌دهی در خصوص یک طرح ارائه کردند. در تحقیق مذکور، قواعد سیستم خبره طراحی شده، به وسیله پسته VP-EXPERT طراحی و اجرا شده، حالات و شرایط مختلف عوامل فوق را مدنظر قرار داده و در نهایت، توصیه مناسبی برای اتخاذ تصمیم در خصوص هر طرح در اختیار دستگاه وام‌دهنده قرار داده است (آزادی مقدم آرانی و امین‌ناصری، ۱۳۸۶، ص. ۳).

پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی رفتار اعتباری مشتریان تسهیلات مصرفی با استفاده از شبکه‌های عصبی امتیازبندی اعتباری» به مدل‌سازی رفتار اعتباری مشتریان بانک مسکن با استفاده از شبکه‌های عصبی جهت تخصیص بهینه تسهیلات خرید و ساخت مسکن پرداخته است. این تحقیق ۳۵۰ نمونه انتخابی را به سه دسته مشتریان «خوش حساب»، «سررسید گذشته» و «بدحساب» تقسیم نموده است. همچنین، در این تحقیق مقایسه‌ای بین قدرت تفکیک مدل‌های شبکه عصبی و مدل آنالیز ممیزی در مورد داده‌های مشتریان انجام شده و در نهایت نتایج حاکی از قدرت تفکیک و صحت پیش‌بینی بیشتر مدل‌های رتبه‌بندی اعتباری با استفاده از شبکه‌های عصبی نسبت به مدل آنالیز ممیزی بوده است (عبده‌تبریزی، البرزی و ودادی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲).

مرور و بررسی ابزارها و فن‌های به‌کارگرفته‌شده در این تحقیقات، در بخش طراحی ساختار کلی مدل تصمیم‌گیری، نقش قابل توجهی داشته است.

۴-۱. معیارها و مدل‌های پیش‌بینی شکست در پژوهش‌های خارجی

بیور^۱ (۱۹۶۶م) در مدل‌سازی خود، تنها بر متغیرهای مالی تأکید داشت. مدل بیور بر روی چهار معیار تأکید داشت؛ سود نقدی شرکت، جریان نقدی خالص ناشی از فعالیت شرکت در بازار، میزان بدهی و نرخ هزینه‌های عملیاتی. نتایج تحقیق بیور نشان داد که برخی از نسبت‌های مالی شرکت‌های ورشکسته، در پنج سال آخر قبل از ورشکستگی بدتر می‌شوند و در سال پنجم بسیار نامطلوب خواهند بود؛ بنابراین، این نتیجه به عمل آمد که روند نامطلوب نسبت‌های مالی می‌تواند به‌عنوان علائم هشداردهنده اولیه تلقی شود. نتیجه دیگر این بود که همه نسبت‌ها به یک اندازه عملکرد خوبی در پیش‌بینی ندارند و نتایج هرکدام از نسبت‌ها ممکن است متفاوت باشد. عملکرد نسبت‌های مالی؛ مانند جریان نقدی به‌کل دارائی و سود خالص به‌کل دارائی بهتر است (Beaver, 1966, p. 77).

پس از بیور، آلتمن^۲ بود که مدل‌های ارائه شده توسط او که مبتنی بر روش‌های آماری بودند، زمینه‌ساز تحقیقات آینده این حوزه شدند. الگوی آلتمن، دارای رویکرد تشخیص چندمتغیری (MDA) بود که به الگوی Z-Score معروف شد.

$$Z = 0.012X_1 + 0.014X_2 + 0.033X_3 + 0.006X_4 + 0.999X_5 \quad \text{رابطه (۱):}$$

X1: سرمایه در گردش به کل دارایی

X2: سود انباشته به کل دارایی

X3: سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی

X4: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل بدهی‌ها

X5: فروش به کل دارایی

Z: شاخص کل

در این مدل چنانچه شاخص کل محاسبه شده، از ۱/۸۱ کوچکتر باشد، شرکت ورشکسته و اگر بین ۱/۸۱ و ۲/۶۷۵ باشد، شرکت در ناحیه ورشکستگی قرار دارد. همچنین اگر این شاخص، از ۲/۶۷۵ بزرگتر باشد، احتمال ورشکستگی آن خیلی کم خواهد بود. آلتمن و همکاران با الگوی ZETA، الگوی Z-Score را توسعه دادند. الگوی ZETA دارای ۷ متغیر بود که منعکس‌کننده خصوصیات مختلف شرکت‌ها بودند. الگوی ZETA در عمل کاربرد بسیاری دارد و در پیش‌بینی ورشکستگی نسبت به الگوی Z-Score بهتر عمل می‌کند. میزان دقت الگوی ZETA می‌تواند بیش از ۹۱ درصد باشد (Altman, 1968, p. 589).

اوهلسون^۳ الگوی Z-Score را مورد انتقاد قرار داد. او مطرح کرد که این الگو نیازمند مفروضات اساسی مانند توزیع نرمال داشتن متغیرها در الگوی Z-Score یا مشابه بودن واریانس - کوواریانس شرکت‌های ورشکسته و غیرورشکسته است؛ بنابراین به عقیده اوهلسون، Z-Score نمی‌تواند معنای خاصی داشته باشد و قادر به پیش‌بینی ورشکستگی نخواهد بود. اوهلسون الگوی جدیدی را با عنوان O-Score ارائه کرد که با Z-Score مشابهت داشت و براساس نسبت‌های کلیدی اطلاعات حسابداری بود. در

2. Altman

3. Ohlson

الگوی O-Score، از ۹ متغیر مستقل استفاده شد. میزان دقت الگوی اوهلسون، ۹۶/۱۲ درصد برآورد شد (Ohlson, 1980, p. 110).

شاموی^۴ الگوی خطر زمانی گسسته را مطرح کرد. او معتقد بود که متغیرهای حسابداری مورد استفاده در مطالعات گذشته برای توضیح ورشکستگی محدود بودند و بخشی از متغیرهای حسابداری با احتمال ورشکستگی ارتباط کمی داشتند؛ بنابراین سه متغیر بازار دیگر بر الگو اضافه کرد که عبارتند از اندازه بازار، بازده سهام گذشته، انحراف از استاندارد و بازده سهام. این سه متغیر، نسبت به تغییر شرکت حساس‌تر بوده و در توضیح مدل، بهتر عمل می‌کنند (Shumway, 2001, p. 101).

در مطالعات بعد، گروهی از محققین مانند بچتی و سیرا^۵ علاوه بر متغیرهای مالی، متغیرهای کلان اقتصادی را در مدل‌سازی خود دخیل کردند. مدل‌های متنوع طراحی شده تاکنون، از منظر روش ساخت مدل، نحوه تعریف‌ها در دسته‌بندی شرکت‌ها و نسبت‌ها و شاخص‌های مالی به کار گرفته شده در مدل‌ها، از یکدیگر متمایز می‌شوند (Becchetti & Sierra, 2003, p. 3).

۵-۱. معیارها و مدل‌های پیش‌بینی شکست در پژوهش‌های داخلی

یک پژوهش با عنوان «تبیین عوامل مالی مؤثر بر خروج از درماندگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، به بررسی عوامل مالی مؤثر بر احیای مالی یا خروج از درماندگی شرکت‌ها پرداخته است. نتایج نهایی مطالعه نشان داد که نسبت‌های مالی بدهی‌های جاری به کل دارایی و سود خالص به فروش و فروش به دارایی جاری دارای بیشترین قدرت تبیین خروج از درماندگی هستند (هارونکلایی، نبوی چاشمی و برزگر و داداشی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۶).

پژوهشی دیگر برای شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری مشتریان حقوقی بانک توسعه صادرات ایران و تدوین مدلی جهت سنجش میزان احتمال نکول آن‌ها، از روش رگرسیون لجیت استفاده کرده است. این تحقیق از میان ۱۳ نسبت مالی انتخاب شده به عنوان متغیرهای توضیحی اثرگذار بر احتمال نکول، براساس شاخص‌های آماری و با

استفاده از نظریه‌های اقتصادی و مالی، ۷ متغیر دارای اثر معنی‌دار بر ریسک اعتباری شرکت‌ها را شناسایی نموده است. نتایج نشان دادند متغیرهای نسبت جریان نقدینگی به بدهی کل، نسبت گردش دارایی‌ها، نسبت جاری و نسبت نقدی دارای اثر معکوس بر ریسک اعتباری هستند و نسبت جریان نقدی آزاد، نسبت کل بدهی‌ها، نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه، دارای اثر مستقیم بر ریسک اعتباری هستند (شیرین‌بخش، یوسفی و قربان‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۵).

نتایج تحقیقی دیگر با عنوان «ارائه مدلی برای اعتبارسنجی مشتریان در بانک صنعت و معدن» نشان می‌دهد که از بین ۱۷ نسبت انتخابی، ۵ نسبت بیشترین قدرت تفکیک گروه‌های شرکت‌های دارای نکول و بدون نکول را دارند. همچنین رابطه معکوسی بین نسبت بازده دارایی‌ها و احتمال نکول وجود دارد. به‌علاوه، شرکت‌هایی که سود خالص بیشتری دارند، در بازپرداخت تسهیلات و اعتبار خود موفق‌تر عمل می‌کنند (شریعت‌پناهی، ۱۳۸۸، ص. ۸۰).

معیارهای کشف‌شده در این تحقیقات نیز، در بخش مربوط به جمع‌آوری اطلاعات، از پالایشگرهای مربوطه عبور کرده و مهم‌ترین معیارها، به گروه خبرگان ارائه‌شده تا راجع به استفاده آن‌ها در مدل تصمیم‌گیری نهایی، نتیجه‌گیری شود.

۲. مواد و روش‌ها

۲-۱. انتخاب معیارهای نهایی

با تکیه بر روش دلفی و مصاحبه‌های انجام‌شده با گروه خبرگان که شامل هشت نفر خبره بانکی که از کارشناسان باسابقه بخش اعتباری و حقوقی چند بانک داخلی و دارای سابقه فعالیت در حوزه امهال مطالبات غیرجاری و همچنین مدرسین حوزه بانکداری بودند، معیارها ابتدا به سه دسته کلی: الف- معیارهای اولیه؛ شامل معیارهایی که صلاحیت متقاضی برای ورود به فرایند امهال تعیین خواهد کرد؛ ب- معیارهای عمومی؛ شامل معیارهای قابل‌استفاده برای اعتبارسنجی متقاضی بدهکار فارغ از نوع فعالیت و برآورد سودآوری او در آینده؛ ج- معیارهای خاص صنعت کاشی و سرامیک؛ شامل معیارهایی که با معضلات طبقه‌بندی‌شده صنعت مورد مطالعه ما مرتبط هستند،

تقسیم شدند. معیارهای نهایی، پس از دو مرحله استفاده از فن دلفی، به دست آمدند. جدول (۱) این معیارها را به تفکیک هر طبقه نمایش می‌دهد.

جدول (۱): معیارهای نهایی مدل تصمیم‌گیری

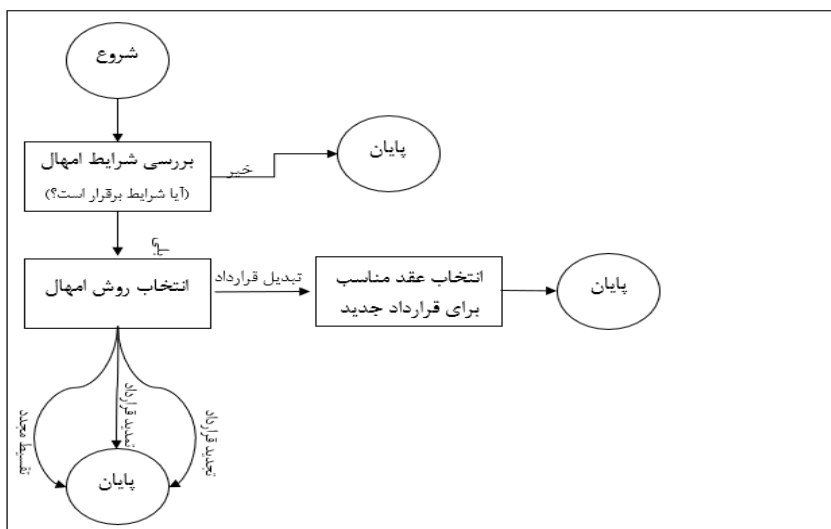
ردیف	طبقه‌بندی معیارها
۱	معیارهای اولیه
	- عدم مشمولیت ماده ۱۴۱ قانون تجارت
	- عدم سابقه امهال
۲	- بازه زمانی عدم بازپرداخت تعهدات
	معیارهای عمومی
	- حاشیه سود عملیاتی
۳	- نسبت فروش به دارایی‌ها
	- نسبت سرمایه‌گذاری بلندمدت به دارایی
	- میزان حصه جاری
	معیارهای خاص صنعت
	- دوره وصول مطالبات
	- نسبت صادرات به کل فروش
	- کیفیت و تنوع محصولات
	- سفارش‌ها و پیش‌پرداخت‌ها
	- نسبت بهای تمام‌شده به فروش

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۲-۲. طراحی ساختار مدل

مطابق باهدف تحقیق، ویژگی مدل موردنظر، قابلیت ارائه پیشنهادهایی است که هم وصول مطالبات بانک را تا میزان قابل‌قبولی تأیید کند و هم راهکاری برای احیای واحد تولیدی بدهکار و متقاضی امهال باشد؛ بنابراین لازم است مدل پیشنهادی در دو بخش مجزای وصول مطالبات غیرجاری بانک و ارائه راهکار برای کمک به متقاضی، قابلیت داشته باشد.

ساختار مطلوب در این تحقیق، یک ساختار با سه ماژول دارای سلسله‌مراتب است. ماژول اول، مربوط به بررسی شرایط اولیه متقاضی، جهت تصمیم در خصوص احراز صلاحیت وی برای ورود یا عدم ورود به فرایند امهال. ماژول دوم، مربوط به اتخاذ تصمیم در خصوص نحوه امهال از طریق روش‌های چهارگانه قیدشده در دستورالعمل اجرایی امهال مطالبات؛ یعنی تقسیط مجدد، تمدید، تجدید یا تبدیل قرارداد است. ماژول سوم، مربوط به حالتی است که در ماژول دوم، تصمیم بر فسخ یا اقاله قرارداد فعلی و تبدیل به قراردادی جدید شده باشد و نیاز به انتخاب عقد مناسب برای قرارداد جدید باشد.



شکل (۱): ساختار کلی مدل تصمیم‌گیری

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۳-۲. محاسبه وزن معیارهای منتخب

به‌غیر از ماژول اول که معیارهای سه‌گانه آن، شروط لازم برای ورود متقاضی به فرایند امهال است، معیارهای ماژول‌های دوم و سوم، نیازمند وزن دهی از سوی خبرگان بانکی بودند. این بخش، با طراحی و تکمیل پرسشنامه مبتنی بر طیف لیکرت توسط گروه خبرگان، انجام گردید. میزان اهمیت چهار دسته اصلی نسبت‌های مالی؛ یعنی نسبت‌های

نقدینگی، عملکرد، اهرمی و سودآوری در هرکدام از روش‌های امهال و همچنین عقودی که برای تبدیل قرارداد از آن‌ها استفاده می‌گردد از طریق نظرسنجی از خبرگان انجام شد. پس از جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه، با کمی‌سازی نتایج و معمولی‌نمودن آن‌ها، اوزان مربوط به معیارها، برای هر دسته از گزینه‌ها محاسبه شد. جدول‌های (۲) و (۳) به ترتیب شامل اوزان محاسبه‌شده هر معیار در هر روش امهال در ماژول دوم و اوزان هر معیار در هر نوع از عقود جدید ماژول سوم و همچنین نتایج آزمون آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS برای اطمینان از پایایی نتایج پرسشنامه هستند.

جدول (۲): اوزان معیارهای مربوط به ماژول دوم

معیارهای منتخب روش امهال	حاشیه سود عملیاتی	نسبت فروش به دارایی‌ها	نسبت سرمایه‌گذاری بلندمدت به دارایی	میزان حصه جاری	آلفای کرونباخ
تقسیم مجدد	۰.۸۲۷	۱.۰۸۹	۱.۱۴۳	۰.۹۷۲	۰.۹۱۲
تمدید قرارداد	۰.۸۶۹	۱.۰۱۶	۱.۱۱۸	۱.۰۱۴	۰.۸۷۶
تجدید قرارداد	۰.۹۸۷	۰.۹۸۹	۱.۰۳۹	۰.۹۸۷	۰.۹۱۵
تبدیل قرارداد	۰.۲۳۸	۰.۲۶۳	۰.۲۶۳	۰.۲۳۸	۰.۸۵۳

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۳): اوزان معیارهای مربوط به ماژول سوم

معیارهای منتخب عقود اسلامی	دوره وصول مطالبات	نسبت صادرات به کل فروش	کیفیت و تنوع محصولات	سفارش‌ها و پیش‌پرداخت‌ها	نسبت بهای تمام‌شده به فروش	آلفای کرونباخ
خرید دین	۱.۳۰۳	۰.۸۸۹	۰.۸۸۹	۰.۹۱۱	۱.۰۶۶	۰.۹۳۲
اجاره به شرط تملیک	۱.۳۰۲	۰.۸۶۸	۰.۹۴۰	۰.۸۶۸	۱.۰۸۵	۰.۹۷۴
سلف	۱.۱۴۶	۰.۸۶۰	۱.۰۰۳	۰.۷۸۴	۱.۲۹۰	۰.۹۵۰
فروش اقساطی	۱.۲۲۵	۰.۷۸۰	۰.۹۴۷	۰.۹۰۲	۱.۲۲۵	۰.۹۴۴

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۴-۲. مدل سازی ریاضی

با استفاده از یک مدل امتیازی و پیاده سازی آن در نرم افزار اکسل، محیطی برای مقایسه و اولویت بندی میان گزینه های مختلف در ماژول های دوم و سوم و در نهایت پیشنهاد بهترین گزینه فراهم گردیده است. منطق این مدل های امتیازی بدین صورت است که مدل دارای بیشترین امتیاز به عنوان گزینه مطلوب پیشنهادی توسط مدل به کاربر پیشنهاد می گردد. ایده استفاده از روش امتیازی در طراحی مدل پیشنهادی این تحقیق، از مدل های پیش بینی شکست کسب و کارها و مدل هایی مانند Z-Score آلمن و O-Score اوهلسون، الهام گرفته شده است. در کلیه مدل های امتیازی ماژول دوم، مقصود از متغیرهای A، B، C و D به قرار زیر است. همچنین لازم به ذکر است که ضرایب منفی برای متغیر میزان حصه جاری، به دلیل ماهیت منفی و نامطلوب این متغیر در محاسبه امتیاز مدل است.

A: نسبت اختلاف حاشیه سود عملیاتی متقاضی و میانگین شرکت های صنعت به میانگین صنعت؛

B: نسبت اختلاف نسبت فروش به دارایی متقاضی و میانگین شرکت های صنعت به میانگین صنعت؛

C: نسبت اختلاف نسبت سرمایه گذاری های بلندمدت به دارایی متقاضی و میانگین شرکت های صنعت به میانگین صنعت؛

D: نسبت اختلاف میزان حصه جاری متقاضی و میانگین شرکت های صنعت به میانگین صنعت.

برای مدل امتیازی روش تقسیط مجدد داریم:

$$S1 = 0.827 * A + 1.089 * B + 1.143 * C - 0.972 * D \quad \text{رابطه (۲)}$$

همچنین برای مدل امتیازی روش تمدید قرارداد خواهیم داشت:

$$S2 = 0.869 * A + 1.016 * B + 1.118 * C - 1.014 * D \quad \text{رابطه (۳)}$$

همچنین برای مدل امتیازی روش تجدید قرارداد خواهیم داشت:

$$S3 = 0.987 * A + 0.989 * B + 1.039 * C - 0.987 * D \quad \text{رابطه (۴)}$$

همچنین برای مدل امتیازی روش تبدیل قرارداد خواهیم داشت:

$$S4 = 0.987 * A + 1.039 * B + 1.039 * C - 0.940 * D \quad \text{رابطه (۵):}$$

در کلیه مدل‌های امتیازی مازول سوم، مقصود از متغیرهای M، N، P، R و Q به قرار زیر است. همچنین لازم به ذکر است که ضرایب منفی برای متغیرهای دوره وصول مطالبات و نسبت بهای تمام‌شده به کل فروش، به دلیل ماهیت نامطلوب و منفی آنها است.

M: نسبت اختلاف دوره وصول مطالبات متقاضی و میانگین شرکت‌های صنعت به میانگین صنعت؛

N: نسبت اختلاف نسبت صادرات به کل فروش متقاضی و میانگین شرکت‌های صنعت به میانگین صنعت؛

P: نسبت اختلاف نسبت کیفیت و تنوع محصولات متقاضی و میانگین شرکت‌های صنعت به میانگین صنعت؛

R: نسبت اختلاف نسبت سفارش‌ها و پیش‌پرداخت‌های متقاضی و میانگین شرکت‌های صنعت به میانگین صنعت؛

Q: نسبت اختلاف بهای تمام‌شده به کل فروش متقاضی و میانگین شرکت‌های صنعت به میانگین صنعت.

برای مدل امتیازی عقد خرید دین داریم:

$$T1 = -1.303 * M + 0.889 * N + 0.889 * P + 0.911 * R - 1.066 * Q \quad \text{رابطه (۶):}$$

برای مدل امتیازی عقد اجاره به شرط تملیک داریم:

$$T2 = -1.302 * M + 0.868 * N + 0.940 * P + 0.868 * R - 1.085 * Q \quad \text{رابطه (۷):}$$

برای مدل امتیازی عقد سلف داریم:

$$T3 = -1.146 * M + 0.860 * N + 1.003 * P + 0.784 * R - 1.290 * Q \quad \text{رابطه (۸):}$$

برای مدل امتیازی عقد فروش اقساطی داریم:

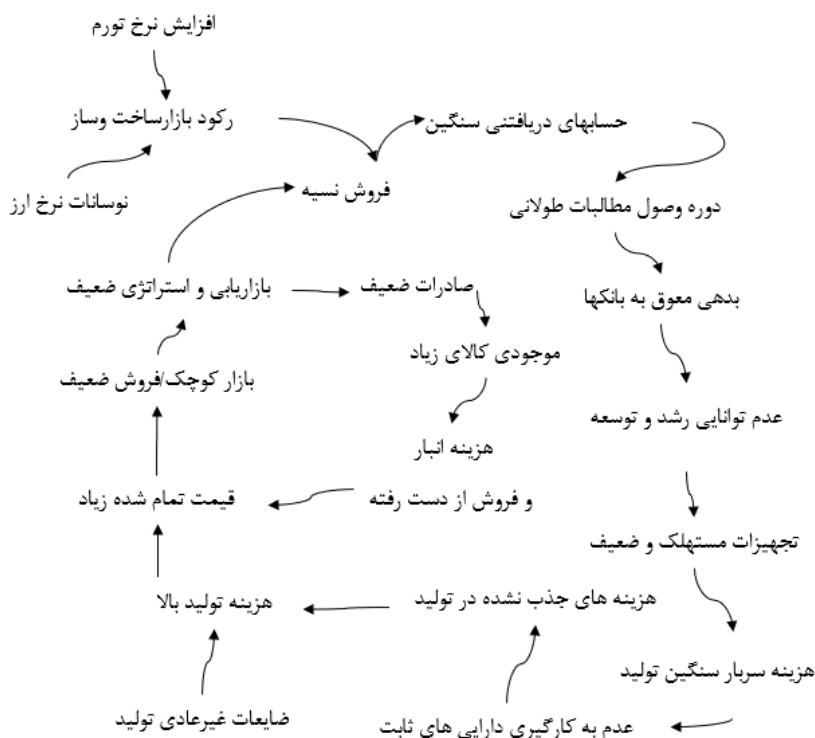
$$T4 = -1.225 * M + 0.780 * N + 0.947 * P + 0.902 * R - 1.225 * Q \quad \text{رابطه (۹):}$$

با استفاده از هشت مدل فوق، مدل موردنظر، در محیط نرم‌افزاری اکسل طراحی گردیده است.

۵-۲. به‌کارگیری مدل برای صنعت کاشی و سرامیک

۲-۵-۱. چالش‌ها و فرصت‌های صنعت موردبررسی

پس از مطالعات مفصل، بر روی مسائل موجود در صنعت کاشی و سرامیک و دسته‌بندی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این صنعت، تلاش شد تا برای ادامه مسیر و تعیین مهم‌ترین چالش‌ها، یک مدل مفهومی برای ترسیم رابطه علی- معلولی میان چالش‌ها، حاصل گردد. شکل (۲)، منحنی SWOT و شکل (۳)، مدل مفهومی حاصل‌شده را نشان می‌دهد.



شکل (۲): رابطه علی-معلولی چالش‌های صنعت کاشی و سرامیک

منبع: (یافته‌های تحقیق)



شکل (۳): دسته‌بندی نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای صنعت

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۲-۵-۲. جمع‌آوری و پردازش داده‌های شرکت‌های صنعت موردبررسی

در زمان آغاز این پژوهش، تعداد شرکت‌های فعال کاشی و سرامیک در بازار بورس که قابلیت دسترسی به اطلاعات مالی آن‌ها از طریق سامانه کدال وجود داشته شامل هشت شرکت بوده است که اطلاعات ۵ سال اخیر آن‌ها یعنی مهر و موم‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱، مورد استفاده قرار گرفته است. این نمادها شامل کسعدی، کپارس، کساوه، کترام، کلوند، کحافظ، کهرام و کصدف است. در تحلیل اطلاعات مالی این شرکت‌ها، از ۷۰ مؤلفه گردآوری‌شده در مراحل تحقیق استفاده و میزان معناداری هریک از مؤلفه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. برخی از این مؤلفه‌ها شامل میزان فروش سه سال اخیر، سابقه فعالیت شرکت، وضعیت مدیریت جریان نقدی، سیستم قیمت‌گذاری محصولات، تراکم مشتریان (غلظت بیش از حد ریسک)، کیفیت موقعیت مکانی مورد استقرار، سیستم برنامه‌ریزی تولید، سیستم فروش (شامل وبگاه و...)، نحوه مدیریت مجموعه (فرآیند مدیریت)، تنوع محصولات در مقایسه با رقبا، شرایط اقتصادی عمومی و وضعیت تسهیلات، میزان فروش اعتباری، متوسط مدت‌زمان وصول مطالبات، میزان توجه به توسعه محصولات، راهبردها براساس تحلیل بازار، وضعیت ثبت‌اسناد و روش حسابداری، میزان چرخه وجه نقد، هزینه‌های سربار و عملیاتی و... می‌باشند.

گردش موجودی کالا

	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
میانگین صنعت	۱۵۴.۸۵	۱۴۰.۰۱	۱۳۷.۴۹	۲۰.۸
کسعدی	۱۴۸	۱۲۴	۱۶۶	۱۵۷
کیارس	۱۴۱	۱۳۱	۱۱۵	۱۴۲
کساوه	۱۴۵	۱۷۲	۱۶۰	۱۵۲
کترام	۱۳۱	۱۰۷	۱۲۷	۱۳۲
کلوند	۱۷۸	۱۲۹	۱۱۳	۱۲۲
کحافظ	۱۵۴	۱۱۳	۱۵۲	۱۴۲
کهرام	۲۵۴	۲۲۳	۱۲۳	۶۸۶
کصف	#DIV/0!	#DIV/0!	۱۱۶	۱۱۵
کارام	۱۴۷	۱۲۹	۱۲۹	۲۲۳

حاشیه سود عملیاتی

	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
میانگین صنعت	۰.۱۷	۰.۳۲	۰.۲۹	۰.۰۸
کسعدی	۰.۰۶	۰.۱۹	۰.۱۹	۰.۱۷
کیارس	۰.۲۰	۰.۲۹	۰.۳۳	۰.۲۸
کساوه	۰.۳۳	۰.۴۲	۰.۲۷	۰.۲۴
کترام	۰.۲۷	۰.۴۱	۰.۳۷	۰.۲۹
کلوند	۰.۱۸	۰.۲۵	۰.۲۵	۰.۲۶
کحافظ	۰.۰۷	۰.۲۷	۰.۳۹	۰.۳۹
کهرام	-۰.۲۰	-۰.۴۰	-۰.۱۵	-۰.۲۷
کصف	#DIV/0!	#DIV/0!	۰.۴۱	۰.۳۶
کارام	۰.۰۳	۰.۰۴	-۰.۰۸	-۰.۹۸

گردش دارایی ها

	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
میانگین صنعت	۱.۸۱	۱.۴۶	۱.۶۵	۴.۰۶
کسعدی	۱.۳۱	۱.۵۳	۱.۶۷	۱.۲۵
کیارس	۱.۷۶	۲.۲۳	۲.۷۰	۱.۸۳
کساوه	۱.۴۸	۱.۹۶	۱.۴۴	۱.۵۳
کترام	۱.۴۲	۱.۶۷	۱.۶۳	۱.۵۰
کلوند	۱.۱۹	۱.۲۰	۱.۴۴	۳.۸۴
کحافظ	۱.۸۷	۲.۲۸	۱.۶۸	۱.۴۱
کهرام	۱.۰۷	۱.۳۹	۱.۱۵	۲۳.۰۰
کصف	۱.۶۲	۱.۳۳	۱.۵۴	۰.۷۷
کارام	۱.۰۷	۱.۲۹	۱.۰۴	۱.۳۱

حاشیه سود ناخالصی

	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
میانگین صنعت	۰.۲۴	۰.۲۶	۰.۳۳	۰.۲۶
کسعدی	۰.۱۴	۰.۲۵	۰.۲۷	۰.۲۶
کیارس	۰.۲۶	۰.۴۵	۰.۲۶	۰.۳۲
کساوه	۰.۴۳	۰.۲۲	۰.۲۰	۰.۲۹
کترام	۰.۲۲	۰.۴۴	۰.۴۳	۰.۲۵
کلوند	۰.۲۰	۰.۲۶	۰.۲۷	۰.۲۷
کحافظ	۰.۰۸	۰.۲۲	۰.۲۳	۰.۴۶
کهرام	۰.۲۲	۰.۱۹	۰.۱۹	۰.۲۳
کصف	#DIV/0!	#DIV/0!	۰.۴۵	۰.۴۰
کارام	۰.۱۵	۰.۱۶	۰.۰۱	-۰.۲۴

رشد سودآوری

	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
میانگین صنعت	۱.۲۹	۲.۲۲	۱.۳۵	۰.۰۲
کسعدی	۰.۴۳	۰.۴۱	۰.۶۳	۱.۲۴
کیارس	-۰.۰۷	-۰.۶۰	۰.۳۷	۱.۲۷
کساوه	۰.۹۷	۳.۲۳	۰.۰۲	۱.۴۸
کترام	۱۷.۴۴	۲.۲۴	۰.۱۱	۰.۴۷
کلوند	۰.۱۷	۲.۱۵	۰.۴۰	۱.۸۲
کحافظ	-۰.۲۷	۷.۴۰	-۰.۲۵	۲.۴۵
کهرام	-۹.۹۴	-۴.۹۸	-۰.۰۱	-۱.۰۲
کصف	-۱.۲۵	-۰.۴۳	۹.۲۸	-۴.۰۰
کارام	-۶.۶۷	۰.۴۷	-۱۶.۷۲	-۳.۵۶

نسبت پوشش بهره

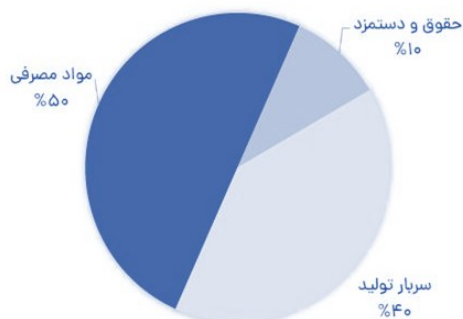
	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
میانگین صنعت	۸.۲۷	۲۹.۶۷	۲۳.۷۱	-۱۵۰.۲۶
کسعدی	۷.۲۷	۱۷.۰۴	۱۵.۷۵	۱۱.۹۴
کیارس	۱۳.۶۰	۳۸.۲۷	۲۴.۰۵	۴۵.۱۸
کساوه	۳۲.۱۱	۱۹۲.۴۹	۵۳۸.۷۸	۸۱.۸۰
کترام	۵.۶۰	۱۷.۲۹	۱۰.۰۰	۷.۶۴
کلوند	۵.۳۱	۱۴.۱۷	۳۰.۰۳	۱۷.۹۳
کحافظ	۳.۰۶	۳۱.۱۴	۳۲.۵۶	۱۲.۷۷
کهرام	-۷.۱۵	-۱۶.۷۵	-۸۲.۷۴	-۱۴۵۸.۱۹
کصف	#DIV/0!	#DIV/0!	۵۵۳	۱۱.۷۷
کارام	۱.۵۳	۱.۶۵	-۲.۵۴	-۸۳.۱۶

شکل (۴): نمایی از تحلیل های انجام شده در نرم افزار اکسل

منبع: (یافته های تحقیق)

شکل (۵): نمایی دیگر از تحلیل‌های انجام‌شده در نرم‌افزار اکسل

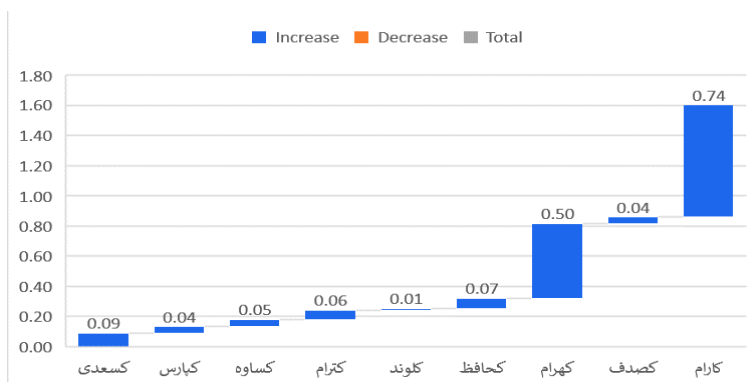
منبع: (یافته‌های تحقیق)



شکل (۶): نسبت اجزای بهای تمام‌شده تولید

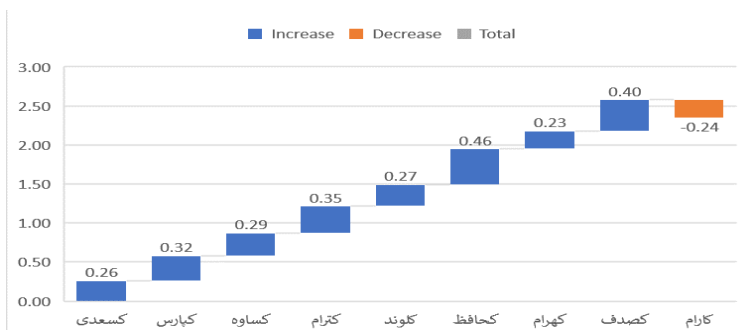
منبع: (اندیشه صبا، ۱۴۰۱)

بخش اصلی بهای تمام‌شده تولید در صنعت کاشی و سرامیک مربوط به مصرف مواد اولیه است که شامل مواد اولیه بدنه (خاک) و لعاب است. بخش سربار سهم ۴۰ درصد در بهای تولید دارد. حقوق و دستمزد مستقیم سهم ۱۰ درصد در بهای تولید این صنعت دارد (اندیشه صبا، ۱۴۰۱).



شکل (۷): نمودار حاشیه سود خالص (براساس سال مالی ۱۴۰۱)

منبع: (یافته‌های تحقیق)



شکل (۸): حاشیه سود ناخالص (براساس سال مالی ۱۴۰۱)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۴): تحلیل و مقایسه چند شرکت بورسی کاشی و سرامیک (تیرماه ۱۴۰۲)

نماد	کحافظ	کلوند	کساوه	کپارس	کترام	کسعدی	کارام	کصدف
نام شرکت	شرکت کاشی حافظ	شرکت کاشی الوند	شرکت کاشی و سرامیک سینا	شرکت کاشی پارس	شرکت کاشی تکسرام	کاشی و سرامیک سعدی	صنایع سرام آرا	کاشی صدف سرام استقلال آیاده
سرمایه شرکت (میلیون ریال)	۵,۱۴۱,۲۳۴	۳۹۹,۹۲۳	۵۲۹,۵۵۰	۱,۶۳۵,۴۷۱	۸۹۶,۴۰۷	۱,۰۰۰,۰۰۰	۹۷۴,۳۸۹	۲۴۰,۰۰۰
سهام‌دار عمده	آریا	صدر تأمین	شرکت سرمایه‌گذاری پارس	شرکت کاشی و سرامیک سینا	شخص حقیقی	شرکت سرمایه‌گذاری صدر تأمین	شرکت سرمایه‌گذاری صدر تأمین	شرکت تهیه و تولید خاک نسوز آیاده
موقعیت جغرافیایی	شیراز شهرستان زرقان	قزوین	شهر صنعتی البرز	شهر صنعتی البرز	شهر صنعتی البرز	شهر قدیم قم	شهر ری، جاده البرز	شهرک صنعتی آیده-فارس

نماد	کحافظ	کلوند	کساوه	کپارس	کترام	کسعدی	کارام	کصدف
ارزش بازار (میلیارد ریال)	۳۶,۴۰	۱۸,۱۵۲	۳۳,۸۴۹	۱۷,۸۵۹	۱۲,۹۱۷	۶,۳۴۰	۱۵,۰۴۶	۵۴۰
ظرفیت تولید اسمی (مترمربع)	۷,۵۰۰,۰۰۰	۸,۹۰۰,۰۰۰	۸,۸۰۰,۰۰۰	۶,۷۰۰,۰۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰	۴,۰۰۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰
ظرفیت عملیاتی تولید (مترمربع)	۵,۵۰۰,۰۰۰	۸,۳۰۰,۰۰۰	۸,۷۳۱,۴۲۵	۵,۰۸۵,۴۰۸	۲,۲۰۰,۰۰۰	۳,۷۷۸,۱۶۲	۲۵,۴۳۸	۶۷۳,۸۹۵
ظرفیت کاشی پرسلانی تولید (مترمربع)	۱,۰۰۰,۰۰۰	۲,۸۰۰,۰۰۰	-	۱,۲۰۰,۰۰۰	-	-	-	-
طرح توسعه شرکت	فاز ۸ و ۹ تولید کاشی پرسلانی با ظرفیت روزانه ۱۵۰,۰۰۰ مترمربع	-	طرح احداث کارخانه تولید محصولات پرسلانی سایز بزرگ (اسلب)	کاشی پرسلان لعاب‌دار جدید با ظرفیت ۱۵۰,۰۰۰	-	-	-	-

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۲-۶. تشریح نحوه کارکرد مدل تصمیم‌گیری

مدل طراحی شده، برای پیاده‌سازی وارد محیط نرم‌افزار اکسل شده است. جدول (۵) ماژول اول مدل تصمیم‌گیری برای بررسی شرایط ورود متقاضی به فرایند امهال را نشان می‌دهد. متقاضی که از صنعت کاشی و سرامیک بوده و تقاضای امهال بدهی غیرجاری خود را دارد، پس از بررسی شرایط اولیه امهال در ماژول اول و تأیید اولیه برای تصمیم‌گیری در خصوص امهال بدهی وی، وارد ماژول دوم خواهد شد تا درباره روش امهال بدهی، تصمیم‌گیری گردد. در این قسمت، ماژول طراحی شده مبتنی بر مدل

امتیازی، میزان هر متغیر را توسط کاربر، دریافت نموده و اولویت‌بندی میان روش‌های مختلف را به انجام خواهد رساند.

جدول (۵): مازول اول مدل تصمیم‌گیری، بررسی شرایط ورود به فرایند امهال

معیار ۱	معیار ۲	معیار ۳	گزینه مطلوب
مسئولیت ماده ۱۴۱	تاریخ سررسید	نمی‌شود	ندارد
ندارد	حداکثر ۱۸ ماه گذشته	ورود به فرایند امهال	ندارد
ندارد	بیش از ۱۸ ماه پیش	عدم‌امهال	ندارد
دارد	حداکثر ۱۸ ماه گذشته	عدم‌امهال	دارد
دارد	حداکثر ۱۸ ماه گذشته	عدم‌امهال	دارد
ندارد	بیش از ۱۸ ماه پیش	عدم‌امهال	دارد
دارد	بیش از ۱۸ ماه پیش	عدم‌امهال	دارد
دارد	بیش از ۱۸ ماه پیش	عدم‌امهال	دارد

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۶) نمونه مثالی است که از تحلیل‌های صورت گرفته بر روی داده‌های شرکت‌های بورسی صنعت کاشی و سرامیک، بهره گرفته و از داده‌های یکی از این شرکت‌ها به‌عنوان مثال جهت تشریح نحوه عملکرد مدل، استفاده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود با توجه به وضعیت شرکت X در مقایسه با وضعیت میانگین صنعت، پیشنهاد اول مدل تصمیم‌گیری، گزینه تمدید قرارداد است که بیشترین امتیاز را کسب نموده است. حال چنانچه به هر دلیلی، تصمیم بر امهال از طریق فسخ قرارداد فعلی و انعقاد قرارداد جدید باشد، می‌توان از مازول سوم استفاده نمود. جدول (۷) نمونه این استفاده را برای تصمیم‌گیری در خصوص شرکت X که در زمان تحلیل داده‌های بورسی جمع‌آوری شده از صنعت کاشی و سرامیک، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است را نشان می‌دهد.

جدول (۶): نمونه‌ای از عملکرد ماژول دوم مدل تصمیم‌گیری در خصوص نحوه امهال

معیار	مقدار برای شرکت متقاضی	میانگین صنعت	درصد متقاضی به صنعت
حاشیه سود عملیاتی	-۰.۱۵	۰.۲۹	-۱.۵۱۷
نسبت فروش به دارایی‌ها	۰.۶۹	۰.۷۴	-۰.۰۶۸
نسبت سرمایه‌گذاری بلندمدت به دارایی	۰	۰.۰۲	-۱.۰۰۰
میزان حصه جاری	۱.۰۱۲.۰۰۰.۰۰۰	۴۰.۰۷۷.۰۰۰.۰۰۰	-۰.۹۷۵
روش‌های امهال		امتیاز	
تقسیم مجدد		-۱.۵۲۵	
تمدید قرارداد		-۱.۳۱۳	
تجدید قرارداد		-۱.۶۴۱	
تبدیل قرارداد		-۱.۶۹۰	

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۷): نمونه‌ای از عملکرد ماژول سوم مدل تصمیم‌گیری، درخصوص انتخاب عقد جدید

معیار	مقدار برای شرکت متقاضی	میانگین صنعت	درصد متقاضی به صنعت
دوره وصول مطالبات	۱۶۱	۸۱	۰.۹۸۸۸
نسبت صادرات به کل فروش	۰.۲۹	۰.۴۹	۰.۴۰۸
کیفیت و تنوع محصولات	۳	۳	۰.۰۰۰
سفارش‌ها و پیش‌پرداخت‌ها	۶.۴۴۵.۰۰۰.۰۰۰	۹۵.۳۴۹.۰۰۰.۰۰۰	۰.۹۳۲
نسبت بهای تمام‌شده به فروش	۰.۸۱	۰.۶۷	۰.۲۰۹
عقود برای تبدیل قرارداد		امتیاز	
اجاره به شرط تملیک		-۲.۶۷۶	
فروش اقساطی		-۲.۶۲۶	
سلف		-۲.۴۸۴	
خرید دین		-۲.۷۲۲	

منبع: (یافته‌های تحقیق)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود پیشنهاد اول مدل برای تبدیل قرارداد، عقد سلف است پس از آن به ترتیب فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید دین پیشنهاد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مدل تصمیم‌گیری طراحی شده در این پژوهش، به استناد بررسی پژوهش‌های داخلی صورت گرفته و همچنین گواهی گروه خبرگان تحقیق، اولین مدل داخلی طراحی شده است که به‌طور خاص به موضوع امهال مطالبات ناشی از تسهیلات غیرجاری بانک‌ها پرداخته است. از ویژگی‌های بارز این مدل، تمرکز بر روی یک دسته خاص از متقاضیان دارای بدهی غیرجاری به بانک، یعنی واحدهای تولیدی کاشی و سرامیک است که این تعیین مرز در تحقیق، از طرفی به اعتبار پاسخ‌های مستخرج از مدل، منتج شده و از طرفی محدودیت استفاده از مدل را ایجاد خواهد کرد. همچنین اتکا و پایبندی به مواد مذکور در دستورالعمل امهال مطالبات مؤسسات اعتباری که باهدف ایجاد وحدت رویه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در امهال مطالبات خود، توسط شورای پول و اعتبار بانک مرکزی، به تدوین رسیده، از طرفی به شکل‌گیری ساختار چارچوب مربوط به مدل، نقش شایانی ایفا کرده و از طرفی در اعمال برخی از نظرات خبرگان در جزئیات مدل، محدودیت ایجاد نموده است. میزان اهمیت هر دسته از نسبت‌های مالی (سودآوری، نقدینگی، اهرمی و عملکرد) در انتخاب هریک از روش‌های امهال و انتخاب هریک عقود جهت تبدیل قرارداد، مورد ارزیابی خبرگان قرار گرفته و نتایج در محاسبه ضرایب اهمیت هرکدام از معیارهای منتخب به‌کار گرفته شده در مدل، اعمال گردیده است.

باتوجه به عدم دسترسی به پایگاه اطلاعاتی منسجم و قابل‌اتکا از متقاضیان دارای پرونده امهال و به‌کارگیری ابزارهای یادگیری ماشین و هوش مصنوعی برای انجام تحقیق و اتکا بر روش‌های کیفی؛ به‌طور خاص روش تجمیع و تحلیل نظرات خبرگان حوزه بانکی، صرفاً با انجام آزمون‌های آماری داده‌های حاصل از تکمیل پرسشنامه

توسط خبرگان، میسر گردیده است. این محدودیت، در طراحی ساختار مدل و انتخاب منطق مربوط به مدل، دخالت داشته است.

پیشنهادهای

- (۱) طراحی مدل تصمیم‌یار امهال با ذکر جزئیات بیشتر از قبیل توصیه در خصوص جزئیات مربوط به قرارداد جدید مانند تعیین وثایق جدید، مدت‌زمان قرارداد، نحوه بازپرداخت مطالبات غیرجاری و موارد مربوط به وجه‌التزام و سایر موارد مذکور در دستورالعمل امهال؛
- (۲) به‌کارگیری ابزارهای هوش مصنوعی و یادگیری ماشین در طراحی مدل تصمیم‌یار امهال و توجه به محاسبه کیفیت معیارها و توضیح‌دهندگی آن‌ها؛
- (۳) طراحی سیستم پویای تصمیم‌یار امهال با امکانات انتخاب نوع سیاست برخورد بانک (خوش‌بینانه، بدبینانه و خنثی) و ذکر دلایل هر پیشنهاد؛
- (۴) طراحی مدل تصمیم‌گیری برای امهال مطالبات غیرجاری شرکت‌های مربوط سایر صنایع.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است. - تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد. بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «طراحی یک چارچوب تصمیم‌گیری برای امهال مطالبات ناشی از تسهیلات غیرجاری بانک‌ها» آقای علی آقاجانی خوراسگانی که به راهنمایی خانم دکتر پرستو محمدی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۴۰۲ دفاع شده است.

کتابنامه

- (۱) آزادی‌مقدم آرانی، عباس؛ و امین ناصری، محمدرضا (۱۳۸۶). ارائه یک مدل پشتیبان تصمیم برای اعتبارسنجی پروژه و متقاضیان تسهیلات بانکی با استفاده از سیستم خبره، *امیرکبیر*، ۳۸(۲)، ۱-۱۱.

- (۲) تقوی‌فرد، محمدتقی؛ و نادعلی، احمد (۱۳۹۱). طبقه‌بندی متقاضیان تسهیلات اعتباری بانکی با استفاده از داده‌کاوی و منطق فازی. *مطالعات مدیریت صنعتی*. ۹(۲۵)، ۸۵-۱۰۷.
- (۳) سزاوار، محمدرضا؛ خزائی، علیرضا؛ و اسلامیان، مجتبی (۱۴۰۰). بررسی پدیده معوقات بانکی و مقایسه آن با برخی کشورها (با تأکید بر نقش قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران). *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۹(۹۷)، ۲۶۳-۲۸۲.
- (۴) سهرابی، بابک؛ رئیسی‌وانانی، ایمان؛ و زارع میرک‌آباد، فائزه (۱۳۹۵). طراحی سیستم توصیه‌گر به‌منظور بهینه‌سازی و مدیریت تسهیلات بانکی بر مبنای الگوریتم‌های خوشه‌بندی و طبقه‌بندی تسهیلات. *پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری*، ۱(۲)، ۵۳-۷۶.
- (۵) شعبانی، احمد؛ و جلالی، عبدالحسین (۱۳۹۰). دلایل گسترش «مطالبات معوق» در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن. *پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی*، ۱۶(۴)، ۱۵۵-۱۸۱.
- (۶) شریعت‌پناهی، سیدمجید و هاشمی برکادهی، سیما (۱۳۸۸). ارائه مدلی برای اعتبارسنجی مشتریان در بانک صنعت و معدن. *مطالعات حسابداری*، ۶(۲۱)، ۶۱-۸۲.
- Dor: [20.1001.1.28210166.1387.6.21.3.4](https://doi.org/10.1001.1.28210166.1387.6.21.3.4)
- (۷) شیرین‌بخش، شمس‌اله؛ یوسفی، ندا؛ و قربان‌زاد، جهانگیر (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر احتمال عدم بازپرداخت تسهیلات اعتباری بانک‌ها (مطالعه موردی مشتریان حقوقی بانک توسعه صادرات ایران). *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۳(۱۲)، ۱۱۱-۱۳۷.
- (۸) عبده‌تبریزی، حسین؛ البرزی، محمود؛ و ودادی، احمد (۱۳۸۴). بررسی رفتار اعتباری مشتریان تسهیلات مصرفی با استفاده از شبکه‌های عصبی امتیازبندی اعتباری. *اقتصاد و مدیریت*، ۱۵(۶۶)، ۹-۱۸.
- (۹) کریمی‌وردنجانی، رضا؛ و حسن‌زاده سروستانی، حسین (۱۴۰۰). استخراج و رتبه‌بندی عوامل ایجاد مطالبات معوق نظام بانکی و ارائه راهکارهای پیشنهادی (۱۳۹۰-۱۳۹۸). *راهبرد مدیریت مالی*، ۹(۲)، ۴۱-۶۳.
- (۱۰) موسویان، سید عباس؛ و غلامی، روح‌الله (۱۳۹۲). بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا. *رونند*، ۲۰(۶۳ و ۶۴)، ۱۳۹-۱۰۹.

- ۱۱) هارونکلائی، کاظم؛ نبوی چاشمی، علی؛ برزگر، قدرت‌الله؛ و داداشی، ایمان (۱۳۹۹). تبیین عوامل مالی مؤثر بر خروج از درماندگی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدلسازی اقتصادی*، ۱۴(۵۰)، ۱۰۳-۱۲۹.
- ۱۲) سجادی‌نژاد، سید علی (۱۴۰۱). وضعیت نامناسب بانک‌ها در میزان تسهیلات غیرجاری. *مسیر اقتصاد*، قابل دسترسی در: <https://masireqtesad.ir/138346>
- ۱۳) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). گزارش تسهیلات کلان غیرجاری تا پایان آذرماه ۱۴۰۲. قابل دسترسی در: <https://www.cbi.ir/category/24797.aspx>
- ۱۴) همشهری (۱۴۰۰). گزارش تصرف ۱۸۰۰ کارخانه توسط بانک‌ها. قابل دسترسی در: <https://www.hamshahrionline.ir/news/635993/>
- ۱۵) عدالت‌نو (۱۴۰۱). امهال مطالبات بانکی، قابل دسترسی در: <https://www.edalateno.com>
- ۱۶) اندیشه صبا (۱۴۰۱). گزارش تحلیلی صنعت کاشی و سرامیک، قابل دسترسی در: <https://media.tahlilbazaar.com/d/2022/10/16/0/132016.pdf?ts=1665910233307>
- ۱۷) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸). دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری، قابل دسترسی در: <https://www.cbi.ir/page/۱۹۴۹۲.aspx>
- 18) Abdoh Tabrizi, H., Alborzi, M., & Vadadi, A. (1384 SH/2005). Investigating the Credit Behavior of Consumer Loan Customers Using Credit Scoring Neural Networks. *Economics & Management*, 15(66), 9-18. [in Persian]
- 19) Altman, E. I. (1968). Financial Ratios, Discriminant Analysis and the Prediction of Corporate Bankruptcy. *Finance*, 23(4), 589-609.
- 20) Azadi Moghaddam Arani, A., & AminNaseri, M. (1386 SH/2007). A Decision Support System for Credit Rating of Bank Loans Using the Expert System, *Amir Kabir*, 2(38), 1-11. [in Persian]
- 21) Beaver, W. H. (1966). Financial Ratios as Predictors of Failure. *Accounting Research*, vol. 4, 71-111.
- 22) Becchetti, L., & Sierra, J. (2003). Bankruptcy Risk and Productive Efficiency in Manufacturing Firms. *Banking & Finance*, 27(11), 2099-2120.
- 23) European Systemic Risk Board. (2017), Resolving non-performing Loans in Europe, ISBN 978-92-95210-67-7 (pdf).
- 24) Harounkolaei, K., Nabavi Chashmi, A., Barzegar, G., & Dadashi, A. (1399 SH/2020). Explanation of the Financial Factors Affecting the

- Exit from Helplessness of the Companies Admitted to the Tehran Stock Exchange, *Economic Modeling*, 14(50), 103-129. [in Persian]
- 25) Jahani, M., & Mohammadi, P. (2018). Designing a Model to Determine the Preferred Islamic Contract for a Bank Facilities Applicant. *International Journal of Engineering and Technology*, 7(22), 21-27.
 - 26) Karimi Vardanjani, R., & Hassanzadeh Sarvestani, H. (1400 SH/2021). Extracting and Ranking the Factors Behind the Banking System's Deferred Claims and Proposing Solutions (2011-2019). *Journal of Financial Management Strategy*, Vol 9, No 33, 41-63. [in Persian]
 - 27) Ohlson, J. A. (1980). Financial Ratios and the Probabilistic Prediction of Bankruptcy. *Accounting Research*, vol. 18, No 1, 109-131.
 - 28) Sezavar, M., Khazaei, A., & Eslamian, M. (1400 SH/2021). Investigating the non-performing Loans of Banks and Comparing it with Some Countries (with Emphasizing on the Interest-free Banking law in Iran). *Economic Research and Policies*, 29(97), 263-282. [in Persian]
 - 29) Shabani, A., & Jalali, A. (1391 SH/2012). Causes of Nonperforming Assets in Iran's Banking System and the Solutions. *JEPR*, 16(4), 155-181. [in Persian]
 - 30) Shariatpanahi, M., Hashemi Barkadehi, S. (1388 SH/2009). A Model for Credit Analysis in Bank of Industry and Mine, *Accounting Studies*, 6(21), 61-82. Dor: [20.1001.1.28210166.1387.6.21.3.4](https://doi.org/10.28210166.1387.6.21.3.4) [in Persian]
 - 31) Shirinbakhsh, Sh., Yousefi, N., & Ghorbanzad, J. (1390 SH/2011). Investigating the Factors Affecting the Probability of Non-Repayment of Credit Loans of Banks (Case Study of Legal Customers of Export Development Bank of Iran). *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 3(12), 111-138. [in Persian]
 - 32) Shumway, T. (2001). Forecasting Bankruptcy More Accurately: A Simple Hazard Model. *Business*, 74(1), 101-124.
 - 33) Sohrabi, B., Raeesi Vanani, I., & Zare Mirakabad, F. (1395 SH/2016). Designing a Recommender System for Optimizing and Managing Bank Facilities through the Utilization of Clustering and Classification Algorithms. *Modern Research in Decision Making*, 1(2), 53-76. [in Persian]
 - 34) Taghavifard, M., & Nadeali, A. (1391 SH/2012). Classification of Applicants for Bank Credit Facilities Using Data Mining and Fuzzy Logic. *Industrial Management Studies*, 9(25), 85-107. [in Persian]
 - 35) Mousavian, S. A., & Gholami, R. (1393 SH/2014). Studying the Various Strategies for Restructuring the non Performing Loans in Free Usury Banking System. *Trend (Trend of Economic Research)*, 20(63-64), 109-139. [in Persian]

Examining the Opinions of Experts in the Credit Department of Banks and Borrowers in Relation to the Executive Requirements of Islamic Microfinance (Case Study: Banks and Customers in the City of Yazd)

Author: Akram Taftiyan | Behzad Haji Hosseini | Fatemeh Mansouri Mohammadabadi

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2024.246424.1892>

بررسی دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانکها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی (مطالعه موردی بانکها و مشتریان شهر یزد)

نویسندگان: اکرم تفتیان | بهزاد حاج‌حسینی | فاطمه منصوری محمدآبادی

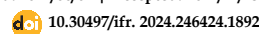
پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2024.246424.1892>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and



Examining the Opinions of Experts in the Credit Department of Banks and Borrowers in Relation to the Executive Requirements of Islamic Microfinance (Case Study: Banks and Customers in the City of Yazd)

Akram Taftiyan: Associate Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding Author).

taftiyan@iauyazd.ac.ir | 0000-0001-8627-3461

Behzad Haji Hosseini: M.A. Student, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

legionfront.tx@gmail.com | 0009-0005-0091-9695

Fatemeh Mansouri Mohammadabadi: PhD. Student, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

fatemeh.mansouri@iauyazd.ac.ir | 0009-0004-9093-4604

Abstract

1. Introduction and Objective

Inside information is important and confidential information that, if publicly disclosed, would affect the price of securities or investors' decisions to trade securities. Individuals who use this information can buy securities at lower prices or sell them at higher prices before this information affects the price and, after the information is publicly disclosed, make a profit or prevent their loss. Inside information is defined in the capital market regulations of each country based on the conditions and requirements, and these definitions are very similar to a large extent. Inside information, according to Article 1, Clause 32 of the Securities Market Law of the Islamic Republic of Iran, is defined as "any information not disclosed to the public that directly or indirectly relates to securities, transactions or their issuer and, if published, would affect the price or decision of investors to trade securities." Most countries have not specified examples of inside information in their laws and regulations and have assessed the application of examples to the concept within the competence of the capital market supervisory body and the courts. However, for example, events leading to fundamental changes in the company's profits, the process of merger, acquisition or liquidation, major legal

claims, major changes in shareholder ownership, major and influential events, etc., are among the examples of this information mentioned in the regulations of some countries.

Given that inside trading have so far been less studied from a jurisprudential perspective, and its various dimensions from a jurisprudential perspective and the policies of the supervisory body in dealing with these transactions have not been fully explained, this study aims to respond to this issue and determine the relevant validity and mandatory rulings, and has conducted a jurisprudential analysis of these transactions from the perspective of individual jurisprudence and governmental jurisprudence.

2. Method and Materials

In this research, the multi-level ijtihad method has been used to analyze the insider trading. based on the method, first a thematic analysis conducted, and then the jurisprudence dimensions of the subject were identified and insider trading was analyzed from the perspective of individual and governmental jurisprudence. In the jurisprudence analysis, using a descriptive-analytical method, these transactions were examined and compared with various and related jurisprudence principals including the rule of falsehood and incorrect possession of property, no loss principle, misrepresentation, fraud, incorrect possession of deposits, betrayal of trust, preservation of system, justice and expediency. In the next stage, challenging cases were consulted with jurists, and finally, the jurisprudential analysis was conducted along with the responses to the consultations in a focus group of economic jurists. A focus group is a type of in-depth interview in a group, the most important feature of which is the possibility of interaction between members within the group. Group members influence each other with their answers to questions and their contributions during the discussion. The group moderator guides the discussion with his/her comments or points, and the basic data produced by this method is obtained from the implementation of group discussions and the group moderator's summaries.

3. Research Findings

Based on the results of the study, at the individual jurisprudence level, the execution of these transactions by both groups of insider

information holders is an example of the rule of prohibition of falsely acquiring wealth. In addition, the execution of these transactions by the holders of primary insider information causes losses for all shareholders of the company and will be invalid and forbidden according to the rule of no loss. Other jurisprudential rules examined at the level of individual jurisprudence do not result in a ruling that these transactions are invalid, but given the existence of fraud, unauthorized possession of the deposit, and betrayal of trust in some circumstances, the person with confidential information has committed a forbidden act, and the person without information will have the option of termination. In the jurisprudential analysis at the governmental level, according to the results of the research, the prevalence of these transactions will weaken the economic system of the Islamic society and cause harm to the entire capital market and abuse of public rights; therefore, the transactions are invalid and forbidden due to the failure to observe the rule of maintaining order and harm at the governmental level. Other jurisprudential rules examined at the level of governmental jurisprudence do not result in a ruling that these transactions are invalid, but the failure to observe the rules of justice and expediency due to the prevalence of these transactions can lead to the issuance of a mandatory prohibition order.

4. Discussion and Conclusion

Based on research the misrepresentation proves the option of cancellation, and fraud causes loss compensation. Comparing these transactions with incorrect possession of deposits and betrayal of trust provides the possibility of dismissing the managers who conduct inside trading. Failure to observe justice and expediency with the prevalence of these transactions does not have an effect on the Transaction authenticity and leads to obligatory prohibition. Based on the summary, insider trading is void and tabu at the level of individual jurisprudence based on the rules of incorrect possession of property and no loss principle and at the level of governmental jurisprudence based on the rules of preservation of system and no loss principle.

5. Acknowledgments

Finally, I would like to express my deepest gratitude and appreciation to the esteemed Chairman of the Fiqh Committee of the Islamic Republic of Iran Securities and Exchange Organization, Ayatollah Dr. Mesbahi Moghadam, and the esteemed members of the affiliated Fiqh Subcommittee, Ayatollah Abolghasem Alidoost, Hojjatoleslam Dr. Majid Rezaei, Dr. Mahmoud Hekmatnia, Hojjatoleslam Jafar Najafi Bostan, Hojjatoleslam Dr. Gholamali Masouminia, Hojjatoleslam Seyyed Mohammad Taqi Alavi Faridani, Hojjatoleslam Dr. Seyyed Abdul Muttalib Ahmadzadeh Bazaz, and Hojjatoleslam Dr. Seyyed Hadi Arabi, who accepted the effort as members of the focus group of this research.

6. Keywords: Islamic Banking; Microfinance; Islamic Microfinance; Bank Credits.

7. JEL Classification: G24, G28, G32.

بررسی دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانکها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی (مطالعه موردی بانکها و مشتریان شهر یزد)

اکرم تفتیان: دانشیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)
taftiyan@iauyazd.ac.ir

بهزاد حاج حسینی: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
legionfront.tx@gmail.com

فاطمه منصوری محمدآبادی: دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
fatemeh.mansouri@iauyazd.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف: تأمین مالی خرد اسلامی یکی از مهم‌ترین بخش‌های مالی اجتماعی اسلامی است که نقش بسیار مهمی در مهار فقر و بهبود سطح زندگی، درآمد سرانه، سطح اشتغال و همچنین دستیابی به مقاصد شریعت، سودآوری و پایداری دارد. پژوهش حاضر باهدف بررسی دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانکها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی انجام شده است.

روش پژوهش: در این پژوهش برای بررسی سؤال‌های پژوهش از رویکرد کمی با انجام آزمون t با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. در این پژوهش جامعه آماری محدود شامل مشتریان بانکها بوده که نمونه آن‌ها ۸۰ نفر و جامعه آماری نامحدود شامل کارمندان شعب بانکهای یزد هستند که تعداد نمونه آماری آن‌ها برابر با ۳۸۴ نفر است که هر دو نمونه آماری با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند که درنهایت به بررسی تفاوت دیدگاه این دو گروه از افراد نمونه پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آگاهی تأمین مالی وام‌گیرندگان در سطح پایین‌تری نسبت به وام‌دهندگان قرار دارد بدین‌صورت که در مورد متغیرهای هزینه قرارداد، مدت، الزامات وثیقه/مدارک و دادرسی فرض نابرابری واریانس‌ها گزارش گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: بین میزان متغیرهای ذکرشده با توجه به دیدگاه کارشناسان معناداری وجود دارد. بدین‌معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه است.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی؛ تأمین مالی خرد؛ تأمین مالی خرد اسلامی؛ اعتبارات بانکها.

مقدمه

مؤسسات مالی خرد اسلامی با پایبندی به خدمات و محصولات مالی منطبق با شریعت، انطباق با اصول اسلامی را تضمین می‌کنند. آن‌ها از ترتیبات تقسیم سود مانند مضاربه و مشرکه استفاده می‌کنند که در آن وام‌دهنده و وام‌گیرنده به جای گرفتن سود که در اسلام ربا محسوب می‌شود، سودوزیان سرمایه‌گذاری را به اشتراک می‌گذارند (Triyowati & Masnita, 2016). مؤسسات مالی خرد اسلامی نیز دارای هیأت‌های نظارت شرعی هستند که بر عملیات آن‌ها نظارت می‌کنند و از رعایت اصول اسلامی اطمینان می‌دهند (Sakinah, Arifin & Abdal, 2023). این هیأت‌ها متشکل از علمای اسلامی هستند که در امور مالی اسلامی و قوانین شریعت متخصص هستند. آن‌ها کلیه محصولات و خدمات مالی ارائه‌شده توسط مؤسسه را بررسی و تأیید می‌کنند تا از مطابقت آن‌ها با اصول اسلامی اطمینان حاصل شود (Lwesya & Mwakalobo, 2023). تأمین مالی خرد اسلامی، یک سیستم مالی است که به اصول اسلامی پایبند است و تفاوت آن با تأمین مالی خرد متعارف در این است که گرفتن سود را که در اسلام ربا محسوب می‌شود، ممنوع می‌کند و در عوض، از ترتیبات مشارکت در سود استفاده می‌کند، مانند مضاربه و مشارکه که در آن وام‌دهنده و وام‌گیرنده سودوزیان سرمایه‌گذاری را به اشتراک می‌گذارند (Maikabara, 2023). تأمین مالی خرد بانفوذ در صنعت بانکداری، یکی از بسترهای مهم برای اجرای اهداف اجتماعی و اقتصادی است. این حقیقت که امروزه توسعه انسانی و اجتماعی با توسعه اقتصادی درهم تنیدگی شدیدی دارد، موجب شده که توجه صنعت بانکی به تأمین مالی خرد، افزون‌بر به بار نشاندن اثرات مثبت و مفید اجتماعی، اثرات اقتصادی از نوع توسعه و رشد اقتصادی و حتی تحقق شاخص‌های عدالت اقتصادی نیز به همراه داشته باشد (Begum et al, 2019). نظر به اسلامی بودن صنعت بانکداری در ایران، برای استفاده از این صنعت از تأمین مالی خرد باید سراغ روش‌های تأمین مالی خرد اسلامی رفت (Zhang, 2017). در بانک‌های اسلامی روابط وام‌دهی ابزاری ضروری برای نزدیک کردن منافع وام‌گیرندگان با منافع وام‌دهندگان طی سازوکار غربالگری است که مشتریان اقتصادی معتمد را شناسایی و وام‌گیرندگان خوب را از بد متمایز می‌کند (شهیدی‌نسب، موسویان و نگارش، ۱۴۰۱).

طبق قوانین اسلامی انگیزه وام‌دهندگان برای استفاده از روابط بیشتر در فرایند اعطای وام این است که از اطلاعات ایجادشده در فرایند و در نتیجه کاهش در نظارت سود ببرند و از سوی دیگر، به وام‌گیرندگان ممتاز فرصت ایجاد اعتبار لازم برای وام موجود و قابل دسترس داده شود (Tamanni & Haji Besar, 2019). مؤسسات اعتباری اسلامی نقش مؤثر توزیع‌کننده زیان در تسهیلات سه‌جانبه را بر عهده دارند. به این معنی که به‌جای تحمیل کلیه خسارات ناشی از تخلف یا ورشکستگی عرضه‌کننده بر یک وام‌گیرنده واحد، وام‌دهندگان می‌توانند با دریافت هزینه‌های بیشتر اعتبار از عرضه‌کنندگان و سرشکن نمودن آن بر تمامی وام‌گیرندگان، این خسارات را پیردازند. نظریه توزیع زیان و گسترده‌تر کردن دایره مسئولین از نظریات قابل حمایت در مسئولیت اسلامی است که در حقوق قراردادها بیش از همه در حوزه حقوق مصرف‌کننده مورد توجه قرار گرفته است. برخی از نویسندگان حتی از این هم فراتر رفته و معتقدند حتی در مواردی که وام‌دهندگان با فروشندگان کالا و خدمات هیچ رابطه قراردادی نداشته و صرفاً گیرنده وام مستقیم می‌دهند، در قبال عملکرد عرضه‌کنندگان مسئول هستند (Farrar & Uddin, 2020). در نظام اعطای تسهیلات خرد اسلامی ایران نیز شناسایی وابستگی تسهیلات مستقیم به قرارداد عرضه بین وام‌گیرنده و عرضه‌کننده ضروری است. اگرچه وام‌دهنده در بسیاری از موارد با توجه به اعطای وکالت جهت خرید ملک اصلاً از هویت عرضه‌کننده آگاه نیست، اما در این شرایط نیز از قصد و نیت وام‌گیرنده آگاه است و لذا سرایت فسخ قرارداد عرضه به قرارداد اعتبار در واقع پیروی از قصد واقعی طرفین قرارداد است. طرح تأمین مالی مشارکتی، مشوق‌های سازگار را برای بانک‌ها و وام‌گیرندگان فراهم می‌کند، به‌موجب آن، هر دو طرف توافق می‌کنند که سودزیان واقعی را به نسبت پیش‌بینی‌شده در سهم خود به اشتراک بگذارند. تأمین مالی مشارکتی سهم مبتنی بر حقوق صاحبان سهام است که در آن طرفین یعنی وام‌دهنده و وام‌گیرنده پول و سود خود را با توجه به نسبت سرمایه‌گذاری دران سرمایه‌گذاری می‌کنند (قلیچ و خوانساری، ۱۴۰۰).

پدیده‌ای که این تحقیق بر آن استوار است، نیاز مبرم به بهبود دسترسی افراد کم‌اقبال به خدمات مالی و درعین حال حصول اطمینان از رعایت اصول شرعی است.

اگرچه تأمین مالی خرد در تقویت پایه اقتصادی جوامع محروم مؤثر بوده است، اما هنوز نیازهای برآورده نشده در زمینه عدالت و برابری وجود دارد. این یک شکاف تحقیقاتی ایجاد می‌کند که مستلزم درک عمیق‌تر از چگونگی کمک مالی خرد اسلامی به مبارزه با فقر و تشویق توسعه کارآفرینی است. بررسی ادبیات نظری نیز بیانگر آن است که بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده (زروکی، یدالهی اطاقسرا، توسلی‌نیا و سحاب خدامرادی، ۱۴۰۲؛ شهیدی‌نسب، موسویان و نگارش، ۱۴۰۱؛ شهیدی‌نسب و موسویان، ۱۴۰۰) تنها به تحلیل اثر تأمین مالی خرد بر فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران، بررسی تطبیقی تأثیر برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران و جهان با تأکید بر کشورهای اسلامی، طراحی مدل‌های بومی و عملیاتی تأمین مالی خرد اسلامی نیز اشاره کرده‌اند؛ در نتیجه، پژوهش حاضر در تلاش است با بررسی چگونگی تأثیرگذاری ابعاد و مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی، علاوه بر غنی‌سازی مفاهیم مرتبط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی، دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی را بررسی نموده و پاسخ سؤال‌های زیر را ارائه نماید:

- ۱) دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها و دیدگاه وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی چگونه است؟
- ۲) بین دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

در ادامه پژوهش به بررسی مبانی نظری، پیشینه، روش اجرای پژوهش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تأمین مالی، مدیریت، ایجاد و مطالعه منابع مالی، امور بانکی، اعتبار، سرمایه‌گذاری، دارایی‌ها و بدهی‌ها تحت عنوان سیستم‌های مالی است. به عبارتی تأمین مالی، تحقیق و مطالعه ابزارهای مالی برای تأمین نیازهای مالی است که به سه دسته تأمین مالی عمومی، تأمین مالی شرکتی و تأمین مالی شخصی یا خرد قابل تقسیم است (Ahmed &

(Ammar, 2015). تأمین مالی خرد را می‌توان به‌عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه کم‌درآمد، مانند صنعتگران، کشاورزان و پیمانکاران خرد تعریف کرد. تأمین مالی خرد به‌معنای ارائه خدمات مالی در مقیاس کوچک است. خدماتی نظیر اعتبار و خدمات پس‌اندازی برای افرادی که صاحب حرفه‌ای بوده یا بنگاه کوچکی را اداره می‌کنند و به تولید، بازاریابی و فروش کالاهای تولید شده می‌پردازند. در حقیقت در خصوص تأمین مالی خرد تعاریف متعددی ارائه شده است. هریک از این تعاریف از منظر خاصی به این مقوله پرداخته‌اند که از مهم‌ترین این منظرها می‌توان به جامعه هدف تأمین مالی خرد، اندازه و میزان تأمین مالی، اهداف تأمین مالی خرد، شرایط و نحوه پرداخت و تخصیص اعتبار و ضمانت وام‌ها اشاره داشت. از حیث جامعه هدف، تمرکز تأمین مالی خرد بر روی فقرا و افراد کم‌درآمد و کم‌توان است (Rashid, Uddin & Zobair, 2018). می‌توان ادعا کرد که دلیل اصلی موفقیت و توسعه تأمین مالی خرد آن است که این نوع از تأمین مالی بر دو رکن اساسی استوار است که می‌توان آن را نقاط قوت آن دانست؛ این دو پایه مهم عبارتند از «وام‌دهی گروهی» و «ایجاد فشار درونی». وام‌دهی گروهی آن است که در ساختار تأمین مالی خرد، افراد به انتخاب خود به گروه‌های مختلف، دسته‌بندی می‌شوند و وام به این گروه‌ها، اعطا می‌شود. ساختار انگیزشی نیز به نحوی تنظیم می‌شود تا اعطای وام به هریک از اعضای گروه، مشروط به بازپرداخت اقساط وام سایر اعضا شود و از این طریق، مسأله وثیقه که یکی از معضلات اصلی فقرا در دریافت تأمین مالی است، برطرف شود؛ اما فشار درونی آن است که در ساختار تأمین مالی خرد، ضوابط، به نحوی تنظیم شود که اعضای گروه، خودبه‌خود یکدیگر را به بازپرداخت ترغیب می‌کنند و در این زمینه، به نیروی خارجی و بیرونی، نیازی نیست (Maikabara, 2023). به نظر می‌رسد تعریف مناسب برای تأمین مالی خرد عبارت است از: ارائه اعتبار در یک فرایند ساده و منعطف به فقرا و قشر متوسط فعال اقتصادی، کارآفرینان خرد و کسب‌وکارهای خرد و کوچک -صرفاً کسب‌وکارهایی که بین (۹-۱) کارکن دارند- باهدف توانمندسازی از طریق تأمین مالی فعالیت‌های درآمدزا و خوداشتغالی به همراه تلاش برای تجهیز منابع خرد (جمع‌آوری

پس اندازهای خرد جامعه هدف) و ارائه بیمه‌های خرد به ایشان و در برخی موارد کمک به توزیع و بازاریابی محصول مشتریان (Zhang, 2017).

شواهد نشان می‌دهد که مؤسسات مالی خرد متعارف، تقاضا برای تأمین مالی خرد را برآورده نمی‌کنند. انتصاب و تأثیر افراد ثروتمند به آن‌ها امکان دسترسی به درصد زیادی از منابع مالی موجود را می‌دهد. از این رو، کمبود منابع تنها بخش کوچکی از تأمین مالی خرد را در دسترس مردم کم‌درآمد و کارآفرینان کوچک قرار می‌دهد (ذریه محمدعلی، ناهیدی امیرخیز، پایتختی اسکوئی و رنجپور، ۱۴۰۲). علاوه بر این، حتی اگر افراد کم‌درآمد در دریافت تأمین مالی خرد موفق باشند، بازهم پرداخت بهره مورد نیاز براساس مبلغ اصلی برای آن‌ها دشوار است. علاوه بر همه این‌ها، افراد کم‌درآمد تمایلی به رفتن به این بانک‌های سنتی برای گرفتن وام ندارند چون آن‌ها از تأمین وثایق مورد پذیرش این بانک‌ها ناتوان‌اند (Rashid, Uddin & Zobair, 2018). طرح تأمین مالی مشارکتی، مشوق‌های سازگار را برای بانک‌ها و وام‌گیرندگان فراهم می‌کند که به موجب آن، هر دو طرف توافق می‌کنند که سودویان واقعی را به نسبت پیش‌بینی شده در سهم خود به اشتراک بگذارند. تأمین مالی مشارکتی سهم مبتنی بر حقوق صاحبان سهام است که در آن طرفین یعنی وام‌دهنده و وام‌گیرنده پول و سود خود را با توجه به نسبت سرمایه‌گذاری دران سرمایه‌گذاری می‌کنند (Fianto & Gan, 2017). مطابق نظریه تأمین مالی تقسیم سودویان که در صورت ضرر، ضرر و زیان باید توسط وام‌دهنده سرمایه یعنی مؤسسه خرد تأمین شود. در چنین شرایطی، مؤسسات دارای وام‌های خرد اسلامی بسیار مهم است که نگرش وام‌گیرندگان خود را به منظور اطمینان از بازپرداخت مناسب و به موقع وام صادر شده تغییر دهند. بازپرداخت وام از آن جهت اهمیت دارد که منبع پایداری مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی است. این مؤسسات دارای بودجه محدود و کمبود منابع هستند بنابراین از همین منابع برای کمک به تعدادی از افراد کم‌درآمد استفاده می‌شود؛ بنابراین تا زمانی که وام‌گیرنده قبلی مبلغ وام گرفته شده را بازپرداخت نکند، ممکن است صدور وام برای وام‌گیرندگان جدید برای مؤسسه خرد تأمین نشود. در این سناریو، بازپرداخت مناسب

از اهمیت بسزایی برخوردار است. علاوه بر این، بازپرداخت فقط با کمک روش نظارت مؤثر و کارآمد قابل اطمینان و اجرایی است (Purwanto et al, 2022). مؤسسات مالی خرد اسلامی با همسو کردن چارچوب‌های عملیاتی خود با شریعت مقدس که اهداف اساسی فقه اسلامی را در برمی‌گیرد، نقشی حیاتی در حفاظت و ارتقای ساختارهای اساسی اجتماعی از جمله ایمان، وجود انسانی، عقل، ثروت و نسل ایفا می‌کند (Hussein Kakembo, Abduh & Pg Hj Md Salleh, 2022). کارایی تأمین مالی خرد اسلامی در این حوزه‌ها، هم از سوی محافل علمی و هم از سوی سیاست‌گذاران که به ظرفیت آن به عنوان سازوکاری حیاتی در مبارزه با فقر اذعان دارند، مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. تأمین مالی خرد متعارف در طول تاریخ به عنوان توانمندسازی جمعیت حاشیه‌نشین با تجهیز آن‌ها به ابزارهای مالی ضروری برای بهبود شرایط اقتصادی تلقی شده است (Maishanu & Nabiha, 2024). با این وجود، تأمین مالی خرد اسلامی با تضمین هم‌سویی این ابزارهای مالی با اصول اخلاقی و مذهبی جوامعی که برای حمایت از آن‌ها طراحی شده‌اند، بعد دیگری را معرفی می‌کند. این تطابق پذیرش و کارایی این پیشنهادها را تقویت می‌کند و تضمین می‌کند که مزایای حاصل از آن در جنبه‌های مختلف رفاه اجتماعی تجربه می‌شود. دانشگاهیان و سیاست‌گذاران به طور فزاینده‌ای نقش حیاتی تأمین مالی خرد در تلاش‌های کاهش فقر را تصدیق می‌کنند. پرداختن به چالش‌های توسعه مرتبط برای تأمین مالی خرد ضروری است تا کاهش فقر را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد. استفاده صحیح از فرصت‌های بخش می‌تواند منجر به مشارکت پایدار در کاهش فقر شود (Lateef, Adedeji & Islamiyyat, 2023). علاوه بر این، ادغام جوامع به حاشیه رانده شده در چارچوب‌های مالی ساختاریافته از طریق تأمین مالی خرد اسلامی، مزایایی را برای افراد و جوامعی که مستقیماً درگیر هستند، فراهم می‌کند. این پیامدهای گسترده‌تری برای بخش مالی اسلامی به طور کلی دارد. مؤسسات مالی خرد اسلامی با تسهیل درگیر شدن تعداد قابل توجهی از افراد در ساختارهای مالی رسمی، به تقویت حضور بازار بانکداری و مالی اسلامی کمک می‌کنند و در نتیجه راه‌های جدیدی برای پیشرفت و خلاقیت در صنعت ایجاد می‌کنند. این رشد ممکن است منجر به یک بخش مالی اسلامی قوی‌تر و

انعطاف‌پذیرتر شود که موقعیت بهتری برای پاسخ‌گویی به نیازهای مشتریان ناهمگن و جهانی داشته باشد (Kustin, 2015).

مؤسسات مالی خرد اسلامی از طریق سازوکارهایی مختلف پایبندی به اصول شریعت را تضمین می‌کنند. یکی از این سازوکارها ایجاد چارچوب‌های حاکمیت شرعی است که می‌تواند به صورت متمرکز یا غیرمتمرکز باشد تا از انطباق با شیوه‌های مالی اسلامی اطمینان حاصل کند (Hailu & Tekdoğan, 2023). علاوه بر این، این مؤسسات برای هدایت عملیات و فرآیندهای تصمیم‌گیری خود به فتوای صادرشده توسط مجالس شریعت رسمی وابسته هستند (Aziz, Abdul-Rahman & Markom, 2019). علاوه بر این، مؤسسات مالی خرد اسلامی شفافیت و افشای مسائل مربوط به انطباق با شریعت را در گزارش‌های سالانه خود برای تقویت اعتماد عمومی و نشان دادن تعهد خود به اصول اسلامی در اولویت قرار می‌دهند. مشاوران شریعت در این مؤسسات برای اطمینان از انطباق با شریعت ضروری هستند، زیرا آن‌ها در سراسر رویه‌های خود راهنمایی و نظارت می‌کنند (Tijani, Hassan & Nasir, 2020). تأمین مالی خرد اسلامی با تأکید بر شمول مالی و توسعه پایدار دست‌خوش تحولات اساسی شده است. در ابتدا، مؤسسات مالی خرد اسلامی برای پایبندی به آموزه‌های اسلامی از قرآن و سنت تأسیس شدند و عمدتاً برای شرکت‌های خرد و بخش تجاری تأمین مالی می‌کردند (Hassan, Alshater, Hasan & Bhuiyan, 2021). با گذشت زمان، تأمین مالی خرد اسلامی، به‌ویژه در کشورهایی با اکثریت مسلمانان، مانند بنگلادش که در آن تأمین مالی خرد مرسوم مدت‌هاست مورد استفاده قرار می‌گرفت، رایج شده است (Hossain & Abdullah, 2019). علی‌رغم برخی موانع، مانند فقدان دانش در بین مشاغل خرد و کوچک در مورد منابع مالی مؤسسات مالی خرد اسلامی، اهداف در ظرفیت تأمین مالی خرد اسلامی برای حمایت از سیستم‌های مالی پایدار در حال رشد است.

تأمین مالی خرد اسلامی چندین مزیت را برای توسعه کارآفرینی ارائه می‌دهد، از جمله:

- **ایجاد فرصت‌های شغلی:** مشخص شده که تأمین مالی خرد اسلامی تأثیر مثبتی بر ایجاد فرصت‌های شغلی به‌ویژه برای زنان دارد. دسترسی به منابع مالی را تسهیل می‌کند، محصولات مالی را ارائه می‌دهد و از آموزش کارآفرینی حمایت می‌کند که منجر به ایجاد فرصت‌های خوداشتغالی و افزایش رفاه اقتصادی می‌شود و در نتیجه به کارآفرینی اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند.
- **توانمندسازی اقتصادی:** تأمین مالی خرد اسلامی با فراهم کردن شمول مالی، حمایت از کارآفرینی و توسعه مهارت به توانمندسازی اقتصادی کمک می‌کند. نشان داده شده است که به توانمندسازی اقتصادی ذینفعان کمک می‌کند و در نتیجه وضعیت اقتصادی و توسعه کلی کارآفرینی آن‌ها را افزایش می‌دهد (Maikabara, 2023).

۲. انواع تأمین مالی

تأمین مالی خرد اسلامی یک سیستم مالی مبتنی بر اصول شرعی اسلامی است. در این زمینه، نوع تأمین مالی ارائه شده توسط مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی به جنبه‌های انطباق با آموزه‌های اسلامی که ربا را ممنوع می‌کند، توجه دارد. دو نوع اصلی تأمین مالی که معمولاً در تأمین مالی خرد اسلامی یافت می‌شود عبارتند از قرض و تأمین مالی شراکتی.

(۱) **قرض:** تأمین مالی قرضی، نوعی وام است که در آن سرمایه به‌صورت وام در اختیار گیرنده قرار می‌گیرد و معمولاً نیازمند وثیقه است، اما وام‌دهنده در مالکیت شرکت یا سود آن سهمی ندارد. در زمینه تأمین مالی خرد اسلامی، قرض به‌عنوان ابزار تأمین مالی به افراد یا خانوارهایی که برای اهداف خاصی مانند سرمایه‌گذاری به وجوه نیاز دارند، استفاده می‌شود. ویژگی اصلی قرض این است که از وام سود یا سودی دریافت نمی‌شود. در مقابل، انتظار می‌رود گیرنده وام مبلغ وام را به‌طور کامل در مدت زمان مشخص شده بازگرداند.

(۲) **تأمین مالی شراکتی:** این نوع تأمین مالی، همان‌طور که در تأمین مالی خرد اسلامی اعمال می‌شود، به رویکردی اشاره دارد که ریسک‌ها و سودها را بین وام‌دهندگان (مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی) و دریافت‌کنندگان تأمین مالی

(افراد یا خانوارهایی که به وجوه نیاز دارند) تقسیم می‌کند. در این صورت مؤسسات مالی خرد اسلامی می‌توانند از سازوکارهای مشارکت در سود مانند مضاربه و شرکت استفاده کنند. در مضاربه، وام‌دهنده سرمایه را فراهم می‌کند درحالی‌که گیرنده تأمین مالی مهارت یا تجارت را ارائه می‌دهد. سپس سود به‌دست‌آمده طبق توافق قبلی تقسیم می‌شود. این در حالی است که در شرکت هر دو طرف سرمایه را تأمین می‌کنند و سودوزیان به نسبت توافق تقسیم می‌شود. تأمین مالی خرد اسلامی از طریق انواع تأمین مالی مانند قرض و تأمین مالی شراکتی، به دنبال فراهم کردن دسترسی مالی فراگیر و پایدار برای جوامع نیازمند است و درعین‌حال از رعایت اصول شرعی اسلامی که ربا یا ربا را منع می‌کند، اطمینان حاصل می‌کند. این امر به حمایت از توسعه اقتصادی فراگیر و پایدار کمک می‌کند و توسعه کسب‌وکارهای خرد و کوچک رقابتی را تسهیل می‌کند (Sultonovich, 2023).

تفتیان و نورمحمدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای باعنوان «ناسایی ابعاد و مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی»، به طراحی و اعتبارسنجی ابعاد و مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ابعاد مسائل مربوط به مالکیت و کنترل، ویژگی قراردادهای وام و امنیت به ترتیب از مهم‌ترین ابعاد مؤثر بر الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی به‌شمار می‌آیند. نتایج ارزیابی الگو بیانگر آن است که از بین مقوله‌های اصلی مرتبط با بعد «ویژگی‌های قرارداد وام» به ترتیب نحوه پرداخت، مسئولیت و نحوه بازپرداخت، هزینه قرارداد، مدت قرارداد وام و گروه هدف/ موضوع تجاری و همچنین از بین مقوله‌های اصلی مرتبط با بعد «امنیت» به ترتیب الزامات وثیقه/ مدارک و دادرسی ازجمله مهم‌ترین مقوله‌هایی هستند که می‌توانند بر الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی تأثیرگذار باشند.

شهیدی‌نسب و حسن‌زاده سروستانی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی نقش دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی با تأکید بر ج.ا.ا»، به بررسی تطبیقی نقش دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد

که نقش دولت در تأمین مالی خرد در ایران، یک نقش تأمین‌کنندگی نیست؛ بلکه یک نقش حمایتی است؛ همچنین نتایج پژوهش نشان داد که ابزارهای دولت جهت ایفای نقش حمایتی در حوزه تأمین مالی خرد به ترتیب شامل ایجاد ثبات اقتصاد کلان، تعدیل چارچوب قوانین و مقررات و اعمال نظارت‌های قانونی و هدفمند است.

زروکی، یداللهی اطاقسرا، توسلی‌نیا و سحاب خدامرادی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اثر تأمین مالی خرد بر فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران»، به بررسی تأثیر تأمین مالی خرد بر احتمال خروج از فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران پرداخته‌اند. پردازش اولیه نشان داد میزان خانوارهای فقیر در میان خانوارهای برخوردار از تسهیلات مالی به مراتب کمتر از این میزان در خانوارهای محروم از این تسهیلات است. نتایج حاکی از تأثیر معکوس تسهیلات مالی بر احتمال فقر خانوارها است؛ به نحوی که اندازه اثر مطلوب تأمین مالی در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. همچنین مرد بودن، سن و سطح تحصیلات سرپرست خانوار اثر معکوس و مجذور سن سرپرست و بعد خانوار، اثر مستقیم بر احتمال فقر خانوارها دارد؛ بدین نحو که اثرگذاری مطلوب تحصیلات، سن و تأثیر نامطلوب بعد خانوار بر احتمال فقر خانوارها در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است.

ذریه محمدعلی، ناهیدی امیرخیز، پایتختی اسکوئی و رنجپور (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تأثیر ابزارهای تأمین مالی اسلامی بر سیاست‌های پولی در ایران براساس قاعده تیلور: رویکرد کوانتایل»، به تحلیل تأثیر ابزارهای تأمین مالی اسلامی بر سیاست‌های پولی در ایران با رویکرد قاعده تیلور در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۶۳ با استفاده از روش رگرسیون کوانتایل پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد ابزارهای تأمین مالی اسلامی بر نرخ رشد پایه پولی تأثیر منفی دارد، به عبارت دیگر با افزایش به کارگیری ابزارهای تأمین مالی اسلامی نرخ رشد پایه پولی کاهش یافته است و انتشار و عرضه اوراق سبب جذب نقدینگی در جامعه می‌گردد که نشان می‌دهد رفتار سیاست‌گذاران پولی نسبت به ابزارهای تأمین مالی اسلامی مبتنی بر قاعده بوده است.

شهیدی‌نسب، موسویان و نگارش (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی تأثیر برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران و جهان با تأکید بر کشورهای اسلامی»،

به صورت تطبیقی به بررسی تأثیر برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران و جهان با تأکید بر کشورهای اسلامی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که مهم‌ترین تأثیر مستقیم برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران ایجاد اشتغال و توانمندسازی است. همچنین بررسی تطبیقی تأثیر برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران و جهان حاکی از آن است که تأثیر این برنامه‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکایی بیشتر بر جنبه‌های تولیدی (ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی)؛ در کشورهای آفریقایی بیشتر بر جنبه‌های غیرتولیدی (بهداشت، تغذیه و آموزش) و در کشورهای آسیایی بر هر دو جنبه تولیدی و غیرتولیدی متمرکز بوده است. بررسی کشورمان نیز نشان داد که تأثیر برنامه‌های تأمین مالی خرد بیشتر جنبه تولیدی داشته است.

تفتیان و علیپور (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و فرصت‌های فناوری مالی اسلامی»، به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های فناوری مالی اسلامی پرداخته‌اند و بعد مزیت تأمین مالی جمعی اسلامی را در مقابل سایر منابع تأمین مالی به عنوان یکی از فرصت‌های فناوری اسلامی برشمردند. در یافته‌های پژوهش چالش‌ها و فرصت‌های که بیشترین تأثیر را بر «فناوری مالی اسلامی» دارند، به کارگیری نیروی ماهر انسانی اخلاق‌محور برای امور تخصصی، افزایش تعامل خودکار با مشتریان به منظور بهبود خدمات، یکپارچه‌سازی سیستم‌ها و مرتبط کردن مشتریان با تمامی عملیات بانکی، عدم محدودیت در زمان برای انجام خدمات بانکی در حوزه مالی اسلامی، تعیین شده‌اند.

قلیچ و طاهری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی الگوی نوین تأمین مالی خرد اسلامی در نظام بانکی ایران (مبتنی بر عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مباحه)»، با استفاده از روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و نقطه نظرات خبرگان به ارائه الگویی نوین جهت تأمین مالی خرد در نظام بانکی کشور پرداخته‌اند. الگوی پیشنهادی این پژوهش، مبتنی بر جذب سپرده از طریق عقد وکالت خاص و پرداخت تسهیلات از طریق عقود قرض‌الحسنه و مباحه باهدف تأمین مالی اقشار ضعیف و متوسط جامعه است.

شهیدی‌نسب و موسویان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل‌های بومی و عملیاتی تأمین مالی خرد اسلامی»، اقدام به ساخت الگوهای عملیاتی و بومی تأمین مالی خرد کرده‌اند. در این پژوهش با مرور ادبیات تأمین مالی خرد و امکان‌سنجی

ظرفیت‌های تأمین مالی خرد از طریق پیمایش میدانی و نیز تحلیل محتوای کیفی چهار مدل عملیاتی و بومی برای پیاده‌سازی تأمین مالی خرد طراحی شده است که عبارتند از: مؤسسه تأمین مالی خرد مبتنی بر هبات و صدقات، مؤسسه تأمین مالی خرد مبتنی بر زکات، مؤسسه تأمین مالی خرد مبتنی بر قرض‌الحسنه و مؤسسه تأمین مالی خرد مبتنی بر وقف؛ همچنین ابعاد مختلف این نهادها، ساختار قانونی و نظارتی، نحوه تجهیز و تخصیص منابع، نحوه ضمانت و نیز نهاد ناظر بر این نهادها در قالب ساختار نظام بانکداری اسلامی کشور طراحی شد.

قلیچ و خوانساری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل قابلیت عقود انتفاعی در نظام تأمین مالی خرد اسلامی با استفاده از روش تاپسیس فازی»، به اولویت‌بندی عقود انتفاعی از حیث کارآمدی استفاده در نظام تأمین مالی خرد اسلامی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که حداقل نه شاخص برای این موضوع وجود دارد. همچنین نتیجه اولویت‌بندی حکایت از آن دارد که به ترتیب عقود مرابحه، جعاله و اجاره مناسب‌ترین عقود انتفاعی جهت استفاده در نظام تأمین مالی خرد اسلامی است.

میا^۱ (۲۰۲۴م) در مقاله‌ای با عنوان «تبدیل تأمین مالی خرد مرسوم به تأمین مالی خرد اسلامی در بنگلادش: مدل‌های مبتنی بر شریعت پیشنهادی»، به تجزیه و تحلیل اهمیت تأمین مالی خرد اسلامی و پیشنهاد مدل‌های تأمین مالی خرد جایگزین مطابق با شریعت در بنگلادش پرداخته‌اند. این مطالعه سه مدل ترکیبی از تأمین مالی خرد مطابق با شریعت را پیشنهاد کرده است که احتمالاً به افراد محروم کمک می‌کند و در نتیجه دستیابی به اهداف توسعه پایدار در بنگلادش را تضمین می‌کند. مدل اول توضیح داده است که چگونه راهبرد عملیاتی مؤسسات مالی خرد را می‌توان بازسازی کرد، درحالی‌که مدل دوم راهبردهای سازمانی را برای ایجاد یک مؤسسات مالی خرد جدید پیشنهاد می‌کند. مدل سوم از مفهوم صدقه برای پرداختن به مسائل استقراضی متعدد صنعت استفاده کرد.

هاتمن، هیلمن و احمد^۲ (۲۰۲۴م) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین مالی خرد اسلامی: پرداختن به فقرزدایی و توسعه کارآفرینی»، به بررسی نقش تأمین مالی خرد اسلامی در فقرزدایی و توسعه کارآفرینی پرداخته‌اند. در این پژوهش با استفاده از رویکرد مروری نظام‌مند ادبیات، رابطه بین انواع تأمین مالی، دسترسی به خدمات مالی اسلامی، سیاست‌های دولت و سطح کارآفرینی با درآمد خانوار و توسعه کسب‌وکارهای خرد و کوچک را تحلیل کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تأمین مالی خرد اسلامی می‌تواند ابزار مؤثری در تقویت پایگاه اقتصادی جوامع محروم به‌ویژه از طریق ادغام اصول اسلامی در نظام مالی باشد.

رزقون و دیگران^۳ (۲۰۲۴م) در مقاله‌ای با عنوان «نقش تأمین مالی خرد اسلامی در افزایش شمول مالی پایدار در اندونزی: مروری بر ادبیات سیستماتیک»، به تجزیه و تحلیل سهم تأمین مالی خرد اسلامی در افزایش شمول مالی پایدار در اندونزی پرداخته‌اند. در این پژوهش از طریق رویکرد کیفی به تحلیل چندین مقاله و تحقیقات مرتبط پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تأمین مالی خرد اسلامی، به‌ویژه در مناطق روستایی و دورافتاده، دسترسی به خدمات مالی را برای گروه‌هایی که قبلاً تحت پوشش قرار داشتند، به‌طور قابل توجهی بهبود بخشیده است. با این حال، به دلیل مسائلی مانند مقررات پیچیده، فقدان دانش عمومی در مورد مفاهیم مالی خرد اسلامی و مقیاس‌پذیری برنامه، دستیابی به شمول مالی گسترده‌تر هنوز دشوار است.

سلیم و دیگران^۴ (۲۰۲۳م) در مقاله‌ای با عنوان «اثربخشی تأمین مالی خرد اسلامی برای حل مشکلات بیکاری، فقر و سطح پایین زندگی»، در پژوهشی به بررسی اثربخشی تأمین مالی خرد اسلامی در حل مشکلات بیکاری، فقر و سطح پایین زندگی در کشورهای مسلمان پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سرمایه‌های خرد اسلامی علاوه بر تسهیل دسترسی به منابع مالی و تأمین محصولات مالی، تأثیر مثبتی بر ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان دارد. ایجاد فرصت‌های خوداشتغالی و افزایش رفاه اقتصادی زنان به کارآفرینی اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد

2. Hotman, Hilman & Ahmad

3. Rizqon et al

4. Selim et al

که تأمین مالی خرد اسلامی بودجه و حمایت می‌کند و در نتیجه با تقویت همکاری، ارتقاء سواد مالی و آموزش کارآفرینی کمک مثبتی می‌کند و همچنین دسترسی به بازار را بهبود می‌بخشد. این مطالعه منحصر به فرد بودن تأثیر مثبت مالی خرد اسلامی بر اشتغال زنان و توسعه فراگیر در کشورهای مسلمان را آشکار می‌کند.

مایکابارا^۵ (۲۰۲۳م) در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد تأمین مالی خرد اسلامی به عنوان ابزار جایگزین برای ریشه‌کنی فقر در نیجریه»، به بررسی ادراک مالی خرد اسلامی از ریشه‌کنی فقر در ایالت کوآرا نیجریه پرداخته است. ۳۶۴ پاسخ از مشتریان تأمین مالی خرد در ایلورین، ایالت کوآرا نیجریه، از طریق SPSS با استفاده از همبستگی لحظه‌ای توصیفی و ضریب پیرسون تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از همبستگی مثبت و معنادار آماری بین تأمین مالی خرد اسلامی و درآمد خانوار، مراقبت‌های بهداشتی، تحصیلات و اشتغال بوده است.

۳. ابعاد و مؤلفه‌های تأمین مالی خرد اسلامی

هدف از تأمین مالی خرد ارائه وام‌های کوچک به افراد زیر سطح فقر برای ایجاد برابری در جوامع و رفع فقر است. این اهداف با اهداف اقتصادی و مالی اسلامی مطابقت دارد؛ بنابراین، تأمین مالی خرد اسلامی می‌تواند مکمل اهداف کلی کاهش فقر باشد. تأمین مالی خرد اسلامی به دلیل نقاط قوت ذاتی خود می‌تواند عملکرد بهتری داشته باشد. محصولات مالی اسلامی به جای انتقال ریسک مانند قراردادهای بدهی یا وام، مبتنی بر مفهوم اشتراک ریسک است. ثانیاً، سنگ بنای نظام اجتماعی و اقتصادی اسلامی، زکات، صدقه و قرض‌الحسنه کمک می‌کند تا بار طبقه اجتماعی کم برخوردار را بر دوش قشر ثروتمند جامعه تقسیم کنند (Ali & Hussain, 2017). تأمین مالی خرد اسلامی یک پدیده جدید است. از این رو، پس از مطالعه مبانی نظری و تحلیل مصاحبه‌ها، مقوله‌های اصلی و فرعی الگوی الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی پس از کد باز، محوری و گذاری انتخابی، تدوین گردید (تفتیان و نورمحمدی، ۱۴۰۲) که متعاقباً به صورت نموداری ارائه شد. با توجه به ابعاد و مؤلفه‌های ارائه شده الگوی الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی در جدول (۱)، پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه کارشناسان دایره

اعتبارات بانک‌ها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی پرداخته است.

جدول (۱): شاخص‌های الگوی ارزیابی ابعاد و مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی

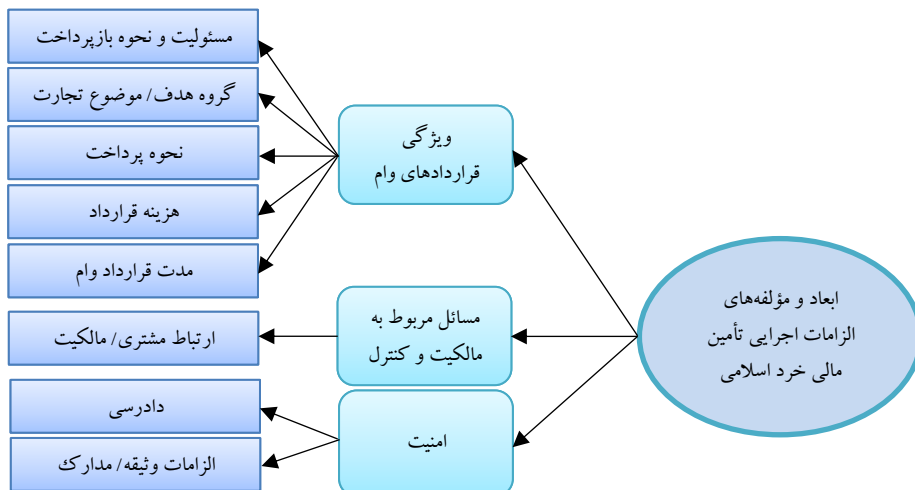
ابعاد	مقوله اصلی	مؤلفه
ویژگی قراردادهای وام	نحوه پرداخت	پرداخت وام مضاربه به صورت نقدی و طی یک مرحله یا چندین مرحله
		تأمین سرمایه مشارکت مدنی تماماً و نقداً توسط مالک
		پرداخت وام مشارکت مدنی نقدی و غیر نقدی به دفعات
		سهم الشراکه نقدی طرفین در وام مشارکت مدنی به نحو مشاع
		مشخص نمودن نحوه تسویه مشارکت در مشارکت مدنی
		تحقق مشارکت مدنی در زمان واریز نقدی سهم الشراکه به حساب بانک و تقویم سهم غیر نقدی
		گسترش امور بازرگانی در چهارچوب سیاست‌های بازرگانی از طریق اولویت دادن به تعاونی‌های قانونی براساس قرارداد مضاربه توسط بانک‌ها
		داشتن حق مصرف منابع در وام مشارکتی با سود غیرمعین توسط متقاضیان
	هزینه قرارداد	تأمین هزینه‌های مضاربه از محل سرمایه مضاربه و توسط مالکان
		تعهد عامل براساس مصالحه طرفین نسبت به هزینه‌های مضاربه مانند قیمت خرید کالا، هزینه‌های بسته‌بندی، حمل و نقل، حقوق گمرکی، سود بازرگانی، بیمه، حق ثبت سفارش بانکی و هزینه انبارداری
		پذیرفته شدن هزینه انجام شده توسط متقاضی در طرح‌ها و همچنین امور ساختمانی به عنوان آورده غیر نقدی متقاضی در مشارکت مدنی
		قید کردن هر نوع هزینه به توافق طرفین در مشارکت مدنی برخلاف مضاربه
		قرار گرفتن وام مضاربه در گروه مشارکت
	گروه هدف / موضوع تجارت	قرار گرفتن وام مشارکت مدنی در گروه مشارکت
		استفاده از وام مضاربه صرفاً جهت انجام امور بازرگانی و تجارت
		کاربرد مشارکت مدنی در بخش تولیدی، بازرگانی (واردات، صادرات، داخلی) و خدماتی

ابعاد	مقوله اصلی	مؤلفه
مدت قرارداد وام	مدت قرارداد وام	عدم تجاوز مضاربه به عنوان تسهیلات کوتاه مدت از یک دوره خرید و فروش و حداکثر یک سال
		خاتمه یافتن وام مشارکت مدنی به عنوان تسهیلات کوتاه و میان مدت ظرف مدت یک سال
		خاتمه یافتن مشارکت مدنی برای امور تولید، صنعتی و معدنی، کشاورزی و احداث مسکن حداکثر مدت سه سال
		تعیین وام مضاربه متناسب با یک دوره خرید و فروش مشروط بر اینکه از یک سال تجاوز نکنند.
		تعیین مدت قرارداد مشارکت مدنی با توجه به اقتضای فعالیت و موضوع قرارداد به تشخیص بانک‌ها و موافقت شریک، در ابتدای قرارداد
		تمدید قرارداد مشارکت مدنی مشروط به تصویب هیأت مدیره بانک
	مسئولیت و نحوه بازپرداخت	مسئولیت عامل در حفظ سرمایه مضاربه براساس قانون
		اطمینان حاصل شدن بازگشت نرخ سود ثابت در برخی از قراردادهای اعطای وام بانک
		مکمل بودن بانک‌ها برای قید نحوه تسویه مشارکت در وام مشارکت مدنی
		تعیین کردن نسبت سهم سود بانک در وام مضاربه برای پیش‌بینی حداقل سود مورد انتظار عاید بانک
		اتخاذ ترتیبی توسط بانک در وام مشارکت مدنی جهت عدم افزایش تعهدات مالی و انجام معاملات توسط شریک از حد سهم‌الشرکه واریز و تحویل شده به شریک
		ممانعت از خرید نسبه توسط شریک علاوه بر نظارت مستمر بر مصرف و برگشت وجوه سرمایه جهت جلوگیری از افزایش تعهدات
		مشخص نمودن نحوه تسویه مشارکت در مشارکت
		تسویه کردن کالای احتمالی باقیمانده در پایان مدت قرارداد به قیمت فروش روز از اموال خود خریداری و قرارداد توسط شریک
		خریداری کردن کالای احتمالی باقیمانده در پایان مدت قرارداد به قیمتی

مؤلفه	مقوله اصلی	ابعاد
توافق شده توسط شریک		
تعیین کردن سهم سود طرفین به نحو مشاع و به صورت نسبت یا درصد از کل سود معامله در وام مضاربه		
اعطای تسهیلات مضاربه در صورت پیش بینی سودآوری معامله		
جدا بودن نقش مالک و عامل از یکدیگر در مضاربه		
تأمین کننده سرمایه لازم توسط مالک و انجام کار عاملیت توسط عامل در مضاربه		
قرار دادن سرمایه نقدی لازم برای انجام یک معامله تجاری در اختیار عامل اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی توسط بانک در وام مضاربه	ارتباط مشتری / مالکیت	مسائل مربوط به مالکیت و کنترل
امکان برقراری وام مضاربه بین یک عامل و یک مالک و یک عامل و چند مالک و با یک مالک و چند مالک و تقسیم مساوی یا متفاوت سود		
عهده داری اداره امور شرکت مدنی توسط بانک (بانک ها) یا شرکای دیگر در مشارکت مدنی		
تحويل نمودن اموال موضوع مضاربه به بانک پس از فوت عامل توسط وراثت جهت حفظ حقوق بانک نسبت به کالای موضوع مضاربه		
قبول کردن مسئولیت فروش و انجام کارهای مضاربه توسط وراثت با موافقت بانک و با انعقاد قرارداد جدیدی با نظر اداره حقوقی بانک پس از فوت عامل		
التزام وام گیرنده در عقد مضاربه نسبت به فراهم آوردن وسایل تجارت و کوشش در راه حفظ سرمایه و بهره برداری		
مشارکت مالک به عنوان عهده دار تأمین سرمایه نقدی و وام گیرنده به عنوان فرد تجارت کننده در وام مضاربه نسبت به سود		
جایز بودن وام مشارکت مدنی از عقود		
لازم الاجرا بودن قراردادهای مضاربه بر طبق توافق طرفین در حکم اسناد قلمداد نمودن خود قرارداد به عنوان تضمین در مضاربه به منظور جلوگیری از هزینه های اضافی	الزامات وثیقه / مدارک	اکنیت
استفاده از وثایق کاربردی در نظام بانکداری مانند اموال اعم از منقول و		

مؤلفه	مقاله اصلی	ابعاد
غیرمنقول، اسناد و اوراق بهادار		
باطل بودن رهن دین و منفعت به‌عنوان شرایط اساسی صحت عقد رهن		
قرار دادن وثیقه توسط وام‌گیرنده تحت یکی از صور قانونی نزد وام‌دهنده		
در اختیار قرار دادن اطلاعاتی مانند موضوع مضاربه، میزان سرمایه لازم برای مضاربه موردنظر، مبالغ تقریبی هزینه‌های مربوطه، حداکثر مدت لازم برای دوره مضاربه، نسبت پیشنهادی متقاضی برای تقسیم سود حاصله از مضاربه نزد بانک جهت تأمین سرمایه تجاری از راه مضاربه با بانک برای اشخاص حقیقی یا حقوقی	دادرسی	
انقطاع قانونی در مواردی که به‌مرورزمان به‌واسطه دادخواست حق خود را مطالبه نماید یا در صورتی که مدیون در دادگاه یا در سندی که به امضا او است اقرار به دین نماید.		
برعهده داشتن مسئول هرگونه کسر و نقصان توسط وام‌گیرنده با شرط ضمان شده		

منبع: (تفتیان و نورمحمدی، در حال انتشار)



شکل (۱): الگوی الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی

منبع: (تفتیان و نور محمدی، ۱۴۰۲)

۴. سؤال‌های پژوهش

- (۱) دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی چگونه است؟
- (۲) دیدگاه وام‌گیرندگان در مورد الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی چگونه است؟

۵. فرضیه پژوهش

بین دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی است، بنابراین از نظر هدف کاربردی و در دسته پژوهش‌های توصیفی قرار گرفته و الگوی ساخته شده با روش کمی به صورت پیمایشی همبستگی بررسی شده است. داده‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش را می‌توان به دودسته کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم کرد. در خصوص جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، از روش‌های کتابخانه‌ای و در زمینه جمع‌آوری داده‌ها برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش از روش میدانی و ابزار پرسشنامه با طیف لیکرت پنج درجه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل مشتریان و کارمندان شعب بانک‌های شهر یزد هستند. در این تحقیق از دو جامع آماری استفاده شده است، جامعه آماری مشتریان بانک‌ها، جامع آماری نامحدود و جامعه آماری دیگر محدود به کارمندان شعب بانک‌های شهر یزد است. برای تعیین حجم نمونه مطابق با مطالعه تفتیان و باقی‌نسب (۱۴۰۲) از رابطه کوکران برای جوامع نامحدود و محدود استفاده می‌شود. طبق رابطه برای جوامع نامحدود و محدود در سطح ۹۵ درصد اطمینان، تعداد نمونه آماری برابر با ۳۸۴ برای نامحدود و برای جامعه محدود به ۸۰ مورد ۶۶ نمونه خواهد بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی نیز جمع‌آوری خواهد شد. رابطه کوکران برای محاسبه حجم نمونه به شرح زیر است:

رابطه (۱): $n = (Z^2 pq) / d^2$

که در آن Z برابر با ۱/۹۶؛ $P = q = 0.05$ و d مقدار اشتباه مجاز (مقدار خطا). پرسشنامه شامل ابعاد (ویژگی قراردادهای وام، مسائل مربوط به مالکیت و کنترل، امنیت) است که از سؤال ۱ الی ۸ مربوط به مقوله نحوه پرداخت، از سؤال ۹ الی ۱۲ مربوط به مقوله هزینه قرارداد، از سؤال ۱۳ الی ۱۶ مربوط به مقوله گروه هدف / موضوع تجارت، از سؤال ۱۷ الی ۲۰ مربوط به مقوله مدت قرارداد، از سؤال ۲۱ الی ۲۹ مربوط به مقوله مسئولیت و نحوه بازپرداخت، از سؤال ۳۰ الی ۳۷ مربوط به مقوله ارتباط مشتری / مالکیت، از سؤال ۳۸ الی ۴۲ مربوط به مقوله الزامات وثیقه / مدارک و از سؤال ۴۳ الی ۴۴ مربوط به مقوله دادرسی است.

برای بررسی وضعیت مؤلفه‌های استخراج‌شده از مقاله تفتیان و نورمحمدی (۱۴۰۲) آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است که برای امتیازدهی، میانگین مجموع نمرات سؤالات هر مؤلفه به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شده و با توجه به طیف سه‌درجه‌ای لیکرت نقطه برش طیف میانی پرسشنامه، دو بود که در پژوهش حاضر معیار مقایسه میانگین بدین‌صورت بوده که میانگین تجربی در سطح نامطلوب و میانگین تجربی در سطح مطلوب ارزیابی شد؛ بنابراین میانگین ملاکی برابر میانگین در سطح نسبتاً مطلوب است. همچنین جهت تعیین وضعیت اهمیت و الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی با توجه به دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات با کد (۲) و وام‌گیرندگان با کد (۱) آزمون t دو نمونه‌ای مستقل به‌صورت مقایسه دوگروهی انجام شده است. برای این منظور، مشارکت‌کنندگان براساس وضعیت متغیر پژوهش به دو گروه دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات و وام‌گیرندگان تقسیم‌شده‌اند. به‌منظور استنتاج صحیح آماری و توجیه و تفسیر دقیق، اطلاعات جمع‌آوری از معادلات ساختاری توسط نرم‌افزارهای PLS استفاده شده است. روایی محتوایی پرسشنامه به کمک متخصصان تأیید شده و پایایی پرسشنامه به کمک ضریب آلفای کرونباخ، پایایی اسپیرمن و پایایی مرکب به‌دست‌آمده است (تفتیان و نورمحمدی، ۱۴۰۲).

۷. یافته‌ها

جدول (۲): ضرایب پایایی سازه‌ها

متغیرهای مرتبه سوم	متغیرهای مرتبه دوم	متغیرهای مرتبه اول	پایایی آلفا کرونباخ	پایایی اسپیرمن	پایایی ترکیبی
مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی	ویژگی قراردادهای وام	نحوه پرداخت	۰/۸۰	۰/۸۳	۰/۸۶
		هزینه قرارداد	۰/۶۶	۰/۶۶	۰/۸۰
		گروه هدف/ موضوع تجارت	۰/۷۱	۰/۷۳	۰/۸۲
		مسئولیت و نحوه بازپرداخت	۰/۷۳	۰/۷۲	۰/۸۰
		مدت قرارداد وام	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۸۱
		مجموع	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۱
مسائل مربوط به مالکیت و کنترل		۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۹۱	
امنیت	الزامات وثیقه/ مدارک	۸۵/۰	۸۶/۰	۸۹/۰	
	دادرسی	۹۰/۰	۰/۸	۹۵/۰	
	مجموع	۷۶/۰	۸۶/۰	۸۱/۰	
مجموع		۹۳/۰	۹۵/۰	۹۴/۰	

منبع: (یافته‌های تحقیق)

طبق نتایج حاصل در جدول (۲) آلفای کرونباخ برای ارزیابی پایداری درونی اندازه‌گیری می‌شود که نشانگر میزان همبستگی بین سازه و شاخص‌های مربوط به آن است مقدار واریانس تبیین شده بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل‌قبولی است. البته موس و دیگران^۶ (۱۹۹۸م) در مورد متغیرهای با تعداد سؤال‌های اندک، مقدار ۰/۶ را به‌عنوان سرحد ضریب معرفی کرده‌اند که همه متغیرها از ضریب قابل‌قبولی برخوردار هست. مقدار پایایی ترکیبی یک سازه از یک نسبت حاصل می‌شود که در صورت این کسر، واریانس بین یک سازه با شاخص‌هایش و در مخرج کسر، واریانس سازه با شاخص‌هایش به‌اضافه مقدار خطای اندازه‌گیری می‌آید. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی بالاتر ۰/۷ باشد نشان از پایداری درونی مناسب است و مقدار کمتر از ۰/۶ عدم وجود پایایی است (Nunnally & Bemstein, 1994) ذکر این نکته ضروری است که

پایایی ترکیبی معیار بهتری از آلفا به شمار می‌رود (وینز و دیگران^۷، ۲۰۱۰م، نقل از داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). در نتیجه پایایی ترکیبی همه متغیرهای پنهان ضرایب قابل‌قبولی دارند. پایایی همبستگی اسپیرمن برای ارزیابی پایداری درونی اندازه‌گیری می‌شود که نشانگر میزان همبستگی بین سازه و گویه مربوط به آن است که بالاتر از ۰/۷ پایایی قابل‌قبولی است که همه متغیرها از ضریب قابل‌قبولی برخوردار هست.

جدول (۳): مدل اندازه‌گیری و شاخص‌های ارزیابی گویه‌ها

متغیر	ابعاد	مؤلفه‌ها	شماره گویه	بار عاملی	معناداری
مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی	ویژگی قراردادهای وام	نحوه پرداخت	۱Q	۰/۴۳	۴/۰۱
			۲Q	۰/۷۵	۱۵/۵۷
			۳Q	۰/۷۴	۱۳/۹۲
			۴Q	۰/۷۶	۱۵/۹۱
			۵Q	۰/۶۲	۱۱/۲۰
			۶Q	۰/۸۲	۲۵/۸۱
			۷Q	۰/۵۰	۶/۹۱
			۸Q	۰/۵۵	۶/۹۲
	ویژگی قراردادهای وام	هزینه قرارداد	۹Q	۰/۷۱	۱۱/۳۱
			۱۰Q	۰/۷۵	۱۷/۲۹
			۱۱Q	۰/۷۸	۱۵/۲۰
			۱۲Q	۰/۵۸	۹/۶۶
		گروه هدف/ موضوع تجارت	۱۳Q	۰/۷۵	۲۰/۱۶
			۱۴Q	۰/۸۰	۱۵/۸۰
			۱۵Q	۰/۵۹	۶/۰۳
			۱۶Q	۰/۷۶	۱۴/۷۱
	مدت قرارداد وام		۱۷Q	۰/۷۸	۱۸/۷۶
			۱۸Q	۰/۷۱	۱۴/۷۸
			۱۹Q	۰/۶۶	۱۰/۲۵
			۲۰Q	۰/۷۴	۲۰/۴۱

۱۳/۲۵	۰/۷۰	۲۱Q	مسئولیت ونحوه بازپرداخت		مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی
۴/۹۹	۰/۵۲	۲۲Q			
۳/۹۴	۰/۵۳	۲۳Q			
۳/۲۱	۰/۵۴	۲۴Q			
۲/۹۰	۰/۵۰	۲۵Q			
۳/۷۷	۰/۵۹	۲۶Q			
۶/۲۴	۰/۵۵	۲۷Q			
۳/۶۰	۰/۵۷	۲۸Q			
۵/۷۷	۰/۴۷	۲۹Q			
۱۱/۲۹	۰/۶۸	۳۰Q	مسائل مربوط به مالکیت و کنترل		
۹/۶۳	۰/۶۳	۳۱Q			
۱۴/۴۶	۰/۷۳	۳۲Q			
۲۵/۲۳	۰/۸۶	۳۳Q			
۱۷/۲۲	۰/۷۵	۳۴Q			
۱۸/۴۶	۰/۷۹	۳۵Q			
۴۴/۷۹	۰/۸۸	۳۶Q			
۹/۷۵	۰/۶۱	۳۷Q			
۸/۶۳	۰/۶۴	۳۸Q	الزامات وثیقه/ مدارک		
۳۳/۴۰	۰/۸۶	۳۹Q			
۲۵/۰۶	۰/۸۴	۴۰Q			
۱۲/۰۳	۰/۷۵	۴۱Q			
۳۰/۴۶	۰/۸۴	۴۲Q			
۸/۸۲	۰/۹۷	۴۳Q	دادرسی		
۸/۶۷	۰/۹۳	۴۴Q			

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بار عاملی استاندارد برای تک‌تک گویه‌ها هر عامل در جدول (۳) مشخص شده‌اند. شاخص ارزیابی میزان ارتباط هر سؤال به عامل زیربنایی آن، مقدار بالای ۰/۴ رابطه هر سؤال با عامل مرتبط دلالت دارد که این مقدار بار عاملی باعث معناداری هر سؤال

می‌شود؛ بنابراین، همه گویه‌ها به‌طور معنادار به عامل زیربنایی خود مرتبط هستند و می‌توان گفت که مدل اندازه‌گیری طی ارزیابی شاخص‌های جزئی مطلوب است.

۸. نتایج سؤال اول پژوهش

سؤال اول: دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی چگونه است؟

برای بررسی وضعیت مؤلفه‌های مورد مطالعه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۴) آورده شده است. برای امتیازدهی، میانگین مجموع نمرات سؤال‌ها هر مؤلفه به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شد و با توجه به طیف سه‌درجه‌ای لیکرت نقطه برش طیف میانی پرسشنامه، دو بود که در پژوهش حاضر معیار مقایسه میانگین بدین‌صورت بود که میانگین تجربی (۱-۲) در سطح نامطلوب و میانگین تجربی (۲/۱-۳) در سطح مطلوب ارزیابی شد؛ بنابراین میانگین ملاکی برابر میانگین در سطح نسبتاً مطلوب ۲/۱ هست.

جدول (۴): آزمون t دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی

میانگین ملاکی = ۲/۱ $N=384$				گویه‌ها	متغیر مرتبه اول	متغیر مرتبه دوم	متغیر مرتبه سوم
معناداری	t	تفاوت میانگین	میانگین تجربی				
۰/۹۲	۰/۱۱	۰/۰۱	۲/۱۱	۱Q	نحوه پرداخت	ویژگی قراردادهای وام	مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی
۰/۰۰	۴/۱۲	۰/۲۱	۲/۳۱	۲Q			
۰/۰۰	۴/۲۱	۰/۲۱	۲/۳۱	۳Q			
۰/۰۸	۱/۷۵	۰/۱۰	۲/۲۰	۴Q			
۰/۰۰	۵/۸۴	۰/۲۹	۲/۳۹	۵Q			
۰/۰۳	۲/۱۴	۰/۱۱	۲/۲۱	۶Q			
۰/۰۰	۵/۲۹	۰/۲۸	۲/۳۸	۷Q			
۰/۰۷	-۱/۸۰	- ۰/۱۱	۱/۹۹	۸Q			
۰/۰۰	۴/۷۵	۰/۱۴	۲/۲۴	مجموع			

N=۳۸۴ میانگین ملاکی = ۲/۱				گویه‌ها	متغیر مرتبه اول	متغیر مرتبه دوم	متغیر مرتبه سوم
معناداری	t	تفاوت میانگین	میانگین تجربی				
۰/۴۵	۰/۷۶	۰/۰۴	۲/۱۴	۹Q	هزینه قرارداد		مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی
۰/۰۰	۸/۹۰	۰/۴۰	۲/۵۰	۱۰Q			
۰/۰۱	-۲/۵۱	-۰/۱۴	۱/۹۶	۱۱Q			
۰/۰۰	۳/۹۸	۰/۲۰	۲/۳۰	۱۲Q			
۰/۰۰	۳/۹۷	۰/۱۳	۲/۲۳	مجموع			
۰/۰۵	۱/۹۵	۰/۱۱	۲/۲۱	۱۳Q	گروه هدف/ موضوع تجارت		
۰/۷۹	-۰/۲۷	-۰/۰۱	۲/۰۹	۱۴Q			
۰/۰۱	-۲/۴۷	-۰/۱۴	۱/۹۶	۱۵Q			
۰/۳۶	-۰/۹۱	-۰/۰۵	۲/۵	۱۶Q			
۰/۵۰	-۰/۶۷	-۰/۰۲	۲/۸	مجموع			
۰/۰۰	۳/۹۴	۰/۲۰	۲/۳۰	۱۷Q	مدت قرارداد وام		
۰/۰۰	۴/۶۰	۰/۲۳	۲/۳۳	۱۸Q			
۰/۰۰	۸/۹۳	۰/۳۸	۲/۴۸	۱۹Q			
۰/۰۰	۵/۱۹	۰/۲۶	۲/۳۶	۲۰Q			
۰/۰۰	۷/۶۳	۰/۲۷	۲/۳۷	مجموع			
۰/۰۰	۴/۳۶	۰/۲۳	۲/۳۳	۲۱Q	مسئولیت و نحوه بازپرداخت		
۰/۰۰	۷/۶۰	۰/۳۷	۲/۴۷	۲۲Q			
۰/۷۴	-۰/۳۴	-۰/۰۲	۲/۸	۲۳Q			
۰/۳۶	۰/۹۳	۰/۰۵	۲/۱۵	۲۴Q			
۰/۶۴	۰/۴۶	۰/۰۳	۲/۱۳	۲۵Q			
۰/۹۹	۰/۰۲	۰/۰۰	۲/۱۰	۲۶Q			
۰/۰۰	۶/۳۸	۰/۳۱	۲/۴۱	۲۷Q			
۰/۴۰	۰/۸۴	۰/۰۵	۲/۱۵	۲۸Q			
۰/۰۰	۸/۱۰	۰/۳۸	۲/۴۸	۲۹Q			

N=۳۸۴ میانگین ملاکی = ۲/۱				گویه‌ها	متغیر مرتبه اول	متغیر مرتبه دوم	متغیر مرتبه سوم
معناداری	t	تفاوت میانگین	میانگین تجربی				
۰/۰۰	۵/۲۱	۰/۱۶	۲/۲۶	مجموع			مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی
۰/۰۰	۵/۳۴	۰/۱۳	۲/۲۳	مجموع			
۰/۰۰	۸/۷۸	۰/۴۰	۲/۵۰	۳۰Q	مسائل مربوط به مالکیت و کنترل		
۰/۰۰	۷/۱۶	۰/۳۵	۲/۴۵	۳۱Q			
۰/۰۵	-۱/۹۶	-۰/۱۱	۱/۹۹	۳۲Q			
۰/۷۲	-۰/۳۶	-۰/۰۲	۲/۰۸	۳۳Q			
۰/۰۰	۴/۶۴	۰/۲۵	۲/۳۵	۳۴Q			
۰/۰۰	۷/۴۵	۰/۳۵	۲/۴۵	۳۵Q			
۰/۰۰	۹/۲۵	۰/۴۲	۲/۵۲	۳۶Q			
۰/۰۰	۶/۱۴	۰/۳۱	۲/۴۱	۳۷Q			
۰/۰۰	۷/۶۷	۰/۲۴	۲/۳۴	مجموع			
۰/۰۰	۶/۸۲	۰/۳۶	۲/۴۶	۳۸Q	الزامات وثیقه / مدارک		
۰/۰۰	۸/۳۸	۰/۴۲	۲/۵۲	۳۹Q			
۰/۰۰	۸/۸۹	۰/۴۲	۲/۵۲	۴۰Q			
۰/۰۰	۱۱/۵۴	۰/۴۹	۲/۵۹	۴۱Q			
۰/۰۰	۱۰/۹	۰/۴۶	۲/۵۶	۴۲Q			
۰/۰۰	۱۱/۴۷	۰/۴۳	۲/۵۳	مجموع			
۰/۰۴	۲/۰۷	۰/۱۲	۲/۲۲	۴۳Q	دادرسی		
۰/۰۰	۴/۶۹	۰/۲۶	۲/۳۶	۴۴Q			
۰/۰۰	۳/۵۰	۰/۱۹	۲/۲۹	مجموع			
۰/۰۰	۹/۱۳	۰/۳۱	۲/۴۱	مجموع			
۰/۰۰	۸/۵۴	۰/۲۳	۲/۳۳	مجموع			

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتایج حاصل آزمون t یک نمونه‌ای از متغیر مرتبه دوم ویژگی قراردادهای وام نشان می‌دهد که همه گویه‌های ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۷ و ۲۹ در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است؛ و گویه‌های ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۴، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۸ در سطح نسبتاً مطلوب ($p > 0/05$) و میانگین ملاکی کمتر از ۲/۱ قرار گرفته است؛ اما گویه‌های ۱۱، ۱۵ در سطح نامطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی کمتر از ۲/۱ قرار گرفته است. در نهایت متغیر مرتبه اول نحوه پرداخت، هزینه قرارداد، مدت قرارداد وام، مسئولیت و نحوه بازپرداخت در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است. نتایج حاصل آزمون t یک نمونه‌ای از متغیر مرتبه دوم مسائل مربوط به مالکیت و کنترل نشان می‌دهد که همه گویه‌های ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است؛ و گویه‌های ۳۳ در سطح نسبتاً مطلوب ($p > 0/05$) و میانگین ملاکی کمتر از ۲/۱ قرار گرفته است؛ اما گویه‌های ۳۲ در سطح نامطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی کمتر از ۲/۱ قرار گرفته است. در نهایت متغیر مرتبه دوم مسائل مربوط به مالکیت و کنترل در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است.

نتایج حاصل آزمون t یک نمونه‌ای از متغیر مرتبه دوم امنیت نشان می‌دهد که همه گویه‌ها در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است. در نهایت متغیر مرتبه دوم امنیت در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است.

۹. نتایج سؤال دوم پژوهش

سؤال دوم: دیدگاه وام‌گیرندگان در مورد الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی چگونه است؟

جدول (۵): آزمون t دیدگاه وام‌گیرندگان در مورد الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی

N=۶۶ میانگین ملاکی = ۲/۱				گویه‌ها	متغیر مرتبه اول	متغیر مرتبه دوم	متغیر مرتبه سوم
معناداری	t	تفاوت میانگین	میانگین تجربی				
۰/۱۰	۱/۶۷	۰/۲۱	۲/۳۱	۱Q	نحوه پرداخت	ویژگی قراردادهای وام	مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی
۰/۰۰	۹/۷۹	۰/۷۳	۲/۸۳	۲Q			
۰/۰۰	۸/۵۹	۰/۶۹	۲/۷۹	۳Q			
۰/۸۲	-۰/۲۳	-۰/۰۳	۲/۰۷	۴Q			
۰/۰۰	۵/۰۱	۰/۵۲	۲/۶۲	۵Q			
۰/۰۰	۳/۶۸	۰/۴۲	۲/۵۲	۶Q			
۰/۰۰	۷/۶۳	۰/۶۶	۲/۷۶	۷Q			
۰/۰۰	۳/۳۰	۰/۳۸	۲/۴۸	۸Q			
۰/۰۰	۸/۴۹	۰/۴۵	۲/۵۵	مجموع			
۰/۰۰	۱۳/۵۸	۰/۸۰	۲/۹۰	۹Q	هزینه قرارداد		
۰/۰۰	۱۳/۵۸	۰/۸۰	۲/۹۰	۱۰Q			
۰/۰۳	۲/۲۸	۰/۲۸	۲/۳۸	۱۱Q			
۰/۲۸	۱/۱۰	۰/۱۴	۲/۲۴	۱۲Q			
۰/۰۰	۷/۷۷	۰/۵۰	۲/۶۰	مجموع			
۰/۱۰	۱/۶۷	۰/۲۱	۲/۳۱	۱۳Q	گروه هدف / موضوع تجارت		
۰/۰۰	۷/۶۳	۰/۶۶	۲/۷۶	۱۴Q			
۰/۰۱	۲/۶۰	۰/۳۱	۲/۴۱	۱۵Q			
۰/۰۰	۵/۵۵	۰/۵۶	۲/۶۶	۱۶Q			
۰/۰۰	۶/۳۶	۰/۴۳	۲/۵۳	مجموع			
۰/۰۰	۵/۵۵	۰/۵۶	۲/۶۶	۱۷Q	مدت قرارداد وام		
۰/۰۰	۲/۹۴	۰/۳۵	۲/۴۵	۱۸Q			
۰/۰۰	۷/۶۳	۰/۶۶	۲/۷۶	۱۹Q			
۰/۰۰	۸/۵۹	۰/۶۹	۲/۷۹	۲۰Q			

N=۶۶ میانگین ملاکی = ۲/۱				گویه ها	متغیر مرتبه اول	متغیر مرتبه دوم	متغیر مرتبه سوم
معناداری	t	تفاوت میانگین	میانگین تجربی				
۰/۰۰	۱۰/۶۹	۰/۵۶	۲/۶۶	مجموع	مسئولیت و نحوه بازپرداخت		مؤلفه های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی
۰/۰۰	۶/۸۳	۰/۶۲	۲/۷۲	۲۱Q			
۰/۰۰	۶/۱۵	۰/۵۹	۲/۶۹	۲۲Q			
۰/۲۸	۱/۱۰	۰/۱۴	۲/۲۴	۲۳Q			
۰/۰۰	۹/۷۹	۰/۷۳	۲/۸۳	۲۴Q			
۰/۰۰	۴/۵۳	۰/۴۹	۲/۵۹	۲۵Q			
۰/۱۰	۱/۶۷	۰/۲۱	۲/۳۱	۲۶Q			
۰/۰۰	۵/۰۱	۰/۵۲	۲/۶۲	۲۷Q			
۰/۰۰	۷/۶۳	۰/۶۶	۲/۷۶	۲۸Q			
۰/۰۰	۷/۶۳	۰/۶۶	۲/۷۶	۲۹Q			
۰/۰۰	۸/۹۳	۰/۵۱	۲/۶۱	مجموع			
۰/۰۰	۱۰/۹۸	۰/۴۹	۲/۵۹	مجموع	مسائل مربوط به مالکیت و کنترل		
۰/۰۰	۵/۵۵	۰/۵۶	۲/۶۶	۳۰Q			
۰/۰۰	۱۳/۵۸	۰/۸۰	۲/۹۰	۳۱Q			
۰/۰۵	۱/۹۷	۰/۲۴	۲/۳۴	۳۲Q			
۰/۰۳	۲/۲۸	۰/۲۸	۲/۳۸	۳۳Q			
۰/۰۰	۴/۰۹	۰/۴۵	۲/۵۵	۳۴Q			
۰/۰۰	۴/۰۹	۰/۴۵	۲/۵۵	۳۵Q			
۰/۵۸	۰/۵۶	۰/۰۷	۲/۱۷	۳۶Q			
۰/۰۰	۶/۸۳	۰/۶۲	۲/۷۲	۳۷Q			
۰/۰۰	۷/۵۶	۰/۴۳	۲/۵۳	مجموع			
۰/۱۷	۱/۳۸	۰/۱۸	۲/۲۸	۳۸Q	الزامات	امنیت	
۰/۰۰	۹/۷۹	۰/۷۳	۲/۸۳	۳۹Q	وثیقه /		
۰/۰۰	۸/۵۹	۰/۶۹	۲/۷۹	۴۰Q	مدارک		

N=۶۶ میانگین ملاکی = ۲/۱				گویه‌ها	متغیر مرتبه اول	متغیر مرتبه دوم	متغیر مرتبه سوم
معناداری	t	تفاوت میانگین	میانگین تجربی				
۰/۰۰	۷/۶۳	۰/۶۶	۲/۷۶	۴۱Q			مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی
۰/۰۰	۲۵/۱۰	۰/۸۷	۲/۹۷	۴۲Q			
۰/۰۰	۱۲/۶۴	۰/۶۲	۲/۷۲	مجموع			
۰/۲۸	۱/۱۰	۰/۱۴	۲/۲۴	۴۳Q	دادرسی		
۰/۶۲	-۰/۴۹	-۰/۰۷	۲/۳	۴۴Q			
۰/۷۶	۰/۳۱	۰/۰۴	۲/۱۴	مجموع			
۰/۰۰	۴/۲۳	۰/۳۳	۲/۴۳	مجموع			
۰/۰۰	۷/۷۷	۰/۴۲	۲/۵۲	مجموع			

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتایج حاصل آزمون t یک نمونه‌ای از متغیر مرتبه دوم ویژگی قراردادهای وام نشان می‌دهد که همه گویه‌های ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸ و ۲۹ در سطح مطلوب ($p < ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است؛ و گویه‌های ۱، ۴، ۱۲، ۱۳، ۲۳ و ۲۶ در سطح نسبتاً مطلوب ($p > ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی کمتر از ۲/۱ قرار گرفته است. در نهایت همه مؤلفه‌های متغیر ویژگی قراردادهای وام در سطح مطلوب ($p < ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است.

نتایج حاصل آزمون t یک نمونه‌ای از متغیر مرتبه دوم مسائل مربوط به مالکیت و کنترل نشان می‌دهد که همه گویه‌های ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷ در سطح مطلوب ($p < ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است؛ و گویه‌های ۳۶ در سطح نسبتاً مطلوب ($p > ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی کمتر از ۲/۱ قرار گرفته است. در نهایت متغیر مرتبه دوم مسائل مربوط به مالکیت و کنترل در سطح مطلوب ($p < ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است.

نتایج حاصل آزمون t یک نمونه‌ای از متغیر مرتبه دوم امنیت نشان می‌دهد که همه گویه‌های ۳۹، ۴۰، ۴۱ و ۴۲ در سطح مطلوب ($p < ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱

قرار گرفته است؛ و گویه‌های ۳۸، ۴۳ و ۴۴ در سطح نسبتاً مطلوب ($p > 0.05$) و میانگین ملاکی کمتر از ۲/۱) قرار گرفته است. در نهایت متغیر مرتبه دوم امنیت در سطح مطلوب ($p < 0.05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱) قرار گرفته است.

۱۰. نتیجه فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش: بین دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

**جدول (۶): تعیین تفاوت الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی
با توجه به دیدگاه کارشناسان**

متغیر مرتبه سوم	مرتبه دوم	متغیر مرتبه اول	پاسخ	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t دو نمونه‌ای مستقل		آزمون برابری واریانس‌ها	
						اختلاف	t	مقداری	F
مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی		نحوه پرداخت	وام‌گیرنده	۲/۲۴	۰/۴۰	۰/۳۱	-۵/۱۳	۰/۰۰	۱/۳۳
			وام‌دهنده	۲/۵۵	۰/۴۰				
		هزینه قرارداد	وام‌گیرنده	۲/۲۳	۰/۴۴	۰/۳۸	-۵/۲۳	۰/۰۰	۷/۴۲
			وام‌دهنده	۲/۶۰	۰/۴۹				
		گروه هدف/ موضوع تجارت	وام‌گیرنده	۲/۸	۰/۵۰	۰/۴۶	-۶/۰۹	۰/۰۰	۰/۹۱
			وام‌دهنده	۲/۵۳	۰/۵۲				
		مدت قرارداد وام	وام‌گیرنده	۲/۳۷	۰/۴۸	۰/۲۹	-۴/۶۳	۰/۰۰	۸/۷۵
			وام‌دهنده	۲/۶۶	۰/۴۰				
		مسئولیت و نحوه بازپرداخت	وام‌گیرنده	۲/۲۶	۰/۴۱	۰/۳۶	-۵/۶۵	۰/۰۰	۱/۳۴
			وام‌دهنده	۲/۶۱	۰/۴۴				
		مجموع	وام‌گیرنده	۲/۲۳	۰/۳۴	۰/۱۴	-۶/۹۸	۰/۰۰	۲/۲۲
			وام‌دهنده	۲/۵۹	۰/۳۴				

متغیر مرتبه سوم	مرتبه دوم	متغیر مرتبه اول	نماین	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t دو نمونه‌ای مستقل		
						F	معناداری	اختلاف
بازرسی	مالکیت و کنترل	مسائل مربوط به	وام‌گیرنده	۲/۳۴	۰/۴۳	۰/۲۲	۰/۶۴	-۰/۱۹
		وام‌دهنده	۲/۵۳	۰/۴۴				-۲/۹۳
	الزامات و وثیقه / مدارک	وام‌گیرنده	۲/۵۳	۰/۵۲	۲۳/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۱۹
		وام‌دهنده	۲/۷۲	۰/۳۸				-۳/۱۱
	دادرسی	وام‌گیرنده	۲/۲۹	۰/۷۵	۱۹/۸۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۵
		وام‌دهنده	۲/۱۴	۰/۹۴				۱/۱۴
	مجموع	وام‌گیرنده	۲/۴۱	۰/۴۷	۱۴/۴۴	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۰۲
		وام‌دهنده	۲/۴۳	۰/۶۰				-۰/۲۳
	مجموع	وام‌گیرنده	۲/۳۳	۰/۳۷	۹/۸۹	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۱۹
		وام‌دهنده	۲/۵۲	۰/۴۱				-۳/۱۵
		وام‌گیرنده	۲/۳۴	۰/۴۳	۰/۲۲	۰/۶۴	۰/۰۰	-۰/۱۹
		وام‌دهنده	۲/۵۳	۰/۴۴				-۲/۹۳

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل در جدول (۶) نشان می‌دهد که در متغیر مرتبه دوم ویژگی قراردادهای وام معناداری به‌دست‌آمده آزمون برابری واریانس‌ها در مورد متغیرهای نحوه پرداخت، گروه هدف/ موضوع تجارت، مسئولیت و نحوه بازپرداخت ذکر شده بزرگتر از ۰/۰۵ هست، پس فرض برابری واریانس‌ها گزارش گردید؛ اما متغیرهای هزینه قرارداد، مدت قرارداد وام ذکر شده کوچکتر از ۰/۰۵ هست، پس فرض نابرابری واریانس‌ها گزارش گردید. در نتیجه بین میزان متغیر ذکر شده با توجه به دیدگاه کارشناسان معناداری وجود دارد. بدین معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه هست. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در متغیر مرتبه دوم مسائل مربوط به مالکیت و کنترل معناداری به‌دست‌آمده آزمون برابری واریانس‌ها ذکر شده

بزرگتر از ۰/۰۵ هست، پس فرض برابری واریانس‌ها گزارش گردید. در نتیجه بین میزان متغیر مسائل مربوط به مالکیت و کنترل با توجه به دیدگاه کارشناسان معناداری وجود دارد. بدین معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه هست. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در متغیر مرتبه دوم امنیت معناداری به دست آمده آزمون برابری واریانس‌ها در مورد الزامات وثیقه/مدارک، دادرسی ذکر شده کوچکتر از ۰/۰۵ هست، پس فرض نابرابری واریانس‌ها گزارش گردید. در نتیجه بین میزان متغیر الزامات وثیقه/مدارک با توجه به دیدگاه کارشناسان معناداری وجود دارد. بدین معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه هست؛ اما بین میزان متغیر دادرسی با توجه به دیدگاه کارشناسان معناداری وجود ندارد. در نهایت متغیر مرتبه سوم مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی معناداری به دست آمده آزمون برابری واریانس‌ها در مورد هزینه قرارداد، مدت قرارداد، الزامات وثیقه/مدارک، دادرسی ذکر شده کوچکتر از ۰/۰۵ هست، پس فرض نابرابری واریانس‌ها گزارش گردید. در نتیجه بین میزان متغیر ذکر شده با توجه به دیدگاه کارشناسان معناداری وجود دارد. بدین معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه هست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تأمین مالی خرد اسلامی به عنوان جایگزینی برای تأمین مالی متعارف و سنتی در سایر کشورها مطرح شده است. این منابع در راستای پروژه‌های مصوب قانون تأمین مالی خرد اسلامی با استفاده از ابزارهای تأمین مالی اسلامی می‌تواند فراهم گردد. برخلاف تأمین مالی متعارف، مفهوم تأمین مالی اسلامی براساس قاعده اصلی مالی اسلامی استوار بوده و هدفی که فقط منافع مادی را در نظر گرفته و منافع معنوی را نادیده بگیرد منع می‌کند. اسلام پول را به عنوان یک کالا نمی‌شناسد و از این رو نمی‌توان از آن برای به دست آوردن سود یا هرگونه مازاد که بر آن تحمیل شده استفاده نمود. این در

حالی است که در کشور ایران تاکنون به بررسی دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی توجه چندانی نشده است؛ به‌طوری‌که انجام پژوهش‌های هدفمند و عملیاتی نقش بسزایی را در هموارسازی مسیر برعهده داشته و نیاز به آن‌ها بیش‌ازپیش احساس می‌شود؛ درنتیجه، پژوهش حاضر در راستای اهداف خود به بررسی دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی با رویکرد کمی پرداخته و همه ابعاد الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی را شامل ویژگی قراردادهای وام، مسائل مربوط به مالکیت و کنترل و امنیت را به‌صورت گام‌به‌گام بررسی کرده است و از دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها و وام‌گیرندگان مورد آزمون قرار داده است. نتایج آزمون‌های آماری الگو حاکی از تأیید پایایی و روایی بیرونی و درونی و معناداری، سه بعد اصلی الگوی پژوهش و رتبه‌بندی مقوله‌های اصلی هر یک از ابعاد پژوهش است.

در مورد سؤال اول: دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات بانک‌ها در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی چگونه است؟ متغیر مرتبه اول نحوه پرداخت، هزینه قرارداد، مدت قرارداد وام، مسئولیت و نحوه بازپرداخت در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است، متغیر مرتبه دوم مسائل مربوط به مالکیت و کنترل در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است و همچنین نتایج حاصل آزمون t یک نمونه‌ای از متغیر مرتبه دوم امنیت نشان می‌دهد که همه گویه‌ها در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است. درنهایت تمامی متغیرها مرتبه دوم در شرایط مطلوبی قرار گرفته است.

در مورد سؤال دوم: دیدگاه وام‌گیرندگان در مورد الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی چگونه است؟ نتایج حاصل آزمون t یک نمونه‌ای از متغیر مرتبه دوم ویژگی قراردادهای وام نشان می‌دهد که همه گویه‌ها در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است، همچنین نتایج متغیر مرتبه دوم مسائل مربوط به مالکیت و کنترل نشان می‌دهد که همه گویه‌های در سطح مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱ قرار گرفته است و همچنین متغیر مرتبه دوم امنیت در سطح

مطلوب ($p < 0/05$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۲/۱) قرار گرفته است. درنهایت تمامی گویه‌های متغیر مرتبه دوم در سطح مطلوبی قرار گرفته است.

درنهایت در مورد فرضیه پژوهش: بین دیدگاه کارشناسان دایره اعتبارات و وام‌گیرندگان در ارتباط با الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج در متغیر مرتبه دوم ویژگی قراردادهای وام نشان می‌دهد آزمون برابری واریانس‌ها در مورد متغیرهای نحوه پرداخت، گروه هدف/ موضوع تجارت، مسئولیت و نحوه بازپرداخت ذکرشده بزرگتر از ۰/۰۵ هست، اما متغیرهای هزینه قرارداد، مدت قرارداد و وام ذکرشده کوچکتر از ۰/۰۵ هست، بدین معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه هست همچنین نتایج نشان می‌دهد که در متغیر مرتبه دوم مسائل مربوط به مالکیت و کنترل آزمون برابری واریانس‌ها ذکرشده بزرگتر از ۰/۰۵ هست، بدین معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه هست و همچنین نتایج نشان می‌دهد که در متغیر مرتبه دوم امنیت آزمون برابری واریانس‌ها در مورد الزامات وثیقه/ مدارک، دادرسی ذکرشده کوچکتر از ۰/۰۵ هست، بدین معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه هست؛ اما بین میزان متغیر دادرسی با توجه به دیدگاه کارشناسان تفاوت معناداری وجود ندارد. درنهایت متغیر مرتبه سوم مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی نشان می‌دهد آزمون برابری واریانس‌ها بزرگتر از ۰/۰۵ هست، درنتیجه بین میزان متغیر ذکرشده با توجه به دیدگاه کارشناسان تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که در گروه وام‌دهندگان نسبت به گروه وام‌گیرندگان از نمره میانگین بالاتری برخوردار است که نشان از وجود تفاوت در میانگین دو گروه هست.

برآورد این مطالعه، این است که با توجه به گسترش اطلاع‌رسانی‌ها همچنان آموزش یا علم کافی در وام‌گیرندگان نسبت به وام‌دهندگان وجود ندارد و درنهایت عمده‌اً یا سهواً فاکتور سازی صورت می‌گیرد و همچنین کارکنان بانک آموزش‌هایی را

به صورت کمی گذرانده‌اند، کیفیت آموزش آن‌ها قابل قبول است ولی به معنای آموزش در سطوح بالا نیست و به اعتقاد مشتریان اکثر کارکنان التزامی به اجرای عقود در چهارچوب اسلامی ندارند و همچنین وام‌گیرندگان با داشتن علم در سطوح متوسط نسب به مفاد قرارداد دست به فاکتورسازی می‌زنند و عملاً انگیزه نهایی دستیابی به منابع نقد دارای اهمیت است هرچند که متن قراردادهای بانکی برای وام‌گیرنده رسا و قابل فهم نبوده که این باعث شده شخص توجهی به مفاد عقود توجه نداشته باشد. این نتایج نشان‌دهنده ضعف در سیستم بانکداری ایران است؛ به طوری که هم وام‌دهنده و هم وام‌گیرنده بدون داشت اطلاعات در سطوح بالا نسب به عقود اسلامی و ابعاد آن دست به اجرای قرارداد می‌زنند. دیگر علل صوری شدن معاملات می‌توان به سیاست‌های دولت، تورم، شکاف طبقاتی و درنهایت عدم شفافیت معاملات می‌توان اشاره کرد که به شرایط این‌گونه معاملات دامن می‌زند. در انتها تضمین سود از طرف برخی بانک‌ها به خوبی نشان‌دهنده این است که برخی از بانک‌ها در این قرارداد، مشابه بانکداری متعارف عمل کرده و لذا شبهه ایجاد ربا تقویت می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی

- (۱) با توجه به نتایج حاصل از پژوهش به بانک‌ها توصیه می‌گردد که از طریق بهبود فرآیندها و استفاده از فناوری‌های نوین برای کاهش هزینه‌های مرتبط با تأمین مالی خرد اسلامی تلاش کرده و تسهیلات ویژه‌ای به وام‌گیرندگان خرد که ممکن است در دسترسی به منابع مالی با مشکل مواجه باشند ارائه دهند.
- (۲) با توجه به نتایج حاصل از پژوهش به دولت و نهادهای نظارتی توصیه می‌گردد که سیاست‌های حمایتی از برای تسهیل تأمین مالی خرد اسلامی تدوین و اجرا کنند و به بانک‌ها و مؤسسات مالی که در زمینه تأمین مالی خرد اسلامی فعالیت می‌کنند معافیت‌های مالیاتی و سایر مشوق‌ها ارائه دهند.
- (۳) به نهادهای نظارتی بانک‌ها توصیه می‌گردد که دوره‌های آموزشی برای کارکنان بانک‌ها و مؤسسات مالی در زمینه الزامات و روش‌های اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی برگزار نمایند.

۴) به کارمندان بانک‌ها پیشنهاد می‌شود که نقاط ضعف و خلأهای قانونی که ممکن است مانع اجرای مؤثر تأمین مالی خرد اسلامی شوند را شناسایی کنند و قوانین و مقررات فعلی ایران در زمینه تأمین مالی خرد اسلامی را بررسی و آن را با استانداردهای بین‌المللی مانند اصول بانکداری اسلامی (شریعت) مقایسه نمایند.

پیشنهادهای برای پژوهشگران آتی

- ۱) تجارب به‌کارگیری شیوهای تأمین مالی خرد اسلامی در سطح نهادهای تأمین مالی خرد متعارف و جهانی چگونه است؟
- ۲) الگوی مطلوب نظام تأمین مالی خرد اسلامی در کشور چگونه است؟
- ۳) نقش دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی به چه صورت است؟

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است. - تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد. بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

- ۱) تفتیان، اکرم؛ و باقی‌نسب، فرزاد (۱۴۰۲). بررسی رابطه سواد مالی و مزیت رقابتی در شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) با تأکید بر استراتژی کاهش ریسک تجاری. توسعه و سرمایه، ۸(۱)، ۱۶۷-۱۸۷.
- ۲) تفتیان، اکرم؛ و علی‌پور، رامین (۱۴۰۲). چالش‌ها و فرصت‌های فناوری مالی اسلامی. تحقیقات مالی اسلامی، ۱۱(۲)، ۸۳۷-۸۷۴. DOI: [10.30497/ifr.2023.243589.1737](https://doi.org/10.30497/ifr.2023.243589.1737)
- ۳) تفتیان، اکرم؛ و نورمحمدی، فریده (۱۴۰۲). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های الزامات اجرایی تأمین مالی خرد اسلامی. تحقیقات مالی اسلامی، ۱۲(۴)، ۷۹۵-۸۲۸. DOI: [10.30497/ifr.2024.244444.1830](https://doi.org/10.30497/ifr.2024.244444.1830)
- ۴) ذریه محمدعلی، فائزه؛ ناهیدی امیرخیز، محمدرضا؛ پایتختی اسکوئی، علی؛ و رنجپور، رضا (۱۴۰۲). تحلیل تأثیر ابزارهای تأمین مالی اسلامی بر سیاست‌های پولی در ایران براساس قاعده تیلور: رویکرد کوانتایل. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۲(۴۲)، ۲۷۳-۳۰۱.

- (۵) زروکی، شهریار؛ یداله‌ی اطاقسرا، مستانه؛ توسلی‌نیا، علی و سحاب خدامرادی، مرتضی. (۱۴۰۲). تحلیل اثر تأمین مالی خرد بر فقر خانوارهای شهری و روستایی در ایران. *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۰(۱)، ۱۹۹-۲۱۸.
- (۶) شهیدی‌نسب، مصطفی؛ و حسن‌زاده سروستانی، حسین (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی نقش دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی با تأکید بر ج.ا.ا. *اقتصاد اسلامی*، ۲۳(۹۲)، ۵۳-۹۰.
- (۷) شهیدی‌نسب، مصطفی؛ و موسویان، سید عباس (۱۴۰۱). طراحی مدل‌های بومی و عملیاتی تأمین مالی خرد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۲۱(۸۴)، ۵-۴۳.
- (۸) شهیدی‌نسب، مصطفی؛ موسویان، سید عباس؛ و نگارش، حمید (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی تأثیر برنامه‌های تأمین مالی خرد در ایران و جهان با تأکید بر کشورهای اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۲۲(۸۷)، ۲۳-۶۴.
- (۹) قلیچ، وهاب؛ و خوانساری، رسول (۱۴۰۰). تحلیل قابلیت عقود انتفاعی در نظام تأمین مالی خرد اسلامی با استفاده از روش تاپسیس فازی. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۷(۱)، ۲۱۱-۲۴۴.
- (۱۰) قلیچ، وهاب؛ و طاهری، ماندانا (۱۴۰۱). طراحی الگوی نوین تأمین مالی خرد اسلامی در نظام بانکی ایران (مبتنی بر عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مباحه). *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۲۰)، ۵۷۵-۶۰۸. DOI: [10.30497/ifr.2021.240367.1598](https://doi.org/10.30497/ifr.2021.240367.1598)
- 11) Ahmed, E. M., & Ammar, A. (2015). Islamic Microfinance in Sudanese Perspective. *J Bus Fin Aff*, 4(149), 2167-0234.
- 12) Ali, M. A., & Hussain, T. (2017). Significance of Musharaka in Islamic Banking. *China-USA Business Review*, 16(1), 41-53.
- 13) Aziz, R. A., Abdul-Rahman, A. I. S. Y. A. H., & Markom, R. (2019). Best Practices for Internal Shariah Governance Framework: Lessons from Malaysian Islamic Banks. *Accounting and Governance*, 12(1), 1-14.
- 14) Begum, H., Alam, A. F., Mia, M. A., Bhuiyan, F., & Ghani, A. B. A. (2019). Development of Islamic Microfinance: a Sustainable Poverty Reduction Approach. *Economic and Administrative Sciences*, 35(3), 143-157.
- 15) Farrar, S., & Uddin, T. (2020). Building Islamic Ethics into Development: Exploring the Role and Limitations of "Islamic" Microfinance in Poverty Alleviation—An Indonesian Case Study. *Law and Development Review*, 13(2), 371-406.
- 16) Fianto, B. A., & Gan, C. (2017). Islamic Microfinance in Indonesia. *Microfinance in Asia*, 227-270.

- 17) Hailu, S. M., & Tekdoğan, Ö. F. (2023). Ensuring the Compliance of Islamic Finance Applications with Shariah Principles in Ethiopia: The way forward. *Hitit İlahiyat Dergisi*, 22(1), 139-168.
- 18) Hassan, M. K., Alshater, M. M., Hasan, R., & Bhuiyan, A. B. (2021). Islamic Microfinance: A Bibliometric Review. *Global Finance*, 49, 100651.
- 19) Hossain, B., & Abdullah, M. F. (2019). The Growth and Contemporary Challenges of Islamic Microfinance in Bangladesh. *Asian People J*, 2(1), 45-53.
- 20) Hotman, H., Hilman, H., & Ahmad, N. (2024). Islamic Microfinance: Addressing Poverty Alleviation and Entrepreneurship Development. *Accounting Studies and Tax (COUNT)*, 1(2), 140-149.
- 21) Hussein Kakembo, S., Abduh, M., & Pg Hj Md Salleh, P. M. H. A. (2021). Adopting Islamic Microfinance as a Mechanism of Financing Small and Medium Enterprises in Uganda. *Small Business and Enterprise Development*, 28(4), 537-552.
- 22) Kustin, B. (2015). Islamic (Micro) Finance: Culture, Context, Promises, Challenges.
- 23) Lateef, A. W., Adedeji, O. A., & Islamiyyat, A. (2023). Islamic Banking Institutions in Kano Metropolis: Challenges and Prospects. *Canadian Business and Information Studies*, 5(2), 49-62.
- 24) Lwesya, F., & Mwakalobo, A. B. S. (2023). Frontiers in Microfinance Research for Small and Medium Enterprises (SMEs) and Microfinance Institutions (MFIs): a bibliometric Analysis. *Future Business*, 9(1), 17.
- 25) Maikabara, A. A. (2023). Applicability of Islamic Microfinance as an Alternative tool for Poverty Eradication in Nigeria. Li Falah: *Studi Ekonomi dan Bisnis Islam*, 8(1), 1-18.
- 26) Maishanu, U. A., & Nabiha, A. K. (2024). An Analysis of Nigeria's Islamic Microfinance Institutions Challenges and Future Prospects. *Global Business & Management Research*, 16(3).
- 27) Mamun, A., Uddin, M. R., & Islam, M. T. (2017). An Integrated Approach to Islamic Microfinance for Poverty Alleviation in Bangladesh. *Üniversitepark Bülten*, 6(1), 32.
- 28) Mia, M. A. (2024). The Transformation of Conventional Microfinance into Islamic Microfinance in Bangladesh: Proposed Shariah-based Model (s). *Qualitative Research in Financial Markets*, 16(3), 565-585.
- 29) Purwanto, P., Abdullah, I., Ghofur, A., Abdullah, S., & Elizabeth, M. Z. (2022). Adoption of Islamic Microfinance in Indonesia an Empirical Investigation: an Extension of the Theory of Planned Behaviour. *Cogent Business & Management*, 9(1), 2087466.
- 30) Rashid, M. H. U., Uddin, M. J., & Zobair, S. A. M. (2018). Islamic Microfinance and Sustainable Development Goals in Bangladesh.

- 31) Rizqon, A. L., Fadhlurrahman, M. S., Fauzan, M. I., Samsu, H. A. N., & Zidane, Y. (2024). The Role of Islamic Microfinance in Increasing Sustainable Financial Inclusion in Indonesia: A Systematic Literature Review. *Advanced Research in Economics and Finance*, 6(1), 207-216.
- 32) Sakinah, N. S. N., Arifin, T., & Abdal, A. (2023). Peran Sociopreneur dalam Transformasi Sosial dan Pengentasan Kemiskinan Melalui Lembaga Keuangan Mikro Perspektif Sosiologi dan Antropologi. *Strata Social and Humanities Studies*, 1(2), 117-126.
- 33) Selim, M., Qamber, M., Abdali, M. H., Mohammed, A. A., & Madan, A. A. (2023). The Effectiveness of Islamic Microfinance for Solving the Problems of Unemployment, Poverty, and Poor Standard of Living. In *2023 International Conference on Sustainable Islamic Business and Finance (SIBF)* (pp. 223-227). IEEE.
- 34) Shahīdinasab, Moṣṭafā; & Ḥasan-zādeh Sarvestānī, Ḥoseyn (1402 SH/2023). Barrasi-ye Taṭbiqī-ye Naqš-e Dowlat dar Ta'min-e Mālī-ye Kord-e Mo'tāraf va Eslāmī bā Ta'kid bar Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Irān [Comparative Study of the Government's Role in Conventional and Islamic Microfinance with Emphasis on the Islamic Republic of Iran]. *Eqtešād-e Eslāmī [Islamic Economics]*, 23(92), pp. 53-90 [in Persian].
- 35) Shahīdinasab, Moṣṭafā; Mūsaviān, Seyyed 'Abbās; & Negāresh, Ḥamid (1401 SH/2022). Barrasi-ye Taṭbiqī-ye Ta'sir-e Barnāmeḥ-hā-ye Ta'min-e Mālī-ye Kord dar Irān va Jahān bā Ta'kid bar Kešvarhā-ye Eslāmī [Comparative Study of the Impact of Microfinance Programs in Iran and Globally with Emphasis on Islamic Countries]. *Eqtešād-e Eslāmī [Islamic Economics]*, 22(87), pp. 23-64 [in Persian].
- 36) Shahīdinasab, Moṣṭafā; & Mūsaviān, Seyyed 'Abbās (1401 SH/2022). Tarāḥī-ye Model-hā-ye Būmī va 'Amaliāti-ye Ta'min-e Mālī-ye Kord-e Eslāmī [Designing Indigenous and Operational Models for Islamic Microfinance]. *Eqtešād-e Eslāmī [Islamic Economics]*, 21(84), pp. 5-43 [in Persian].
- 37) Sultonovich, T. A. (2023). Economic Essentials of Islamic Microfinance and Importance in Poverty Reduction. *Periodica Journal of Modern Philosophy, Social Sciences and Humanities*, 14, 52-
- 38) Tamanni, L., & Haji Besar, M. H. A. (2019). Profitability vs Poverty Alleviation: has Banking Logic Influences Islamic Microfinance Institutions?. *Accounting Research*, 4(2), 260-279.
- 39) Taftiyān, Akram; & Bāqīnasab, Farzād (1402 SH/2023). Barrasi-ye Rabṭ-e Savād-e Mālī va Maziyat-e Reqābatī dar Sherkat-hā-ye Kūchak va Motavasset (SMEs) bā Ta'kid bar Estrāteji-ye Kahesh-e Risk-e Tejāri [Investigating the Relationship between Financial Literacy and Competitive Advantage in SMEs with Emphasis on Business Risk Reduction Strategy]. *Towsee'eh va Sarmāyeh [Development and Capital]*, 8(1), pp. 167-187 [in Persian].

- 40) Taftiyan, A. & Alipour, R. (1402 SH/ 2022). Challenges and Opportunities in Islamic Financial Technology. "Islamic Finance Researches" (IFR), 11(2), 837-874. DOI: [10.30497/ifr.2023.243589.1737](https://doi.org/10.30497/ifr.2023.243589.1737) [in Persian].
- 41) Taftiyan, A. & Noor Mohammadi, F. (1402 SH/ 2023). Identifying the Dimensions and Components of the Executive Requirements of Islamic Microfinance. "Islamic Finance Researches" (IFR), 12(4), 795-828. DOI: [10.30497/ifr.2024.244444.1830](https://doi.org/10.30497/ifr.2024.244444.1830) [in Persian].
- 42) Tijani, I. M., Hassan, R., & Nasir, W. A. S. B. A. (2020). Shariah Governance for Islamic Microfinance Industry (Tadbir Urus bagi Industri Kewangan Mikro Islam). *Islam in Asia* (E-ISSN 2289-8077), 17(2), 143-161.
- 43) Triyowati, H., & Masnita, Y. (2016). The Role of Financial Inclusion Movement for Development of Micro And Small Enterprises (MSES), Entrepreneurship And Poverty Alleviation. *Technical Research and Application*, 4(1), 71-76.
- 44) Qelich, W. & Taheri, M. (1401 SH/ 2021). Designing a New Model of Islamic Micro-Financing in Iranian Banking System (Based on Mandate, Qarz al-Hasan and Murabaha Contract). "Islamic Finance Researches" (IFR), 10(2), 539-572. DOI: [10.30497/ifr.2021.240367.1598](https://doi.org/10.30497/ifr.2021.240367.1598) [in Persian].
- 45) Qolich, Vahhāb; & Kvānsārī, Rasūl (1400 SH/2021). Tahlīl-e Qābelīyat-e 'Oqūd-e Entefā'ī dar Nezām-e Ta'mīn-e Mālī-ye Kord-e Eslāmī bā Estefādeh az Ravesh-e TOPSIS-e Fāzī [Analyzing the Applicability of Beneficial Contracts in the Islamic Microfinance System Using Fuzzy TOPSIS Method]. *Barrasī-ye Masā'el-e Eqtesād-e Irān* [Review of Iranian Economic Issues], 7(1), pp. 211-244 [in Persian].
- 46) Zarī'eh Moḥammad-'Alī, Fā'ezeḥ; Nāhidī Amīrkhīz, Moḥammad-Rezā; Pāytaḳtī Oskū'ī, 'Alī; & Ranjpūr, Rezā (1402 SH/2023). Tahlīl-e Ta'sīr-e Abzārḥā-ye Ta'mīn-e Mālī-ye Eslāmī bar Sīāsat-hā-ye Pūlī dar Irān bar Asās-e Qā'edeye Taylor: Rūkard-e Quantile [Analyzing the Impact of Islamic Financial Instruments on Monetary Policies in Iran Based on Taylor's Rule: A Quantile Approach]. *Eqtesād va Bānkdarī-ye Eslāmī* [Islamic Economics and Banking], 12(42), pp. 273-301 [in Persian].
- 47) Zarūkī, Shahriyār; Yadollāhī Aṭāqsarā, Mastāneh; Tavasoli-nīā, 'Alī; & Saḥāb Koḍāmorādī, Mortazā (1402 SH/2023). Tahlīl-e Asar-e Ta'mīn-e Mālī-ye Kord bar Feqre Kānawādh-hā-ye Shahri va Rūstā'ī dar Irān [Analyzing the Effect of Microfinance on Urban and Rural Household Poverty in Iran]. *Motāle'āt va Sīāsat-hā-ye Eqtesādī* [Economic Studies and Policies], 10(1), pp. 199-218 [in Persian].
- 48) Zhang, Q. (2017). Does Microfinance Reduce Poverty? Some International Evidence. *The BE Journal of Macroeconomics*, 17(2), 20160011.

Jurisprudential Analysis of Insider Trading in the Capital Market of the Islamic Republic of Iran

Author: Seyed Mohammad Ali Torabi | Mohammad Tohidi | Golam Reza Mesbahi Moghadam

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247439.1934>

تحلیل فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در بازار سرمایه ایران
نویسندگان: سیدمحمدعلی ترابی | محمد توحیدی | غلامرضا مصباحی مقدم
پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247439.1934>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Jurisprudential Analysis of Insider Trading in the Capital Market of the Islamic Republic of Iran

Seyed Mohammad Ali Torabi: PhD Student, Financial Management, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

ma.torabi@isu.ac.ir | 0009-0006-8227-5121

Mohammad Tohidi: Faculty Member, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

tohidi@isu.ac.ir | 0000-0002-1289-1256

Golam Reza Mesbahi Moghadam: Faculty Member, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

gh.mesbahi@isu.ac.ir | 0000-0003-2646-9010

Abstract

1. Introduction and Objective

Inside information is important and confidential information that, if publicly disclosed, would affect the price of securities or investors' decisions to trade securities. Individuals who use this information can buy securities at lower prices or sell them at higher prices before this information affects the price and, after the information is publicly disclosed, make a profit or prevent their loss. Inside information is defined in the capital market regulations of each country based on the conditions and requirements, and these definitions are very similar to a large extent. Inside information, according to Article 1, Clause 32 of the Securities Market Law of the Islamic Republic of Iran, is defined as "any information not disclosed to the public that directly or indirectly relates to securities, transactions or their issuer and, if published, would affect the price or decision of investors to trade securities." Most countries have not specified examples of inside information in their laws and regulations and have assessed the application of examples to the concept within the competence of the capital market supervisory body and the courts. However, for example, events leading to fundamental changes in the company's profits, the process of merger, acquisition or liquidation, major legal claims, major changes in shareholder ownership, major and influential events, etc., are among

the examples of this information mentioned in the regulations of some countries. Given that inside trading have so far been less studied from a jurisprudential perspective, and its various dimensions from a jurisprudential perspective and the policies of the supervisory body in dealing with these transactions have not been fully explained, this study aims to respond to this issue and determine the relevant validity and mandatory rulings, and has conducted a jurisprudential analysis of these transactions from the perspective of individual jurisprudence and governmental jurisprudence.

2. Method and Materials

In this research, the multi-level ijtehad method has been used to analyze the insider trading. based on the method, first a thematic analysis conducted, and then the jurisprudence dimensions of the subject were identified and insider trading was analyzed from the perspective of individual and governmental jurisprudence. In the jurisprudence analysis, using a descriptive-analytical method, these transactions were examined and compared with various and related jurisprudence principals including the rule of falsehood and incorrect possession of property, no loss principle, misrepresentation, fraud, incorrect possession of deposits, betrayal of trust, preservation of system, justice and expediency. In the next stage, challenging cases were consulted with jurists, and finally, the jurisprudential analysis was conducted along with the responses to the consultations in a focus group of economic jurisprudents. A focus group is a type of in-depth interview in a group, the most important feature of which is the possibility of interaction between members within the group. Group members influence each other with their answers to questions and their contributions during the discussion. The group moderator guides the discussion with his/her comments or points, and the basic data produced by this method is obtained from the implementation of group discussions and the group moderator's summaries.

3. Research Findings

Based on the results of the study, at the individual jurisprudence level, the execution of these transactions by both groups of insider information holders is an example of the rule of prohibition of falsely acquiring wealth. In addition, the execution of these transactions by

the holders of primary insider information causes losses for all shareholders of the company and will be invalid and forbidden according to the rule of no loss. Other jurisprudential rules examined at the level of individual jurisprudence do not result in a ruling that these transactions are invalid, but given the existence of fraud, unauthorized possession of the deposit, and betrayal of trust in some circumstances, the person with confidential information has committed a forbidden act, and the person without information will have the option of termination. In the jurisprudential analysis at the governmental level, according to the results of the research, the prevalence of these transactions will weaken the economic system of the Islamic society and cause harm to the entire capital market and abuse of public rights; therefore, the transactions are invalid and forbidden due to the failure to observe the rule of maintaining order and harm at the governmental level. Other jurisprudential rules examined at the level of governmental jurisprudence do not result in a ruling that these transactions are invalid, but the failure to observe the rules of justice and expediency due to the prevalence of these transactions can lead to the issuance of a mandatory prohibition order.

4. Discussion and Conclusion

Based on research the misrepresentation proves the option of cancellation, and fraud causes loss compensation. Comparing these transactions with incorrect possession of deposits and betrayal of trust provides the possibility of dismissing the managers who conduct inside trading. Failure to observe justice and expediency with the prevalence of these transactions does not have an effect on the Transaction authenticity and leads to obligatory prohibition. Based on the summary, insider trading is void and tabu at the level of individual jurisprudence based on the rules of incorrect possession of property and no loss principle and at the level of governmental jurisprudence based on the rules of preservation of system and no loss principle.

5. Acknowledgments

Finally, I would like to express my deepest gratitude and appreciation to the esteemed Chairman of the Fiqh Committee of the Islamic Republic of Iran Securities and Exchange Organization, Ayatollah Dr. Mesbahi Moghadam, and the esteemed members of the affiliated Fiqh

Subcommittee, Ayatollah Abolghasem Alidoost, Hojjatoleslam Dr. Majid Rezaei, Dr. Mahmoud Hekmatnia, Hojjatoleslam Jafar Najafi Bostan, Hojjatoleslam Dr. Gholamali Masouminia, Hojjatoleslam Seyyed Mohammad Taqi Alavi Faridani, Hojjatoleslam Dr. Seyyed Abdul Muttalib Ahmadzadeh Bazaz, and Hojjatoleslam Dr. Seyyed Hadi Arabi, who accepted the effort as members of the focus group of this research.

6. Keywords

Insider Trading; Individual Jurisprudence; Governmental Jurisprudence; Capital Market.

7. JEL Classification: G14, G18, G28.

تحلیل فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در بازار سرمایه ایران

سیدمحمدعلی ترابی: دانشجوی دکتری، مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ma.torabi@isu.ac.ir

محمد توحیدی: عضو هیأت علمی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. tohidi@isu.ac.ir

غلامرضا مصباحی مقدم: عضو هیأت علمی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران gh.mesbahi@isu.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف: اطلاعات نهانی، اطلاعات بااهمیت و محرمانه‌ای است که در صورت انتشار عمومی، بر قیمت اوراق بهادار و یا تصمیم سرمایه‌گذاران برای معامله اوراق بهادار تأثیر می‌گذارد. اشخاصی که از این اطلاعات استفاده نمایند می‌توانند قبل از تأثیرگذاری اطلاعات بر قیمت، اوراق بهادار را در قیمت‌های پایین‌تر خریداری نموده یا در قیمت‌های بالاتر بفروشند و پس از انتشار عمومی اطلاعات، کسب سود نموده یا از زیان خود جلوگیری کنند.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش جهت تحلیل فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از روش اجتهاد چندسطحی استفاده شده است. بر این اساس ابتدا موضوع‌شناسی این معاملات انجام شده و پس از آن ابعاد فقهی موضوع، شناسایی شده و این معاملات با روش توصیفی تحلیلی از جنبه فقه فردی و فقه حکومتی تحلیل گردیده است. در تحلیل فقهی به بررسی و تطبیق معاملات یادشده با قواعد و عقود فقهی مرتبط پرداخته شده است. در مرحله بعد موارد مبهم و چالش‌برانگیز از مراجع تقلید و فقها استفتاء شده و درنهایت تحلیل فقهی به همراه پاسخ استفتائات در گروه کانونی صاحب‌نظران فقه اقتصادی بررسی گردیده است.

یافته‌های تحقیق: براساس نتایج پژوهش وجود تدلیس در این معاملات موجب ثبوت خیار تدلیس و وجود غرور موجب ضمان می‌گردد. تطبیق این معاملات با تصرف غیرمجاز در ودیعه و خیانت‌درامانت امکان عزل مدیران مرتکب این معاملات توسط سهامداران را فراهم می‌نماید. عدم رعایت عدالت و مصلحت با رواج این معاملات در حکم وضعی تأثیری نداشته و موجب حرمت تکلیفی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: براساس جمع‌بندی انجام‌شده حکم وضعی و تکلیفی معاملات یادشده در سطح فقه فردی به استناد قواعد اکل مال به باطل و لاضرر و در سطح فقه حکومتی به استناد قواعد حفظ نظام و لاضرر باطل و حرام است.

واژگان کلیدی: معاملات متکی بر اطلاعات نهانی؛ فقه حکومتی؛ فقه فردی؛ بازار سرمایه.

مقدمه

انجام معاملات متکی بر اطلاعات نهانی ازجمله مسائل مهم و چالش برانگیز در بازار سرمایه کشور ایران به شمار می‌رود که تاکنون کمتر از منظر فقهی مورد بررسی قرار گرفته است و ابعاد مختلف آن از جنبه فقهی و سیاست‌های نهاد ناظر در مواجهه با این معاملات به طور کامل تبیین نشده است. به طور کلی قوانین موجود در کشور ایران، به ممنوعیت معاملات متکی بر اطلاعات نهانی پرداخته است، اما احکام وضعی و تکلیفی فقهی در این زمینه به روشنی مشخص نشده و سیاست مناسب در صورت کشف این معاملات از نظر صحت یا بطلان، خيار فسخ و مسئولیت جبران خسارت یا زیان احتمالی نیز نامشخص است. همچنین توجه به ابعاد فقه حکومتی مانند حفظ نظام، عدالت، مصلحت و... نیز در تعیین سیاست‌های پیشنهادی نهاد ناظر بازار سرمایه تأثیرگذار است که تاکنون به بررسی آثار آن در مباحث مالی و سرمایه‌گذاری توجه شایانی نشده است؛ بنابراین در این پژوهش برای پاسخ‌گویی به مسأله مطرح شده و تعیین حکم وضعی و تکلیفی به تحلیل فقهی این معاملات از جنبه فقه فردی و فقه حکومتی پرداخته شده است. ساختار کلی این پژوهش از دو بخش اصلی «موضوع‌شناسی» و «تحلیل فقهی با استفاده از روش پژوهش اجتهاد چند سطحی»، تشکیل شده است.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. تعریف اطلاعات نهانی

اطلاعات نهانی در مقررات بازار سرمایه هر کشور براساس شرایط و اقتضائات تعریف شده‌اند که این تعاریف تا حد بسیار زیادی مشابه هستند. در اینجا تعریف اطلاعات نهانی در قوانین کشور ایران و اتحادیه اروپا بیان شده است. اطلاعات نهانی، طبق تعریف قانون‌گذار در بند (۳۲) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار، به‌عنوان «هرگونه اطلاعات افشاء نشده برای عموم که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می‌شود و در صورت انتشار، بر قیمت یا تصمیم سرمایه‌گذاران برای معامله

اوراق بهادار تأثیر می‌گذارد» معرفی شده است. اطلاعات نهانی براساس تعریف اتحادیه اروپا در ماده (۷) قانون سوءاستفاده از بازار اوراق بهادار^۱، شامل موارد ذیل می‌شود:

الف) اطلاعات با ماهیت دقیق که به ناشر اوراق بهادار، ابزار مالی یا مشتقات کالایی مربوط شده و به صورت عمومی منتشر نشده است و در صورت انتشار عمومی، تأثیر قابل توجهی بر قیمت ابزارهای مالی خواهد داشت؛

ب) در رابطه با مشتقات کالایی، اطلاعات با ماهیت دقیق که به صورت عمومی منتشر نشده است و به ابزار مشتقه یا قرارداد نقدی کالا مربوط می‌شود و در صورت انتشار عمومی تأثیر قابل توجهی بر قیمت‌های مشتقات یا قراردادهای نقدی کالاهای مربوطه دارد؛

ج) در رابطه با افرادی که مسئولیت اجرای سفارش‌های مربوط به ابزارهای مالی را بر عهده دارند، اطلاعات مربوط به سفارش‌های در حال اجرای مشتریان در ابزارهای مالی که ماهیت دقیقی دارد و به ناشر یا ابزار مالی مربوط می‌شود و به صورت عمومی منتشر نشده و در صورت انتشار عمومی، تأثیر قابل توجهی بر قیمت آن ابزارهای مالی، خواهد داشت.

با توجه به تعاریف بیان شده در خصوص اطلاعات نهانی، اکثر کشورها مصادیق اطلاعات نهانی را در قوانین و مقررات خود مشخص نموده‌اند و تطبیق مصادیق بر مفهوم را در صلاحیت نهاد ناظر بازار سرمایه و دادگاه‌ها ارزیابی نموده‌اند. باین حال به عنوان نمونه وقایع منجر به تغییرات اساسی در سود شرکت، فرآیند ادغام، تملک یا انحلال، دعاوی حقوقی مهم، تغییرات مهم سهامداری، حوادث مهم و اثرگذار و... ازجمله مصادیق این اطلاعات در مقررات برخی کشورها ذکر شده است (OICU-IOSCO, 2003, p. 35).

۲-۱. انواع دارندگان اطلاعات نهانی

دارندگان اطلاعات نهانی به طور کلی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف) دارندگان اطلاعات نهانی اولیه: این گروه شامل اعضای هیأت‌مدیره، بازرسان و بخش اجرایی ناشران اوراق بهادار است که به‌طور مستقیم و عمدتاً براساس وظایف خود به اطلاعات نهانی دسترسی دارند.

ب) دارندگان اطلاعات نهانی ثانویه: این افراد کسانی هستند که اطلاعات نهانی را از دیگران و نه لزوماً از یک دارنده اطلاعات نهانی اولیه، دریافت می‌کنند. آن‌ها ممکن است این اطلاعات را به دلیل ارتباط خاص با شخصی که دارای اطلاعات نهانی است یا در شرایط استثنایی از دیگر دارندگان اطلاعات نهانی به‌طور تصادفی دریافت کنند (توحیدی، ۱۳۹۸، صص. ۶-۷).

۳-۱. موافقان و مخالفان معاملات متکی بر اطلاعات نهانی

متعاقب بحران مالی سال ۱۹۲۹ میلادی و سقوط شدید بازار سهام، آمریکا به‌عنوان اولین کشور انجام معاملات متکی بر اطلاعات نهانی را ممنوع اعلام نمود^۲ و پس‌از آن به‌تدریج اکثریت کشورها، ممنوع بودن این معاملات را به قوانین خود اضافه نمودند^۳. معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از زمان وضع اولین محدودیت‌ها در سال ۱۹۳۳ همواره مورد بحث و اختلاف نظر میان دانشمندان علوم مالی بوده است. اکثر محققانی که به بررسی این معاملات پرداخته‌اند، به دو مکتب فکری اصلی، یعنی موافقان و مخالفان تنظیم‌گری این‌گونه معاملات، تقسیم می‌شوند. در این میان، محققان در خصوص اولویت مزایا یا معایب این معاملات و لزوم یا عدم لزوم تنظیم‌گری آن مباحث زیادی را مطرح کرده‌اند. همچنین، در مورد منافع و ضررهای این‌گونه معاملات برای سهامداران شرکت‌ها نیز بحث‌های فراوانی در محافل علمی مالی صورت گرفته و تاکنون جمع‌بندی مشخصی در این خصوص ارائه نشده است.

موافقان این معاملات، استدلال‌های مختلفی در این رابطه ارائه نموده‌اند که عبارتند از:

2. <https://www.sec.gov/news/speech/speecharchive/1998/spch221.htm>

۳. بتاچاریا و داوک (۲۰۰۲م) با مطالعه بر روی ۱۰۳ کشور دارای بازار سهام نشان می‌دهند که قوانین معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در ۸۷ کشور وجود دارد، اما اجرای آن براساس آمار پیگرد قانونی، فقط در ۳۸ کشور اجرا شده است.

- مان^۴ (۱۹۶۶م) این معاملات را موجب کارایی اطلاعاتی بازار، واقعی شدن قیمت اوراق بهادار، جبران خدمات مدیران شرکت، همسویی منافع مدیران و سهامداران و ثبات بازار سهام ذکر نموده و معتقد است این معاملات ضرری به سرمایه‌گذاران بلندمدت وارد نمی‌کند.
- کارلتون و فیشل^۵ (۱۹۸۳م) این معاملات را به‌عنوان ابزار انتقال برخی اطلاعات از طریق مدیران شرکت به سهامداران و موجب واقعی شدن قیمت سهام شرکت ذکر نموده‌اند.
- هرزل و کاتز^۶ (۱۹۸۷م) معتقدند واقعی شدن قیمت اوراق بهادار در اثر اعمال اثر اطلاعات محرمانه به نفع کل سهامداران بوده و استفاده از این اطلاعات ضرری را به دیگران وارد نخواهد کرد، بلکه برای ایشان مفید خواهد بود.
- هادوک و میسی^۷ (۱۹۸۷م) معتقدند هیچ‌گونه زیانی به اشخاص فاقد اطلاعات نهانی وارد نمی‌شود چون آن‌ها به‌هرحال قصد خرید یا فروش سهام خود را دارند و فرقی نمی‌کند که شخص مقابل آن‌ها دارای اطلاعات نهانی باشد یا خیر. همچنین در این شرایط به دلیل ورود عرضه یا تقاضای مازاد دارندگان اطلاعات نهانی، اشخاص فاقد اطلاعات نهانی باقیمت بهتری نسبت به حالت عادی سهام می‌خرند یا می‌فروشند.
- میسی^۸ (۱۹۹۱م) و برگمانز^۹ (۱۹۹۱م) استدلال می‌کنند که اطلاعات نهانی دارایی است که متعلق به شرکت بوده و می‌توان از آن برای جبران خدمات مدیران، افزایش انگیزه‌ها، نوآوری‌های مدیریتی و افزایش تمایل ریسک‌پذیری ایشان (که منجر به خلق ارزش افزوده اقتصادی می‌شود) استفاده کرد.
- لئلند^{۱۰} (۱۹۹۲م) این معاملات را دارای برخی مزایا (مانند بهبود کارایی اطلاعاتی قیمت‌ها) و برخی معایب (مانند کاهش نقدینگی و ضررهای رفاهی اشخاص فاقد

4. Manne

5. Carlton & Fischel

6. Herzel, Leo & Katz

7. Haddock & macey

8. Macey

9. Bergmans

10. Leland

اطلاعات نهانی) عنوان می‌کند. اگر سرمایه‌گذاری حساسیت بالایی (کم) به قیمت سهام داشته باشد رفاه کل افزایش می‌یابد (کاهش می‌یابد) زیرا سود حاصل از کارایی سرمایه‌گذاری خسارات رفاهی افراد فاقد اطلاعات نهانی را جبران می‌کند.

○ فیشر^{۱۱} (۱۹۹۲م) با پذیرش استدلال‌هایمان (۱۹۶۶م)، این معاملات را به‌عنوان سازوکار جبران خدمات در یک چارچوب قراردادی بهینه بین مدیران و سهامداران مدل‌سازی نموده است.

○ بتاچاریا و نیکودانو^{۱۲} (۲۰۰۱م) نشان می‌دهند، قیمت‌های سهام در اثر این معاملات، اطلاعات بهتر و دقیق‌تری را منعکس می‌کنند و در مدل‌های کلی‌تر با اشتراک‌گذاری ریسک در مدل، انجام معاملات متکی بر اطلاعات نهانی موجب افزایش رفاه دارندگان اطلاعات نهانی خواهد شد.

در مقابل **مخالفان این معاملات** نیز استدلال‌های خود را ارائه نموده‌اند:

- اسکاتلند^{۱۳} (۱۹۶۷م) آزاد بودن این معاملات را موجب افزایش انگیزه تأخیر در افشای اطلاعات، ایجاد مخاطرات اخلاقی ناشی از کسب سود مدیران با استفاده از اطلاعات نهانی نامطلوب و افزایش احتمال انتشار اخبار نادرست توسط مدیران ذکر نموده است.
- ایروین^{۱۴} (۱۹۸۷م) با اعلام اطلاعات نهانی به‌عنوان دارایی‌های نامشهود شرکت، هرگونه سوءاستفاده دیگران از اطلاعات نهانی را به‌منزله سرقت اموال شرکت معرفی می‌نماید.
- کینگ، رول، کی و وایپلوز^{۱۵} (۱۹۸۸م) این معاملات را موجب زیان سرمایه‌گذاران فاقد اطلاعات نهانی، خروج عموم سرمایه‌گذاران از بازار سرمایه و افزایش شکاف بین پیشنهادها و خرید و فروش بازاسازان به‌منظور تحمل ریسک ناشی از زیان‌های احتمالی معامله با دارندگان اطلاعات نهانی (که دارای مزیت اطلاعاتی هستند) دانسته -

11. Fischer

12. Bhattacharya & Nicodano

13. Schotland

14. Irvine

15. King, Roell, Kay & Wyplosz

اند. همچنین ایشان معتقدند دارندگان اطلاعات نهانی از سودهای غیرعادی مداومی بهره می‌برند که به قیمت ضرر اشخاص فاقد اطلاعات نهانی تمام می‌شود و این معاملات یک بازی با مجموع صفر است که در آن سود کسب‌شده توسط دارندگان اطلاعات نهانی منجر به زیان سایر سرمایه‌گذاران یا به‌طورکلی خروج ایشان از بازار سرمایه خواهد شد.

- مانوو^{۱۶} (۱۹۸۹م) معتقد است، سهامداران فعلی از کاهش ارزش سهام خود متضرر می‌شوند زیرا سهامداران آینده با علم به وجود این معاملات، مایل به خرید سهام آتی صرفاً در صورت ارائه تخفیف خواهند بود؛ بنابراین افزایش رفا دارند اطلاعات نهانی در اثر معاملات متکی بر اطلاعات نهانی با کاهش قیمت سهام در آینده جبران خواهد شد. همچنین سود دارندگان اطلاعات نهانی در این معاملات ناشی از تحمیل زیان به سرمایه‌گذاران نهادی است که در مقابل آن‌ها به معامله می‌پردازند. لذا این معاملات موجب دلسردی این سرمایه‌گذاران و کاهش کارایی عملکرد ایشان خواهد شد.
- آسوبل^{۱۷} (۱۹۹۰م) ممنوع شدن این معاملات را موجب افزایش اعتماد عمومی، انصاف و مشارکت در بازارها و امکان افزایش تأمین مالی از بازار سرمایه دانسته است.
- ماسون و مدهاوان^{۱۸} (۱۹۹۱م) نشان می‌دهند که این معاملات هزینه حقوق صاحبان سهام را افزایش و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.
- کلاک^{۱۹} (۱۹۹۳م) رواج این معاملات را موجب کاهش رقابت^{۲۰}، افزایش هزینه‌های معاملاتی و کاهش نقدشوندگی در بازار سرمایه عنوان نموده است.

16. Manove

17. Ausubel

18. Masson & Madhavan

19. Klock

۲۰. کاهش رقابت توسط فیشمن و هگرتی (۱۹۹۲م) نیز مطرح گردیده است. بر این اساس معاملات متکی بر اطلاعات نهانی موجب می‌شود، معامله‌گران حرفه‌ای یا تحلیلگران بازار از تولید اطلاعات تحلیلی صرف‌نظر نموده و به دنبال معامله متکی بر اطلاعات نهانی باشند، که این امر منجر به رقابت کمتر و به‌طورکلی بازارهای کمتر آگاهانه خواهد شد.

- لاپورتا و ديگران^{۲۱} (۱۹۹۸م) مجاز بودن اين معاملات را موجب افزايش مزايای خصوصي مديران و ضرر سهامداران خرد دانسته‌اند که اين امر حاکميت شرکتي را تضعيف نموده و متعاقب آن ارزش شرکت کاهش می‌يابد.
- ماوگ^{۲۲} (۲۰۰۲م) مجاز بودن اين معاملات را موجب کاهش نظارت سهامداران عمده بر مديران شرکت از جهت امکان انتقال اطلاعات نهانی از مديران به سهامداران عمده ذکر نموده است.
- ايزلي و اوهارا^{۲۳} (۲۰۰۴م) نشان می‌دهند که اين معاملات هزينه سرمايه را افزايش می‌دهد.
- انگلن و ليدکرک^{۲۴} (۲۰۰۶م) معتقدند کليه مشارکت‌کنندگان در بازار سرمايه بايد از اطلاعات مساوی و یکسان در تصميم‌گيري معاملات خود برخوردار باشند لذا ممنوعيت اين معاملات موجب افزايش مشارکت و افزايش اعتماد در بازار سرمايه خواهد شد.

۴-۱. پيشينه پژوهش

در خصوص تحليل فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی تاکنون مطالعات اندکی انجام گردیده و عمدتاً بررسی معاملات مذکور از جنبه حقوقی و کيفری انجام شده است. سوابق مطالعات داخلی مرتبط با مقاله حاضر به شرح ذيل ارائه شده است:

نصیری، عيشائی تفرشی و قربانی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به تطبيق مقررات قانون بازار اوراق بهادار با حقوق آمریکا در رابطه با اين معاملات پرداخته‌اند و نشان می‌دهند که قانون بازار در اين زمينه دارای نقص‌هایی است که بايد اصلاح شود.

جنیدی و نوروزی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای بيان داشتند نخستين گام در جلوگیری از سوءاستفاده دارندگان اطلاعات نهانی از اين اطلاعات شناخت آن‌هاست و در مطالعه خود به دنبال شناخت و بررسی تفصيلی دارندگان اين اطلاعات بوده‌اند.

21. Laporta et al

22. Maug

23. Easley & O'Hara

24. Engelen & Liedekerke

میرزایی منفرد (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای دلیل جرم‌انگاری این معاملات و تعیین مجازات کیفری برای مرتکب آن را خیانت‌درامانت نسبت به اطلاعات در اختیار و اضرار به سایر فعالان بازار به دلیل عدم آگاهی ایشان از اطلاعات منجر به خرید سهام در قیمت بالا و یا فروش در قیمت پایین عنوان نموده است.

شریفی و بهشتی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی سابقه تاریخی ممنوعیت این معاملات و اشاره به ممنوعیت‌های قابل‌اعمال بر دارندگان اطلاعات در مقررات اتحادیه اروپا و نظام‌های حقوقی کشورهای انگلیس، فرانسه و ایران پرداخته‌اند.

سهایی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای قائل به بطلان این معاملات به علت فقدان اهلیت دارنده اطلاعات نهانی و همچنین غری بودن معامله به دلیل جهل طرف معامله به مورد معامله و مسئولیت مدنی سوءاستفاده کننده از اطلاعات نهانی به علت انتساب بطلان معامله به وی و مسئولیت کیفری او به دلیل وجود تمام عناصر متشکله جرم در عمل ارتكابی هست.

شبانی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای قائل به صحت این معاملات بوده و معتقد است در صورت وقوع چنین جرمی، جبران خسارت توسط عامل زیان ضروری است.

جمالی، آقامیری، عابدینی سعدآباد و سلیمان دهکردی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای دلیل جرم‌انگاری این معاملات را انتشار اطلاعات در خارج از مواعد مقرر و برای اشخاص فاقد صلاحیت ذکر نموده‌اند که موجب رانت‌خواری، بی‌اعتمادی و یاس در فعالان بازار سرمایه می‌شود.

حقوقی اصفهانی (۱۳۹۷) قائل به صحت این معاملات و قابلیت فسخ معاملات باتوجه به اختیارات مطرح‌شده و مسئولیت مدنی دارنده اطلاعات و لزوم جبران ضرر شخص زیان‌دیده است.

توحیدی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای ممنوعیت ضرر و ضرار، ممنوعیت تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال و خیانت‌درامانت را ازجمله دلایل برای ممنوعیت فقهی این معاملات ذکر نموده است.

مهری (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای در رابطه با مسئولیت مدنی دارنده اطلاعات نهانی به نظریه تقصیر، نقض رابطه امانی و استفاده ناروا استناد نموده و در نهایت استفاده ناروا را مبنای مسئولیت ناشی از افشای اطلاعات معرفی نموده است.

زاهدمنش، رجب‌زاده اصطهبانی و صادقی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای قواعدی همچون اکل مال به باطل در فقه و منع دارا شدن بلاجهت در حقوق موضوعه را بررسی نموده‌اند و معتقدند سببی که در نتیجه آن بر دارایی و اموال دارنده اطلاعات نهانی افزوده می‌شود سبب مشروع و قانونی نبوده و معامله باطل است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود؛ برخی از مطالعه‌های انجام‌شده در این حوزه، معاملات متکی بر اطلاعات نهانی را صرفاً از حیث حقوقی و کیفری مورد بررسی قرار داده‌اند و در برخی پژوهش‌ها نیز بررسی فقهی این معاملات صرفاً از جنبه فقه فردی مورد تحلیل قرار گرفته است. در مورد پژوهش‌های با رویکرد فقهی با توجه به عدم استفاده از روش پژوهش مناسب و عدم توجه به مبحث فقه حکومتی در تحلیل فقهی، نتایج مربوطه قابل نقد و خدشه است. با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای مسائل مالی اسلامی، از یک‌سو پژوهشگران مالی و اقتصاد اسلامی ممکن است تسلط کافی بر ظرافت‌های فقهی نداشته باشند و از سوی دیگر به علت گسترش و پیچیدگی علوم، موضوع‌شناسی دقیق و عمیق برای مراجع و فقها نیز دشوار باشد؛ در نتیجه در مطالعات فقهی مالی نمی‌توان به پاسخ استفتائی ساده که بسیاری از جزئیات اقتصادی در آن باز نشده است، اعتماد کرد. از این رو مناسب است با جمع‌نمودن گروهی از خبرگان فقه اقتصادی با روش دقیق‌تری به بررسی موضوعات پرداخته شود.

رویه فعلی در بازار سرمایه کشور ایران در مواجهه با این معاملات براساس ماده (۴۶) قانون بازار اوراق بهادار انجام می‌شود که بر این اساس در صورت اثبات وقوع این معاملات در مرجع قضایی، اشخاص مرتکب به مجازات مندرج در صدر ماده محکوم خواهند شد و با توجه به اینکه قانون یادشده در مورد صحت یا بطلان این معاملات اظهارنظری نداشته است، مراجع قضایی اصالت را بر صحت معامله قرار می‌دهند. همچنین در فرآیندهای نظارتی روزانه، در صورتی که تا پایان ساعت کاری هرروز، ظن قوی وقوع این معاملات توسط نهادهای نظارتی وجود داشته باشد، این نهادها می‌توانند

به موجب اختیارات مندرج در دستورالعمل نحوه انجام معاملات در بورس تهران/ فرابورس ایران، این معاملات را تأیید نمایند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش در دو بخش «موضوع‌شناسی» و «تحلیل فقهی از بعد فقه فردی و فقه حکومتی» انجام شده است. محققین ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های فارسی و لاتین به گردآوری اطلاعات مرتبط با معاملات متکی بر اطلاعات نهانی پرداخته و به روش توصیفی تحلیلی به دسته‌بندی، تحلیل و جمع‌بندی مطالب گردآوری‌شده و ارائه موضوع‌شناسی دقیقی از این معاملات پرداخته است. همچنین محققین موازین فقهی مرتبط با ابعاد مختلف این معاملات را از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌های معتبر فقهی استخراج و در مرحله بعد به روش توصیفی تحلیلی به تحلیل فقهی و تطبیق ابعاد مختلف این معاملات با موازین فقهی استخراج‌شده پرداخته است. در مرحله بعد برای افزایش روایی پژوهش مطابق روش اجتهاد چند سطحی، به استفتاء از مراجع تقلید و سایر فقها و پرسش از خبرگان فقه مالی به روش کانونی پرداخته خواهد شد. روش اجتهاد چند سطحی^{۲۵} مطابق روش پژوهش توحیدی (۱۳۹۶) متشکل از ۳ مرحله تحلیل فقهی توسط پژوهشگر، استفتاء از مراجع تقلید و فقها و استفاده از گروه کانونی^{۲۶} صاحب‌نظران فقه اقتصادی است. گروه کانونی نوعی مصاحبه عمیق در یک گروه بوده که مهم‌ترین ویژگی آن امکان تعامل اعضا درون گروه است. اعضای گروه با پاسخ‌های خود به سؤال‌ها و مشارکت‌هایشان در طول بحث، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ناظر گروه، بحث را با نظرات یا نکات خود هدایت نموده و داده‌های اساسی تولیدشده توسط این روش، از پیاده‌سازی بحث‌های گروهی و جمع‌بندی ناظر گروه به دست می‌آید (Freitas, Oliveira, Jenkins & Popjoy, 1998).

۲۵. ساختار شماتیک روش پژوهش اجتهاد چند سطحی در (پیوست ۱) قابل مشاهده است.

جامعه آماری در بخش استفتاء تمامی مراجع تقلید و سایر فقها دارای امکان ارسال استفتاء هستند که تقریباً تمام جامعه آماری (۲۰ تن از فقها و مراجع تقلید) مورد استفتاء قرار گرفت و درنهایت ۹ پاسخ دریافت شد. صاحب‌نظران فقه اقتصادی حاضر در جلسات گروه کانونی^{۲۷} از یک طرف آشنا به مباحث روز مالی و اقتصادی و از سوی دیگر مسلط به مباحث فقه مالی و اقتصادی هستند. جلسات گروه کانونی به صورت حضوری و در ۴ جلسه (مجموعاً ۸ ساعت) برگزار شد و محقق با توجه به نظرات مطرح شده در جلسات درنهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پیرامون این معاملات پرداخته است. با عنایت به اینکه در این پژوهش از ۲ گروه خبره استفاده شده مشخصات جمعیت‌شناختی این گروه‌ها به شرح جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول (۱): مشخصات جمعیت‌شناختی خبرگان مورد استفاده در پژوهش

ردیف	نوع خبره	سوابق	تحصیلات
۱	مراجع تقلید/ فقها (۹ نفر)	○ مراجع تقلید مورد تأیید جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ○ فقهای دارای دفتر استفتائات در ایران یا عراق.	○ خارج فقه و اصول.
۲	صاحب‌نظران فقه مالی (۸ نفر)	○ اساتید سطح عالی حوزه علمیه قم یا اعضای هیأت علمی دانشگاه. ○ همگی عضو کارگروه فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار. ○ همگی مسلط به مباحث فقه مالی و اقتصادی.	○ همگی خارج فقه و اصول. ○ همگی مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری.

۲۷. اعضای گروه کانونی این پژوهش آقایان آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست، حجت‌الاسلام دکتر مجید رضایی، دکتر محمود حکمت‌نیا، حجت‌الاسلام جعفر نجفی‌بستان، حجت‌الاسلام دکتر غلامعلی معصومی‌نیا، حجت‌الاسلام سیدمحمدتقی علوی فریدنی، حجت‌الاسلام دکتر سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز و حجت‌الاسلام دکتر سیدهادی عربی بوده‌اند.

۳. تحلیل معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از جنبه فقه فردی

۳-۱. تحلیل معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از جنبه ممنوعیت اکل مال به باطل

باطل منحصر به موارد خاص نیست، بلکه مفهوم وسیع و عامی دارد و هرگونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال دیگران، اموال عمومی و انفال و حتی تصرفات ناروا و غیرمشروع در اموال خویش و نیز کارهایی از قبیل ربا، رشوه، قمار، ظلم و ستم، غصب و... را در برمی گیرد زیرا باطل، در مقابل حق قرار دارد و هر چه غیر حق باشد، باطل به حساب می آید؛ بنابراین قاعده فقهی، معاملاتی که از دیدگاه عرف و عقلا یا از دیدگاه شرع اکل مال به باطل به حساب آیند باطل بوده و حرام شرعی است. با توجه به مجموع آیات و روایات مربوط به این قاعده و تنقیح مناط می توان گفت، هر نوع تصرف و تملک اموال دیگران که از دید عرف اکل مال به باطل باشد، از نظر شرع حرام خواهد بود؛ چه این بطلان به شکل معامله مستند باشد، چه به خصوصیتی در عوضین یا متعاملین مستند باشد چه به سببی غیرمعاملی مستند باشد (موسویان، ۱۳۹۱، صص ۱۰۰-۱۱۹).

با توجه به استفاده از مفاهیم شرط، قید و تعلیق در تطبیق این معاملات با قاعده اکل مال به باطل در ادامه اشاره مختصری به این مفاهیم شده است. در تفکیک میان شرط، قید و تعلیق می توان گفت شرط ضمنی آن است که سبب تعدد مطلوب در عقد می شود و عدم التزام به آن در حکم عدم التزام به عقد نیست. ولیکن تقيید، سبب وحدت مطلوب شده و عدم التزام به جزئی از آن در حکم عدم التزام به کل آن است. تعلیق نیز به مفهوم معلق نمودن عقد به شیء خارج از عقد است. تشخیص اینکه عدم استفاده از اطلاعات نهانی، شرط است یا تعلیق، موجب تفاوت در حکم می شود؛ زیرا فقها شرط در عقد را صحیح دانسته و تخلف از شرط را بنابر قول مشهور صرفاً موجب خیار می دانند؛ اما تعلیق را موجب بطلان عقد می دانند (خوئی و توحیدی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص. ۶۵). در مورد معاملات مورد بحث فرض بر آن است که ممنوعیت استفاده از اطلاعات نهانی آن قدر برای همه (عموم معامله کنندگان) روشن و واضح و مورد قبول است که این ممنوعیت را به صورت ارتکازی (شرط، قید یا تعلیق) درآمده است.

در بررسی لغوی اکل مال به باطل در صورتی که باء به معنی سببیت در نظر گرفته شود، مفهوم قاعده اکل مال به باطل آن است که در اموال یکدیگر به سبب یا روشی که از نظر

عرف یا شرع یا عقل باطل است تصرف نکنید. جهت تطبیق معاملات متکی بر اطلاعات نهانی با این قاعده، معاملات را به دو شکل می‌توان تصور کرد که یک‌شکل آن به دلیل استفاده دارنده اطلاعات نهانی از اطلاعات نهانی (سبب باطل) مصداق قاعده بوده و شکل دیگر آن مصداق قاعده نیست.

۱) در حالت اول معاملات در بازار سهام به این شکل تصور می‌شود که طرفین معامله عدم استفاده از اطلاعات نهانی را در قالب تعلیق در نظر داشته باشند به این مفهوم که معامله معلق به عدم استفاده از اطلاعات نهانی منعقد شود. در این حالت معامله متکی بر اطلاعات نهانی، معامله‌ای با سبب باطل (از جهت عمل برخلاف قید) بوده و مصداق اکل مال به باطل خواهد بود.

۲) در حالت دوم معاملات در بازار سهام به این شکل تصور می‌شود که طرفین معامله هرچند شرط عدم استفاده از اطلاعات نهانی را در معاملات خود مدنظر دارند ولی این شرط به صورت تعدد مطلوب مطرح شود. با احراز برداشت عرفی منجر به شرطیت ضمنی عدم استفاده از اطلاعات نهانی، معامله برخلاف شرط براساس نظر اکثریت فقها صحیح بوده و تخلف از شرط موجب ثبوت خیار فسخ می‌شود. در این حالت معامله مصداق اکل مال به باطل محسوب نمی‌شود.

۲-۳. تحلیل معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از جنبه ممنوعیت ضرر و ضرار

یکی از ضوابط عمومی اکثر ابواب فقه به‌ویژه باب معاملات قاعده نفی ضرر است. به این معنا که این قاعده بر معاملات و مبادلات عقلایی حاکم است و شرع مقدس اسلام تنها آن گروه از معاملات و مبادلات را تأیید می‌کند که اصل معامله، اطلاق معامله یا شرایط معامله باعث ضرر و ضرار نشود. در غیر این صورت به وسیله ضابطه نفی ضرر یا به بطلان معامله حکم می‌کند یا با آوردن قیودی معامله را به رعایت شرایطی مقید می‌کند و درجایی که ضرر از وجود شرایط ناشی شده باشد آن شرایط را الغا می‌کند (موسویان، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۰-۱۳۹). این قاعده در خصوص معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در دو سطح قابل بررسی است که سطح (الف) در اینجا و سطح (ب) در مبحث فقه حکومتی تحلیل شده است.

الف) بررسی ضرر و زیان برای شخص مقابل دارنده اطلاعات نهانی؛
ب) بررسی ضرر و زیان این معاملات برای نظام مالی و حکومت اسلامی.

با عنایت به بررسی ادبیات موضوع پژوهش در خصوص وقوع ضرر در معامله متکی بر اطلاعات نهانی دو نوع نظر وجود دارد. گروهی معتقدند دارنده اطلاعات نهانی با استفاده از اطلاعات خود در این معاملات موجب وارد آوردن ضرر به شخص مقابل خواهد شد در مقابل نیز گروهی معتقدند این معاملات عامل ضرر رساندن به شخص فاقد اطلاعات نهانی نیست. براساس بررسی نظرات گروه موافق و مخالف این معاملات، جمع‌بندی به شرح ذیل انجام شده و مشخص گردید که در سطح فقه فردی، به جز بخشی از مورد پنجم سایر موارد مصداق قاعده لاضرر نخواهد بود.

۱) وقوع این معاملات تأثیری در وضعیت سود یا زیان سهامداران بلندمدت ایجاد نمی‌کند.

۲) عامل وقوع ضرر برای اشخاص فاقد اطلاعات نهانی، نرسیدن زمان قانونی انتشار رسمی اطلاعات نهانی توسط شرکت یا تخلف شرکت (ناشر) در عدم انتشار به موقع اطلاعات است؛ بنابراین حتی در صورت عدم وقوع این معاملات، اطلاعات نهانی پس از انتشار رسمی تأثیر خود را در قیمت سهام می‌گذارد و زیان احتمالی سهامداران ناگزیر است؛ بنابراین ایجاد ضرر برای سهامداران ارتباطی با وقوع یا عدم وقوع این معاملات ندارد.

۳) این معاملات با لحاظ افزایش کارایی اطلاعاتی بازار و تأثیرگذاری اطلاعات محرمانه در قیمت سهام، امکان وقوع زیان ناشی از عدم کارایی بازار را کاهش می‌دهد.

۴) معامله‌گران فاقد اطلاعات نهانی در اثر ورود عرضه و تقاضای دارندگان اطلاعات نهانی امکان خرید یا فروش باقیمت بهتر را خواهند داشت و زیان احتمالی ایشان کاهش می‌یابد.

۵) در مواردی که این معاملات توسط مدیران در خلاف جهت منافع سهامداران باشد (مانند اقدام به فروش سهام توسط مدیران در زمان شکست خوردن شرکت در دعوای حقوقی) این معاملات با لحاظ تضعیف حاکمیت شرکتی و به تبع آن کاهش

ارزش شرکت (مطابق برخی تئوری‌ها)، منجر به ضرر سهامداران خواهد شد؛ بنابراین در این شرایط انجام معاملات توسط مدیران شرکت یا اشخاص دارای ارتباط با ایشان، مصداق اضرار به کلیه سهامداران شرکت و موجب ضمان خواهد بود. لذا براساس قاعده لاضرر، باید ضرر واردشده به سهامداران توسط دارندگان اطلاعات نهانی جبران شود. همچنین این معامله به استناد قاعده لاضرر و شمول این قاعده بر حکم تکلیفی و وضعی، باطل و حرام خواهد بود. در صورتی که این معاملات توسط دارندگان اطلاعات نهانی ثانویه انجام شود، اثرات فوق را نداشته و مصداق قاعده لاضرر نخواهد بود.

۳-۳. ممنوعیت تدلیس و غرور

تدلیس آن است که یکی از دو طرف عقد کارهای فریبنده و نیرنگ‌آمیز انجام دهد، یا این کارها با آگاهی او صورت گیرد و به سبب آن کارها، کالای مورد معامله یا شخص طرف عقد، فاقد عیب یا نقص موجود یا واجد کمال غیرموجود نمایانده شود و با اغوای طرف دیگر عقد، وی به انعقاد آن برانگیخته شود (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص. ۵۰۰؛ نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص. ۸۴۵؛ مامقانی، بی تا، ج ۱، ص. ۳۷۰؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص. ۸۰؛ زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص. ۲۱۸). در مورد سکوت از نقص مورد معامله، میان فقها اختلاف نظر است. برخی فقها نظیر امام خمینی^(ره) سکوت از عیب را تدلیس ندانسته و موجب خیار فسخ نمی‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ص. ۲۹۶). برخی فقها نیز قائل به این هستند که سکوت از بیان نقص نیز مصداق تدلیس محسوب می‌شود. صرف سکوت از نقص مورد معامله، اخفا محسوب نمی‌شود، بلکه باید اخفاکننده باوجود علم به نقص مورد عقد، نسبت به آن سکوت کند تا تدلیس صورت گیرد (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص. ۸۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص. ۱۰۳).

قاعده غرور تشابه زیادی با تدلیس دارد و از ادله آن برمی آید که این قاعده در مواردی وارد شده است که کسی با قول یا فعل از ناحیه دیگری مورد فریب قرار گرفته، دچار خسارت شده و به او ضرر رسیده است. در این هنگام به کسی که او را فریب داده مراجعه کرده و خسارت خود را از او می‌ستاند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۲۹۰).

برخی از فقها معتقدند غرور در صورت جهل به واقع و فقدان قصد فریب از طرف غار نیز تحقق یافته است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۴۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۲۹۱).

در این معاملات، دارنده اطلاعات نهانی از طریق سامانه معاملاتی بورس اقدام به معامله می نماید، لذا امکان فریب کاری مشابه معاملات حضوری و پوشاندن عیب و نقص وجود ندارد. باین حال شخص دارنده اطلاعات نهانی از باطن و ارزش واقعی اوراق بهادار مطلع است و شخص مقابل وی صرفاً از ظاهر (اطلاعات عمومی) اوراق بهادار اطلاع دارد. لذا در دو حالت ذیل این معاملات مصداق تدلیس و غرور است:

۱) دارنده اطلاعات نهانی پیش از انجام معامله یا در زمان انجام معامله با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله فضای مجازی، اقدام به انتشار اطلاعات خلاف واقع، فریب کاری و پوشاندن عیوب اوراق بهادار موردنظر خود نماید که در این شرایط در صورتی که شخص مقابل معامله، تحت تأثیر این اطلاعات متقلبانه قرار گیرد، معامله مصداق تدلیس و غرور است.

۲) در صورت سکوت دارنده اطلاعات نهانی نسبت به عیوب اوراق بهادار (که غالباً در بازار سرمایه به همین صورت است)، مطابق نظر برخی از فقها این اقدام مصداق تدلیس و غرور در معامله محسوب می شود.

در دو مورد فوق در صورت فریب خوردن شخص مقابل دارنده اطلاعات نهانی و اثبات قصد دارنده اطلاعات نهانی برای فریب دادن شخص مقابل خود، معامله باطل نمی شود و صرفاً شخص فریب خورده دارای خیار تدلیس خواهد بود و می تواند معامله را فسخ نماید. همچنین براساس قاعده غرور شخص ضرر دیده می تواند به غار مراجعه کرده و خسارت خود را از او دریافت نماید.

۴-۳. ممنوعیت تصرف در ودیعه و خیانت در امانت

برای ودیعه تعاریف متعددی ارائه شده است. ودیعه عقدی است که فایده آن قرار دادن دیگری بر جای خویش در نگهداری مال است. ودیعه به معنی جایگزین نمودن شخص دیگر به جای خود در حفظ اموال است. ودیعه این است که شخص چیزی را به امانت

نزد غیر گذارد و از وی بخواهد که آن را حفظ نماید (موسوی خمینی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص. ۶۳۴). قانون‌گذار کیفری تعریفی از جرم خیانت‌درامانت ارائه نداده، ولیکن حقوق‌دانان با توجه به مصادیق مذکور در ماده (۶۷۳) و (۶۷۴) قانون مجازات اسلامی خیانت‌درامانت را به عمل عمدی و برخلاف امانت امین به ضرر صاحب‌مال تعریف کرده‌اند (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۱۲۴).

براساس تعاریف ودیعه که در همه آن‌ها ودیعه یا امانت را به معنای سپردن اموال به دیگری به‌منظور نگهداری و حفاظت از آن ذکر نموده‌اند، می‌توان ارتباط بین مدیران یک شرکت و سهامداران آن را نیز نوعی ودیعه در نظر گرفت. به این صورت که سهامداران شرکت در مجمع شرکت، افرادی را انتخاب می‌نمایند و اموال و دارایی‌های شرکت را نزد ایشان به امانت می‌گذارند و این مدیران به نمایندگی از کلیه سهامداران مسئول نگهداری اموال شرکت هستند. هرچند در مجامع شرکت‌ها به شکل لفظی ایجاب و قبول عقد ودیعه ذکر نمی‌شود ولیکن همه سهامداران در ذهن خود این مفهوم را دارند که مدیران وظیفه‌دارند اموال شرکت را به احسن وجه نگهداری نموده و از تلف یا سوءاستفاده از آن جلوگیری نمایند که به مفهوم انعقاد عقد ودیعه به‌صورت معاطاتی بین مدیران و سهامداران شرکت است. همچنین از سوی دیگر مدیران شرکت وکیل سهامداران در اداره امور شرکت هستند و وکیل باید امانت‌دار بوده و برخلاف امانت اقدامی انجام ندهد.

اطلاعات نهانی مطابق برخی تئوری‌ها به‌عنوان دارایی نامشهود شرکت شناخته می‌شود (Irvine, 1987, p. 4)؛ بنابراین مدیران باید در حفظ و نگهداری این دارایی نیز مانند سایر دارایی‌ها اقدام نمایند. استفاده از این دارایی در جهت منافع شخصی براساس نظر عرف سهامداران با وظیفه حفاظت از این دارایی سازگار نبوده و برخلاف امانت و نوعی سوءاستفاده از موقعیت محسوب می‌شود که مصداق خیانت‌درامانت و تصرف غیرمجاز در ودیعه است. بنابر تحلیل انجام‌شده، انجام این نوع معاملات توسط مدیران عمل برخلاف مقتضای عقد وکالت و ودیعه بوده و با توجه به جایز بودن این عقود، سهامداران می‌توانند در صورت انجام این نوع معاملات، عقود را فسخ کرده و مدیران را عزل نمایند.

۳-۵. جمع بندی تحلیل فقهی در سطح فقه فردی

براساس تحلیل های ارائه شده، جمع بندی حکم فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از جهت تطبیق با ضوابط مختلف فقه فردی و حکم وضعی و تکلیفی به شرح جدول (۲) ارائه گردیده است.

جدول (۲): جمع بندی تحلیل فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در سطح فقه فردی

ردیف	عنوان فقهی	انجام معامله توسط دارنده اطلاعات نهانی اولیه	انجام معامله توسط دارنده اطلاعات نهانی ثانویه
۱	اکل مال به باطل	وجود شرط ضمنی به صورت وحدت مطلوب یا تعلیق عقد به عدم استفاده از اطلاعات نهانی، مصداق قاعده بوده و معامله باطل و حرام است.	
۲	ضرر و ضرار	انجام معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در خلاف جهت منافع سهامداران مصداق قاعده بوده و معامله حرام و باطل و موجب ضمان است.	مصداق قاعده نیست.
۳	تدلیس و غرور	وجود اقدام فریبکارانه در جهت پوشاندن عیوب مورد معامله مصداق تدلیس و غرور است. طبق نظر برخی فقها سکوت در مورد عیوب مورد معامله مصداق تدلیس بوده و غرور نیز در صورت جهل به واقع و فقدان قصد فریب نیز تحقق می یابد. در این شرایط معامله باطل نبوده ولیکن موجب ثبوت خیار فسخ و لزوم جبران ضرر می شود.	
۴	تصرف در ودیعه و خیانت در امانت	مصداق انجام معامله با تصرف غیرمجاز در ودیعه و خیانت در امانت بوده و معامله حرام و موجب ثبوت خیار فسخ است.	مصداق تصرف در ودیعه و خیانت در امانت نیست.

منبع: (یافته های تحقیق)

۴. تحلیل فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از جنبه فقه حکومتی

فقه حکومتی دانش استنباط احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی در چارچوب یک سازمان متشکل مبتنی بر قدرت حاکم در یک کشور است (صرامی، ۱۳۹۰، ص. ۳). این جنبه علم فقه، تاکنون مغفول مانده است. به عبارت دیگر، حرکت از نظام اقتصادی فعلی

که ناظر بر وضع موجود است، به سمت مکتب اقتصادی، با کمک فقه نظام‌ساز امکان‌پذیر است و تنها چاره، این است که کلیه گزاره‌های خرد در هریک از این نظامات (مثلاً نظام اقتصادی)، علاوه بر تطبیق با اهداف مکتب اقتصادی، با اهداف مکاتب سیاسی و اجتماعی اسلامی تطبیق گردد تا غایت نهایی که دستیابی به یک الگوی اسلامی در مدیریت جامعه است، حاصل گردد (عیوضلو، موسویان، رضائی صدرآبادی و نوری، ۱۳۹۸)؛ بنابراین در ادامه با استفاده از این راهکار به تطبیق این معاملات با مبانی فقه حکومتی که همان اهداف مکاتب اشاره شده، پرداخته شده است.

مسائلی که در فقه حکومتی به بررسی آن پرداخته می‌شود (مانند لزوم حفظ نظام، رعایت مصلحت، رعایت عدالت و...) در زمره احکام ثانویه است که این احکام همواره بر احکام اولیه مقدم هستند. مناط مقدم بودن احکام ثانویه بر احکام اولیه، همیشه رعایت قانون عقلی تقدم اهم بر مهم است. از همین رو، احکام ثانویه با احکام اولیه تناقض ندارد، بلکه تقدم احکام ثانویه بر احکام اولیه در موارد عروض عناوین ثانویه دقیقاً حکمی عقلایی و نمایانگر پویایی اسلام است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۹، ص. ۵۸).

۴-۱. تحلیل معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از جنبه لزوم حفظ نظام اسلامی

مراد از حفظ نظام، حفظ و نگهداری حکومت اسلامی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن آن به وسیله دشمنان داخلی و خارجی اسلام است. گاهی هم مقصود از حفظ نظام، حفظ نظم در درون جامعه اسلامی در مقابل اختلال و هرج و مرج است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص. ۲۴۳). اصل وجوب حفظ نظام از احکام اولیه اسلام است، ولیکن گاهی حفظ نظام متوقف است بر اینکه حکم اولی صادره برای برخی از امور تغییر نماید.

بازار سرمایه به عنوان بخش مهمی از نظام اقتصادی جامعه اسلامی مطرح بوده که در این بازار امکان تأمین مالی در قالب عقود مختلف اسلامی و در مقیاس‌های مختلف و بدون محدودیت جذب منابع فراهم است. رشد و تعالی جامعه اسلامی در همه ابعاد اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... مورد نظر شارع مقدس اسلام است و به منظور نیل به این هدف، تقویت بازار سرمایه، حفظ نظم و جلوگیری از اختلال در آن باید با جدیت دنبال شود. هر عاملی که موجب ایجاد بی‌نظمی و اختلال در این بازار شود می‌تواند نظام

اقتصادی جامعه را مختل نموده و در صورت افزایش دایره تأثیرگذاری آن، نظام اسلامی را که متشکل از خرده نظام‌های مختلف هماهنگ باهم است، با چالش مواجه نماید. حال سؤال اصلی این است که آیا این نوع معاملات موجب ایجاد اختلال و از بین رفتن نظم بازار سرمایه خواهد شد یا خیر؟

بررسی نظرات مخالفان معاملات متکی بر اطلاعات نهانی نشان می‌دهد در صورت مجاز بودن این معاملات و رواج بی‌حد و حصر آن در بازار سرمایه، عمده مشارکت‌کنندگان در بازار به دنبال کسب اطلاعات نهانی و انجام معامله براساس این اطلاعات بروند و پس از مدتی صرفاً اشخاصی که به این اطلاعات دسترسی دارند در بازار باقی مانده و سایر افراد فاقد اطلاعات نهانی از بازار خارج شوند بدین ترتیب میزان مشارکت در بازار کاهش یابد. در این شرایط سرمایه‌گذاران صرفاً به سرمایه‌گذاری در گزینه‌های دارای اطلاعات نهانی پرداخته و تمایلی به سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی ندارند و بدین ترتیب کارکرد اصلی بازار سرمایه در خصوص تأمین مالی تولید و حفظ نقد شوندگی ابزارهای مالی با اختلال مواجه خواهد شد. همچنین مجاز بودن این معاملات موجب ایجاد فرصت سوءاستفاده برخی از دارندگان اطلاعات نهانی می‌شود به این صورت که ایشان اطلاعات نادرستی را به صورت اخبار غیررسمی منتشر نموده و خلاف جهت آن معامله نمایند که این اقدامات به تدریج به کاهش اعتماد و مشارکت سرمایه‌گذاران منجر خواهد شد. از سوی دیگر موافقان این معاملات نیز وقوع معاملات یادشده را موجب تأثیرگذاری اطلاعات محرمانه بر قیمت اوراق بهادار و افزایش کارایی و ثبات بازار سرمایه عنوان می‌نمایند.

با در نظر گرفتن نظرات و استدلال‌های موافقان و مخالفان این معاملات به نظر می‌رسد؛ هرچند معاملات متکی بر اطلاعات نهانی کارایی و ثبات بازار را افزایش می‌دهد ولیکن هم‌زمان با افزایش کارایی و ثبات مفاسدی به شرح آنچه گفته شد نیز رخ خواهد داد که امکان کنترل آن وجود ندارد و این معایب و مفاسد موجب ایجاد اختلال و از بین رفتن نظم بازار خواهد شد؛ بنابراین معاملات متکی بر اطلاعات نهانی حتی در صورت مباح بودن از منظر فقه فردی، به دلیل مشکلاتی که در نظام بازار سرمایه و نظام اقتصادی ایجاد می‌نماید به دلیل عروض عنوان ثانوی لزوم حفظ نظام اسلامی، مورد تأیید شرع

نخواهد بود. در خصوص بطلان يا نافذ بودن معامله‌اى كه با استفاده از اين اطلاعات انجام شده است، با توجه به اينكه در اثر رواج اين معاملات نظام اقتصادى جامعه اسلامى تضعيف خواهد شد و تضعيف نظام اسلامى از نظر شرع و عرف باطل است، حكم وضعى اين معاملات به موجب قاعده اكل مال به باطل، بطلان است.

۲-۴. تحليل معاملات متكى بر اطلاعات نهانى از جنبه قاعده نفي ضرر در سطح فقه حكومتى

مهم‌ترين قاعده قابل بررسى در فقه حكومتى، پيرامون اين معاملات قاعده نفي ضرر است. اين قاعده بر معاملات و مبادلات عقلايى حاكم است و بر اين اساس شرع مقدس اسلام تنها آن گروه از معاملات و مبادلات را تأييد مى‌كند كه اصل معامله، اطلاق معامله يا شرايط معامله، باعث ضرر و ضرار براى حكومت اسلامى يا عموم مسلمين نگردد (موسويان، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۰). امام خمينى^(ره) قاعده لاضرر را از باب حكم حكومتى مى‌داند. به اعتقاد ايشان پيامبر(ص) علاوه بر شان نبوت و تبليغ احكام الهى، شان رياست و قضاوت دارند و تعاليمى كه از ايشان به دست ما رسيده برخى در مقام تبين احكام شرعى و برخى در مقام رياست و قضاوت است. قاعده لاضرر از جمله احكام حكومتى و اجرايى رسول اكرم(ص) است؛ يعنى حضرت در مقام حكمرانى با بيان لاضرر و لاضرار به عنوان يك ضابطه حكومتى مردم تحت امر خود را از وارد كردن ضرر و خسارت به يكدیگر منع فرموده است و اطاعت اين فرمان براى همه مسلمانان واجب است (موسوى خمينى، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص. ۵۱).

تفاوت بررسى قاعده لاضرر در سطح فقه فردى و فقه حكومتى آن است كه در سطح فقه حكومتى، هيچ رويداد يا شرايطى نبايد موجب ايجاد ضرر براى حكومت اسلامى و نظامات اقتصادى، سياسى، اجتماعى، فرهنگى و... آن گردد. با عنايت به اينكه معاملات متكى بر اطلاعات نهانى ممكن است مضرراتى براى بازار سرمايه و به تبع آن نظام اقتصادى جامعه اسلامى داشته باشد، بررسى ابعاد اين موضوع از جمله مباحثى است كه در فقه حكومتى قابل طرح است.

مطابق آنچه در ادبيات پژوهش ذكر شد، مخالفان اين معاملات معتقدند معاملات يادشده براى كليت بازار سرمايه و نظام اقتصادى مضر بوده و برخى از كاركردهاى اصلى

این بازار از جمله نقدشوندگی، تأمین مالی، اعتماد عمومی، مشارکت عمومی، نظام حاکمیت شرکتی، انصاف در بازار، صحت و دست‌اول بودن اطلاعات منتشره توسط شرکت‌ها را با اختلال مواجه می‌کند. مختل شدن ویژگی‌ها و کارکردهای یادشده در اثر رواج این معاملات سبب تضعیف و ایجاد ضرر در این بازار به‌عنوان بخش مهمی از نظام اقتصادی حکومت اسلامی شده و مصداق قاعده لاضرر در سطح حکومتی است. همچنین این معاملات موجب تضییع حقوق عموم فعالان و سرمایه‌گذاران بازار سرمایه می‌شود که ایجاد ضرر برای جامعه سرمایه‌گذاران و سهامداران در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۲-۱. بررسی ایجاد ضرر برای حقوق اشخاص

برای بررسی تطابق یا عدم تطابق این معاملات با مواردی که معامله موجب تضییع حقوق دیگران یا اضرار به حقوق ایشان می‌شود، ابتدا باید مشخص شود که حقوق متعاملین و عموم سرمایه‌گذاران به چه صورتی در قوانین و مقررات و عرف تعیین شده است و سپس در خصوص تضییع حقوق افراد در صورت وقوع معاملات متکی بر اطلاعات نهانی اظهار نظر نمود. بخشی از حقوق سهامداران، حقوقی است که در قوانین و مقررات به آن اشاره شده و در اثر انجام معامله در بازار سرمایه ساختاریافته و نظام‌مند برای افراد به وجود می‌آید. در این راستا برخی وظایفی که برای ناشران اوراق بهادار تحت نظارت سازمان بورس در مقررات مربوطه تعیین گردیده است می‌تواند به‌عنوان حقوق سرمایه‌گذاران مطرح شود. برخی از حقوق سرمایه‌گذاران نیز به‌صورت مستقیم در قوانین مشخص نشده ولیکن می‌توان از مفاد برخی قوانین برداشت نمود. در این زمینه مطابق ماده (۲) قانون بازار اوراق بهادار، سازمان بورس باید حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران را به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه خود دنبال نماید و بخش مهمی از وظایف این سازمان در راستای حمایت و جلوگیری از تضییع حقوق سرمایه‌گذاران تعریف شده است.

مطابق ادبیات موضوع مطرح شده، مخالفان این معاملات معتقدند عدم ممنوعیت معاملات یادشده سبب تضییع حقوق اشخاص فاقد اطلاعات نهانی می‌شود که در ادامه به تطبیق نظرات این گروه با برخی از قوانین و مقررات بازار سرمایه پرداخته شده که

نشان‌دهنده تضییع حقوق جامعه سهامداری و مخالفت با قاعده لاضرر در سطح فقه حکومتی است:

الف) تضییع حق سهامداران مبنی بر منصفانه بودن بازار سرمایه (عدم رعایت ماده ۲ قانون بازار^{۲۸}): در این زمینه برودنی^{۲۹} (۱۹۷۹م)، آسویل (۱۹۹۰م) و اسپچل^{۳۰} (۱۹۹۳م) معتقدند این معاملات با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی فاحش بین خریدار و فروشنده منصفانه نیست.

ب) تضییع حق سهامداران مبنی بر افشای فوری اطلاعات بااهمیت توسط ناشران (عدم رعایت مواد (۴) و (۱۳) دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات^{۳۱}): در این زمینه اسکاتلند (۱۹۶۷م)، پوسنر^{۳۲} (۱۹۷۷م)، هافت^{۳۳} (۱۹۸۲م) معتقدند در صورت مجاز بودن این معاملات، دارندگان اطلاعات نهانی به‌منظور کسب سود یا جلوگیری از زیان خود، اطلاعات را با فوریت افشا نمی‌کنند.

ج) تضییع حق سهامداران مبنی بر ارائه اطلاعات صحیح توسط ناشران (عدم رعایت ماده (۲) مکرر دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات^{۳۴}): در این زمینه اسکاتلند (۱۹۶۷م)،

۲۸. ماده (۲) قانون بازار اوراق بهادار: در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و باهدف ساماندهی، حفظ و توسعه بازار شفاف، منصفانه و کارای اوراق بهادار و به‌منظور نظارت بر حسن اجرای این قانون، شورا و سازمان با ترکیب، وظایف و اختیارات مندرج در این قانون تشکیل می‌شود.

29. Brudney

30. Scheppele

۳۱. ماده (۴) دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان: تعیین و تشخیص سایر اطلاعاتی که مهم است و باید افشای فوری شود، برعهده ناشر است. ماده (۱۳) دستورالعمل یادشده: ناشر موظف به افشای فوری اطلاعات بااهمیت است.

32. Posner

33. Haft

۳۴. ماده (۲) مکرر دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات: اطلاعات افشاء شده نباید نادرست، خلاف واقع، گمراه‌کننده، بی‌اساس، اغراق‌آمیز و ناقص بوده و در خصوص وضعیت موجود ناشر، تصویر اشتباهی در ذهن سرمایه‌گذاران ایجاد نماید.

لومور^{۳۵} (۱۹۸۸م)، آبودی و کازنیک^{۳۶} (۲۰۰۰م)، چنگ و لو^{۳۷} (۲۰۰۶م) و بروکمن، ترسل و اونلو^{۳۸} (۲۰۱۴م) معتقدند در صورت مجاز بودن این معاملات، دارندگان اطلاعات نهانی به منظور کسب سود یا جلوگیری از زیان خود اقدام به انتشار اطلاعات مثبت یا منفی خلاف واقع و گمراه کننده می نمایند.

د) تضييع حق سهامداران مبنی بر رعایت همه جانبه صرفه و صلاح ایشان توسط ناشران (عدم رعایت بند (۲۳) هنجارها و اصول رفتاری مدیران ناشران^{۳۹}): در این زمینه لومور (۱۹۸۲م)، مندلسون^{۴۰} (۱۹۶۹م)، پوسنر (۱۹۷۷م)، ایستبروک^{۴۱} (۱۹۸۱م)، ببچاک و فرشتمن^{۴۲} (۱۹۹۴م) معتقدند، انجام این معاملات موجب ایجاد مخاطرات اخلاقی و انتخاب طرح های پرریسک توسط شرکت خواهد شد. به این دلیل که دارندگان اطلاعات نهانی می توانند هم از اخبار بد و هم از اخبار خوب با استفاده از خرید سهام شرکت یا فروش استقراضی آن سود ببرند؛ بنابراین نسبت به تلاش برای رونق بخشیدن به عملکرد شرکت یا تلاش برای جلوگیری از ورشکستگی آن بی تفاوت هستند. همچنین کیچ^{۴۳} (۱۹۸۰م)، ایستبروک (۱۹۸۱م)، ایروین (۱۹۸۷م)، بین بریج^{۴۴} (۲۰۰۰) در پژوهش های خود معتقدند اطلاعات نهانی به عنوان دارایی های نامشهود شرکت بوده و کسب منفعت از طریق آن به واسطه معاملات متکی بر اطلاعات نهانی به منزله سرقت و دزدی محسوب می شود و شرکت ها موظف اند از این گونه اطلاعات مانند سایر دارایی های شرکت حفاظت نمایند.

35. Levmore

36. Aboody & Kasznik

37. Cheng & Lo

38. Brockman, Tressl & Unlu

۳۹. بند (۲۳) هنجارها و اصول رفتاری مدیران ناشران غیر نهاد مالی ثبت شده نزد سازمان: کلیه اعضای هیأت مدیره

اعم از موظف و غیرموظف مسئول نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات و صرفه و صلاح سهامداران هستند.

40. Mendelson

41. Easterbrook

42. Bebchuk & Fershtman

43. Kitch

44. Bainbridge

ه) تضييع حق سهامداران مبنى بر حفظ نقد شوندگى اوراق بهادار توسط بازارگردان - ها (عدم رعايت بند (۱۵) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار^{۴۵}): در اين زمينه كينگ، رول، كى و وايپلوز (۱۹۸۸م)، كايلى^{۴۶} (۱۹۸۵م)، لئلند^{۴۷} (۱۹۹۲م)، كلاك (۱۹۹۳م)، چنگ و لو (۲۰۰۶م)، بتاچاريا و داوك (۲۰۰۹م)، الول و پانايدز^{۴۸} (۲۰۱۳م) معتقدند، اين معاملات موجب افزايش اسپرد بين پيشنهادهاي خريدوفروش بازارگردان به منظور تحمل ريسك ناشى از زيانهاي احتمالي معامله با دارندگان اطلاعات نهاني (كه داراي مزيات اطلاعاتي هستند) خواهد شد. بر اين اساس انجام اين معاملات موجب افزايش نوسانات قيمتي و كاهش نقدشوندگى شده و تضييع حق سهامداران مبنى بر تحديد دامنه نوسان و افزايش نقدشوندگى را به دنبال خواهد داشت.

و) تضييع حق سهامداران مبنى بر حداكترسازى ارزش شركت توسط ناشران: در اين زمينه ماسون و مدهاوان (۱۹۹۱م)، لاپورتا و ديگران (۱۹۹۸م)، ماوگ (۲۰۰۲م)، مك كانل، سروس و لينز^{۴۹} (۲۰۰۸م)، بنى^{۵۰} (۲۰۰۸م) معتقدند انجام اين معاملات موجب افزايش هزينه حقوق صاحبان سهام يا تضعيف حاكميت شركتي شده و به تبع آن ارزش شركت كاهش مى يابد.

۳-۴. تحليل معاملات متكى بر اطلاعات نهاني از جنبه رعايت مصلحت

برخى امور به گونه اى هستند كه اگر رعايت نشوند، نظام جامعه مختل نمى شود، اما منفعت و مصلحتى بزرگ از دست مى رود يا ضررى متوجه جامعه اسلامى مى شود. روشن است كه حكم اولى بسيارى از اين گونه امور اباحه است، اما حاكم اسلامى براى رعايت مصلحت جامعه مى تواند احكام الزامى وضع نمايد (معصومى نيا، ۱۳۸۹، ص. ۶۰).

۴۵. بند (۱۵) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار: بازارگردان، كارگزار / معامله گرى است كه با اخذ مجوز لازم با تعهد به افزايش نقدشوندگى و تنظيم عرضه و تقاضاى اوراق بهادار معين و تحديد دامنه نوسان قيمت آن، به دادوستد آن اوراق مى پردازد.

46. Kyle

47. Leland

48. Ellul & Panayides

49. McConnell, Servaes & Lins

50. Beny

در تحلیل فقهی حفظ نظام، مشخص شد که انجام این معاملات موجب ایجاد اختلال و از بین رفتن نظام بازار سرمایه و تضعیف کارکردهای اصلی آن از جمله تأمین مالی خواهد شد. حال اگر فرض شود که اختلال در بازار سرمایه الزاماً منجر به ایجاد اختلال و تضعیف نظام اقتصادی جامعه اسلامی نمی‌شود، این موضوع می‌تواند جایگاه لزوم رعایت مصلحت را نمایان سازد. در صورت پذیرش فرض اشاره‌شده، کاملاً واضح است که تضعیف بازار سرمایه و از بین رفتن کارکردها و مزایای آن موجب از دست رفتن منافع مهمی از جمله تأمین مالی در مقیاس بزرگ، مدیریت ریسک و مدیریت نقدینگی جامعه خواهد شد؛ بنابراین اقتضای رعایت مصلحت، آن است که این معاملات به دلیل تضعیف بازار سرمایه و از دست رفتن منافع این بازار برای جامعه و نظام اقتصادی مورد تأیید شرع قرار نگیرد.

از جنبه نهاد ناظر بازار سرمایه، مصلحت می‌تواند در برخی از اقدامات ایشان در مواجهه با این معاملات مؤثر باشد. با توجه به اینکه مطابق این پژوهش حکم وضعی این معاملات بطلان است؛ در شرایطی که معاملات متوالی متعدد پس از معامله متکی بر اطلاعات نهانی انجام شده باشد و ابطال این معامله و تعیین تکلیف معاملات بعدی نظم بازار سرمایه را با چالش جدی مواجه نماید، به استناد رعایت مصلحت، می‌توان حکم بطلان را اجرا نمود.

۴-۴. تحلیل معاملات متکی بر اطلاعات نهانی از جنبه رعایت عدالت

در لسان قرآن کریم، اصول دین و آرمان‌های فردی و اجتماعی بر محور عدل استوار شده و این عدل همدوش توحید، رکن معاد، فلسفه تشریع و امامت و معیار کمال و سلامت جامعه تلقی گشته است (مطهری، ۱۴۰۲، ص. ۳۷). به بیان شهید مطهری تعریف عدالت در سطح حکومتی عبارت است از: ایجاد شرایط برای همه به‌طور یکسان و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص. ۱۶۷). اگر معنای اصطلاحی عدل را «هر چیزی را به‌جای خود نهادن و دادن حق هر ذی حقّی به او» بدانیم، مفهوم وسیعی را برای «عدل» در نظر گرفته‌ایم که مصادیق زیادی را شامل می‌شود؛ مانند موزون بودن، نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق دیگران و رعایت استحقاق‌ها و لیاقت‌ها

(مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، صص. ۸۳-۸۲). در ادامه به بررسی و تطبیق تعاریف مختلف عدالت با این نوع معاملات پرداخته شده است:

۱) عدالت عبارت است از: «ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان».

مرور نظرات موافقان و مخالفان این معاملات نشان می‌دهد که هیچ یک از این دو گروه مدعی وجود شرایط یکسان دارندگان اطلاعات نهانی و اشخاص فاقد اطلاعات نهانی در معاملات نیستند. مفهوم معامله متکی بر اطلاعات نهانی نشان‌دهنده برتری اطلاعاتی دارنده اطلاعات نهانی نسبت به شخص مقابل خود است؛ بنابراین کاملاً روشن است که در این معاملات، شرایط یکسانی برای طرفین معامله وجود ندارد و یکی از طرفین معامله برای دسترسی به اطلاعات نهانی با مانع مواجه است درحالی که طرف مقابل به این اطلاعات دسترسی داشته است.

۲) عدالت عبارت است از: «دادن حق هر ذی‌حقی به او»

براساس این تعریف هرگونه تبعیض و عدم رعایت حقوق دیگران منجر به عدم رعایت عدالت می‌شود. در تحلیل فقهی قاعده لاضرر در سطح فقه حکومتی حقوق سرمایه‌گذاران در بازار سهام احصا و نشان داده شد که بخشی از حقوق ایشان در صورت رواج این نوع معاملات تضییع خواهد شد. لذا این معاملات مانعی در برابر دستیابی سرمایه‌گذاران به حقوق خود و برخلاف عدالت است.

۴-۵. جمع‌بندی تحلیل فقهی در سطح فقه حکومتی

براساس تحلیل‌های ارائه‌شده، جمع‌بندی حکم فقهی این معاملات از جهت تطبیق با ضوابط مختلف فقه حکومتی و حکم وضعی و تکلیفی به شرح جدول (۳) است.

جدول (۳): جمع‌بندی تحلیل فقهی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در سطح فقه حکومتی

ردیف	عنوان فقهی	بررسی رعایت قاعده در صورت رواج معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در سطح جامعه و حکم وضعی و تکلیفی
۱	حفظ نظام اسلامی	مصادق عدم رعایت قاعده حفظ نظام بوده و معامله حرام و باطل است.
۲	ضرر و ضرار در سطح فقه حکومتی	مصادق عدم رعایت قاعده ضرر و ضرار در سطح فقه حکومتی بوده و معامله باطل و حرام است.
۳	عدالت	مصادق عدم رعایت قاعده عدالت بوده و معامله حرام است.
۴	مصلحت	مصادق عدم رعایت قاعده مصلحت بوده و معامله حرام است.

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۵. سؤال‌های مطرح‌شده از مراجع تقلید و سایر فقها و پاسخ‌های دریافتی

مطابق روش پژوهش اجتهاد چندسطحی، پس از انجام تحلیل فقهی، استفتائات (به شرح پیوست ۲) به دفاتر ۲۰ نفر از مراجع تقلید و فقهای دارای وبگاه ارسال گردید^{۵۱} و ۹ پاسخ دریافت شد. براساس پاسخ‌های دریافتی، برخی از مراجع و فقها به تفکیک دو گروه دارنده اطلاعات نهانی به سؤال‌ها پاسخ داده‌اند ولیکن اکثریت ایشان به تفاوت حکم این دو گروه دارنده اطلاعات نهانی اشاره‌ای نداشته‌اند. عمده ایشان معتقدند انجام این معاملات حرمت تکلیفی دارد و در مورد حرمت وضعی، نیمی از ایشان معتقدند این‌گونه معاملات باطل و فاقد اثر است و نیمی دیگر این معاملات را نافذ و صحیح می‌دانند که در صورت به وجود آمدن غبن، تدلیس و امثال آن خیار فسخ معامله ثابت خواهد شد. جمع‌بندی پاسخ استفتائات به شرح جدول (۴) است.

جدول (۴): جمع‌بندی پاسخ دریافتی استفتاء از مراجع تقلید و سایر فقها

ردیف	نام مرجع / فقیه	حکم تکلیفی	حکم وضعی
۱	آیت‌الله خامنه‌ای	حرام	عدم اظهارنظر

۵۱. آقایان خامنه‌ای، مکارم شیرازی، سیستانی، جوادی آملی، وحید خراسانی، نوری همدانی، مظاهری، فیاض، شبیری زنجان، گرامی، کریمی جهرمی، حیدری، حسینی زنجان، صافی گلپایگانی، روحانی، علوی گرگانی، دوزدوزانی تبریزی، بیات زنجان، هادوی تهرانی و علوی بروجردی.

ردیف	نام مرجع / فقيه	حکم تکلیفی	حکم وضعی
۲	آیت الله سیستانی	مباح در صورت عدم وجود تدلیس، غبن یا مانند آن	صحیح
۳	آیت الله مکارم شیرازی	مباح در صورت عدم وجود خدعه و کلاه برداری و غبن	صحیح
۴	آیت الله کریمی جهرمی	حرام	صحیح
۵	آیت الله هادوی تهرانی	حرام	صحیح
۶	آیت الله علوی بروجردی	حرام	باطل
۷	آیت الله فیاض	حرام	باطل
۸	آیت الله دوزدزانی تبریزی	حرام	باطل
۹	آیت الله بیات زنجانی	حرام	باطل

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۶. نتایج برگزاری گروه کانونی صاحب نظران فقه اقتصادی

همان‌طور که در روش پژوهش بیان شد، در این مقاله پژوهشگران به‌جای مصاحبه مستقیم یا پرسشنامه، از روش گروه کانونی جهت اخذ نظر صاحب نظران فقهی استفاده نموده است و در نهایت با توجه به نظرات مطرح شده در این جلسات به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پیرامون موضوع پرداخته است. در این جلسات پژوهشگر موضوع‌شناسی این معاملات، قوانین و مقررات مرتبط با آن و مزایا و معایب و نظرات مخالفان و موافقان این معاملات را به‌صورت مبسوط توضیح داده و ضمن طرح استفتاء و پاسخ‌های دریافتی از مراجع تقلید، سؤال‌هایی در خصوص حکم وضعی و تکلیفی این معاملات و انطباق آن با تحلیل فقهی انجام شده مطرح نمود. خلاصه نظرات گروه کانونی به شرح ذیل است:

معاملات مبتنی بر اطلاعات نهانی در دو فرض قابل بررسی است:

(۱) شرط قراردادی: مطابق توافق قراردادی یا به صورت شرط ضمنی، شخص دارنده اطلاعات از معامله متکی بر آن اطلاعات، منع شده است. در این حالت، در صورتی که شرط صریح قراردادی وجود نداشته باشد این بحث قابل طرح است که آیا ممنوعیت استفاده از اطلاعات نهانی آنقدر برای همه (عموم معامله کنندگان) روشن و واضح و مورد قبول است که این ممنوعیت را به شکل شرط ضمنی درمی آورد یا خیر. در صورت احراز چنین برداشت عرفی که منجر به شرطیت ضمنی می شود، حکم معامله برخلاف شرط، مورد گفتگوی فقها قرار گرفته که غالباً این گونه معامله را صحیح می دانند اما تخلف از شرط را موجب خیار دانسته اند.

(۲) تعلیق قرارداد: در محل بحث تشخیص اینکه عدم استفاده از اطلاعات نهانی، شرط است یا تعلیق، موجب تفاوت در حکم می شود؛ زیرا فقها تعلیق را موجب بطلان عقد می دانند. بنابر آنچه گفته شد، به نظر می رسد عدم اطلاع طرفین یا یکی از طرفین، نسبت به استفاده از اطلاعات نهانی از مصادیق تعلیق خواهد بود.

مطابق نظرات مطرح شده در گروه کانونی حرمت تکلیفی این معاملات مورد موافقت اکثریت اعضا قرار گرفت و در مورد حرمت وضعی نیز قضاوت در مورد حکم معاملات در شرایط مختلف و براساس قضاوت عرف و عموم سرمایه گذاران قابل تغییر بوده و در شرایطی موجب بطلان معامله و در شرایط دیگر اثبات خیار فسخ خواهد شد. براساس آنچه در تحلیل فقهی بیان شد و در گروه کانونی نیز تأیید گردید، این معاملات در شرایطی که عرف سرمایه گذاران عدم استفاده از اطلاعات نهانی در معاملات را به عنوان وحدت مطلوب قید نمایند و عقد را به این موضوع تعلیق نمایند، انجام این معاملات مصادق اکل مال به باطل خواهد شد. همچنین این معاملات با توجه به ضررهای متعدد برای نظام اقتصادی و حقوق جامعه سرمایه گذاران به موجب قواعد لزوم حفظ نظام و لاضرر در سطح فقه حکومتی، حرام و باطل است.

۷. جمع بندی نهایی پژوهشگر براساس تحلیل فقهی، پاسخ استفتاء و برگزاری گروه کانونی
در این قسمت از جنبه فقه فردی و فقه حکومتی، حکم وضعی و تکلیفی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی برای هریک از گروه های دارنده اطلاعات نهانی با استفاده از تحلیل های قبلی در قالب جدول (۵) جمع بندی شده است.

جدول (۵): جمع بندي نهايي حکم وضعي و تکليفي معاملات متکي بر اطلاعات نهاني

جمع بندي	فقه حکومتي		فقه فردي		نوع دارنده اطلاعات نهاني
	حکم تکليفي	حکم وضعي	حکم تکليفي	حکم وضعي	
باطل و حرام	حرام	باطل	حرام	باطل	دارندگان اطلاعات نهاني اوليه
باطل و حرام	حرام	باطل	حرام	باطل	دارندگان اطلاعات نهاني ثانويه

منبع: (يافته‌هاي تحقيق)

جمع بندي و نتيجه گيري

در اين پژوهش معاملات متکي بر اطلاعات نهاني با روش پژوهش اجتهاد چند سطحي مشتمل بر تحليل فقهی توسط پژوهشگر، استفتاء از مراجع تقليد و ساير فقها و در نهايت برگزاري گروه کانوني صاحب نظران فقه اقتصادي موردبررسی قرار گرفت. بررسی فقهی در دو سطح فقه فردي و فقه حکومتي انجام شد که نتايج حاصله مؤيد و تقويت کننده يکديگر بودند. در تحليل انجام شده به دو گروه دارنده اطلاعات نهاني توجه شد و حکم تکليفي و وضعي اين معاملات تبين گرديد. براساس نتايج پژوهش، در سطح فقه فردي انجام اين معاملات توسط هر دو گروه دارنده اطلاعات نهاني مصداق قاعده ممنوعيت اکل مال به باطل است. علاوه بر آن انجام اين معاملات توسط دارندگان اطلاعات نهاني اوليه، موجب ايجاد ضرر برای کليه سهامداران شرکت شده و به موجب قاعده لاضرر، باطل و حرام خواهد بود. ساير قواعد فقهی بررسی شده در سطح فقه فردي موجب حکم به بطلان اين معاملات نمی شود وليکن با توجه به وجود تدليس، تصرف غيرمجاز در وديعه و خيانت در امانت در برخی شرايط، شخص دارنده اطلاعات نهاني مرتکب فعل حرام شده و شخص فاقد اطلاعات خيار فسخ خواهد داشت. در تحليل فقهی سطح حکومتي، با توجه به نتايج پژوهش رواج اين معاملات موجب تضعيف نظام اقتصادي جامعه اسلامي و ايجاد ضرر برای کليت بازار سرمايه و تضییع حقوق عمومي خواهد شد؛ بنابراین معاملات به دليل عدم رعايت قاعده حفظ نظام و ضرر و ضرار در سطح حکومتي باطل و حرام است. ساير قواعد فقهی بررسی شده در سطح فقه حکومتي موجب

حکم به بطلان این معاملات نمی شود ولیکن عدم رعایت قواعد عدالت و مصلحت در اثر رواج این معاملات می تواند منجر به صدور حکم حرمت تکلیفی گردد.

این پژوهش در مقایسه با پژوهش های قبلی انجام شده در این موضوع، ادبیات موضوع معاملات متکی بر اطلاعات نهانی را به صورت جامع ارائه نموده و این معاملات را از جنبه فقه حکومتی نیز مورد بررسی قرار داده و در خصوص احکام وضعی و تکلیفی این معاملات برای هریک از گروه های دارنده اطلاعات نهانی اظهار نظر نموده است. همچنین در این پژوهش از روش پژوهش اجتهاد چند سطحی و دو گروه از خبرگان فقهی (الف: مراجع تقلید؛ ب) صاحب نظران فقه اقتصادی) استفاده شده است. در حالی که پژوهش های سابق فاقد جامعیت (عدم تحلیل از جنبه فقه حکومتی و عدم بیان احکام وضعی و تکلیفی) و استفاده از روش پژوهش مناسب بوده اند؛ بنابراین نتایج حاصل از این پژوهش در مقایسه با پژوهش های قبلی دارای اعتبار و جامعیت بیشتر بوده و علاوه بر تحلیل فقهی به بیان احکام وضعی و تکلیفی نیز پرداخته است.

با عنایت به نتایج پژوهش مبنی بر بطلان معاملات متکی بر اطلاعات نهانی، پیشنهاد می شود نهاد ناظر بازار سرمایه، پیشنهاد باطل شناخته شدن این معاملات را جهت افزودن به قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران به مجلس شورای اسلامی ارائه نموده و پس از تکمیل قوانین و مقررات مورد نیاز، ساختارهای لازم برای شناسایی و ابطال این معاملات را فراهم نماید. همچنین پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی با استفاده از نتایج تحلیل فقهی انجام شده در خصوص قواعد فقهی مختلف، پیشنهادهای سیاستی و تنظیم گری در مواجهه با این معاملات جهت استفاده در نهاد ناظر بازار سرمایه ارائه شود.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل فقهی و مالی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران» آقای سید محمدعلی ترابی که به راهنمایی آقای دکتر محمد توحیدی در دانشگاه امام صادق علیه السلام در مرحله صدور مجوز دفاع است.

کتابنامه

- ۱) توحیدی، محمد (۱۳۹۶). *الگوی ارزیابی و تحلیل معاملات بورس بازان در بازار اوراق بهادار ایران براساس موازین فقه امامیه* (رساله دکتری). دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
- ۲) توحیدی، محمد (۱۳۹۸). *بررسی و تحلیل معاملات مبتنی بر اطلاعات نهانی براساس موازین فقه امامیه. تحقیقات مالی اسلامی*. ۸(۲). ۲۲۳-۲۵۴. Doi: [10.30497/ifr.2019.2267](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.2267)
- ۳) جمالی، جعفر؛ آقامیری، سمیه سادات؛ عابدینی سعدآباد، فرهاد؛ و سلیمان دهکردی، الهام (۱۳۹۴). *بازشناسی اطلاعات نهانی و قلمروی آن در نظام حقوقی ایران. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)*. ۱۱(۲۵). ۱۱-۳۱.
- ۴) جنیدی، لعلیا؛ و نوروزی، محمد (۱۳۸۹). *شناخت دارندگان اطلاعات نهانی شرکت های سهامی عام. مطالعات حقوق خصوصی*. ۴۰(۱۰۱). ۵۱-۶۹.
- ۵) حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *عناوین الفقهیه*. ایران، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- ۶) حقوقی اصفهانی، عماد (۱۳۹۷). *بررسی حقوقی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در بورس* (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.
- ۷) خوئی، ابوالقاسم؛ و توحیدی، محمدعلی (۱۴۱۷ق) *مصباح الفقاهة*. ایران، قم: انصاریان.
- ۸) زاهدمنش، شروین؛ رجبزاده اصطهبانی، علیرضا؛ و صادقی، محمد (۱۴۰۰). *مسئولیت مدنی استفاده کنندگان از اطلاعات نهانی در معاملات بورسی*. *جامعه شناسی سیاسی ایران*. ۴(۳)، ۲۵۳-۲۳۷.
- ۹) زحیلی، وهبه مصطفی (۱۴۰۹ق). *الفقه الاسلامی و ادلته*. سوریه، دمشق: دارالفکر.
- ۱۰) شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحشی کلانتر)* (چاپ اول). ایران، قم: کتابفروشی داوری.
- ۱۱) سهایی، روح الله (۱۳۹۵). *تأثیر سوء استفاده از اطلاعات نهانی در معاملات بورسی* (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
- ۱۲) شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴). *حقوق کیفری اختصاصی*. ایران، تهران: مجد.

- ۱۳) شبانی، محمدصادق (۱۳۹۵). بررسی وضعیت حقوقی معاملات متکی بر اطلاعات نهانی در بورس اوراق بهادار. بورس اوراق بهادار، ۹(۳۳)، ۱۱۵-۱۳۱.
- ۱۴) شریفی، سیدالهام‌الدین؛ و بهشتی، شقایق (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات نهانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار در حقوق اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و ایران. پژوهش‌های حقوقی، ۹(۱۷)، ۲۱۳-۲۳۲.
- ۱۵) صرامی، سیف‌اله (۱۳۹۰). درآمدی بر فقه حکومتی (تعریف و مبانی). فقه، ۱۸(۷۰)، ۴۴-۳.
- ۱۶) عیوضلو، حسین؛ موسویان، سیدعباس؛ رضائی صدرآبادی، محسن؛ و نوری، جواد (۱۳۹۸). تحلیل فقهی اقتصادی استخراج ارزهای مجازی در نظام اقتصادی اسلام؛ (مطالعه موردی بیت‌کوین). معرفت/اقتصاد/اسلامی، ۱۱(۲۱)، ۵۷-۷۲.
- ۱۷) مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴). قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- ۱۸) مامقانی، عبدالله (۱۴۰۴ق) مناهج المتقین فی فقه أئمة الحق و الیقین صلوات الله علیهم /جمعین. ایران، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ۱۹) مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). یادداشت‌ها. ایران، تهران: صدرا.
- ۲۰) مطهری، مرتضی (۱۴۰۲). عدل الهی. ایران، تهران: صدرا.
- ۲۱) معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۹). ابزارهای مشتقه (بررسی فقهی و اقتصادی). ایران، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۲) مقدسی، ابن قدامه (۱۴۰۳ق). الشرح الکبیر. لبنان، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۲۳) مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). استفتانات و نظرات پیرامون مسائل فقهی و حقوقی. رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، ۲ و ۳.
- ۲۴) مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). قواعد فقهیه (جلد ۲، چاپ ۳). ایران، قم: مدرسه امیرالمومنین(ع).
- ۲۵) مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان. ایران، قم: نسل جوان.
- ۲۶) مهری، محمد (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی ناشی از افشای اطلاعات محرمانه سازمان بورس و اوراق بهادار (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

- ۲۷) موسويان، سيدعباس (۱۳۹۱). *بازار سرمايه اسلامي*. ايران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي.
- ۲۸) موسوي خميني، سيد روح الله (۱۳۸۹). *صحيفه امام*. ايران، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني.
- ۲۹) موسوي خميني، سيد روح الله (۱۳۹۲). *مناهج الوصول إلى علم الأصول*. ايران، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني.
- ۳۰) موسوي خميني، سيد روح الله (۱۴۱۰ق). *الرسائل*. ايران، قم: اسماعيليان.
- ۳۱) موسوي خميني، سيد روح الله (۱۴۱۵ق). *المكاسب المحرمه*. ايران، قم: اسماعيليان.
- ۳۲) موسوي خميني، سيد روح الله (۱۴۳۴ق). *تحرير الوسيله*. ايران، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني.
- ۳۳) موسوي خميني، سيد روح الله (۱۴۳۴ق). *البيع*. ايران، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني.
- ۳۴) ميرزاى منفرد، غلامعلي (۱۳۸۹). تحليل جرم معامله متكى بر اطلاعات نهاني. *پژوهش های حقوقی*، ۹(۱۷)، ۲۳۳-۲۵۶.
- ۳۵) نجفي، محمدباقر (۱۴۱۲ق). *جواهرالكلام فى شرح شرائع الاسلام*. لبنان، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- ۳۶) نصيرى، مرتضى؛ عيشائى تفرشى، محمد؛ و قربانى، مجيد (۱۳۸۷). معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نهاني؛ مطالعه تطبيقى در حقوق آمريكا و ايران. *حقوق و سياست*، ۱۰(۲۴)، ۹۹-۱۴۸.
- 37) Aboody, D., & Lev, B. (2000). Information Asymmetry, R&D, and Insider Gains. *Finance*, 55(6), 2747-2766.
- 38) Ausubel, L. M. (1990). Insider Trading in a Rational Expectations Economy. *American Economic Review*, 1022-1041.
- 39) Bainbridge, S. (2000). Insider Trading, in B.Bouckaert en G.De Geest (eds.), *Encyclopedia of Law and Economics*, Volume III, The Regulation of Contracts, Edward Elgar, 772-812.
- 40) Bebchuk, L. A., & Fershtman, C. (1994). Insider Trading and the Managerial Choice Among Risky Projects. *Financial and Quantitative Analysis*, 29(1), 1-14.

- 41) Beny, L. N. (2007). Do Investors in Controlled firms Value Insider Trading Laws-international Evidence. *JL Econ. & Pol'y*, 4, 267.
- 42) Bergmans, B. (1991). Inside Information and Securities Trading: a Legal and Economic Analysis of the Foundations of Liability in the USA and the European Community. (No Title).
- 43) Bhattacharya, S., & Nicodano, G. (2001). Insider Trading, Investment, and Liquidity: A Welfare Analysis. *Finance*, 56(3), 1141-1156.
- 44) Bhattacharya, U., & Daouk, H. (2002). The World Price of Insider Trading. *Finance*, 57(1), 75-108.
- 45) Brockman, P., Tressl, J., & Unlu, E. (2014). The Impact of Insider Trading Laws on Dividend Payout Policy. *Corporate Finance*, 29, 263-287.
- 46) Brudney, V. (1979). Insiders, Outsiders, and Informational Advantages Under the Federal Securities Laws. *Harvard Law Review*, 322-376.
- 47) Carlton, D. W., & Fischel, D. R. (1982). The Regulation of Insider Trading. *Stan. L. Rev.*, 35, 857.
- 48) Cheng, Q., & Lo, K. (2006). Insider Trading and Voluntary Disclosures. *Accounting Research*, 44(5), 815-848.
- 49) Easley, D., & O'hara, M. (2004). Information and the Cost of Capital. *Finance*, 59(4), 1553-1583.
- 50) Easterbrook, F. H. (1981). Insider Trading, Secret Agents, Evidentiary Privileges, and the Production of Information. *Supreme Court Review*, 309-365.
- 51) Ellul, A., & Panayides, M. (2018). Do Financial Analysts Restrain Insiders' Informational Advantage?. *Financial and Quantitative Analysis*, 53(1), 203-241.
- 52) Engelen, P. J., & Liedekerke, L. (2006). *An Ethical Analysis of Regulating Insider Trading* (No. 06-05).
- 53) Eyvazlou, H, Mousavian, S. A, Rezaei Sadrabadi, M, & Nouri, J. (2019). Economical and Jurisprudential Analysis of Virtual Currency Mining in the Islamic Economic System; (Bitcoin case study). *Knowledge of Islamic Economics*, 11(21), 57-72. (In Persian)
- 54) Freitas, H., Oliveira, M., Jenkins, M., & Popjoy, O. (1998). The Focus Group, a Qualitative Research Method. *Education*, 1(1), 1-22.
- 55) Fischer, P. E. (1992). Optimal Contracting and Insider Trading Restrictions. *Finance*, 47(2), 673-694.

- 56) Haddock, D. D., & Macey, J. R. (1987). Regulation on Demand: A Private Interest Model, with an Application to Insider Trading Regulation. *Law and Economics*, 30(2), 311-352.
- 57) Haft, R. J. (1982). The Effect of Insider Trading Rules on the Internal Efficiency of the Large Corporation. *Michigan Law Review*, 80(5), 1051-1071.
- 58) Herzel, L., & Katz, L. (1987). Boesky Case Hangs by a Thread. *The Financial Times*, London, 6.
- 59) Irvine, W. B. (1987). Insider Trading: An Ethical Appraisal. *Business & Professional Ethics*, 3-33.
- 60) Junaidi, L & Norouzi, M., (2010). Identifying the Insiders in Public Joint-Stock Companies. *Private Law Studies*, 40(101). 69-51. (In Persian)
- 61) King, M., & Roell, A. (1988). Insider Trading. *Economic Policy*, 3(6), 163-193.
- 62) Kitch, E. W. (1980). The Law and Economics of Rights in Valuable Information. *Legal Studies*, 9(4), 683-723.
- 63) Klock, M. (1993). Mainstream Economics and the Case for Prohibiting Inside Trading. *Ga. St. UL Rev.*, 10, 297.
- 64) Kyle, A. S. (1985). Continuous Auctions and Insider Trading. *Econometrica: Econometric Society*, 1315-1335.
- 65) Laporta, R, Lopez-De-Silanes, F, Shleifer, A, Vishny, R. (1998). Law and Finance. *J. Polit. Econ.* 106: 1113-1155
- 66) Leland, H. E. (1992). Insider Trading: Should it be Prohibited?. *Political Economy*, 100(4), 859-887.
- 67) Levmore, S. (1988). In Defense of the Regulation of Insider Trading. *Harv. JL & Pub. Pol'y*, 11, 101.
- 68) Macey, J. R. (1991). *Insider Trading: Economics, Politics, and Policy* (No. 3). American Enterprise Institute.
- 69) Manne, H. G. (1966). Insider Trading and the Stock Market. (No Title).
- 70) Manove, M. (1989). The Harm from Insider Trading and Informed Speculation. *Economics*, 104(4), 823-845.
- 71) Masson, R. T., & Madhavan, A. (1991). Insider Trading and the Value of the Firm. *Industrial Economics*, 333-353.
- 72) Maug, E. (2002). Insider Trading Legislation and Corporate Governance. *European Economic Review*, 46(9), 1569-1597.
- 73) Mamqani, A., (1984) *The Methods of the Pious in the Jurisprudence of Imams al-Haq and al-Iqin*. Iran, Qom: Al-Al-Bayt. (In Arabic)

- 74) McConnell, J. J., Servaes, H., & Lins, K. V. (2008). Changes in Insider Ownership and Changes in the Market Value of the firm. *Corporate Finance*, 14(2), 92-106.
- 75) Mendelson, M. (1968). The Economics of Insider Trading Reconsidered.
- 76) Motahari, M (2002). *Notes*. Iran, Tehran: Sadra. (In Persian)
- 77) Motahari, M (2023). *Divine Justice*. Iran, Tehran: Sadra. (In Persian)
- 78) Nasiri, M; Eishae Tafarshi, M; & Ghorbani, M., (2008). Securities Trading Using Inside Information; A Comparative Study in American and Iranian Law. *Law and Politics*, 10(24), 99-148.
- 79) OICU-IOSCO (2003). Insider Trading; How Jurisdictions Regulate It?,
- 80) Posner, Richard A., (1977) The Right of Privacy, 12 Georgia Law Review 393.
- 81) Scheppele, K. L. (1993). It's Just Not Right: The Ethics of Insider Trading. *Law and Contemporary Problems*, 56(3), 123-173.
- 82) Schotland, R. A. (1967). Unsafe at Any Price: A Reply to Manne, Insider Trading and the Stock Market. *Va. L. Rev.*, 53, 1425.
- 83) Levmore, S. (1982) "Securities and Secrets: Insider Trading and the Law of Contracts," 68 Virginia Law Review 117.
- 84) Shambiati, H (2005). *Specialized Criminal Law*, Iran, Tehran: Majd. (In Persian)
- 85) Shabani, M. S., (2016). Investigating the Legal Status of Insider Trading in the Stock Exchange. *Stock Exchange*, 9(33). 115-131. (In Persian)
- 86) Zahedmanesh, Sh, Rajabzadeh Estahbani, A, & Sadeghi, M. (2021). Civil Liability of Users of Inside Information in Stock Market Transactions. *Iranian Political Sociology*, 4(3), 237-253. (In Persian)
- 87) Zuhaili, W. M., (1989). *Islamic Jurisprudence and Its Evidence*. Syria, Damascus: Dar al-Fikr.(In Arabic)
- 88) Hoghooghi Esfahani, E. (1397 SH/2018). Legal Study of Insider Trading in the Stock Market. Master's thesis. Private law. Faculty of Law and Theology (M.A Document). Shahid Ashrafi Esfahani University [in Persian].
- 89) Hosseini Maraghi, M. A. (1375 SH/1996). *Jurisprudence Titles*. Iran, Qom: Islamic Publishing Foundation of the Society of Teachers [in Arabic].
- 90) Islamic Consultative Assembly of the Islamic Republic of Iran (1384 SH/2005). *Securities Market Law of the Islamic Republic of Iran*. Iran, Tehran: Islamic Consultative Assembly [in Persian].

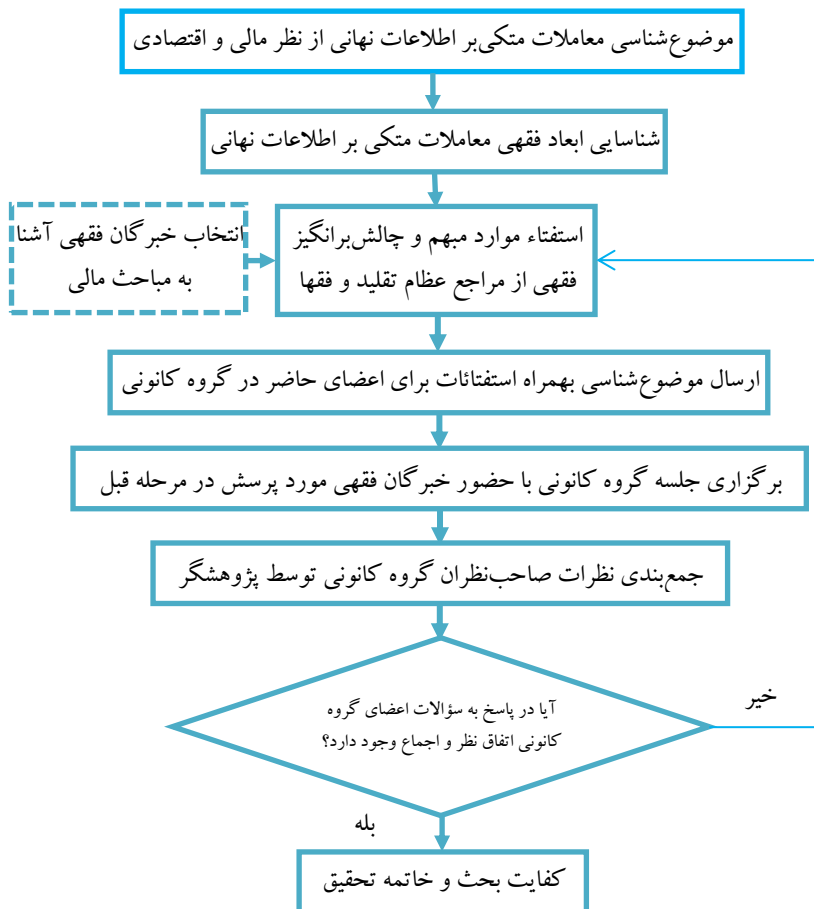
- 91) Jamali, J.; Aghamiri, S.; Abedini Saadabad, F.; & Soleiman Dehkordi, E. (1394 SH/2015). Recognizing Inside Information and Its Scope in the Iranian Legal System. Private and Criminal Law Research (Encyclopedia of Law and Politics), 11(25), 11-31 [in Persian].
- 92) Khoei, A.; & Tohidi, M.A. (1375 SH/1996). The Lamp of Jurisprudence. Iran, Qom: Ansariyan [in Arabic].
- 93) Makarem Shirazi, N. (1369 SH/1990). Jurisprudential Rules (Vol. 2, 3rd Ed.). Iran, Qom: Amir al-Mu'minin School [in Arabic].
- 94) Makarem Shirazi, N. (1371 SH/1992). Inquiries and Opinions on Jurisprudential and Legal Issues. Rahnamoon, Shahid Motahari High School, 2 and 3 [in Persian].
- 95) Makarem Shirazi, N. (1386 SH/2007). Fifty Lessons on the Principles of Beliefs for Youth. Iran, Qom: Young Generation [in Persian].
- 96) Masouminia, G. A. (1389 SH/2010). Derivative Instruments (Jurisprudential and Economical Study). Iran, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought [in Persian].
- 97) Mehri, M. (1398 SH/2019). Civil Liability Arising from the Disclosure of Confidential Information of the Securities and Exchange Organization (M. A. Document). Islamic Azad University, Ilam Branch, Ilam, Iran [in Persian].
- 98) Mirzaei-Manfard, G. A. (1389 SH/2010). Analysis of Insider Trading Crime. Legal Research, 9(17), 233-256 [in Persian].
- 99) Moghdisi, I. Q. (1362 SH/1983). The Great Commentary. Lobnan, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi [in Arabic].
- 100) Mousavi-Khomeini, S. R. (1368 SH/1989). Alrasaael. Iran, Qom: Ismailian [in Arabic].
- 101) Mousavi-Khomeini, S. R. (1373 SH/1994). Forbidden Gains. Iran, Qom: Ismailian [in Arabic].
- 102) Mousavi-Khomeini, S. R. (1388 SH/2009). Imam's Paper. Iran, Tehran: The Institution for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [in Persian].
- 103) Mousavi-Khomeini, S. R. (1391 SH/2012). Methods of Accessing the Science of Usul. Iran, Tehran: The Institution for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [in Arabic].
- 104) Mousavi-Khomeini, S. R. (1392 SH/2013). Al-Bay. Iran, Tehran: The Institution for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [in Arabic].

- 105) Mousavi-Khomeini, S. R. (1392 SH/2013). Tahrir al-Wasilah. Iran, Tehran: The Institution for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [in Arabic].
- 106) Mousavian, S. A. (1391 SH/2012). Islamic Capital Market. Iran, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought [in Persian].
- 107) Najafi, M. B. (1370 SH/1991). Jewels of Speech in the Explanation of Islamic Laws. Lobnan, Beirut: House of Arab Heritage Revival [in Arabic].
- 108) Sahai, R. (1395 SH/2016). The Impact of Abuse of Inside Information in Stock Market Transactions (M.A Document). University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran [in Persian].
- 109) Sarami, S. (1390 SH/2011). An Introduction to Governmental Jurisprudence (Definition and Foundations). Fiqh, 18(70), 3-44 [in Persian].
- 110) Second Martyr, Zayn al-Din ibn Ali (1368 SH/1989). Al-Rawdha al-Bahiya in the Commentary on Al-Lama'ah al-Damasqiyyah (Al-Mahshī Kalantar) (1st Ed.). Iran, Qom: Davari Bookstore [in Arabic].
- 111) Shabani, M. S. (1395 SH/2016). Investigating the Legal Status of Insider Trading in the Stock Exchange. Stock Exchange, 9(33), 115-131 [in Persian].
- 112) 5. Shambiati, H. (1384 SH/2005). Specialized Criminal Law. Iran, Tehran: Majd [in Persian].
- 113) Sharifi, S. E.; & Beheshti, Sh. (1389 SH/2010). A Comparative Study of Insider Prohibitions in Securities Transactions in the Laws of the European Union, England, France and Iran. Legal Studies, 9(17), 213-232 [in Persian].
- 114) Tohidi, M. (1398 SH/2019). Investigation and Analysis of Insider Trading Based on Imamiyyah Jurisprudence Principles. Islamic Finance Researchs (IFR), 8(2), 223-254. Doi: [10.30497/ifr.2019.2267](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.2267) [in Persian].
- 115) Tohidi, M. (1396 SH/2017). Model for Evaluating and Analyzing Speculative Transactions in the Iranian Securities Market Based on the Principles of Imamiyyah Jurisprudence (PhD Document). Faculty of Islamic Studies and Management. Imam Sadiq University, Tehran, Iran [in Persian].
- 116) Zahedmanesh, Sh.; Rajabzadeh Estahbani, A.; & Sadeghi, M. (1400 SH/2021). Civil Liability of Users of Inside Information in Stock

Market Transactions. Iranian Political Sociology, 4(3), 237-253 [in Persian].

- 117) Zuhaili, W. M. (1368 SH/1989). Islamic Jurisprudence and Its Evidence. Syria, Damascus: Dar al-Fikr [in Arabic].

پیوست (۱): ساختار شمایک روش پژوهش اجتهاد چند سطحی



منبع: (توحیدی، ۱۳۹۶)

پیوست (۲): استفتائات از مراجع عظام تقلید و سایر فقها

به استحضار می‌رساند؛ برخی از اشخاص فعال در بازار سهام به اطلاعات محرمانه‌ای در خصوص شرکت‌ها دسترسی پیدا می‌کنند. این اطلاعات که به‌عنوان اطلاعات نهانی شناخته می‌شوند در صورت انتشار عمومی قطعاً بر قیمت سهام آن شرکت تأثیرگذار خواهد بود. دارندگان اطلاعات نهانی خود دو دسته‌اند: ۱- دارندگان اطلاعات نهانی درجه اول که رابطه امانی و حقوقی با شرکت منتشرکننده سهم دارند مانند مدیرعامل،

هیأت مدیره و... که به خاطر این رابطه در معرض اطلاعات شرکت هستند. در واقع رابطه مدیران شرکت با مالکین (سهامداران) رابطه وکالتی است و مدیران شرکت وکلای سهامداران (مالکین) شرکت هستند. ۲- دارندگان اطلاعات نهانی درجه دو که رابطه حقوقی با شرکت منتشر کننده سهم نداشته و افرادی هستند که اطلاعات نهانی را از شخصی دیگر (نه ضرورتاً از دارنده اطلاعات نهانی درجه اول) به دست می آورند. مستدعی است؛ به سؤال های ذیل پاسخ بفرمایید:

۱) آیا اشخاص دارنده اطلاعات نهانی (به تفکیک گروه اول و گروه دوم) می توانند با استفاده از اطلاعات در اختیار خود با سایر افراد فاقد این اطلاعات معامله (خرید/فروش) نمایند؟ (مستدعی است؛ حکم وضعی و تکلیفی را بیان فرمایید)

۲) در صورتی که رواج این معاملات موجب تضییع حقوق برخی سهامداران شود یا موجب ضرر به افراد یا نظام بازار سهام یا از بین رفتن عدالت و مصلحت در بازار سهام گردد، آیا این امور موجب بطلان معاملات متکی بر اطلاعات نهانی می شود؟ حکم تکلیفی چیست؟

۳) آیا انجام معاملات به شرح گفته شده در صدر سؤال، مصداق غرر، اکل مال به باطل، قاعده لاضرر، تدلیس، غبن، تلقی رکبان، غرور، تصرف غیر مجاز در ودیعه و سرقت اموال شرکت (با فرض احتساب اطلاعات نهانی به عنوان اموال شرکت) است؟ استفتاء فوق برای دفاتر ۲۰ نفر از مراجع و فقها اشاره شده، ارسال گردید که در نهایت ۹ نفر از ایشان به سؤال های پاسخ داده اند که به شرح جدول ذیل ارائه گردیده است:

ردیف	نام مراجع / فقها	پاسخ ارائه شده
۱	آیت الله خامنه ای	استفاده از اطلاعات اقتصادی به صورت غیرقانونی یا به گونه ای که موجب تضییع حقوق دیگران شود؛ جایز نیست. موفق و مؤید باشید.
۲	آیت الله سیستانی	کلاً اصل معامله خرید و فروش صحیح است و اگر تدلیس یا فریب یا غبن یا مانند آنها باشد برای مشتری خیار ثابت می شود.
۳	آیت الله مکارم شیرازی	هرگاه خدعه و نیرنگ و کلاهبرداری بر آن صدق نکند استفاده کردن از اطلاعات خاص اشکالی ندارد ولی اگر طرف مغبون شود خیار غبن دارد.

ردیف	نام مراجع / فقها	پاسخ ارائه شده
۴	آیت الله کریمی جهرمی	۱ و ۲: ارائه اطلاعات نهانی شرکت توسط دارندگان درجه اول آن برخلاف رعایت حقوق موکلین و حرام قطعی است و معامله بر این اطلاعات باطل است و اگر با این اطلاعات خرید یا فروش سهم به دیگران کنند، خریدار پس از کسب اطلاعات می تواند با استفاده از خیار عیب یا خیار غبن معامله را فسخ نماید؛ و اما عمل مطلعین اتفاقی، احکام خیانت در حقوق موکلین و شرکت را ندارد اما چون برخلاف مقررات است باید رعایت حقوق عامه را بنمایند اما معاملات آن ها از جهت وضع حکم دسته اول را دارد. ۳: موارد مختلف است ممکن است در برخی از موارد عناوین فوق الذکر هم تطبیق گردد.
۵	آیت الله علوی بروجردی	۱. افشاء این اطلاعات از طرف کسانی که امانت داری وظیفه شغلی آنان است حرام و هرگونه معامله بر روی آن ها باطل است و تفاوت نمی کند که حد وقوف و دسترسی آنان بر این گونه اطلاعات کم یا زیاد باشد و حکم افرادی از دسته دوم که بر این اطلاعات به هر صورتی وقوف پیدا می کنند مانند افراد دسته اول است چه از نظر تکلیف و چه از نظر وضع. ۲. افشاء این گونه اطلاعات موجب اخلال در بازار و تضییع حقوق افراد است و لذا شرعاً حرام و معامله بر روی آن ها باطل است. ۳. مصداق اضرار به غیر است و لذا موجب ضمان می شود.
۶	آیت الله هادوی تهرانی	چنین معاملاتی از سوی شخص مطلع تدلیس و حرام تکلیفی است و طرف مقابل مغبون است و هر زمان که از غبن خود مطلع شود می تواند معامله را فسخ کند.
۷	آیت الله فیاض	در مورد سؤال، اگر قانون اجازه ندهد در مورد گروه اول اینکار جایز نیست و پول آن نیز حرام است.
۸	آیت الله دوزدوزانی تبریزی	در صورت اول که دارنده اطلاعات وکیل افراد است معامله صحیح نیست و در صورت دوم صحت معامله بعید نیست ولی خلاف انصاف است و رعایت انصاف برای مؤمن لازم است.
۹	آیت الله بیات زنجانی	فرض سؤال در صورتی که مطابق مقررات قانونی و دستورالعمل های اجرائی و سیاست گذاری کلان نظام ممنوع اعلام نشده باشد، به عنوان اولی

ردیف	نام مراجع / فقہا	پاسخ ارائه شده
		دلیل موجه برای ممنوعیت ندارد، مگر اینکه قانون افرادی را از ورود به این نوع معاملات منع کرده باشد که در این صورت علاوه بر حکم تکلیفی که وارد شوندگان گناه هم مرتکب شده اند، از نظر وضعی معامله آنها نیز باطل است به خصوص این احتمال درباره کسانی که از گروه دسته اول باشند قوت بیشتری دارد

Examining the Solutions for Reforming the Ownership System in Iran (with an Islamic Approach)

Author: Mohammad Zaman Rostami | Mohammad Hadi Rostami

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246849.1909>

راهکارهای اصلاح نظام مالکیت در ایران (با رویکرد اسلامی)

نویسندگان: محمدزمان رستمی | محمدهادی رستمی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246849.1909>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Examining the Solutions for Reforming the Ownership System in Iran (with an Islamic Approach)

Mohammad Zaman Rostami: Faculty Member, Faculty of Economics and Management, Qom University, Qom, Iran.

mz.rostami@qom.ac.ir | 0009-0006-6689-1266

Mohammad Hadi Rostami: Faculty Member, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author).

rostami@isr.ikiu.ac.ir | 0009-0009-7496-0112

Abstract

1. Introduction and Objective

The ownership system serves as a foundational pillar in the economic architecture of nations, influencing patterns of resource allocation, investment behavior, and wealth distribution. Historically, the evolution of economic systems has been closely intertwined with the transformation of ownership structures—from feudalism and aristocratic landholding to entrepreneurial capitalism and institutional land use. In this trajectory, productive ownership—characterized by efficient use of assets and value generation—has emerged as a key determinant of sustainable economic growth, technological innovation, and social progress. In contrast, non-productive ownership—where wealth is tied up in idle or speculative assets—tends to undermine productivity, fuel inequality, and distort market signals. In the context of Iran, the current ownership system is plagued by a disproportionate concentration of wealth in non-productive sectors, such as speculative holdings in real estate, land, gold, and foreign currency. This has resulted in the emergence of rentier elites who extract economic benefit without contributing to actual production or innovation. The dominance of these speculative behaviors—fueled by structural inefficiencies, weak enforcement of legal norms, and an underdeveloped taxation system—has caused significant macroeconomic imbalances. Key symptoms include housing shortages despite a large stock of vacant units, capital flight, misallocation of credit, and increasing disparity between productive and unproductive economic actors. These developments are not merely economic anomalies; they represent a deep misalignment

between prevailing property practices and the ethical, legal, and social ideals embedded in Islamic economic thought. In Islam, ownership is not an absolute right but a conditional trust (*amanah*) from God, contingent upon the principles of public welfare (*maslahah*), social justice (*'adl*), and productive use (*iḥyā'*). Ownership without utility—such as hoarding land, capital, or housing—is not only discouraged but in certain cases invalidated under Islamic jurisprudence. Concepts such as *Qa'idat La Darar* (the no-harm rule) and *Iḥyā' al-Mawāt* (revival of dead land) form the normative backbone of an Islamic approach to property rights, where legitimacy is inseparable from utility and public benefit. The objective of this research is to critically evaluate the current state of ownership in Iran and to propose viable pathways for reform grounded in both Islamic jurisprudence and international best practices. It seeks to integrate normative Islamic principles with empirically tested policy instruments—especially fiscal tools like Capital Gains Tax (CGT) and Tax on Idle Capital—to create a dynamic and accountable ownership regime. Drawing from successful experiences in countries such as the United States, United Kingdom, and Turkey, the study underscores the effectiveness of taxation in curbing speculative activities, incentivizing productive investments, and enhancing economic inclusiveness. Furthermore, the research examines the philosophical underpinnings of ownership from both Western and Islamic perspectives. It draws on the works of classical economists like Adam Smith and David Ricardo, who emphasized the centrality of productive labor and efficient capital use, as well as contemporary Islamic scholars like Shahid Sadr and Morteza Motahhari, who framed ownership within a spiritual and social contract. By situating ownership within these dual epistemologies, the study aims to articulate a coherent framework that bridges economic rationality and moral obligation. In doing so, this study also highlights the structural reforms required to operationalize this new ownership paradigm. These include the establishment of a transparent cadastral system, legal reforms to restrict speculative ownership practices, and the use of technology-driven platforms to monitor asset use and facilitate tax compliance. Ultimately, the goal is to create an economic system that channels national wealth into socially beneficial and economically productive endeavors, thereby advancing the goals of distributive justice, macroeconomic stability, and sustainable development in accordance with Islamic values and contemporary policy needs.

2. Methods and Materials

The study adopts a descriptive-analytical methodology grounded in Islamic jurisprudential and economic principles. It incorporates theoretical analysis alongside comparative case studies from successful economies that have implemented asset-based taxation to encourage productive investment.

Key Islamic legal concepts such as the no-harm rule (*La Darar*) and revival of dead land (*Ihya al-Mawat*) are explored to support the religious and ethical legitimacy of reform measures. The proposed tools include a tax on idle assets and a capital gains tax, which are assessed in terms of their alignment with Islamic values and their capacity to shift capital flows toward productive sectors.

3. Research Findings

The study finds that the inefficiency of Iran's ownership system is primarily driven by the prevalence of non-productive wealth accumulation and insufficient legal frameworks for managing ownership rights. The concentration of assets—particularly in the form of vacant houses, abandoned lands, and hoarded gold and currency—has led to distorted capital allocation, housing shortages, and reduced economic mobility. Comparative evidence from developed countries shows that taxation policies such as Capital Gains Tax and Tax on Idle Capital significantly curb speculative activity and redirect investments into productive sectors. From an Islamic perspective, property rights are conditional upon productive utilization and social responsibility. Ownership of unutilized land or capital that fails to contribute to collective welfare may be revoked under Islamic law. The study identifies the need for transparent data systems (e.g., national cadastre and digital transaction tracking) and enhanced tax regulation to address the loopholes in informal transactions and fictitious ownership transfers.

4. Discussion and Conclusion

Reforming the Iranian ownership structure requires a dual approach that combines fiscal policy and religious legitimacy. Taxation on idle capital and speculative profits aligns with both economic rationality and Islamic principles. Such measures would not only increase public revenue and reduce market distortions but also enhance justice and reduce the social harm caused by wealth concentration. The Islamic model advocates for a dynamic concept of ownership—one that privileges utility, prevents monopoly, and conditions possession on the creation of value. The implementation of policies based on these

principles, including the taxation of non-productive wealth and the legal enforcement of land use, would stimulate productive investment and foster economic stability. However, for these reforms to be effective, comprehensive legal amendments, cross-agency coordination, and robust IT infrastructure must be established. Ultimately, the proposed reforms aim to diminish systemic corruption, reduce speculative behavior, and improve the equitable distribution of national wealth.

5. Acknowledgments

The authors would like to express their sincere gratitude to the Journal of Islamic Finance Researches and its editorial board for supporting the publication of this study. Special thanks are also extended to the numerous scholars and policymakers whose works provided valuable insights throughout this research. The intellectual contributions of both classical and contemporary thinkers in economics and Islamic jurisprudence were instrumental in shaping the conceptual framework of this paper. Additionally, the authors appreciate the assistance of academic reviewers and legal experts who provided feedback on earlier drafts of the manuscript. Their suggestions helped refine the arguments and clarify the intersections between religious doctrine and economic policy.

6. Keywords

Ownership System; Productive Activities; Non-productive Activities; Capital Gains Tax; Tax on Idle Capital, Economic Justice; Productivity; Islamic Jurisprudential Principles.

7. JEL Classification: H24, H71, D84, R38 K11, N45, P48.

راهکارهای اصلاح نظام مالکیت در ایران (با رویکرد اسلامی)

محمدزمان رستمی: عضو هیأت علمی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران.
mz.rostami@qom.ac.ir
محمدهادی رستمی: عضو هیأت علمی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه)،
qom.ac.ir@rostami (نویسنده مسئول).

چکیده

مقدمه و هدف: نظام مالکیت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی اقتصاد، نقش مهمی در بهبود بهره‌وری، توزیع عادلانه منابع و رشد اقتصادی ایفا می‌کند. در ایران، ساختار کنونی مالکیت با تمرکز بر فعالیت‌های غیرمولد، تجمع ثروت در بخش‌های ناکارآمد، و رواج سفته‌بازی در دارایی‌هایی نظیر مسکن، زمین، ارز و طلا، منجر به رکود اقتصادی، کاهش بهره‌وری و افزایش نابرابری شده است. هدف این مقاله، بررسی ضرورت اصلاح نظام مالکیت با تکیه بر اصول نظام اقتصادی اسلامی است.

روش‌ها و مواد: این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده و بر مبنای اصول فقهی و مبنای نظام مالکیت در اقتصاد اسلامی طراحی گردیده است. به منظور تحلیل کارایی ابزارهای اصلاحی، از مطالعات تطبیقی در کشورهای موفق بهره گرفته شده است. دو ابزار مالیاتی اصلی مورد پیشنهاد عبارتند از: مالیات بر سرمایه‌های راکد و مالیات بر عایدی سرمایه. همچنین اصول فقهی نظیر «قاعده لاضرر» و «قاعده احیاء موات» برای بررسی مشروعیت دینی این راهکارها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعمال مالیات بر دارایی‌های راکد از جمله زمین‌های بایر، املاک خالی و معادن رهاشده، موجب افزایش تحرک اقتصادی، کاهش فعالیت‌های سوداگرانه، و کاهش شکاف طبقاتی می‌شود. این ابزارها می‌توانند با هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مولد، بهره‌وری ملی را افزایش دهند و زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی شوند. همچنین از منظر فقهی، استفاده از این ابزارها با اصول اسلامی سازگار بوده و مشروعیت آن‌ها قابل دفاع است.

بحث و نتیجه‌گیری: اصلاح نظام مالکیت در چارچوب اصول اسلامی مستلزم فراهم‌سازی بسترهای شفافیت اطلاعاتی، تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات مانند سامانه کاداستر، و طراحی قوانین مؤثر برای مقابله با فرار مالیاتی و معاملات صوری است. در نهایت، اجرای این اصلاحات می‌تواند با حذف فعالیت‌های غیرمولد، ارتقای زیرساخت‌های اطلاعاتی و مالیاتی، به تحقق عدالت اقتصادی، کاهش فساد، افزایش بهره‌وری و رشد پایدار اقتصادی کشور کمک شایانی نماید.

واژگان کلیدی: نظام مالکیت؛ فعالیت‌های مولد؛ فعالیت‌های غیرمولد؛ مالیات بر عایدی سرمایه؛ مالیات بر سرمایه‌های راکد؛ عدالت اقتصادی؛ بهره‌وری؛ اصول فقهی اسلامی.

مقدمه

نقطه عطف اقتصاد در تاریخ بشر به زمانی بازمی‌گردد که نظام مالکیت مبتنی بر بهره‌وری شکل گرفت و در این راستا، فنودال‌هایی که عملاً از بهره‌وری لازم برای توسعه اقتصادی برخوردار نبودند، جای خود را به کارآفرینانی دادند که از طریق نوآوری و سرمایه‌گذاری‌های مؤثر، به ارتقاء سطح تولید و رشد اقتصادی کمک کردند. این تغییر به انتقال سرمایه‌ها از فعالیت‌های غیرمولد به فعالیت‌های مولد منجر شد، به گونه‌ای که تحولات قابل توجه‌ای در اکتشافات علمی، فناوری، بازاریابی بین‌الملل، واردات مواد خام، صادرات مصنوعات و تکمیل زنجیره ارزش در صنایع ایجاد گردید.

فناوری و نوآوری نه تنها بسترهای جدیدی را برای تولید ایجاد کردند، بلکه به تغییرات عمیق در ساختار اقتصادی و اجتماعی نیز منجر شدند. نام‌گذاری فعالیت‌ها به دودسته مولد و غیرمولد ریشه در تفکرات اقتصادی دوران رنسانس و انقلاب صنعتی دارد و به‌ویژه در آثار اقتصاددانانی چون فرانسوا کنه در قرن هجدهم تجلی پیدا کرده است. آدام اسمیت نیز در اثر مشهور خود، ثروت ملل، فقر ملت‌ها را به دلیل ناکارآمدی مالکیت و همچنین فعالیت‌های غیرمولد تحلیل کرده و بر این موضوع تأکید کرده است که سیستم‌های اقتصادی موفق، باید به سمت بهینه‌سازی بهره‌وری در فعالیت‌های تولیدی سوق یابند.

در این راستا، می‌توان گفت که تحولات اقتصادی از نظر نظری و عملی نه تنها محدود به انتقال مالکان از فنودالیسم به کارآفرینی بوده، بلکه به نوعی مبنای شکل‌گیری نظریات اقتصادی مدرن و رویکردهای نوین در اداره اقتصاد جهانی را نیز فراهم ساخته است. درنهایت، باید اذعان کرد که این تغییرات نقش انکارناپذیری در شکل‌دهی به قواعد بازی اقتصادی ایفا کرده و در پی آن، تأثیرات عمیقی بر روی نحوه فهم و تحلیل مسائل اقتصادی از سوی علمای علم اقتصاد داشته است (اسمیت، ۱۳۷۵، ص ۲۷۰).

اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک، ازجمله شخصیت‌های برجسته‌ای همچون ژان باتیست سه، دیوید ریکاردو و مارشال، همواره بر اهمیت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد تأکید ورزیده‌اند. این اندیشمندان بر این باور هستند که سرمایه باید در حوزه‌هایی متمرکز شود که بالاترین بازدهی را به همراه داشته باشد. آن‌ها عملکرد

مؤثر سرمایه را به عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی و توسعه تلقی می کنند. سرمایه گذاری در فعالیتهای مولد نه تنها به افزایش تولید و بهره وری کمک می کند بلکه موجب بهبود کیفیت زندگی و افزایش رفاه اجتماعی نیز می شود.

علاوه بر این، اقتصاددانان مکتب کینزی و نئوکینزی نیز بر لزوم تمرکز سرمایه در فعالیتهای مولد تأکید دارند. این مکاتب بر این نکته تأکید می کنند که برای رسیدن به رشد پایدار، باید شرایطی فراهم شود که جذب سرمایه در فعالیتهایی که قادر به تولید ارزش بیشتری هستند، ممکن گردد. این رویکرد جامع به کارکردهای مختلف سرمایه در اقتصاد و نقش آن در ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی می پردازد.

در کانون این بحث، ادبیات مارکسیستی قرار دارد که به طور افراطی از فعالیتهای مولد حمایت می کند، اگرچه تحت نظام مالکیت متفاوتی عمل می کند. مارکسیسم بر این باور است که تولید مولد باید در مرکز توجه قرار گیرد تا به توزیع عادلانه تر منابع و ثروت منجر شود. در این نگرش، مولد بودن نه تنها به معنای افزایش تولید بلکه به معنای استفاده بهینه از منابع انسانی و طبیعی نیز محسوب می شود.

به طور کلی، از قرن ۱۶ به این سوی، اقتصاددانان توافق نظر قابل توجهی بر این دارند که تمرکز سرمایه در فعالیتهای مولد از ضروریات اصلی رشد اقتصادی است. در نظر گرفتن مؤلفه های اجتماعی و اقتصادی در این حوزه می تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کمک کند و در نهایت به تحقق توسعه پایدار بینجامد. این تأکید بر فعالیتهای مولد و لزوم سرمایه گذاری در آنها، شاهی بر اهمیت این مفهوم در تئوری های اقتصادی مختلف است و می تواند راهگشای سیاست های اقتصادی مؤثری باشد که به رشد و توسعه پایدار کمک می کنند (Schumpeter, 1934).

بامول در نظریه اقتصادی خود، فعالیتهای رانتی را به عنوان فعالیتهایی شناسایی می کند که فاقد ارزش افزوده واقعی هستند و در نتیجه در دسته فعالیتهای نامولد قرار می گیرند. این فعالیتهای عمدتاً از طریق بهره برداری از موقعیتهای اقتصادی خاص، مانند انحصار، فساد یا سوءاستفاده از قدرت به وجود می آیند و به جای ایجاد ثروت و اشتغال، صرفاً باعث توزیع مجدد منابع می شوند.

نهادگرایان، به عنوان گروهی از اقتصاددانان و صاحب نظران، بر این باورند که

ایجاد و اصلاح نهادها و نظام‌های مالکیت می‌تواند منجر به هدایت منابع به سمت فعالیت‌های مولد گردد. آن‌ها معتقدند که با ایجاد یک بستر مناسب که به تشویق نوآوری، رقابت و سرمایه‌گذاری‌های پایدار منجر شود، می‌توان فعالیت‌های نامولد را کاهش داد و منابع را به سمت تولید و بهره‌وری بیشتر هدایت نمود. درنهایت، معضل فعالیت‌های رانتی و نامولد، نه تنها به اقتصاد یک کشور آسیب می‌زند بلکه مانع از رشد و شکوفایی آن نیز می‌شود؛ بنابراین، توجه به نهادها و اصلاحات لازم در نظام مالکیت، ابزارهای مؤثری برای مواجهه با این معضل هستند که می‌توانند به ایجاد بسترهای مناسب برای فعالیت‌های مولد کمک نمایند (North, 1990).

نظام مالکیت به‌عنوان یکی از ارکان بنیادی اقتصاد، در تعیین سرنوشت اقتصادی کشورها نقش بسیار اساسی ایفا می‌کند. کارآمدی این نظام، می‌تواند به شکوفایی و پیشرفت اقتصادی بینجامد، درحالی‌که ناکارآمدی آن، موجب رکود می‌گردد. درواقع، وظیفه اصلی هر دولت تنظیم و تدوین یک نظام مالکیت متناسب با ارزش‌ها، اهداف، شرایط و امکانات موجود است؛ به‌گونه‌ای که تمامی اجزای اصلی و فرعی اقتصاد را در مسیری واحد هدایت کرده و از تشتت و ناهماهنگی جلوگیری نماید.

در ایران، نظام مالکیت نه تنها به‌طور کامل به الگوی سرمایه‌داری وفادار نیست، بلکه برخلاف اصول نظام اسلامی نیز عمل می‌کند. این وضعیت موجب رشد فعالیت‌های نامولد، کاهش نرخ رشد اقتصادی، عقب‌ماندگی، وابستگی و اختلال در تکمیل زنجیره تولید می‌شود. به‌علاوه، در طی سال‌های اخیر، مشاهده شده که گروهی از افراد، همانند سفته‌بازان در عرصه‌های ارز، طلا، خودرو و املاک، بخشی از تولید ناخالص ملی را در اختیار گرفته‌اند بدون آنکه در فرآیند تولید واقعی نقشی ایفا کنند. این افراد درعین حال، مشمول حداقل مالیات‌ها یا معافیت‌های مالیاتی هستند.

در کشورهای پیشرفته، اقداماتی نظیر وضع مالیات بر سرمایه و مالیات بر عایدی در حوزه‌های مختلف، مانند زمین بایر، خانه‌های خالی و ساختمان‌های نیمه‌ساز، به‌منظور کاهش تأثیر فعالیت‌های سوداگری و تقویت نظام مالکیت به‌کار گرفته می‌شود. این سیاست‌ها نه تنها موجب کنترل نوسانات اقتصادی و جلوگیری از غیرمؤثر بودن

منابع می‌گردند، بلکه بسترهای لازم برای ایجاد یک نظام مالکیت کارآمد را فراهم می‌آورند.

فقدان نظام مالکیت اسلامی یکی از عوامل کلیدی در تمرکز دارایی‌ها و نقدینگی نزد نهادها و افرادی است که بهره‌وری اقتصادی ندارند. این نظام که در دوران حکومت پیامبران و امامان معصوم مانند حضرت یوسف (ع)، حضرت سلیمان (ع)، پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) اجرا می‌شد، بر پایه عدالت، توزیع عادلانه منابع و ایجاد فرصت‌های برابر برای تمامی اقشار جامعه استوار بود. نمونه‌های موفق این نظام در قرون چهارم و پنجم هجری، به‌ویژه در دوران طلایی تمدن اسلامی، نمایانگر تأثیر عمیق آن در شکوفایی اقتصادی و اجتماعی است.

نظام مالکیت در اندیشه اسلامی بر پایه اصول بهره‌وری و عدالت اقتصادی استوار بوده و ماهیتی غایت‌محور دارد که مانع از تمرکز ثروت و انغال در دستان افراد یا گروه‌های غیرمولد می‌گردد. در این نظام، مالکیت بر زمین و دیگر انفال ماهیتی موقت و مشروط داشته و تنها در صورت تحقق حداکثری بهره‌وری و ایجاد ارزش‌افزوده مشروعیت می‌یابد. زوال بهره‌وری یا عدم استفاده مولد از منابع، به انقضای حق مالکیت منجر می‌شود. مالکیت بر درآمد نیز تابع اصل ایجاد ارزش‌افزوده است. از منظر فقهی، انتقال حق بهره‌برداری از طرح‌ها یا منابع بدون ایفای نقش فعال در ایجاد ارزش‌افزوده، بدون توجیه تلقی شده و مانع استحقاق سهم درآمدی می‌گردد؛ بنابراین، پیمانکارانی که اقدام به واگذاری طرح‌ها به دیگران بدون ایفای نقش در تولید یا تحقق نتایج مورد انتظار می‌نمایند، نه‌تنها مستحق مالکیت بر درآمد حاصل نیستند، بلکه مصداق «اکل مال به باطل» قرار می‌گیرند. بقای مالکیت در نظام اسلامی نیز به‌طور مستقیم با اصل بهره‌وری و کارآمدی مرتبط است. به‌عنوان نمونه، فردی که مال یا زمین را به ارث می‌برد اما فاقد توانایی لازم برای بهره‌برداری از آن است، از منظر حقوقی به‌عنوان سفیه شناخته‌شده و شرعاً از تصرف مستقل در آن منع می‌شود.

با اصلاح نظام مالکیت براساس اصول اسلامی و وضع مالیات بر سرمایه‌های راکد و عایدی ناشی از آن‌ها، می‌توان به خروج سرمایه‌ها از حوزه‌های فاقد بهره‌وری کمک کرد. این تغییرات می‌تواند موجب انتقال منابع به بخش‌های مولد اقتصادی شده و

زمینه‌ساز رشد پایدار و توسعه متوازن در جامعه گردد. در نتیجه، این اصلاحات نه تنها کارآمدی اقتصادی را افزایش می‌دهد بلکه به ایجاد عدالت اقتصادی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی نیز کمک خواهد کرد.

۱. پیشینه تحقیق

لین^۱ (۱۹۹۴م) در مطالعه‌ای نشان داد که افزایش مالیات بر عایدی، سبب کاهش نرخ بهره و افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌شود.

هال و جونز^۲ (۱۹۹۹م) در مطالعه‌ای با طرح مفهوم زیرساخت اجتماعی، فعالیت‌های مولد و نامولد را تفکیک کرده و می‌گویند: نهادها و سیاست‌ها می‌باید باعث تشویق سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری از انحراف منابع به سمت فعالیت‌های غیرمولد شوند.

هالوایا و الورتانتا^۳ (۲۰۱۴م) در مطالعه‌ای اظهار می‌دارند: فقدان مالیات بر عایدی، کارآمدی تخصیص منابع را کم و انگیزه انحراف منابع به فعالیت‌های غیرمولد را زیاد می‌کند.

وایتهد^۴ (۲۰۱۷م) در مطالعه‌ای بیان می‌کند که با اعمال مالیات بر عایدی، سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد که سود سریع به همراه دارند، مشمول مالیات می‌شوند، فعالیت‌های مولد، برای سرمایه‌گذاری جذاب‌تر خواهند شد و صاحبان کسب‌وکار از سرمایه‌گذاری در بلندمدت که با کاهش نوسانات دوره‌ای همراه است، راضی‌تر خواهند بود.

معرفت (۱۳۷۵) در مطالعه‌ای بیان می‌کند، مستفاد از روایات آن است که مقصود از مالکیت زمین، مالکیت تبعی در مقابل ملکیت مطلق است، به این معنی که احیاکننده، مالک زمین می‌شود ولی این مالکیت، تابع آبادانی است و با زوال آبادانی، زایل می‌شود. مصباحی‌مقدم (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از روایات نشان می‌دهد که احیاکننده زمین، مالک اصل زمین نمی‌شود و تنها حق بهره‌برداری از آن را دارد و در

-
1. Lin
 2. Hall & Johnes
 3. Holloway & Eloranta
 4. Whitehead

صورت کوتاهی در آباد نگه داشتن آن، حاکم اسلامی می تواند آن را در اختیار دیگران قرار دهد.

مقیمي و بایاری (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بسترهای زمین‌خواری و روش‌های مقابله با آن، به تبیین جرم زمین‌خواری، ویژگی‌ها، عوامل و عناصر ارتکاب آن، شگردهای زمین‌خواران و فرایند مبارزه با زمین‌خواری توسط پلیس آگاهی می‌پردازند. لعلی سرابی و مصباحی‌مقدم (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با شرح این مسأله که قراردادهای آتی نقش مهمی در مدیریت ریسک ایفا می‌کنند و سفته‌بازی از فعالیت‌های اصلی در بازار مشتقه‌ها از جمله بازار آتی‌ها است، به این پرسش پاسخ می‌دهند که آیا سفته‌بازی در بازار آتی از نظر اسلام صحیح است.

خداداد کاشی و رزبان (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با بررسی اثر سفته‌بازی بر نوسان‌های بازار مسکن و با استفاده از معادله تعادلی قیمت و فن شبیه‌سازی نتیجه می‌گیرند که تقاضای سفته‌بازی تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر نوسان قیمت مسکن دارد و سبب بروز دوره‌های رونق و رکود در این بازار می‌گردد.

سیدنورانی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای نشان می‌دهد عواملی مانند قیمت دوره قبل مسکن، بازدهی سایر بازارها، تغییرات جمعیت، هزینه ساخت و میزان عرضه، اثر معناداری بر شاخص قیمت مسکن دارند و تقاضای سفته‌بازی ۷ برابر تقاضای مصرفی در دوره موردبررسی است.

فطرس و دلایی میلان (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی اقتصاد زیرزمینی می‌پردازند و نرخ‌های مالیاتی را متغیر اصلی اثرگذار بر حجم آن می‌دانند. از نظر ایشان، کشورها برای مبارزه با سفته‌بازی، از مالیات بر عایدی سود جسته‌اند.

رضایی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای بیان می‌دارد در دوره ۹۶-۱۳۹۱ طولانی‌ترین رکود همراه با بیشترین رشد نقدینگی به وجود آمد و بیشترین سفته‌بازی و رانت‌خواری در بازارها شکل گرفت. با افزایش نااطمینانی‌ها و انتظارات ناشی از تحریم، نقدینگی سرگردان از بازارهای پولی وارد بازار ارز، سکه، کالا و خدمات شد و به رکود، کاهش ارزش پول و بی‌ثباتی اقتصاد کلان دامن زد.

حسن‌زاده و پرنیان (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای پس از بیان معیارهای مشخص‌کننده

بخش‌های نامولد، تجربیات برخی کشورها در کنترل آن و وضعیت فعلی ایران، راه‌کارهایی برای کنترل و کاهش فعالیت‌های نامولد پیشنهاد می‌دهند.

۲. مبانی نظری

مبانی نظری حقوق مالکیت، به‌عنوان یکی از محورهای بنیادین در تحلیل اقتصادی و فلسفه حقوق، موضوع بررسی‌هایی پیچیده و چندوجهی درباره ماهیت، استقرار، دامنه و محدودیت‌های حقوق مالکیت است. این مبانی در ادبیات اقتصادی و حقوقی شامل تعریف مالکیت به‌عنوان حق قانونی برای کنترل، بهره‌برداری و استفاده از دارایی‌ها است. فرآیند به‌رسمیت شناختن حقوق مالکیت، علاوه بر ایجاد امنیت اقتصادی، بستری برای تخصیص بهینه منابع و کاهش هزینه‌های مبادله فراهم می‌آورد. همچنین، دامنه مالکیت شامل تعیین مرزهایی است که امکان تملک خصوصی را برای اموال مادی، مانند زمین و ماشین‌آلات و اموال غیرمادی، مانند دارایی‌های فکری، تعریف می‌کند.

از سوی دیگر، محدودیت‌هایی نظیر قوانین زیست‌محیطی یا الزامات اجتماعی در راستای حفظ منافع عمومی و جلوگیری از پیامدهای خارجی منفی بر این حقوق اعمال می‌شوند. علاوه بر این، تحلیل حقوق مالکیت به نحوه استفاده مالکان از اموال خود، از جمله فروش، اجاره، وام‌دادن یا تغییر کاربری آن‌ها، توجه دارد و چارچوب‌هایی برای تنظیم این اقدامات ارائه می‌دهد. سازوکارهای جبران خسارت ناشی از نقض حقوق مالکیت نیز در این چارچوب نقش کلیدی ایفا کرده و ابزارهایی برای حفظ عدالت اقتصادی و اجتماعی در نظام حقوقی محسوب می‌شوند.

این اصول، بسته به شرایط زمانی، ساختارهای نهادی و ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی، دچار تحول می‌شوند. به‌عنوان مثال، در جوامع با اقتصاد مبتنی بر نوآوری، تأکید بیشتری بر حقوق مالکیت فکری وجود دارد، درحالی‌که در نظام‌های کشاورزی، مالکیت زمین اهمیت بیشتری می‌یابد. درنهایت، مبانی نظری حقوق مالکیت، نه تنها ابزاری برای تحلیل اقتصادی و حقوقی هستند، بلکه به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه پایدار و کاهش نابرابری‌های اجتماعی، نقشی حیاتی در سیاست‌گذاری عمومی ایفا می‌کنند.

جان لاک، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین متفکران لیبرالیسم کلاسیک، مالکیت را

حقی طبیعی و بنیادین می‌داند که از طریق فرایند ترکیب کار انسانی با منابع طبیعی ایجاد می‌شود. در نظریه کار، لاک بر این نکته تأکید دارد که انسان با تخصیص تلاش و خلاقیت خود به منابع مشترک، حق انحصاری و خصوصی بر این منابع پیدا می‌کند، زیرا کار به عنوان امتداد شخصیت و مالکیت ذاتی انسان در نظر گرفته می‌شود. این نظریه، ضمن ارائه توجیه اخلاقی و فلسفی برای حقوق مالکیت، بستری برای توسعه اقتصادی و بهره‌برداری کارآمد از منابع فراهم می‌سازد. لاک همچنین محدودیت‌هایی برای مالکیت قائل است که بر مبنای عدالت توزیعی و تأمین نیازهای اساسی جامعه شکل گرفته‌اند. او بر اهمیت پرهیز از تصرف مازاد بر نیاز و جلوگیری از اسراف منابع تأکید دارد، زیرا منابع طبیعی به عنوان امانت‌های مشترک انسانی شناخته می‌شوند. در این راستا، نظریه او نوعی تعادل میان حقوق فردی و منافع عمومی برقرار می‌کند. این دیدگاه با اصول مالکیت در نظام اسلامی هم‌سویی معناداری دارد. در چارچوب اقتصادی اسلام، مالکیت نتیجه تلاش، بهره‌وری و کار مؤثر بر روی منابع شناخته می‌شود و از این رو، کار مبنای مشروعیت مالکیت است. همچنین، همانند نظریه لاک، اسلام نیز محدودیت‌هایی نظیر جلوگیری از احتکار، انحصارطلبی و تأمین منافع عمومی را بر حقوق مالکیت اعمال می‌کند (حکمت‌نیا و موحدی، ۱۳۸۵؛ جاویدی، ۱۳۹۹).

جرمی بنتام، اقتصاددان برجسته قرن نوزدهم، مالکیت را ابزاری برای تحقق منفعت عمومی می‌پنداشت و این مفهوم را در چارچوب فلسفه فایده‌گرایی خود تبیین می‌کرد. از دیدگاه جرمی، انسان‌ها به‌طور طبیعی در جستجوی افزایش لذت و کاهش رنج هستند و حقوق مالکیت باید به گونه‌ای تعریف شوند که امکان بهره‌برداری افراد از ثمرات تلاش و کار خود را فراهم آورند. او به عنوان یکی از حامیان سرسخت نظام بازار آزاد و کاهش مداخله دولت، معتقد بود مالکیت خصوصی باید به نحوی تنظیم شود که حداکثر بهره‌وری اقتصادی را ایجاد کرده و بیشترین منفعت را برای بیشترین تعداد افراد جامعه به همراه داشته باشد. جرمی همچنین بر لزوم سازگاری استفاده از اموال با حقوق دیگران تأکید داشت و مسئولیت اخلاقی مالکان را در چارچوب تأمین رفاه عمومی تبیین می‌کرد. از نظر او، نظم اقتصادی مطلوب آن است که افراد با رفتارهای مالکیتی خود، به افزایش خوشبختی جمعی کمک کنند و تضادهای منافع

فردی و عمومی را به حداقل برسانند. این دیدگاه نه تنها به ایجاد یک سیستم حقوقی پایدار در مالکیت کمک می کند، بلکه نشان دهنده نقش حیاتی حقوق مالکیت در تقویت کارایی اقتصادی و ارتقای عدالت اجتماعی است (جرمی، ۱۴۰۲؛ حکمت نیا، ۱۳۸۶).

ایمانوئل کانت، مالکیت خصوصی را در چارچوب اخلاقی و فلسفی خود به عنوان لازمه ای برای آزادی و خوشبختی مورد تأکید قرار می داد. او این مفهوم را براساس دو اصل کلیدی توجیه می کرد: اصل انتخاب عادلانه و اصل تفاوت. اصل انتخاب عادلانه که در قلب فلسفه اخلاقی کانت قرار دارد، بیان می کند که اعمال باید به شکلی انجام شوند که بتوانند به عنوان قانون عمومی و جهانی پذیرفته شوند؛ یعنی به گونه ای که قابل تعمیم به همه افراد باشد. در مقابل، اصل تفاوت به حقوق دیگران توجه دارد و تأکید می کند که انسان ها باید مالکیت و آزادی دیگران را محترم شمرده و رفتارهای خود را به نحوی تنظیم کنند که تعارضی با حقوق دیگران ایجاد نکنند. این اصول در نهایت، مالکیت خصوصی را نه تنها یک حق، بلکه یک مسئولیت اجتماعی در راستای تأمین عدالت و احترام متقابل معرفی می کنند (شاقول، ۱۳۹۰؛ ویژه، ۱۳۸۸).

جان رالز در نظریه عدالت خود، مالکیت را به عنوان حق اخلاقی تعریف کرده و بر این باور است که مالکیت باید به عدالت اجتماعی منجر شود. اصول اساسی نظریه عدالت رالز عبارتند از اینکه هر فرد باید از آزادی های اساسی برابر برخوردار باشد؛ فرصت ها باید به طور منصفانه بین افراد توزیع شوند؛ نابرابری های اقتصادی باید به نحوی باشند که به نفع محروم ترین اعضای جامعه باشد. رالز معتقد است که این اصول باید در یک وضعیت اولیه از بی طرفی و بدون دانستن جایگاه خود در جامعه، انتخاب شوند (دیللم صالح، حبیبی کندسر و اسلامی، ۱۳۹۸؛ مقیمی، ۱۳۹۳).

رابرت نوزیک، مالکیت را به عنوان حق قراردادی تلقی می کند و بر این باور است که نظام مالکیت باید به گونه ای سازماندهی شود که حقوق مالکیت فردی را حفظ کرده و دخالت دولت را به حداقل برساند. نوزیک، نظریه عدالت توزیعی جان رالز و اصل تفاوت را که بر بازتوزیع دارایی ها برای بهبود وضعیت اقشار کم درآمد تأکید دارد، به عنوان نقض حقوق مالکیت ثروتمندان می بیند (نوری زاده و شاقول، ۱۳۹۴).

هریک از مکاتب اقتصادی و اقتصاددانان برجسته مانند آدام اسمیت، دیوید

ریکاردو، توماس مالتوس، جان استوارت میل، جان هیکس، پائول ساموئلسون، جوزف استگلیتز، جان کنیث گالبرایت، لئون والراس، ویلردو پارتو، آلفرد مارشال، ویلیام استنلی جویز، جان بیٹی هاجینسون، میلتون فریدمن، جرج استیگلر، گری بکر، رابرت لوکاس و اوژن فاما، کارل منگر، اوگن بوم باورک، لودیگ فون میزس، فریدریش هیک، موری راتبارد دیدگاه‌هایی در این زمینه داشته‌اند.

از منظر اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری، تمرکز مالکیت نزد کارآفرینان بهبود بهینه کارایی اقتصادی را به دنبال دارد. این امر به توسعه استعدادهای انسانی، اکتشافات و نوآوری‌ها کمک می‌کند که منجر به رشد اقتصادی پایدار می‌شود. هرچند این فرآیند ممکن است با معضلاتی چون استثمار همراه باشد، لیکن بنیان‌های پیشرفت‌های امروزی بر همین اساس استوار است.

از نظر مارکسیست‌ها، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، تضاد طبقاتی و بهره‌کشی کارگران توسط سرمایه‌داران را به همراه دارد. برای تحقق جامعه‌ای برابر، ضروری است که این مالکیت از بین برود و ابزارهای تولید به اشتراک گذاشته شوند. چنین اقدامی سبب می‌شود که انسان‌ها از حالت بیگانگی‌رهایی یابند و به آزادی و خلاقیت حقیقی خود دست یابند. این تغییرات نه تنها عدالت اجتماعی را محقق می‌کند، بلکه توسعه فردی و جمعی را نیز تسهیل می‌نماید.

در نظریه‌های اقتصادی، مالکیت و پاداش به‌عنوان ابزارهایی برای تشویق تولید و کارآمدی در نظر گرفته می‌شوند و یکی از مسائلی که به آن توجه می‌شود، ارتباط میان بهره‌وری و تعیین مالکیت و پاداش است. درواقع، بهره‌وری به‌عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد کارگران و نهادها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما این مفهوم به‌تنهایی اندازه‌گیری کامل و دقیقی از کیفیت کارایی یا ارزش فرد ندارد. بهره‌وری واقعی قابل اندازه‌گیری نیست و تحت تأثیر عواملی چون ابزار و فناوری قرار دارد. به‌عنوان مثال، در شرایطی که یک کارگر از گاواهن برای کشاورزی استفاده می‌کند، بهره‌وری او به میزان زیادی به عملکرد و کارایی این ابزار بستگی دارد. هنگامی که این ابزار به یک تراکتور مدرن تبدیل می‌شود، بهره‌وری تخمین زده شده به‌طرز قابل توجهی افزایش می‌یابد؛ درحالی که این افزایش درواقع نمایانگر بهبود فناوری است، نه عملکرد بهتر.

فرد. همچنین، در صنعت مدرن، به‌روزرسانی ماشین‌آلات، مانند کارخانه‌های نخ‌ریسی، به‌وفور دیده می‌شود. در این موارد، افزایش بخشی از بهره‌وری که به کارگران نسبت داده می‌شود، در حقیقت ناشی از تغییرات فناوری و ارتقاء ابزار است. به‌این‌ترتیب، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان عملکرد کارگران را همچنان براساس بهره‌وری ارزیابی کرد، درحالی‌که نقش ابزار و فناوری در این زمینه تا این اندازه برجسته است.

مالکیت در اسلام به‌عنوان یک حق مشروع و درعین‌حال امانتی الهی شناخته می‌شود که باید در چارچوب عدالت، کارآمدی و مصلحت عمومی اعمال شود. این نظریه براساس اصول فقهی طراحی شده است که مالکیت را نه تنها یک حق فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی می‌داند. اسلام بهره‌وری حداکثری و استفاده بهینه از منابع را از وظایف صاحبان اموال می‌داند و هرگونه سوءمدیریت یا استفاده نابجا از این حق را محکوم می‌کند. در این راستا، مفاهیمی چون رشد و سفاقت ابزارهایی فقهی برای محدود کردن تصرفات زیان‌آور در اموال هستند. رشد به معنای مدیریت عاقلانه و اثربخش اموال است، درحالی‌که سفاقت به استفاده غیرمنطقی و مضر از منابع اشاره دارد. فقه اسلامی برای جلوگیری از تباه شدن اموال و تضمین عدالت اقتصادی، ابزارهایی چون زکات، خمس، وقف و ممنوعیت اسراف و تبذیر را پیشنهاد می‌کند. همچنین اصل لاضرر و نظارت ولی فقیه بر نظام اقتصادی، چارچوبی برای جلوگیری از انحرافات مالکیتی و تضمین توزیع عادلانه منابع فراهم می‌کند؛ بنابراین، نظریه مالکیت مطلوب در اسلام و فقه بر ترکیب حق مالکیت فردی با مسئولیت اجتماعی، تأمین عدالت اقتصادی و بهره‌وری منابع تأکید دارد و استفاده از مالکیت را در راستای مصالح فرد و جامعه هدایت می‌کند.

مالکیت خصوصی از دیدگاه اسلام، مفهومی است که در عین پذیرش حق فردی انسان‌ها، تحت نظارت اصولی فقهی و ارزشی قرار دارد تا از آسیب‌های احتمالی آن به جامعه و اخلاق جلوگیری شود. شهید مطهری این مفهوم را به چهار شرط کلیدی محدود کرده است: نخست، نباید مانع رشد اقتصادی باشد. این شرط مبتنی بر قاعده «لاضرر» است که هر نوع استفاده از مالکیت را که منجر به توقف تولید، انحصار منابع یا احتکار شود، نامشروع می‌داند. اقتصاد اسلامی، مالکیت را ابزاری برای گردش

سرمایه و توسعه پایدار می‌بیند، نه بستری برای رکود یا انباشت نامشروع ثروت. دوم، عدالت اجتماعی نباید تضعیف شود. براساس آیه «کی لایکون دوله بین الأغنیاء منکم» (حشر: ۷) و اصل عدالت در اسلام، مالکیت نمی‌تواند به شکاف طبقاتی گسترده یا تضییع حقوق محرومان منجر شود. نظام مالیاتی اسلامی، شامل زکات، خمس و انفال، به‌عنوان سازوکارهای مؤثر در تعدیل ثروت و جلوگیری از تمرکز آن طراحی شده‌اند. سوم، مالکیت نباید بر توسعه فرهنگی اثر منفی بگذارد. درواقع هر نوع مالکیتی که به تقویت علم، دانش و فرهنگ کمک نکند یا حتی مانع آن شود، محدود یا مدیریت شود. مال در اسلام صرفاً یک ابزار مادی نیست، بلکه ابزاری برای اعتلای معنوی و اجتماعی است. چهارم، مالکیت نباید به ارزش‌های اخلاقی آسیب برساند. از دیدگاه اسلام، مالکیت خصوصی تنها در صورتی مشروعیت دارد که در راستای تقویت فضائل اخلاقی و پرهیز از رذائل قرار گیرد. بهره‌گیری نادرست از منابع، مانند اسراف، فساد یا ظلم به دیگران، نه تنها مالکیت را از حالت مطلوب خارج می‌کند، بلکه موجب تخریب بنیادهای اخلاقی جامعه می‌شود (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۳).

۳. نظام مالکیت در ایران

نظام مالکیت کنونی در اقتصاد ایران تحت تأثیر فعالیت‌های غیرمولد و فاقد بهره‌وری قرار دارد. این پدیده نشان‌دهنده عدم انطباق با مبانی نظری اسلامی، سرمایه‌داری و حتی سوسیالیستی است. وجود فعالیت‌های غیرمولد به‌عنوان عاملی کلیدی در شکل‌گیری مالکان و توزیع نابرابر منابع، به‌ویژه در شرایطی که منابع مالی به سمت این فعالیت‌ها سوق داده می‌شود، حائز اهمیت است. این امر نه تنها موجب ناکارآمدی اقتصادی می‌شود، بلکه به بروز جرائم اقتصادی و تلاش‌های مجرمانه می‌انجامد. در این راستا، بازار ایران با پدیده حباب‌های قیمتی و نوسانات مکرر مواجه است. این نوسانات عمدتاً ناشی از سفته‌بازی‌ها و گمانه‌زنی‌های مالی به‌جای افزایش واقعی بهره‌وری هستند. به عبارت دیگر، به‌جای آنکه ارزش‌افزوده ناشی از فعالیت‌های مولد، منجر به رشد اقتصادی گردد، فعالیت‌های غیرمولد به شکل‌دهی قیمت‌ها و تخصیص منابع می‌پردازند. این وضعیت به عدم تعادل‌ها و بی‌ثباتی‌های کلان اقتصادی منجر می‌شود.

در یک تمثیل ساده اگر GNP را به عنوان یک کیک در نظر بگیریم و جمعیت را به عنوان چهار برادر، می توان گفت که هر برادر برای افزایش سهم خود از کیک باید به افزایش بهره‌وری کمک کند. در غیراین صورت، افزایش مالکیت یکی از برادران به معنای کاهش سهم دیگر برادران خواهد بود که این موضوع مصداقی از اکل مال به باطل است. بدین ترتیب، نظام مالکیت کنونی و فعالیت‌های غیرمولد آن به نفع جامعه نخواهد بود (عشماوی، ۱۳۸۶، ص. ۸۶؛ Kholdy & Sohrabian, 2008).

مالکیت زمین یکی از مسائل مهم و حساس در هر کشور به شمار می‌رود که نه تنها بر توسعه اقتصادی تأثیرگذار است، بلکه می‌تواند منجر به بروز انواع جرائم و فسادهای اجتماعی گردد. در بسیاری از مواقع، اشخاص باهدف بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی یا املاک، اقدام به جعل اسناد و مدارک می‌کنند. این نوع رفتار نه تنها حقوق مالکیت دیگران را نقض می‌کند، بلکه باعث بی‌اعتمادی به نظام حقوقی و مالی کشور می‌شود. همچنین تغییر کاربری‌های غیرقانونی و تفکیک اراضی به صورت غیرمجاز، از دیگر مشکلات جدی در این زمینه هستند که می‌توانند به تخریب محیط‌زیست و از بین رفتن منابع طبیعی منجر شوند. این مسائل، باندبازی‌های بزرگ و مجرمان یقه‌سفید را شکل می‌دهند که با سوءاستفاده از قوانین و مقررات، به ساختارهای قانونی آسیب می‌زنند و درنهایت منابع عمومی را به خطر می‌اندازند. در این راستا، نیروهای مختلف نظیر نیروی انتظامی، اداره منابع طبیعی، سازمان بازرسی کل و حفاظت اطلاعات قوه قضائیه درگیر مبارزه با این جرائم هستند. این نهادها برای حفظ حقوق شهروندان و تأمین امنیت اجتماعی ناگزیر به همکاری و تعامل مستمرند (مقیم و یاری، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۵؛ شجیعی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۱). مالکیت زمین، به جعل اسناد ملکی، جعل اسناد هویتی، نشانه‌گذاری خودساخته، تبانی با سازمان‌ها، رشوه، توسعه اراضی حریم رودخانه و مراتع، استفاده از اسناد باطله سال‌های قبل، احداث بنا در املاک افراد متواری و... می‌انجامد (شجیعی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۱؛ عباس‌زادگان، ۱۳۸۳، ص. ۱۹).

املاک به عنوان بزرگترین طبقه دارایی در جهان، نقش بسزایی در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. براساس آمار سال ۲۰۲۰ میلادی، املاک با سهمی

بالغ بر ۶۸ درصد از دارایی‌های غیرمالی جهانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این دارایی‌ها شامل کارخانه‌ها، ماشین‌آلات می‌باشند. جالب است که بیش از نیمی از حجم این املاک مربوط به زمین است و این سهم با افزایش قیمت‌ها رو به رشد بوده است. در بریتانیا، سهم زمین از دارایی‌های غیرمالی از ۳۹ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۵۶ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. این افزایش سهم نشان‌دهنده تحولات عمده در بازار املاک و تأثیر آن بر اقتصاد کشور است. زمین به‌عنوان وثیقه‌ای مطمئن برای دریافت وام تلقی می‌شود و بر همین اساس، صاحبان زمین به‌راحتی می‌توانند به منابع مالی دسترسی پیدا کنند. بنگاه‌های اقتصادی مالک زمین، به‌طور قابل‌توجهی آسان‌تر از بنگاه‌های مالک دارایی‌های غیرملموس به تأمین مالی دسترسی دارند، زیرا ارزیابی توانایی وام‌گیری آن‌ها بیشتر براساس دارایی‌های واقعی آن‌ها است تا توان تولید؛ اما با توجه به افزایش قیمت‌های املاک، مشکلات جدی برای تخصیص بهینه سرمایه‌ها به‌وجود می‌آید. قیمت‌های فراگیر و افزایشی املاک ممکن است سبب سوءتخصیص سرمایه‌ها و در نتیجه، کاهش میزان وام‌دهی به کسب‌وکارها شود. این امر می‌تواند به تضعیف بنگاه‌های تولیدی و کاهش رشد اقتصادی منجر گردد. در نهایت، ضرورت دارد که قانون‌گذاران با دقت به این موضوع توجه کنند و راهکارهایی برای مدیریت بازار املاک و حمایت از کسب‌وکارها ارائه دهند تا از عوارض منفی رکود سرمایه‌گذاری جلوگیری کنند.

زمین‌خواری، به‌عنوان یکی از جرائم اقتصادی نگرانی‌های جدی را در زمینه‌های اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی به همراه داشته است. این پدیده به معنای تصرف غیرقانونی املاک و اراضی دولتی یا عمومی است که در نهایت به مالکیت ناکارآمد و سوءاستفاده از منابع عمومی منجر می‌شود. عمل زمین‌خواری نه تنها موجب افزایش قیمت مسکن و ناپایداری در بازار املاک می‌گردد، بلکه به کاهش فضاهای سبز و تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست منتهی می‌شود. کاهش فضاهای سبز به‌نوبه خود باعث شدت یافتن آلودگی‌های محیطی، تغییرات اقلیم و کاهش کیفیت زندگی شهری می‌شود (ولیدی، قنبری و گلدوزیان، ۱۳۸۸).

مالکیت مسکن نیز به یک معضل اقتصادی تبدیل شده است که نه تنها منجر به

انجماد دارایی‌ها می‌شود، بلکه تأثیرات جدی بر بازار مسکن و دسترسی خانواده‌ها به مسکن دارد. براساس آمارهای رسمی، حدود ۳ میلیون خانه خالی با متوسط مساحت ۸۰ مترمربع و به ارزش تقریبی ۲۵۰ میلیارد دلار در کشور وجود دارد (ملک‌زاده و عبداللهی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱). این وضعیت نشان می‌دهد که بازار مسکن به جای پاسخ به نیاز واقعی سکونت، بیشتر تحت تأثیر رفتار سفته‌بازانه قرار دارد. نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ نیز این نکته را تأیید می‌کند. در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، حدود ۱۰.۵ میلیون واحد مسکونی ساخته شد، درحالی‌که تنها ۲.۴ میلیون خانوار موفق به دستیابی به مسکن جدید شدند. به عبارت دیگر، فقط ۲۳ درصد از تقاضای املاک به منظور سکونت واقعی بوده است. این وضعیت نشان‌دهنده غلبه تقاضای سوداگرانه بر روی نیاز واقعی خانواده‌ها برای مسکن است. سفته‌بازی در بازار مسکن نه تنها موجب بی‌ثباتی قیمتی می‌شود بلکه کیفیت ساخت‌وساز را نیز به شدت کاهش می‌دهد. به گزارش مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۹۵)، ساخت‌وسازهای غیرتخصصی و غیرعلمی، عمر مفید ساختمان‌ها را به یک‌هشتم استاندارد جهانی تقلیل داده است. این مسائل، قدرت خرید زمین و مسکن را برای اقشار کم‌درآمد کاهش داده و موجب افزایش فاصله بین درآمد خانوارها و دسترسی به مسکن شده است. به طوری‌که براساس آمار سال ۱۳۹۷، دستیابی به یک واحد مسکونی برای گروه‌های کم‌درآمد به ۳۶ سال ذخیره کلی حقوق سالانه آن‌ها نیازمند است.

مالکیت ارز به عنوان یک دارایی تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. زمانی که ارز با کنز همراه باشد، این رفتار ناکارآمد تلقی می‌شود. یکی از نتایج مستقیم این وضعیت، کاهش عرضه ارز در بازار است که می‌تواند به افزایش قیمت‌ها منجر شود. این چرخه معیوب نه تنها به احتکار و کاهش قدرت خرید عمومی می‌انجامد، بلکه بر انتظارات تورمی نیز تأثیر منفی دارد و به تقاضای بالاتر ارز دامن می‌زند. فقهای شیعه، نظیر شهید صدر، بر این باورند که خروج پول از گردش اقتصادی نه تنها نادرست است، بلکه انزوا و عدم فعالیت آن در عرصه‌های مولد به شدت محکوم می‌شود (حسینی، ۱۳۸۹، صص. ۸۳-۱۱۱). درواقع، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش ارزش واقعی دارایی‌ها، موجب واکنش‌های تورمی در میان مردم و دامن‌زدن به

خروج دارایی‌ها از کشور به قصد حفظ ارزش می‌شود. این روند، خود به افزایش تقاضای ارز و تداوم چرخه سفته‌بازی کمک می‌کند. نوسانات ارزی تأثیرات جدی بر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری دارند. افزایش قیمت ارز، هزینه‌های تولید را بالا می‌برد و ممکن است برخی بنگاه‌ها را از عرصه رقابت خارج سازد. تورم ناشی از سفته‌بازی ارز به توزیع ناعادلانه ثروت منجر می‌شود (رستمی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷). به‌عنوان نمونه، در سفته‌بازی ارزی سال ۱۳۹۷ که نرخ ارز بیش از ۱۰ برابر افزایش یافت، قدرت خرید حدود ۲۰ میلیون کارگر و کارمند تا یک‌سوم کاهش یافت. این رخداد منجر به انتقال سالانه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از جیب این قشر به سفته‌بازان و دلالان می‌شود که نوعی انتقال ناعادلانه ثروت است.

یکی از رایج‌ترین و پرمخاطره‌ترین اشکال مالکیت ناکارآمد، مالکیت سکه و شمش طلا است. در حال حاضر، بیش از ۱۰۰ تن طلا به‌عنوان ذخایر کنز شده در کشور موجود است (حسن‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۸، ص. ۳۰). این وضعیت به تشکیل بسترهای فساد اقتصادی، قاچاق و معاملات غیرقانونی منجر شده است که عواقب وخیمی برای نظام اقتصادی به دنبال دارد. در اوایل سال ۱۳۹۷، فردی به جرم جمع‌آوری ۲ تن سکه و ارتکاب به قاچاق و سایر جرائم اقتصادی دستگیر شد (اژه‌ای، ۱۳۹۷). همچنین از دیگر متهمان، ۲۴ هزار و ۷۰۰ سکه و ۱۰۰ کیلو طلا ضبط گردید (تسنیم، ۱۳۹۹). این‌گونه فعالیت‌ها، گردش مالی حساب‌های متهمان را به چند هزار میلیارد تومان رسانده و باعث ظهور شبکه‌های سازمان‌یافته‌ای شده است که در زمینه پول‌شویی و قاچاق ارز فعالیت می‌کنند. این شبکه‌ها معمولاً از حساب‌های افراد بی‌خبر نظیر پیرزنان و زنان خانه‌دار بهره‌برداری کرده و به‌وسیله جعل اسناد و امضا، معاملات غیرقانونی را تسهیل می‌کنند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷). چنین سازوکارهایی علاوه بر آسیب به تولید داخلی، کشور را به سمت واردکنندگی سوق داده و به تعطیلی کارگاه‌های تولیدی دامن می‌زند. درنهایت، مافیای اقتصادی ایجادشده شرایط را برای بهره‌برداری بیشتر از منابع ملی هموار کرده و تهدیدات جدی برای سلامت سیستم مالی کشور به‌وجود می‌آورد (خوشبخت، ۱۴۰۰).

نظام توزیع کالا در ایران با معضلات متعددی روبروست که منجر به ناکارآمدی

و مالکیت ناکارآمد می‌شود. این معضلات شامل عدم شفافیت، انحصار، عدم تقارن اطلاعات، نبود معیارهای کیفیت، نبود برندهای معتبر و خلأهای قانونی و نهادی است. در چنین شرایطی، نظام توزیع کالا به سمتی می‌رود که زمینه‌ساز سفته‌بازی شده و به افزایش قیمت‌ها و بازتوزیع غیربهبوده‌دارایی‌ها منجر می‌شود (جلال، ۱۳۸۹). ناکارآمدی نظام توزیع به‌طور خاص به عدم توانایی در تحویل کالا باکیفیت بالا، قیمت پایین، واسطه‌گری محدود و در زمان مناسب تعریف می‌شود. عوامل متعددی در ایجاد این ناکارآمدی نقش دارند. ساختار سنتی توزیع، سازماندهی ناکارآمد، فقدان نظارت کافی، نبود سیستم حمل‌ونقل مؤثر و انبارداری مناسب از جمله این عوامل هستند. همچنین وجود واسطه‌های متعدد و عدم توسعه فروشگاه‌های زنجیره‌ای مدرن باعث افزایش هزینه‌های توزیع و کاهش کارایی در رساندن کالا به دست مصرف‌کنندگان می‌شود.

نظام بانکی از دو طریق به ناکارایی نظام مالکیت دامن می‌زند: نخست، تخصیص تسهیلات به بخش‌های غیرمولد و دوم، ورود مستقیم به فعالیت‌های غیرمولد. داده‌های بانک مرکزی درباره تسهیلات اعطایی نشان می‌دهد که طی دو دهه منتهی به سال ۱۳۹۸، نظام بانکی ۵۰ درصد تسهیلات را به بخش بازرگانی، ۷ درصد به کشاورزی، ۱۷ درصد به صنعت، ۲۳ درصد به مسکن و تنها ۱ تا ۲ درصد به صادرات اختصاص داده است که بیانگر کم‌توجهی به بخش‌های مولد اقتصادی است. افزون بر این، بخشی از تسهیلات اختصاص‌یافته به بخش‌های بازرگانی، کشاورزی و صنعت نیز به فعالیت‌های غیرمولد و سفته‌بازی سوق یافته است. از سوی دیگر، زمانی که ارزش دارایی‌های یک بانک افزایش می‌یابد، بانک در ارزیابی مجدد دارایی‌ها و فعالیت‌های خود، سود بالایی را اعلام می‌کند، درحالی‌که این سود صرفاً ناشی از فعالیت‌های سفته‌بازانه است (قهرمانی، ۱۳۹۹).

فعالیت‌های غیرمولد در بازار سهام، از جمله نوسانات قیمتی، ایجاد حباب و اختلال در نظم بازار، نقش قابل‌توجهی در تشدید ناکارآمدی نظام مالکیت دارند. این فعالیت‌ها باعث افزایش ارزش سهام بدون بهبود بهره‌وری واقعی شرکت‌ها می‌شوند و اغلب با تکیه بر شایعات غیرواقعی، سفته‌بازی و تصمیمات نادرست سرمایه‌گذاری همراه هستند. چنین شرایطی نه تنها توزیع ثروت را ناعادلانه می‌کند، بلکه کارایی

اقتصادی کشور را نیز کاهش می‌دهد (Man, 1994, pp. 22-24). افزون بر این، خرید سهام شرکت‌های اصلی توسط شرکت‌های فرعی و فعالیت اشخاص حقوقی به‌عنوان سفته‌بازان حرفه‌ای نیز بر ناکارآمدی بازار سهام و ضعف نظام مالکیت دامن می‌زند.

فعالیت‌های غیرمولد، مالکیتی را به همراه دارند که به بهای ازدست‌رفتن مالکیت دیگران حاصل می‌شود و معمولاً به‌عنوان مالکیت غیرتولیدی و غیراستحقاقی شناخته می‌شود. این نوع مالکیت، منابع را به‌سوی سرمایه‌گذاری در حوزه‌های غیرمولد سوق می‌دهد و نتیجه آن کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و کاهش کارایی اقتصادی است (واعظ و معینی، ۱۳۹۲). در این راستا، افزایش ۶۰۰۰ برابری نقدینگی در مقایسه با تنها ۲ برابرشدن تولید ملی طی ۴۰ سال پس از انقلاب، عدم تناسب آشکار میان نقدینگی و بهره‌وری اقتصادی را نشان می‌دهد. این وضعیت، ناشی از تمرکز نقدینگی در دست افرادی است که بهره‌وری متناسب با منابع مالی در اختیارشان ندارند. شکاف عمیق میان نقدینگی و تولید ملی عمدتاً به سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد و کمبود سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی بازمی‌گردد (نعمتی، ۱۳۹۷).

یارانه‌های پنهان، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند انرژی و کالاهای اساسی، می‌توانند نقش چشم‌گیری در ناکارآمدی نظام مالکیت داشته باشند. این یارانه‌ها که در قالب فروش کالاها و خدمات دولتی زیر قیمت بازار ارائه می‌شوند، بیشتر به نفع دهک‌های بالای درآمدی هستند، زیرا مصرف بیشتری دارند. طبق آمار، بهره‌مندی دهک‌های بالاتر از یارانه‌های انرژی تا ۲۳ برابر دهک‌های پایین‌تر است که این امر به تعمیق نابرابری‌های ثروت و تشدید ناکارآمدی اقتصادی منجر می‌شود (شیخی و فرخی، ۱۳۹۱).

۴. راهکارهای مالیاتی برای اصلاح نظام مالکیت

اصلاح نظام مالکیت از طریق اعمال مالیات بر دارایی‌های راکد و عایدی ناشی از آن‌ها، رویکردی مؤثر برای افزایش بهره‌وری و جلوگیری از انباشت غیرفعال سرمایه است. این سیاست، دارایی‌هایی مانند خانه‌های خالی، سپرده‌های کلان، زمین‌های بایر، سکه و ارز کنز شده، کارخانه‌های متروکه و معادن رهاشده را هدف قرار می‌دهد و با کاهش

سفته‌بازی، گردش اقتصادی را تحریک می‌کند. در کشورهایی که این مالیات‌ها اجرا می‌شوند، سازمان‌های حسابرسی و مالیاتی براساس ترازنامه‌ها و خالص ثروت فراتر از نصاب معین، مالیات را تعیین می‌کنند که به توزیع عادلانه‌تر ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی منجر می‌شود (مرادی، ۱۳۹۸).

مالیات بر سرمایه راكد، به‌عنوان ابزاری برای تحریک سرمایه‌های بلااستفاده و توزیع عادلانه‌تر ثروت، می‌تواند نقشی اساسی در کاهش بدهی‌های ملی و تقویت توسعه اقتصادی ایفا کند. پیشنهادهایی مانند طرح جورج سوروس برای وضع مالیات بر ثروت‌های کلان و پیشنهاد دونالد ترامپ در سال ۱۹۹۹ میلادی برای اخذ مالیات یک‌باره ۱۴.۲۵ درصدی بر دارایی‌های بیش از ۱۰ میلیون دلار، نشان‌دهنده ظرفیت چنین سیاست‌هایی در تأمین منابع مالی دولت و جلوگیری از انباشت غیرفعال سرمایه است. این ابزار نه تنها به کاهش نابرابری و افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک می‌کند، بلکه ساختارهای دموکراتیک را از طریق تعدیل تمرکز ثروت تقویت می‌نماید (خبرگزاری عصر ایران، ۱۳۹۸).

انباشت سرمایه راكد به نابرابری و بی‌ثباتی‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شده و وضع مالیات بر این نوع ثروت‌ها یکی از راه‌حل‌های مؤثر برای مقابله با این معضل است. اگر افراد ثروت خود را در فعالیتهای مولد اقتصادی به‌کارگیرند، درآمد حاصل از آن مشمول مالیات نخواهد شد؛ اما در صورتی که این ثروت راكد بماند، باید مالیات آن پرداخت شود (Shakow & Shuldiner, 1999). برای نمونه، مالیات بر زمین‌های بلااستفاده، مالکان را به بهره‌برداری، اجاره یا فروش زمین‌های خود وادار می‌کند که به افزایش عرضه و کاهش قیمت مسکن منجر می‌شود و افراد بیشتری می‌توانند صاحب‌خانه شوند. علاوه‌براین، این مالیات درآمد پایداری برای شهرداری‌ها ایجاد کرده و وابستگی آن‌ها به فروش تراکم را کاهش می‌دهد، درحالی که دولت می‌تواند از این درآمد برای اجرای سیاست‌های حمایتی استفاده کند. به‌طور مشابه، اعمال مالیات بر معادن غیرفعال باعث می‌شود که بسیاری از مالکان از این دارایی‌ها صرف‌نظر کرده یا آن‌ها را به بهره‌برداری برسانند (حسن‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۸). تجربه ایالت پنسیلوانیا در آمریکا نشان داده که مالیات ۳۰ درصدی بر املاک خالی در سال ۱۹۸۰ میلادی منجر به

کاهش ۸۵ درصدی املاک خالی، کاهش ۱۹ درصدی بیکاری، کاهش ۵۹ درصدی جرائم و کاهش قیمت مسکن شده و تعادل بازار و افزایش ساخت‌وساز را به دنبال داشته است (خبرگزاری دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹).

از منظر فقه اسلامی، انباشت سرمایه‌های راکد نه تنها از دیدگاه اخلاقی، بلکه از نظر اقتصادی نیز مغایر با اصول شریعت است. قرآن کریم مال‌اندوزی غیرمولد را به عنوان بی‌عدالتی ساختاری معرفی می‌کند که موجب اختلال در نظام اقتصادی می‌شود (توبه: ۳۴-۳۵). در این راستا، فقه اسلامی با ابزارهایی مانند زکات، خمس و سایر مالیات‌های شرعی، سیستمی مالیاتی پویا طراحی کرده که هدف آن تحریک ثروت‌های بلااستفاده و توزیع عادلانه منابع است. مالکیت فردی، هرچند مشروع است، مشروط به منافع عمومی است و انباشت منابعی که باعث رکود تولید و لطمه به مصلحت عامه شود، نیازمند دخالت حاکم شرع است. به‌ویژه، زمین‌های بایر یا معادن غیرفعال که از منظر قاعده احیاء موات بدون بهره‌برداری رها شوند، مشروعیت مالکیت را از بین برده و امکان اعمال تدابیر مالیاتی یا حتی سلب مالکیت را فراهم می‌آورد. این رویکرد با اصولی همچون ممنوعیت کتز مال، عدالت اقتصادی و اصل لاضرر نیز همخوانی دارد. کتز اموال و احتکار سرمایه بدون استفاده مولد در قرآن نکوهش شده و زکات به عنوان مالیاتی بر اموال راکد در اسلام مقرر شده است. همچنین، توجه به مقاصد شریعت مانند تحقق عدالت اجتماعی و بهبود رفاه عمومی، مشروعیت چنین مالیات‌هایی را تقویت می‌کند، به شرط آنکه معیارهای عادلانه و شفاف در طراحی و اجرای آن رعایت شود؛ بنابراین، مالیات بر سرمایه‌های راکد، اگر با اصول عقلانیت و توزیع منابع هماهنگ باشد، می‌تواند به عنوان نسخه‌ای نوین از آموزه‌های شریعت عمل کرده و همزمان عدالت اجتماعی و کارایی اقتصادی نظام اسلامی را ارتقا دهد.

یکی از راهکارهای مؤثر برای اصلاح مالکیت ناکارآمد، اعمال مالیات بر عایدی حاصل از فعالیت‌های غیرمولد است. عایدی، به عنوان سود حاصل از فروش دارایی‌ها، در بیش از ۱۸۰ کشور با سابقه‌ای بیش از یک قرن به کار گرفته می‌شود. یکی از دلایل اصلی وضع این مالیات، مقابله با پدیده احتکار و رشد بی‌رویه قیمت دارایی‌ها، به‌ویژه املاک، پس از جنگ جهانی دوم بود. کشورها با وضع این مالیات، به کاهش

فعالیت‌های غیرمولد و تحریک به گردش ثروت‌های بلااستفاده پرداخته‌اند. استیگلیتز، اقتصاددان برنده جایزه نوبل، این نوع مالیات را نه تنها برای مبادلات ارزی، بلکه برای تمامی مبادلات مالی ضروری می‌داند. به عنوان مثال، در ایالات متحده و انگلستان، برای سود حاصل از نگهداری فلزات گران بها نظیر طلا و نقره به مدت بیش از یک سال، ۲۸ درصد مالیات وضع می‌شود. برای مثال، اگر فردی یک سکه طلا به ارزش ۱۰۰ دلار خریداری کرده و پس از یک سال آن را به قیمت ۱۲۰ دلار بفروشد، ۲۰ دلار سود به دست می‌آورد که ۲۸ درصد آن به عنوان مالیات دریافت می‌شود. در کانادا، شخص ملزم است نیمی از سود ناشی از افزایش قیمت طلا را به عنوان مالیات بپردازد. در انگلستان، مالکان موظف به ارائه خودارزیابی سالانه هستند و ۴۰ درصد از مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش، مبنای محاسبه مالیات قرار می‌گیرد. در کانادا نیز نرخ مالیات برافزایش ارزش ۵۰ درصد است. علاوه بر این، مالیات بر زمین‌های بلااستفاده نیز به منظور افزایش عرضه و کاهش قیمت زمین به کار می‌رود. به طور خاص، در ایالت رودآیلند آمریکا، از سال ۱۹۸۲، مالیاتی معادل ۱۰ درصد از ارزش ملک برای خانه‌هایی که به مدت یک سال خالی ثبت شوند، وضع شده است (غلامی، ۱۳۹۱؛ Justia US Law, 2017).

بررسی فقهی مالیات بر عایدی حاصل از فعالیت‌های غیرمولد از زوایای مختلف به مبانی کلیدی فقه اسلامی و اصول اقتصادی مرتبط است. اصل مصلحت یکی از مبانی اساسی در فقه اسلامی است که در تعیین احکام شرعی و سیاست‌های حکومتی نقش کلیدی دارد. در شرایط کنونی که وظایف حکومتی بیشتر و پیچیده‌تر شده‌اند، دولت‌ها ناگزیر به وضع مالیات‌های جدید و متغیر هستند تا بتوانند به تأمین نیازهای عمومی و رفاه جامعه بپردازند؛ بنابراین، مالیات بر عایدی ناشی از فعالیت‌های غیرمولد می‌تواند به عنوان ابزاری برای تأمین مصلحت عمومی محسوب شود.

مالیات بر عایدی حاصل از فعالیت‌های غیرمولد می‌تواند به عنوان ابزاری برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. با وضع چنین مالیاتی، دولت می‌تواند به توزیع عادلانه ثروت کمک کند و منابع را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت

نماید. این امر می‌تواند به بهره‌برداری صحیح از منابع اقتصادی و افزایش کارایی کل اقتصاد منجر شود.

مالیات بر عایدی می‌تواند به انگیزش افراد و سازمان‌ها برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد و تولیدی کمک کند. این تحریک فعالیت‌های مولد به نفع اقتصاد جامعه است و می‌تواند بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی را به همراه داشته باشد. بنابراین، مالیات بر عایدی حاصل از فعالیت‌های غیرمولد نه تنها با اصول فقهی سازگار است، بلکه می‌تواند در راستای تحقق عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و بهره‌برداری صحیح از منابع اقتصادی تأثیرگذار باشد. لازم است که سیاست‌گذاران با توجه به مبانی فقهی و نیازهای اقتصادی معاصر، نظام‌های مالیاتی را به گونه‌ای طراحی کنند که مصلحت عمومی و رفاه جامعه را تأمین کند.

از کارکردهای این مالیات، تأثیر بر توزیع درآمد و ثروت است. مالیات بر عایدی از فعالیت‌های فاقد بهره‌وری باز می‌دارد. صاحبان سرمایه‌های غیرمولد، قدرت بالایی برای کسب سود دارند و اقشار کم‌درآمد از این فرصت بی‌نصیب‌اند. با دریافت این مالیات، نابرابری کاهش می‌یابد، انگیزه فعالیت‌های غیرمولد از بین می‌رود، فعالیت‌های مولد گسترش می‌یابد و درآمد دولت بیشتر می‌شود. بیل گیتس ثروت انباشته و سرمایه غیرمولد را بهترین گزینه برای دریافت مالیات می‌داند (Economic Policy Research Institute, 2000; Bloomberg, 2019).

نقش سفته‌بازی، تبدیل کالاهای مصرفی به کالاهای سرمایه‌ای منجمد و جایگزین کردن تقاضای سرمایه‌ای به جای تقاضای مصرفی است و مالیات بر عایدی، مانع این فرایند می‌شود. مالیات بر عایدی از طریق اصلاح ساختار تقاضا و تبدیل تقاضای کاذب به تقاضای حقیقی، به تعادل بازار و کاهش قیمت می‌انجامد. مالیات بر عایدی سبب خروج سوداگران از بازار سرمایه‌های غیرمولد، کاهش تقاضای کاذب و کاهش قیمت می‌شود و کسی جز سوداگران ضرر نمی‌کند. این مالیات، علاوه بر کاهش قیمت، سبب کاهش نوسانات قیمتی ناشی از تأثیر شوک‌های تقاضای سفته‌بازانه که امکان برنامه‌ریزی را از فعالان اقتصادی می‌گیرد است، چنانکه مالیات بر عایدی املاک، خانه‌های خالی و املاک گران‌قیمت، باعث کاهش نوسانات قیمتی مسکن می‌گردد. این

مالیات زمانی مؤثر است که نرخ آن در بلندمدت کاهش نیابد. اگر نرخ مالیات بر عایدی در کوتاه‌مدت بیشتر باشد سبب افزایش احتکار می‌شود و مالکان با انتظار کاهش نرخ مالیات، فروش را به تعویق می‌اندازند.

با اعمال این مالیات و کاهش تقاضا در اثر خروج سوداگران، بازار به رکود نمی‌رود، زیرا افزایش معاملات سفته‌بازانه، تقاضاهای کاذب و قیمت، به معنای رونق نیست، بلکه رونق در صورت افزایش تولید برای نیاز مصرفی معنا می‌یابد.

دیگر اثر این مالیات، افزایش سرمایه‌گذاری مولد است. وقتی از سرمایه‌گذاری غیرمولد کاسته می‌شود سرمایه‌گذاری مولد افزایش می‌یابد، چنانچه در آمریکا، طی سال‌های ۱۹۵۴ - ۲۰۱۱ میلادی با افزایش نرخ مالیات بر عایدی، رشد سرمایه‌گذاری اتفاق افتاد (عبدی و عسکری‌آزاد، ۱۳۸۷؛ قلی‌زاده و امیری، ۱۳۹۷؛ رحمانی و فلاحی، ۱۳۹۳؛ Whitehead, 2017).

با اعمال مالیات بر عایدی، ترکیب سرمایه‌ها تغییر می‌کند و سرمایه‌های باهدف سوداگری، جای خود را به سرمایه‌های باهدف تولید و تأمین نیاز مصرفی می‌دهد. با حذف تقاضای سوداگران تقاضای واقعی افزایش می‌یابد. با اعمال مالیات بر عایدی، سرمایه‌ها به کشورهای دیگر نمی‌روند، زیرا در اغلب کشورهای جهان، مالیات بر عایدی سرمایه وجود دارد. به‌عنوان مثال، در ترکیه، مقصد ایرانیان برای خرید ملک، نرخ این مالیات تا ۳۵ درصد است.

این مالیات نقش درآمدی خوبی برای دولت دارد. نسبت مالیات به تولید ناخالص در ایران کمتر از ۷ درصد و در برخی کشورها بیش از ۳۰ درصد است. کسر بودجه در سال‌های پس از انقلاب به افزایش بی‌رویه نقدینگی و تورم دامن زده و دولت در تلاش برای گسترش پایه‌های مالیاتی، جهت کاهش فشار بر واحدهای تولیدی و جبران کسری بودجه است. این مالیات، هم از فشار بر بخش‌های مولد و هم از کسری بودجه می‌کاهد. در شرایطی که زمین و مسکن سودآوری بالایی داشت، مالیات املاک و مستغلات ۰.۰۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی و نسبت به کشورهای دیگر پایین بود، اما اخذ مالیات بر عایدی، تنها در بخش املاک با در نظر گرفتن معافیت برای خانه اصلی، بالغ بر ۶ هزار میلیارد تومان در سال برای دولت

درآمد خواهد داشت (ملک‌زاده و عبداللهی، ۱۳۹۹، ص. ۴۳؛ قلی‌زاده و امیری، ۱۳۹۷). در بازار سرمایه، سود ناشی از افزایش قیمت سهام الزاماً ناشی از فعالیت مولد بنگاه اقتصادی نیست و می‌تواند ناشی از سفته‌بازی باشد. برای جلوگیری از جهش‌های قیمتی سازمان‌یافته توسط سفته‌بازان، از مالیات بر سود سرمایه استفاده می‌شود. در بورس ایالات متحده، عایدی سرمایه‌ای کوتاه‌مدت (کمتر از یک سال) مشمول مالیات حداکثر ۴۰ درصد است که انگیزه سفته‌بازی را کاسته، مانع تلاطم‌های شدید می‌شود. برای کنترل بازار فلزات گران‌بها، پیش‌گیری از خریدوفروش‌های مکرر، تلاطم بازار و حباب‌های قیمتی، کاهش احتکار و حذف تقاضای سوداگرانه، از این مالیات استفاده می‌شود. در بازار سکه و شمش با الزام به ارائه برگ خرید رسمی و ثبت در سامانه‌های برخط می‌توان روند خریدوفروش‌ها را رصد نمود. وضع این مالیات در بازار ارز منجر به کاهش بازده سوداگری ارز شده، قیمت ارز را کنترل و بازده سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مولد را افزایش می‌دهد. سفته‌بازان ارز، در شرایط هیجانی بازار، گاهی در یک روز دوبار ارزشان را به ریال و سپس به ارز تبدیل می‌کنند. حجم بالای تراکنش‌ها به نوسانات ارزی دامن می‌زند. لازم است که با استفاده از ابزارهای تنظیمی بانک مرکزی و بانک‌های تجاری، سرعت تسویه تراکنش‌های بانکی کاهش یابد، اطلاعات مربوط به نوع مبادله و مقصد تراکنش ارائه شود، در صورت جعلی بودن معامله یا کتمان اطلاعات، جریمه مالی تا ۴ برابر ارزش مبادله اخذ شود و اگر مبادله باهدف سفته‌بازی باشد، ۹۰ درصد عایدی به‌صورت مالیات پرداخت گردد. با ایجاد سامانه جامع اطلاعات و رهگیری تراکنش‌ها، بانک مرکزی می‌تواند بر خریدوفروش‌های ارز مالیات وضع کند. نرخ این مالیات در شرایط عادی بازار ارز، پایین یا صفر و در آستانه بحران، افزایش می‌یابد. مالیات بر افزایش قیمت ارز از راه‌کارهای مقابله با نگهداری آن است و اخذ آن مستلزم ایجاد شفافیت در خریدوفروش به‌وسیله ایجاد بورس ارز و شناسنامه‌دار کردن فعالان این حوزه است (حسن‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۸، صص. ۳۸-۴۸).

نکته مهم، وجود بستر اجرایی مالیات بر عایدی، یعنی زیرساخت و ابزارهای نوین فناوری اطلاعات برای ردیابی خریدوفروش و تراکنش‌های معاملات است تا

بتوان بر آن‌ها مالیات اعمال کرد. زیرساخت‌های نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و نهادی برای افزایش شفافیت معاملات و فعالیت‌های اقتصادی، شفاف‌سازی اطلاعات مرتبط با وضعیت بخش‌های اقتصادی، افشای اطلاعات و هزینه‌های نهادهای دولتی و شرکت‌های وابسته، جمع‌آوری اطلاعات نظام بانکی تحت سامانه واحد و الزام دستگاه‌ها به اعلام دریافتی‌ها و دارایی‌های مسئولان، از مستلزمات دریافت این مالیات است. بانک اطلاعات جامع و برخط در حوزه زمین و مسکن، بستر اجرای سیاست‌های مالیاتی برای کنترل سوداگری است. تبصره ۷ ماده ۱۶۹ مکرر قانون اصلاح مالیات‌های مستقیم (۱۳۹۴) دستگاه‌های مختلف ازجمله وزارت راه را موظف کرد اطلاعات موردنیاز برای وصول مالیات را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند تا امکان شناسایی مالکان و ساکنان واحدهای مسکونی، تجاری و اداری و پیگیری نقل و انتقال املاک مهیا شود و فرار مالیاتی کاهش یابد. اگر دستگاه‌ها به این تکلیف عمل کنند، سازمان می‌تواند مالیات بر خانه‌های خالی را وصول کند. پس از برقراری سامانه‌های اطلاعاتی مانند سامانه جامع مودیان، بازهم ممکن است بسترهای فرار مالیاتی باقی بماند. یکی از آن‌ها معاملات وکالت‌نامه‌ای است، زیرا خریدار، ملک را به نام خودش نمی‌زند بلکه وکالت فروش از فروشنده می‌گیرد و بعد از مدتی به شخص دیگری می‌فروشد و ردی از او ثبت نمی‌شود. معاملات قولنامه‌ای نیز از راهکارهای فرار از مالیات عایدی زمین و مسکن است. در معاملات عادی، سازمان ثبت اسناد و دولت نمی‌تواند روابط مالکیت را تشخیص دهند و سیاست‌های مالیاتی را اعمال کنند. هرچند باتصویب قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول در سال ۱۴۰۳ تاحدی این مشکل مرتفع گردید.

در فقه امامیه، تأکید بر شفافیت و عدالت اقتصادی به‌عنوان اصول بنیادین در نظام مالیاتی وجود دارد. ایجاد بستر اجرایی مناسب برای مالیات بر عایدی، شامل زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، نه تنها یک ضرورت عملی بلکه یک تکلیف شرعی محسوب می‌شود. الزام دستگاه‌ها به ارائه اطلاعات لازم برای وصول مالیات و شفاف‌سازی وضعیت اقتصادی، می‌تواند در راستای تحقق این مصلحت مؤثر باشد. ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی جامع که امکان شفاف‌سازی و پیگیری معاملات را فراهم

می‌کند، می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش عدالت اجتماعی کمک کند. درنهایت، با توجه به شرایط اقتصادی کنونی و نیازهای جامعه اسلامی، وضع مالیات بر عایدی می‌تواند در راستای تحقق عدالت اجتماعی و مصلحت عمومی نیز مؤثر واقع شود. بدین ترتیب، ایجاد شفافیت در بستر مالیاتی نه تنها یک ضرورت عملی بلکه یک تکلیف شرعی نیز محسوب می‌شود. البته هر سیاست اقتصادی برای تحقق موفقیت‌آمیز خود به پیش‌نیازهای خاصی محتاج است. به‌ویژه در زمینه سیاست‌های مالیاتی، اثرگذاری آن به‌شدت تحت‌تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. در شرایطی که نرخ تورم بالا و پایدار است، اتکا به سیاست‌های مالیاتی به‌تنهایی ممکن است به نتیجه مطلوب نرسد، چراکه این سیاست‌ها ممکن است نتوانند به‌طور مؤثر بر تحرک بازار و رشد اقتصادی تأثیر بگذارند. در این راستا، وجود زیرساخت‌های اطلاعاتی، نظیر سیستم کاداستر که برای ثبت و شفاف‌سازی مالکیت زمین و املاک ضروری است، به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای پیاده‌سازی موفق هر سیاست اقتصادی در این حوزه مطرح می‌شود. تأخیر در اجرای این سیستم از سال ۱۳۵۲ تاکنون مشکلات بسیاری را در اجرای سیاست‌های مالکیتی و مالیاتی ایجاد کرده است؛ بنابراین، در شرایطی که بازار زمین و مسکن از تعادل خارج شده باشد، استفاده صرف از سیاست‌های مالیاتی ممکن است کافی نباشد. در این وضعیت، به‌کارگیری هم‌زمان ابزارهای غیرمالی، نظیر اعمال محدودیت‌هایی در مالکیت، خریدوفروش یا ورود غیرمصرفی به بازار، برای جلوگیری از انباشت ثروت و ساماندهی بازار امری ضروری است.

۵. راهکارهای غیرمالیاتی

برخی از راهکارهای غیرمالیاتی برای اصلاح نظام مالکیت عبارتند از: تدوین قوانین و مقررات شفاف و جامع برای تعیین و تضمین حقوق مالکیت، به‌طوری‌که حقوق فردی و اجتماعی در این زمینه به‌خوبی تعریف شود. ایجاد سیستم‌های ثبت و اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف برای ثبت اموال و دارایی‌ها که موجب افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد می‌شود. راه‌اندازی نهادهای نظارتی و تنظیم‌گری برای حل اختلافات مالکیتی و

جلوگیری از تخلفات و سوءاستفاده‌ها، به‌ویژه در مواردی که ممکن است منجر به تمرکز نادرست منابع گردد. همچنین، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌رسانی گسترده درباره اهمیت و ارزش مالکیت در میان مردم و مسئولان تا همگان نسبت به مسئولیت‌ها و حقوق خود در زمینه مالکیت آگاه شوند و از تصرفات غیرمجاز و غیرمولد جلوگیری گردد.

برای دستیابی به شفاف‌سازی مؤثر، لازم است تا اصلاحاتی در قوانین و مقررات صورت گیرد و سامانه‌های الکترونیکی برای ثبت و انتشار اطلاعات مالی و مالکیتی به‌کار گرفته شوند. تشویق و تسهیل در اعلام و افشای دارایی‌ها و درآمدها، اعمال مجازات‌های مناسب برای تخلفات و فرارهای مالیاتی و مالکیتی و افزایش آگاهی و مشارکت مردمی در نظارت، از دیگر اقدامات ضروری است. سامانه‌های جامع اطلاعاتی که مراحل مختلف تجارت را از اظهار تولید یا واردات تا انتقال مالکیت به مصرف‌کننده نهایی ثبت و ردیابی می‌کنند، به ایجاد یکپارچگی در سامانه‌های تجارت خارجی، شناسه کالا، ارزی و گمرکی کمک می‌کنند. این سامانه‌ها اطلاعات به‌روز از موجودی، قیمت، تقاضا و عرضه کالاهای تجاری در بازار را فراهم می‌آورند و اطلاعات دقیقی از مشخصات فیزیکی، حقوقی، ارزشی و کاربری املاک و مستغلات ارائه می‌دهند. هماهنگی میان نهادهای قضایی، ثبت، مالیات، شهرداری و سایر دستگاه‌های مرتبط، بخشی از این فرآیند است. اسلام با این راهکارها موافق است، زیرا تمام آن‌ها بر اصول شفافیت، عدالت و جلوگیری از فساد تأکید دارند. در اسلام، ثبت دقیق و شفاف اطلاعات مالی و مالکیتی، از جمله اعلام دارایی‌ها و درآمدها، بر پایه اصول امانت‌داری و صداقت استوار است. اعمال مجازات‌های مناسب برای تخلفات و فرارهای مالیاتی و مالکیتی نیز با توجه به لزوم حفظ حقوق عمومی و فردی و مقابله با فساد، با آموزه‌های اسلامی هم‌خوانی دارد. سامانه‌های الکترونیکی که اطلاعات دقیق و به‌روز را در اختیار قرار می‌دهند، موجب شفافیت و کاهش فساد می‌شوند که این امر در اسلام مطلوب است. همچنین، هماهنگی میان نهادهای مختلف مانند قضائی، مالیات و ثبت برای نظارت بر معاملات و مالکیت‌ها به‌منظور جلوگیری از ظلم و تضییع حقوق دیگران نیز در اسلام پذیرفته شده است.

در راستای اصلاح نظام مالکیت، مقابله با جرائم اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. جرائم اقتصادی به عنوان عاملی مؤثر در ایجاد نظام های مالکیت ناکارآمد شناخته می شوند. عدم وجود تعریف دقیق و روشن برای جرائم اقتصادی، موجب گسترش آن ها می گردد. کمبود دانش تخصصی حقوقی در حوزه اقتصاد، مانع از شناسایی صحیح و تعیین مجازات مناسب برای جرائم می شود. بسیاری از فعالیت های اقتصادی که جرم محسوب نمی شوند یا مجازات متناسب با اختلالات اقتصادی ندارند، به این مشکل دامن می زنند. افراد در جستجوی بیشینه سازی منافع خود، بین فعالیت های قانونی و غیرقانونی تصمیم گیری می کنند و در صورتی که بازده فعالیت های غیرقانونی بیشتر باشد، تمایل به ارتکاب جرائم مالی افزایش می یابد. این روند می تواند به کاهش سرمایه گذاری، تولید، اشتغال و رشد اقتصادی منجر شود و نظام مالکیت و حقوق مالکان را تضعیف کند. اسلام نیز به شدت با جرائم اقتصادی مخالف است و آن ها را تهدیدی برای عدالت و حقوق مالکان می داند. براساس آموزه های اسلامی، باید قوانین دقیقی برای تعریف و مقابله با این جرائم وجود داشته باشد و مجازات های مناسب برای متخلفان تعیین شود. عدم تعریف دقیق و کمبود دانش تخصصی حقوقی می تواند باعث فساد و اختلال در اقتصاد شود. همچنین، اسلام بر اهمیت تصمیم گیری براساس اصول اخلاقی و جلوگیری از فعالیت های غیرقانونی تأکید دارد تا منافع شخصی باعث فساد نشود.

خصوصی سازی به عنوان یک راهکار برای اصلاح نظام مالکیت در ایران مطرح است، زیرا مالکیت دولتی و شبه دولتی موجب کاهش رقابت، انعطاف پذیری، نوآوری و بهره وری شده و بخش قابل توجهی از اقتصاد را تشکیل می دهد؛ حدود ۴۰۰ شرکت دولتی که بسیاری از آن ها زیانده هستند، بار مالی بر دولت می گذارند، اما خصوصی سازی می تواند منجر به درآمدزایی و تأمین کسری بودجه شود و با اخذ مالیات از شرکت های خصوصی شده، درآمد دولت را افزایش دهد. ناکارآمدی شرکت های دولتی ناشی از مشکلات اداری، مالی، اقتصادی، سرکوب قیمتی و دخالت های نهادهای مختلف و انتصاب های سیاسی است. اگر خصوصی سازی با سازوکار صحیح انجام شود، می تواند به افزایش بهره وری و تولید ملی، تشویق رقابت،

افزایش رفاه ملی و کارایی اقتصادی، صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت، رونق بازار سرمایه، گسترش فرهنگ مشارکت و جلوگیری از انحصارات کمک کند. مدیران شرکت‌های دولتی از موانع خصوصی‌سازی هستند و عمده شرکت‌های دولتی خصوصی‌شده به بخش‌های شبه‌دولتی واگذار شده‌اند. اسلام با خصوصی‌سازی به شرطی که با رعایت اصول عدالت اجتماعی، جلوگیری از انحصار و فساد و ارتقاء رفاه عمومی انجام شود، موافق است. خصوصی‌سازی می‌تواند در صورتی که به افزایش بهره‌وری، رقابت سالم و کارایی اقتصادی منجر شود، مفید باشد؛ اما اگر این فرآیند به تمرکز قدرت در دست گروه‌های خاص یا تضعیف حقوق عمومی منتهی شود، مخالف اصول اسلامی است. همچنین، خصوصی‌سازی باید از دخالت‌های سیاسی و فسادهای اداری دور باشد تا به نتایج مطلوب برسد.

هدفمندسازی یارانه‌ها ابزاری برای اصلاح نظام مالکیت است. یارانه‌ها تأثیر مستقیم بر سازوکار بازار دارد و منجر به تغییراتی در قیمت، تقاضا و عرضه می‌شود. افزایش یارانه‌ها سبب کسری بودجه و تورم و کاهش قدرت خرید عمومی است. بخش قابل‌توجهی از یارانه‌ها به افراد مرفه می‌رسد و به مالکیت ناکارآمد دامن می‌زند. یارانه‌های مصرفی باید تنها به مصرف‌کنندگان نیازمند و یارانه‌های تولیدی باید تنها به تولیدکنندگانی که واقعاً به حمایت نیاز دارند اختصاص یابند و به‌مرورزمان کاهش یابند تا از وابستگی طولانی‌مدت جلوگیری شود. اسلام با هدفمندسازی یارانه‌ها موافق است، به شرطی که این یارانه‌ها به نیازمندان واقعی و تولیدکنندگان ضروری اختصاص یابد و از اتلاف منابع جلوگیری شود. در اسلام، حمایت از افراد فقیر و نیازمند براساس عدالت اجتماعی و همبستگی اجتماعی مورد تأکید است. همچنین، یارانه‌ها باید به‌طور تدریجی کاهش یابند تا وابستگی طولانی‌مدت ایجاد نشود و سیستم اقتصادی به سمت بهره‌وری و استقلال حرکت کند.

۶. راهکارهای اسلامی

در اسلام، نظام مالکیت براساس بهره‌وری مبتنی بر دانش و فناوری استوار است. این نظام ضمن پذیرش تجربیات عقلانی، راهکارهایی مطابق با موازین شرعی ارائه می‌دهد.

آیه شریفه «و ان لیس للانسان الا ما سعی» (نجم: ۳۹) به ارتباط مالکیت با تلاش و بهره‌وری اشاره دارد. در اینجا، سعی به معنای تلاش همراه با بهره‌وری است و طبق آموزه‌های اسلامی، هر فرد به اندازه تلاشی که می‌کند حق مالکیت دارد. این مفهوم نشان‌دهنده لزوم کارآمدی و استفاده بهینه از منابع در دسترس است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص. ۵۳). آیه شریفه «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها» (هود: ۶۱) به معنای وجوب آبادانی منابع طبیعی (انفال) مانند زمین‌های بایر، معادن، دریاها و جنگل‌ها است. در نظام مالکیت اسلامی، این منابع به صورت دائمی به مالکیت فردی در نمی‌آید و مالکیت آن‌ها براساس بهره‌وری استوار است. به این معنا که اگر فردی نتواند از منابع طبیعی بهره‌برداری کند، مالکیت او از بین می‌رود. برای مثال، زمینی که مالک آن را رها کرده و از آن بهره‌برداری نمی‌کند، پس از گذشت سه سال به انفال بازمی‌گردد و می‌تواند به شخص دیگری که قادر به استفاده و بهره‌برداری از آن است، واگذار شود. این رویکرد به طور کلی باهدف حفظ منابع و استفاده بهینه از آن‌ها در جهت منافع عمومی جامعه است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص. ۳۴۵؛ معرفت، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۱). در میان اهل سنت، شخصیت‌هایی همچون ابوحنیفه، شافعی، محمدبن حسن شیبانی، ابویوسف، ماوردی در الخراج، ابوعبید در الاموال و ابن حجر در فتح الباری و بسیاری دیگر بر این اعتقادند که منابع طبیعی و انفال به طور عمومی متعلق به جامعه است و نباید به صورت دائمی به مالکیت فردی درآید. این دیدگاه‌ها بر اصل استفاده بهینه و بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی تأکید دارند و به این نکته اشاره می‌کنند که مالکیت این منابع باید در راستای منافع عمومی و توسعه جامعه باشد (صدر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص. ۸۶). از نظر مالک، زمین با رهاشدن به اصل خود بازمی‌گردد، زیرا علت مالکیت بر آن زمین، احیا و بهره‌برداری است. وقتی این علت از بین برود و فرد از بهره‌برداری از زمین صرف‌نظر کند، مالکیت بر آن زمین نیز از بین می‌رود. به عبارت دیگر، مالکیت وابسته به استفاده و بهره‌وری از زمین است و با زوال علت (عدم احیا یا عدم استفاده) معلول (مالکیت) نیز باقی نمی‌ماند (حلی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۴۰۱). در مواجهه با تفاوت‌های میان مالکیت اسلامی و قوانین مالکیت در ایران، دو راهکار مطرح می‌شود: اول، وضع مالیات بر زمین‌های راکد که می‌تواند از

بلااستفاده ماندن زمین‌ها جلوگیری کرده و استفاده بهینه از آن‌ها را تشویق کند. دوم، مالیات بر عایدی زمین‌های راکد که می‌تواند سود حاصل از سفته‌بازی و احتکار زمین را کاهش دهد. این دو راهکار می‌توانند به‌عنوان ابزارهایی برای افزایش بهره‌وری و جلوگیری از احتکار عمل کنند و به‌نوعی به نزدیک‌کردن نظام مالکیت در ایران به نظام مالکیت اسلامی کمک کنند که در آن مالکیت باید براساس بهره‌برداری و استفاده بهینه از منابع باشد.

در اسلام، مفهوم حمی که به مالکیت براساس دایره شنوایی صدای پارس سگ و حدود پاسداری آن اشاره دارد، به رسمیت شناخته نمی‌شود. این مفهوم بیشتر براساس سلطه و قدرت مالکیت استوار است و برخلاف اصول اسلامی که بر بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع تأکید دارند، به‌نوعی از مالکیت غیر مولد و غیر بهره‌ور می‌انجامد. در اسلام، مالکیت باید مبتنی بر بهره‌برداری صحیح و مفید از منابع باشد و نه براساس تصرفات بی‌فایده یا سلطه‌گرایانه (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۱۲۵). موضوع مالکیت زمین در اسلام، به‌ویژه در ارتباط با بهره‌وری از منابع طبیعی، از جنبه‌های مهم فقهی و اقتصادی این دین است. طبق آموزه‌های اسلامی، مالکیت زمین و منابع طبیعی ازجمله معادن، تنها در صورتی به‌وجود می‌آید که بهره‌وری واقعی و مستمر از آن‌ها صورت گیرد. این اصل به‌وضوح نشان‌دهنده ارتباط قوی بین حق مالکیت و مسئولیت‌های اجتماعی است. به‌عنوان نمونه، در مورد معادن، تنها زمانی که بهره‌بردار با کار و تلاش مستمر، استخراج و بهره‌وری از منابع معدنی را انجام می‌دهد، حق مالکیت بر آن مواد به او تعلق می‌گیرد. بر این اساس، اگر معدنکاری به هر دلیلی فعالیت خود را متوقف کند، حق مالکیت او نیز صوری می‌شود و به‌نوعی از او سلب می‌گردد. درواقع، این دیدگاه به‌خوبی بیان‌گر آن است که مالکیت در اسلام نه‌تنها یک حق، بلکه یک وظیفه و مسئولیت نیز به‌شمار می‌آید. همچنین، مفهوم مالکیت در اسلام به‌گونه‌ای است که منابعی مانند آب، نیز که از یک نقطه نظر حیاتی به‌شمار می‌آید، تحت مالکیت فردی قرار نمی‌گیرد. آب مازاد بر نیاز چاه و رودخانه، نمونه‌ای از این منابع است که خود به‌تنهایی نمی‌تواند به تملک کسی درآید. این امر نشان می‌دهد که در نظام اسلامی، توزیع منابع و محبوبیت بهره‌وری عادلانه بسیار حائز اهمیت است و فرد مالک، ملزم به

مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه است (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص. ۱۱۴-۱۲۹).

در نظام مالکیت اسلامی، مفهوم بهره‌وری به‌عنوان یک معیار نسبی و متغیر مطرح است که تحت تأثیر عواملی نظیر زمان و مکان تعریف و تفسیر می‌شود. این ویژگی دینامیکی بهره‌وری، آن را از سایر نظام‌های اقتصادی متمایز می‌سازد و نشان می‌دهد که فقهای اسلامی در تعیین آن، به تغییرات اجتماعی و عرف جامعه توجه ویژه‌ای دارند. فقه اسلامی به‌عنوان بستر قانونی و شرعی، در تعریف بهره‌وری به متغیرهای فرهنگ، آداب و رسوم هر جامعه وابسته است. بدین معنا که هر جامعه‌ای با توجه به شرایط خاص خود، می‌تواند معیاری متفاوت از بهره‌وری داشته باشد. از آنجاکه اقتصاد اسلامی نمی‌تواند و نباید از واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی غافل باشد، فقها به‌جای ایجاد تعاریف سخت و غیرقابل تغییر، براساس عرف و شرایط جامعه به تبیین این مفهوم می‌پردازند. این رویکرد نه تنها موجب انعطاف‌پذیری در نظام مالکیت اسلامی می‌شود، بلکه به تداوم و پایداری این نظام در مواجهه با چالش‌ها و تحولات اجتماعی نیز کمک می‌کند. به عبارت دیگر، بهره‌وری در نظام مالکیت اسلامی به‌عنوان ابزاری برای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که با توجه به شرایط خاص هر جامعه شکل می‌گیرد (مصباحی مقدم، ۱۳۸۷، صص. ۵-۳۸). بهره‌وری در عصر فناوری‌های نوین، به‌عنوان معیار پویایی و تحول‌پذیر تعریف می‌شود که همواره تحت تأثیر پیشرفت‌های مستمر فناوری قرار دارد. این امر بیانگر آن است که استفاده مؤثر از منابع و مدیریت اصولی آن‌ها به‌ویژه در دنیای امروز، مشخصه‌ای اساسی در موفقیت و بقای نظام‌ها و جوامع به شمار می‌آید. امام صادق (ع) نیز با تأکید بر اهمیت به‌کارگیری صحیح اموال، بر این نکته اشاره دارند که چنانچه این منابع به دست افرادی متعهد و کارآمد بیفتد، علاوه بر تقویت بنیان‌های اسلام، موجب پیشرفت و رفاه جامعه خواهد گردید اما اگر این اموال به دست افرادی نالایق افتد، به تدریج زوال اصول اسلامی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین، توجه به بهره‌وری و به‌کارگیری اصولی فناوری‌های نوین در مدیریت منابع، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص. ۵۲۱). استفاده نیکو از اموال با به‌کارگیری فناوری‌های مدرن به تأمین حداکثر بهره‌وری منجر خواهد شد. در دنیای امروز، بهره‌وری پایین به واسطه

فناوری‌های منسوخ، سرمایه‌گذاری‌های ناکارآمد، قوانین نامناسب و مبادلات ناکارآمد می‌تواند منجر به عقب‌ماندگی اقتصادی شود. برای ارتقاء سطح بهره‌وری و تحقق رشد اقتصادی پایدار، ضروری است که کشورهای در حال توسعه به سمت به‌کارگیری فناوری‌های نوین و اصلاح سیاست‌های اقتصادی خود گام بردارند. این اقدامات نه تنها موجب بهینه‌سازی اموال می‌گردد، بلکه باعث افزایش رقابت‌پذیری و ایجاد فرصتی برای پیشرفت در سطح جهانی خواهد شد (Chambers, 1986, pp. 35-40).

فناوری‌های قدیمی که در کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اغلب به روش‌های سنتی و تقسیم زمین به قطعات کوچک وابسته هستند که این امر منجر به کاهش بهره‌وری و عدم استفاده بهینه از منابع می‌شود. در مقابل، به‌کارگیری فناوری‌های جدید مانند آبیاری خودکار و یکپارچه‌سازی زمین‌ها، فرصت‌هایی را برای افزایش تولید و بهبود کیفیت محصولات فراهم می‌آورد. این فناوری‌ها با مدیریت بهینه آب و خاک و کاهش هزینه‌های تولید، قادر هستند بازدهی بالاتری را در عرصه کشاورزی به ارمغان آورند. لذا جایگزینی و ادغام این فناوری‌ها با شیوه‌های قدیمی می‌تواند راهگشای تحولی در صنعت کشاورزی و تأمین امنیت غذایی باشد (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۴، ص. ۳۷).

فناوری‌های روز در صنعت معدن نقش بسزایی در افزایش بهره‌وری ایفا می‌کنند، به‌گونه‌ای که عرف به بهره‌وری پایین ناشی از استفاده از فناوری‌های منسوخ توجهی ندارد. به همین دلیل، منابع طبیعی یا انفال به نفع فرد یا نهادی که توانایی بهره‌وری بالاتری دارد، واگذار می‌شود. این وضعیت موجب ایجاد رقابتی شدید در جهت افزایش بهره‌وری می‌گردد. در نظام مالکیت مبتنی بر حداکثر بهره‌وری، افراد برای بهبود کارایی و استفاده بهینه از منابع تلاش می‌کنند، در غیراین صورت، سازوکارهای سنتی برای حفظ زمین و منابع باعث بروز اختلافات، غصب، دزدی و تصرفات غیرقانونی خواهد شد که نتیجه آن به دعاوی پیچیده و متعددی منجر خواهد شد. به این ترتیب، ضرورت توجه به بهره‌وری در مدیریت منابع طبیعی به وضوح نمایان می‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص. ۶۵). شهید صدر در تحلیل خود از اهمیت بهره‌وری در مدیریت منابع و زمین، به نکته‌ای اساسی اشاره می‌کند که عدم توجه به بهره‌وری می‌تواند عواقب جدی برای اقتصاد یک کشور به همراه داشته باشد. وی بر این باور

است که در صورتی که متصرفان زمین در بهره‌وری کوتاهی کنند، نه تنها امکان نگهداری آن زمین را نخواهند داشت، بلکه این کوتاهی می‌تواند به کاهش تولید و بهره‌وری ملی منجر شود (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۹۴). این نکته تأکید بر ضرورت استفاده بهینه از فناوری‌های روز دارد، زیرا عدم بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و فناوریانه، از کارآمدی سیستم تولید و اقتصادی خواهد کاست. در نتیجه، برای حفظ و صیانت از منابع طبیعی و افزایش تولید کشور، لازم است که تمام ذینفعان در عرصه‌های اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین و بهینه‌سازی روش‌های خود، گامی مؤثر در راستای افزایش بهره‌وری بردارند.

در نظام حقوقی اسلام، ایجاد مالکیت براساس فعالیت‌های درآمدزا و مؤثر در تولید صورت می‌پذیرد و فعالیت‌های فاقد بهره‌وری به شدت مورد انتقاد فقها قرار گرفته است. به تصریح علمای بزرگ اسلامی همچون سیدمرتضی، حلبی، صدوق، ابن‌براج، مفید و طوسی، درآمد حاصل از اجاره زمین تنها زمانی مشروع است که مستأجر با بهره‌وری از آن، فعالیت اقتصادی و مؤثر انجام دهد. آن‌ها بر این باورند که اجاره دادن زمین بدون ایجاد ارزش افزوده و درآمدزایی از سوی مستأجر، به معنای کسب درآمد ناحق و به نوعی تبعیض اجتماعی است. لذا، این رویکرد نه تنها به رعایت اصول اخلاقی در اقتصاد می‌انجامد، بلکه الزامات شرعی را نیز در تحقق مالکیت و درآمدزایی در نظر می‌گیرد (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۲۱۱). این قاعده در بیع نیز جاری است، زیرا افزایش قیمت کالا بدون ایجاد بهره‌وری به وضوح نشان‌دهنده انتقال ناعادلانه ثروت به افرادی است که هیچ‌گونه تولید یا افزوده‌ای به ارزش کالا نداشته‌اند. براساس روایتی از امام صادق (ع)، فردی که کار را متعهد می‌شود، در صورتی که آن را به دیگری واگذار کند، حق دریافت مزد نخواهد داشت، مگر آنکه بخشی از کار را به انجام رسانده باشد. این واقعیت موجب می‌شود که کسب درآمد بدون تولید و بهره‌وری به معنای ایجاد مالکیت ناعادلانه تلقی گردد. همین‌طور براساس روایت ابوحمزه از امام باقر (ع)، اگر خیاطی پارچه‌ای را بپذیرد و آن را به خیاط دیگری واگذارد، او مجاز به دریافت مزد نخواهد بود. در نهایت، این آموزه‌ها ضرورت پرداختن به مفهوم بهره‌وری و عدالت در فرآیند تولید و توزیع ثروت را تأکید می‌کنند (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۲۱۶). این

اصل، در هر قراردادی جاری است. به عنوان مثال، پیمانکاری که طرحی را دریافت می کند و بدون ارائه ارزش افزوده و بهره‌وری، کار را به دیگری واگذار می کند، از نظر اخلاقی و قانونی مستحق دریافت مزد نخواهد بود. همچنین، تاجران نیز باید در تحقق بخشی از منافع مبادله سهم داشته باشند تا بتوانند پاداشی برای زحمات خود دریافت کنند. در این راستا، واسطه‌گری‌های بدون بهره‌وری، همانند اقداماتی که به خروج تاجران از شهر برای خرید کالاهای کاروان‌ها و فروش آن‌ها در شهر منجر می شود، نه تنها منصفانه نیستند بلکه کاملاً مخالف اصول اقتصاد سالم و پایدار به شمار می روند. از این رو، تأکید بر ایجاد ارزش و بهره‌وری در تمامی ابعاد تجارت و قراردادها از اهمیت بالایی برخوردار است (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۲، ص. ۴۷۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص. ۳۲۶).

سود ناشی از این فعالیت‌ها به مالکیت در نمی آید. هر نوع تجارت که نتواند به بهره‌وری و بهینه‌سازی فرآیندهای تولید کمک کند، در واقع فاقد فلسفه اقتصادی معنادار است و باید مورد بازنگری قرار گیرد. فلسفه این نگرش بر این اساس استوار است که واسطه‌گری غیرضروری نباید در میان تولیدکننده و مصرف‌کننده وجود داشته باشد، چراکه موجب افزایش هزینه‌ها و کاهش کیفیت خدمات و محصولات خواهد شد. در واقع، هدف‌های اصلی تجارت باید بهبود کارایی، افزایش تولید و نهایتاً تأمین نیازهای جامعه باشد. در شرایطی که تجارت به جای تسهیل و بهبود فرآیندها، تنها به تولید زنجیره‌ای از دلال‌ها منجر شود، از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نه تنها توجیهی ندارد، بلکه به مانعی برای رشد و توسعه پایدار تبدیل می شود؛ بنابراین، ضروری است که رویکردها و روش‌های تجاری مورد بازنگری قرار گیرند تا همواره در راستای بهره‌وری و کاهش واسطه‌گری حرکت کنند (صدر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص. ۲۸۲). این روایات از نظر برخی فقهای شیعه مانند شیخ طوسی، ابن ادریس حلی، ابن براج و بسیاری از فقهای سنی، بر تحریم و از نظر برخی دیگر بر نهی شدید دلالت دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، صص. ۱۲-۱۵). اقتصاددانان اهل سنت مانند خورشید احمد، منان، منذر کحف، ترکمانی، قلع‌اوی و یوسف کمال محمد نیز فعالیت‌های فاقد بهره‌وری را سبب ایجاد مالکیت نمی‌شمارند (میرمعزی، ۱۳۸۲، صص. ۵۴-۵۷).

نتیجه‌گیری

نظام مالکیت مبتنی بر بهره‌وری نقش کلیدی در پیشرفت اقتصادی دارد. در کشورهای پیشرفته، تغییر از مالکیت فئودالی به مالکیت کارآفرینانه باعث رشد اقتصادی شده است. مبانی نظری حقوق مالکیت شامل تعریف حقوق مالکیت، فرآیند به رسمیت شناختن و حمایت قانونی از آن و تعیین اموال قابل تملک خصوصی است. نظریه‌های مختلف بر اهمیت بهره‌وری و عدالت در توزیع و استفاده از مالکیت تأکید دارند.

نظام مالکیت ایران بر بهره‌وری استوار نیست و فعالیت‌های غیرمولد بیشتر از فعالیت‌های مولد مالکیت ایجاد می‌کنند. زمین‌خواری، ناکارآمدی مالکیت مسکن، ارز و طلا و نظام توزیع کالا از مشکلات اصلی هستند. نظام بانکی و بازار سهام نیز به ناکارایی نظام مالکیت دامن می‌زنند.

مالیات بر دارایی‌های راکد و عایدی آن‌ها می‌تواند به بهره‌وری بیشتر و جلوگیری از انباشت غیرفعال سرمایه کمک کند. این مالیات‌ها به توزیع عادلانه‌تر ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی منجر می‌شوند.

راهکارهای غیرمالیاتی شامل تدوین قوانین و مقررات، ایجاد سیستم‌های ثبت و اطلاع‌رسانی، نهادهای نظارتی و فرهنگ‌سازی است. مقابله با جرائم اقتصادی و خصوصی‌سازی نیز به بهبود نظام مالکیت کمک می‌کند. هدفمندسازی یارانه‌ها نیز به افزایش بهره‌وری و تقویت اقتصاد ملی منجر می‌شود.

در اسلام، نظام مالکیت براساس بهره‌وری مبتنی بر دانش و فناوری استوار است. مالکیت فردی بر انفال با بهره‌وری استوار است و با پایان یافتن بهره‌وری، مالکیت زایل می‌شود. وضع مالیات بر زمین‌های راکد و عایدی آن‌ها به افزایش بهره‌وری و جلوگیری از احتکار کمک می‌کند. اسلام با درآمدزایی فعالیت‌های فاقد بهره‌وری مخالف است و درآمد را مبتنی بر بهره‌وری می‌داند. این اصول به افزایش بهره‌وری، کاهش نابرابری‌ها و تقویت اقتصاد ملی منجر می‌شوند.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

- ۱) ابراهیمی، محسن (۱۳۸۷). *اقتصاد منابع طبیعی و محیط‌زیست*. ایران، تهران: نورعلم.
- ۲) ازه‌ای، غلامحسین (۱۳۹۷). *هویت و جزئیات فعالیت سلطان سکه*. ایران، تهران: خبرگزاری تابناک. tabnak.ir/003QSL
- ۳) اسمیت، آدام (۱۳۷۵). *ثروت ملل* (سیروس ابراهیم‌زاده، مترجم). ایران، تهران: پیام.
- ۴) رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۷۳). بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره یکپارچه‌سازی اراضی زراعی. *تحقیقات جغرافیایی*، ۹(۳۶)، ۲۵-۴۲.
- ۵) خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۹). کشف ۲۵ هزار سکه و ۱۰۰ کیلو طلا از خانه متهم پرونده فساد. ایران، تهران: خبرگزاری تسنیم. tn.ai/2279040
- ۶) جاویدی، مجتبی (۱۳۹۹). نگاهی روش‌شناسانه به نظریه قرارداد اجتماعی جان لاک. *اندیشه دینی*، ۲۰(۷۵)، ۲۱-۴۴.
- ۷) جرمی، بنتام (۱۴۰۲). *مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری* (علی قنبریان، مترجم). ایران، قم: میراث فرهنگیان.
- ۸) جلال، محمد (۱۳۸۹). *بررسی مشکلات اقتصادی نظام توزیع کالا در ایران و راه‌حل‌های آن با استفاده از نظریه بازی‌ها* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- ۹) حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل‌الشیعه*. ایران، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ۱۰) حسن‌زاده، علی؛ و پرنیان، احسان (۱۳۹۸). *الگوی راهبردی حمایت از تولید ۱۵: فعالیت‌های نامولد رقیب تولید، برخی تجربه‌های جهانی و راهکارهای مقابله با آن در ایران*. ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۱) حسینی، سیدرضا (۱۳۸۹). تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد. *معرفت اقتصادی*، ۱(۱)،

۸۳-۱۱۱.

۱۲) حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶). مبانی مالکیت فکری. ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۳) حکمت‌نیا، محمود؛ و موحدی، محمد (۱۳۸۵). جایگاه مبانی نظری در فهم و ترسیم نظام مالکیت فکری. حقوق فکری، ۲(۸)، ۸۹-۱۰۴.

۱۴) حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸). تذکره الفقهاء (جلد ۲). ایران، تهران: مکتبه المرتضویه.

۱۵) خداداد کاشی، فرهاد؛ و رزبان، نرگس (۱۳۹۳). نقش سفته‌بازی بر تغییرات قیمت مسکن در ایران (۱۳۸۷-۱۳۷۰). پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۸(۷۱)، ۵-۲۸.

۱۶) خوشبخت، سیدهادی (۱۴۰۰). مافیای طلا در ایران چه می‌کند؟ ایران، تهران: خبرگزاری رادار اقتصاد.

۱۷) خبرگزاری دنیای اقتصاد (۱۳۹۹)، معافیت مالیاتی ملأکی چگونه باعث انجماد منابع در فعالیت‌های غیرمولد شده است؟ ایران، تهران: خبرگزاری دنیای اقتصاد. donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3737349

۱۸) رحمانی، تیمور؛ و فلاحی، سامان (۱۳۹۵). تحلیلی بین کشوری از تأثیرگذاری مالیات‌ها بر بخش مسکن. اقتصاد مسکن، ۱۳(۵۱)، ۱۱-۳۴.

۱۹) رستمی، محمدزمان (۱۳۹۵). آشنایی با علم اقتصاد. ایران، قم: آیین احمد.

۲۰) رضایی، محسن (۱۳۹۷). ارزیابی، علل و پیامدهای عمده بحران اقتصادی در ایران، اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۱۲(۴۲)، ۲۰۱-۲۲۶.

۲۱) سیدنورانی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳). بررسی سفته‌بازی و حباب قیمت مسکن در مناطق شهری ایران، پژوهش‌نامه اقتصادی، ۱۴(۵۲)، ۶۸-۴۹.

۲۲) شاقول، یوسف (۱۳۹۰). جایگاه مالکیت در فلسفه سیاسی لاک و کانت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲۳) شجیعی، مجید (۱۳۸۸). مبارزه با جرایم اقتصادی. ایران، تهران: معاونت آموزش ناجا.

۲۴) شیخی، سعید؛ و فرخی، رضا (۱۳۹۱). بررسی نقش هدفمندسازی یارانه‌ها در اقتصاد ایران. همایش منطقه‌ای تولید ملی، حمایت از کار، سرمایه ایرانی.

۲۵) صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۸ق). اقتصادنا (جلد ۲). لبنان، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

- ۲۶) عباس زادگان، سیدمحمد (۱۳۸۳). *فساد اداری*. ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲۷) عبدی، محمدرضا؛ و عسکری آزاد، حمید (۱۳۸۷). کاربرد مالیات بر عایدات سرمایه در اصلاح ساختار تقاضا و تعدیل نوسان‌های قیمتی. *بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۱(۸۱ و ۸۲)، ۴۱-۶۷.
- ۲۸) عشاوی، سعدالدین محمد (۱۳۸۶). *مروری بر جرائم اقتصادی کشورهای عربی* (محمدرضا نصراللهی و سیدعیسی حسینی: مترجمان). ایران، تهران: کارآگاه.
- ۲۹) خبرگزاری عصر ایران (۱۳۹۸). *درخواست ابرثروتمندان آمریکا: از ثروت ما مالیات بگیرید*. ایران، تهران: خبرگزاری عصر ایران asriran.com/002pef
- ۳۰) غلامی، الهام (۱۳۹۱). مالیات تو بین و مسائل مربوط به آن، قسمت اول: مالیات بر معاملات مالی و تجربه آن در جهان. *اقتصادی*، ۱(۴ و ۵) ۹۳-۱۰۲.
- ۳۱) فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۳). اندیشه اقتصادی شهید مطهری. *قبسات*، ۸(۳۰ و ۳۱)، ۲۲۳-۲۵۲.
- ۳۲) فطرس، محمدحسن؛ و دلایی میلان، علی (۱۳۹۵). اثر تکانه‌های مالیاتی بر اقتصاد زیرزمینی و رسمی ایران در چارچوب الگوهای تعادل عمومی پویای تصادفی، *اقتصاد پولی مالی (دانش و توسعه)*، ۲۳(۱۲)، ۱۱۱-۱۳۴.
- ۳۳) قلی‌زاده، علی‌اکبر؛ و امیری، نعمت‌الله (۱۳۹۷). *نگاهی به نظام مالیاتی بخش مسکن در جهان و چاره‌جویی برای اصلاح ساختار مالیات‌ها در بخش مسکن ایران*. ایران، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۳۴) قنبری، مجید (۱۳۸۸). *تصرف غیرقانونی در وجوه اموال دولتی و عمومی*. ایران، تهران: نوآور.
- ۳۵) قهرمانی، رسول (۱۳۹۹). *مفاسد بانکی*. وینار انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳۶) لعلی سرابی، امیر؛ و مصباحی‌مقدم، غلام‌رضا (۱۳۹۰). *معاملات سفته‌بازی در بازار آتی و انطباق آن با موازین اسلامی*. *چشم‌انداز مدیریت مالی*، ۱(۴)، ۱۱۵-۱۲۸.
- ۳۷) مرادی، مرتضی (۱۳۹۸). *بر سر دوراهی، نتیجه دعوی مخالفان و موافقان مالیات‌ستانی از ثروت*. ایران، تهران: تجارت فردا. tejaratefarda.com/fa/tiny/news-32602

- (۳۸) مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۷). نگاهی نو به مسئله احیای زمین‌های موات. *اقتصاد اسلامی*، ۸ (۳۰)، ۳۸-۵.
- (۳۹) معرفت، محمدهادی (۱۳۷۵). مالکیت زمین در منابع اسلامی. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۱ (۴)، ۱۶۹-۱۸۸.
- (۴۰) مقیمی، سعید (۱۳۹۳). نظام اندیشه‌های جان رالز: سرچشمه‌ها و یافته‌ها. *علوم سیاسی*، ۸ (۲۹)، ۷۴-۵۵.
- (۴۱) مقیمی، محمدرضا؛ و بایاری، عبدالرضا (۱۳۸۹). بسترهای زمین‌خواری و روش‌های مقابله با آن، کارآگاه، ۳ (۱۱)، ۱۰۹-۱۲۸.
- (۴۲) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ایران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۴۳) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۱). *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ۲۲ (۶)، ۱۲-۱۵.
- (۴۴) ملک‌زاده، علی؛ و عبداللهی، حسین (۱۳۹۹). *مالیات بر عایدی املاک راهکار حذف سوداگری از بازار مسکن*. ایران، تهران: اندیشکده اقتصاد مقاومتی.
- (۴۵) خبرگزاری مهر (۱۳۹۷)، رد پای برخی از مدیران بانکی در شبکه فساد سکه و طلا. ایران، تهران: خبرگزاری مهر. mehrnews.com/news/4396939
- (۴۶) مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۹۵). *گزارش طرح مطالعاتی بخش‌های اقتصادی (جلد ۳: مسکن و مستغلات)*. ایران، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- (۴۷) میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۲). *بورس‌بازی از نگاه فقه، اقتصاد اسلامی*، ۳ (۹)، ۶۴-۵۱.
- (۴۸) نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*. ایران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۴۹) نعمتی، مصطفی (۱۳۹۷). *مخمصه بانکی*. ایران، تهران: تجارت فردا. tejaratefarda.com/fa/tiny/news-28737
- (۵۰) نوری‌زاده، اکرم؛ و شاقول، یوسف (۱۳۹۴). *بررسی نقدهای مایکل ساندل و رابرت نوزیک بر ناسازگاری اصل تفاوت و فردگرایی در نظر جان راولز*. *غرب‌شناسی بنیادی*، ۶ (۱)، ۱۲۱-۱۳۹.
- (۵۱) واعظ، محمد؛ و معینی، شهرام (۱۳۹۲). *سفته‌بازی کوتاه‌مدت در بازارهای اقتصادی و*

مالي، جستارهای اقتصادی، ۱۰(۲۰)، ۵۶-۲۹.

۵۲) ویژه، محمدرضا (۱۳۸۸). نگرشی تطبیقی بر مالکیت در فقه اسلامی و حقوق غرب.

پژوهش‌های حقوقی، ۴(۱۵)، ۲۲۷-۲۰۵.

- 53) Abbās-zādegān, Seyyed Moḥammad (1383 SH/2004). Fasād-e Edārī [Administrative Corruption]. Tehran, Iran: Daftar-e Pazhūheshhā-ye Farhangī [in Persian].
- 54) Abdi, Moḥammad-Rezā; & Askarī Āzād, Ḥamid (1387 SH/2008). Kārbord-e Mālīāt bar ‘Āyedāt-e Sarmāyeh dar Eṣlāḥ-e Sākhtār-e Taqāzā va Ta’dil-e Nowsān-hā-ye Qeymatī [Application of Capital Gains Tax in Demand Restructuring and Price Volatility Adjustment]. Barrasī-ye Masā’el va Siāsat-hā-ye Eqteṣādī [Economic Issues and Policies Review], 21(81-82), pp. 41-67 [in Persian].
- 55) Bentham, Jeremy (1402 SH/2023). Moqaddame’i bar Oṣūl-e Akhlāq va Qānūn-gozārī [Introduction to the Principles of Morals and Legislation] (trans. ‘Alī Qanbariān). Qom, Iran: Mirās-e Farhangiyān [in Persian].
- 56) Bloomberg.com/news/articles/2019-02-17/gates-says-capital-gain-taxes-bestway- to-top-big-fortunes
- 57) Chambers, R. (2014). *Rural Development: Putting the Last First*. Routledge.
- 58) Economic Policy Research Institute (2000), *An Economic Appraisal of Arguments for and Against South Africa’s Proposed Capital Gains Tax Legislation*
- 59) Ebrāhimi, Moḥsen (1387 SH/2008). Eqteṣād-e Manābe’-e Ṭabī’i va Moḥiṭ-e Zist [Economics of Natural Resources and Environment]. Tehran, Iran: Nūr-e ‘Elm [in Persian].
- 60) Eje’i, Ġolāmḥoseyn (1397 SH/2018). Hovīyat va Joz’iyāt-e Fa’āliyat-e Solṭān-e Sekkeh [Identity and Details of the Coin King’s Activities]. Tehran, Iran: Khabargozārī-ye Tabnāk. <https://tabnak.ir/003QSL> [in Persian].
- 61) Eshmāwī, Sa’d al-Dīn Moḥammad (1386 SH/2007). Morūrī bar Jarāyem-e Eqteṣādī-ye Keshvarhā-ye ‘Arabī [Overview of Economic Crimes in Arab Countries] (trans. Moḥammad-Rezā Naṣrallāhī & Seyyed ‘Isā Ḥoseynī). Tehran, Iran: Kārāgāh [in Persian].
- 62) Farahānī-Fard, Sa’id (1383 SH/2004). Andīsheh-ye Eqteṣādī-ye Shahīd Moṭahharī [The Economic Thought of Martyr Moṭahharī]. Qabasāt [Qabasāt], 8(30-31), pp. 223-252 [in Persian].

- 63) Foṭros, Moḥammad-Ḥasan; & Delāyī Milān, 'Alī (1395 SH/2016). Aṭar-e Takāneh-hā-ye Mālīāti bar Eqtešād-e Zīrzamīnī va Rasmi-ye Īrān dar Chārchūb-e Algūhā-ye Ta'ādol-e 'Omūmī-ye Poyā-ye Tašādofi [Effects of Tax Shocks on the Formal and Informal Economy in a DSGE Framework]. Eqtešād-e Polī va Mālī (Dānesh va Towsee'eh), 23(12), pp. 111-134 [in Persian].
- 64) Ġolāmī, Elhām (1391 SH/2012). Mālīāt-e Tobin va Masā'el-e Marbūt be Ān, Ghesmat-e Aval: Mālīāt bar Mo'āmelāt-e Mālī va Tajrobeh-ye Ān dar Jahān [Tobin Tax and Its Issues, Part I: Financial Transactions Tax and Its Global Experience]. Eqtešādī [Economics], 1(4-5), pp. 93-102 [in Persian].
- 65) Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999). Why do Some Countries Produce so Much More Output Per Worker than Others? *Economics*, 114(1), 83-116.
- 66) Ḥasan-zādeh, 'Alī; & Parniān, Aḥsān (1398 SH/2019). Algū-ye Rāhbordī-ye Hemāyat az Towlīd 15: Fa'āliyat-hā-ye Nā-Mowledd raqīb-e Towlīd [Strategic Model for Supporting Production 15: Unproductive Activities Competing with Production]. Tehran, Iran: Majles Research Center [in Persian].
- 67) Ḥekmatnīyā, Maḥmūd (1386 SH/2007). Mabānī-ye Mālekīyat-e Fekrī [Foundations of Intellectual Property]. Tehran, Iran: Pazhūheshgāh-e Farhang va Andīsheh-ye Eslāmī [in Persian].
- 68) Ḥekmatnīyā, Maḥmūd; & Moḥaddī, Moḥammad (1385 SH/2006). Jāyghā-e Mabānī-ye Nazārī dar Fahm va Tarsim-e Neẓām-e Mālekīyat-e Fekrī [The Theoretical Foundations in Understanding and Structuring the Intellectual Property System]. Hoqūq-e Fekrī [Intellectual Property Law], 2(8), pp. 89-104 [in Persian].
- 69) Ḥillī, Ḥasan b. Yūsuf (1388 SH/2009). Taḍkerat al-Foqahā' (Vol. 2). Tehran, Iran: Maktabat al-Murtaẓawiyya [in Persian].
- 70) Ḥosaynī, Seyyed Reẓā (1389 SH/2010). Taḥlīl-e Kanz az Didgāh-e Feqh va Eqtešād [Analysis of Hoarding from the Perspective of Jurisprudence and Economics]. Ma'refat-e Eqtešādī [Economic Knowledge], 1(1), pp. 83-111 [in Persian].
- 71) Holloway, M., & Eloranta, J. (2014). Stability Breeds Instability? A Minskian Analysis of the Crisis of the Asian Tigers in the 1990s. *Investigaciones de Historia Económica-Economic History Research*, 10(2), 115-126.
- 72) Ḥurr 'Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan (1409 AH/1989). Wasā'il al-Shī'a. Qom, Iran: Mu'assasat Āl al-Bayt [in Arabic].

- 73) Jalāl, Moḥammad (1389 SH/2010). Barrasī-ye Moškelāt-e Eqtešādī-ye Neẓām-e Towzī'-e Kāla dar Īrān va Rāhḥā-ye Ḥall-e Ān bā Estefādeh az Naẓariyeh-ye Bāzihā [An Analysis of Economic Problems in the Distribution System in Iran Using Game Theory] (Master's thesis). University of Tehran, Tehran, Iran [in Persian].
- 74) Jāvidī, Mojtabā (1399 SH/2020). Negāhī be Naẓariyeh-ye Qarārdād-e Ejtemā'i-ye John Locke [A Methodological Perspective on John Locke's Social Contract Theory]. Andisheh-ye Dinī [Religious Thought], 20(75), pp. 21-44 [in Persian].
- 75) Justia US Law, (2017), Real Estate Nonutilization Tax, Rhode Island General Laws, Title 44 - Taxation, Chapter 44-51
- 76) Khabargozarī-ye Tasnīm (1399 SH/2020). Kashf-e 25 Hezār Sekkeh va 100 Kilū Ṭalā az Kāneh-ye Mottaḥam-e Parvande-ye Fasād [Discovery of 25,000 Coins and 100 kg of Gold in Corruption Case]. Tehran, Iran: Tasnīm News Agency. <https://tn.ai/2279040> [in Persian].
- 77) Qodādād Kāshī, Farhād; & Razbān, Narges (1393 SH/2014). Naqš-e Softeh-Bāzī bar Taḡyirāt-e Qeymat-e Maskan dar Īrān (1370-1387 SH) [The Role of Speculation in Housing Price Changes in Iran (1991-2008)]. Pazhūheshhā va Siāsat'hā-ye Eqtešādī [Economic Research and Policies], 18(71), pp. 5-28 [in Persian].
- 78) Košbaqt, Seyyed Hādī (1400 SH/2021). Māfiā-ye Ṭalā dar Īrān Che Mikonad? [What Is the Gold Mafia Doing in Iran?]. Tehran, Iran: Rādār-e Eqtešād News Agency [in Persian].
- 79) Khabargozarī-ye Donya-ye Eqtešād (1399 SH/2020). Ma'āfiyat-e Mālīātī-ye Mallākī Chegūneh Bā'es-e Enjamād-e Manābe' dar Fa'āliyat-hā-ye Nā-Mowledd Shode Ast? [How Landlord Tax Exemptions Have Frozen Resources in Unproductive Activities?]. Tehran, Iran: Donya-ye Eqtešād News. <https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3737349> [in Persian].
- 80) Khabargozarī-ye Mehr (1397 SH/2018). Radd-e Pāy-e Ba'ẓi az Modirān-e Bānkī dar Shabakeh-ye Fasād-e Sekkeh va Ṭalā [Traces of Some Banking Executives in the Coin and Gold Corruption Network]. Tehran, Iran: Mehr News Agency. <https://mehrnews.com/news/4396939> [in Persian].
- 81) Khabargozarī-ye 'Asr-e Īrān (1398 SH/2019). Darkhāst-e Ahrsarmāyedārān-e Āmrīkā: Az Sarmāyeh-ye Mā Mālīāt Begīrīd [Request of America's Super-Rich: Tax Our Wealth]. Tehran, Iran: 'Asr-e Īrān News. <https://asriran.com/002pef> [in Persian].

- 82) Kholdy, S., & Sohrabian, A. (2008). Foreign Direct Investment, Financial Markets, and Political Corruption. *Economic Studies*, 35(6), 486-500.
- 83) La'li Sarābī, Amīr; & Mešbāhī-Moqaddam, Ġolām-Rezā (1390 SH/2011). Mo'amelāt-e Softeh-Bāzī dar Bāzār-e Ātī va Entebāq-e Ān bā Mawāzīn-e Eslāmī [Speculative Transactions in Futures Markets and Their Conformity with Islamic Criteria]. *Cheshmandāz-e Modiriyat-e Mālī* [Financial Management Outlook], 1(4), pp. 115-128 [in Persian].
- 84) Lin, S. (1994). Capital Taxation and Accumulation in a Growing World Economy with Deficit Finance. *International Tax and Public Finance*, 1, 127-146.
- 85) Man, Z. (1994). Share and Investment in the share Market, A General Observation on Related Issues from an Islamic Perspective, A Paper Presented in Aseminar Series on Ialamic Economics at the National Productivity Center Hotel, P. *Jaya, Malaysia*, 4-22.
- 86) Ma'refat, Moḥammad-Hādī (1375 SH/1996). Mālekīyat-e Zamīn dar Manābe'-e Eslāmī [Land Ownership in Islamic Sources]. *Pazhūheshhā-ye Ejtemā'ī-ye Eslāmī* [Islamic Social Studies], 1(4), pp. 169-188 [in Persian].
- 87) Makāram Shīrāzī, Nāṣer (1374 SH/1995). Tafsīr-e Nemūneh [Tafsīr-e Nemūneh]. Tehran, Iran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah [in Persian].
- 88) Makāram Shīrāzī, Nāṣer (1361 SH/1982). Dars-hā'ī az Maktab-e Eslām [Lessons from the School of Islam], 22(6), pp. 12-15 [in Persian].
- 89) Malekzādeh, 'Alī; & 'Abdollāhī, Ḥoseyn (1399 SH/2020). Mālīāt bar 'Āyedī-ye Amlāk: Rāhkar-e Ḥaẓf-e Sūdāgarī az Bāzār-e Maskan [Capital Gains Tax as a Strategy for Eliminating Speculation in the Housing Market]. Tehran, Iran: Andīshekadeh-ye Eqtešād-e Moqāwemati [in Persian].
- 90) Mešbāhī-Moqaddam, Ġolām-Rezā (1387 SH/2008). Negāhī Now be Mas'aleh-ye Ehyā-ye Zamīn-hā-ye Mowāt [A New Look at the Reviving of Dead Lands]. *Eqtešād-e Eslāmī* [Islamic Economics], 8(30), pp. 5-38 [in Persian].
- 91) Mīr-Ma'zī, Seyyed Ḥoseyn (1382 SH/2003). Būrs-Bāzī az Negāh-e Feqh [Stock Trading from a Jurisprudential Perspective]. *Eqtešād-e Eslāmī* [Islamic Economics], 3(9), pp. 51-64 [in Persian].
- 92) Moqīmī, Sa'īd (1393 SH/2014). Neẓām-e Andīsheh-hā-ye John Rawls: Sarcheshmeh-hā va Yāfteh-hā [The System of John Rawls'

- Ideas: Sources and Findings]. 'Ulūm-e Siyāsī [Political Science], 8(29), pp. 55-74 [in Persian].
- 93) Moqīmī, Moḥammad-Rezā; & Bāyārī, 'Abd-al-Rezā (1389 SH/2010). Besterhā-ye Zamīn-Ḳwārī va Raveshhā-ye Moqābeleh bā Ān [Land Grabbing Contexts and Countermeasures]. Kārāgāh [Investigator], 3(11), pp. 109-128 [in Persian].
 - 94) Mo'asseseh-ye 'Ālī-ye Āmūzesh va Pazhūhesh-e Modirīyyat va Barnāmeḥ-Rizī (1395 SH/2016). Gozāresh-e Tarḥ-e Motāle'ātī-ye Bakhsh-hā-ye Eqteṣādī (Vol. 3: Maskan va Mostaḡellāt) [Study Report on Economic Sectors (Vol. 3: Housing and Real Estate)]. Tehran, Iran: Mo'asseseh-ye 'Ālī [in Persian].
 - 95) Morādī, Morteżā (1398 SH/2019). Bar Sar-e Dorāhī: Natijeh-ye Da'vā-ye Moxālefan va Mowāfeqān-e Mālīāt-setānī az Sarmāyeh [At the Crossroads: The Debate Between Proponents and Opponents of Wealth Taxation]. Tehran, Iran: Tejārat-e Fardā. <https://tejaratefarda.com/fa/tiny/news-32602> [in Persian].
 - 96) Najafī, Moḥammad-Ḥasan (1368 SH/1989). Jawāher al-Kalām fi Sharḥ Sharā'e' al-Islām [Jewels of Discourse in Explaining Islamic Laws]. Tehran, Iran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah [in Persian].
 - 97) Ne'matī, Moṣṭafā (1397 SH/2018). Maḳmaṣeh-ye Bānkī [The Banking Dilemma]. Tehran, Iran: Tejārat-e Fardā. <https://tejaratefarda.com/fa/tiny/news-28737> [in Persian].
 - 98) North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press.
 - 99) Nūrī-Zādeh, Akram; & Shāqūl, Yūsef (1394 SH/2015). Barrasī-ye Naqd-hā-ye Michael Sandel va Robert Nozick bar Nā-Sāzgārī-ye Aṣl-e Tafāwot va Fardgarā'ī dar Naẓar-e John Rawls [A Review of Michael Sandel and Robert Nozick's Critiques on the Incompatibility Between the Difference Principle and Individualism in Rawls' Theory]. Gharb-Shenāsī-ye Bonyādī [Fundamental Western Studies], 6(1), pp. 121-139 [in Persian].
 - 100) Qolī-zādeh, 'Ālī-Akbar; & Amīrī, Ne'mat-Allāh (1397 SH/2018). Negāhī be Neẓām-e Mālīātī-ye Bakhsh-e Maskan dar Jahān va Chāreh-Jū'ī barā-ye Eṣlāḥ-e Sākhtār-e Mālīāt-hā dar Maskan-e Īrān [A Look at Global Housing Tax Systems and Proposals for Reform in Iran]. Tehran, Iran: Vezārat-e Omūr-e Eqteṣādī va Dārā'ī [in Persian].
 - 101) Qanbarī, Majīd (1388 SH/2009). Taṣarrof-e Qeyr-e Qānūnī dar Voḡūh va Amvāl-e Dowlatī va 'Ommūmī [Illegal Use of Public and Government Funds]. Tehran, Iran: No'āvar [in Persian].

- 102) Qahremānī, Rasūl (1399 SH/2020). Mafāsad-e Bānkī [Banking Corruption]. Webinar of the Islamic Economics Society, Ḥawzeh 'Ilmiyeh-ye Qom [in Persian].
- 103) Raḥmānī, Teymūr; & Fallāḥī, Sāmān (1395 SH/2016). Taḥlīlī-ye Beyn-e Keshvarī az Ta'sīr-e Mālīāt-hā bar Bakhsh-e Maskan [A Cross-Country Analysis of the Effects of Taxes on the Housing Sector]. Eqteṣād-e Maskan [Housing Economics], 13(51), pp. 11-34 [in Persian].
- 104) Reżā'ī, Moḥsen (1397 SH/2018). Arzyābī, 'Ellal va Piāmadhā-ye 'Omd-e Boḥrān-e Eqteṣādī dar Īrān [Assessment, Causes, and Major Consequences of Iran's Economic Crisis]. Eqteṣād-e Mālī (Eqteṣād-e Mālī va Towsee'eh) [Financial Economics and Development], 12(42), pp. 201-226 [in Persian].
- 105) Rokn-al-Dīn Eftekhārī, 'Abd-al-Reżā (1373 SH/1994). Barrasī-ye Didgāhhā-ye Moxtelef Darbāre-ye Yekpārche-sāzī-ye Arāzī-ye Zerā'ī [A Review of Different Views on Agricultural Land Consolidation]. Taḥqīqāt-e Joghrāfiyā'ī [Geographical Research], 9(36), pp. 25-42 [in Persian].
- 106) Rostamī, Moḥammad Zamān (1395 SH/2016). Āshenā'ī bā 'Elm-e Eqteṣād [Introduction to the Science of Economics]. Qom, Iran: Ā'in-e Aḥmad [in Persian].
- 107) Ṣadr, Sayyid Muḥammad Bāqir (1408 AH/1988). Iqtisād-nā (Vol. 2). Beirut, Lebanon: Dār al-Ta'āruf lil-Maṭbū'āt [in Arabic].
- 108) Seyyed Nūrānī, Seyyed Moḥammad-Reżā (1393 SH/2014). Barrasī-ye Softeh-Bāzī va Ḥobāb-e Qeymat-e Maskan dar Manāteq-e Shahri-ye Īrān [An Examination of Speculation and the Housing Price Bubble in Urban Areas of Iran]. Pazhūhesh-nāmeḥ-ye Eqteṣādī [Economic Research Journal], 14(52), pp. 49-68 [in Persian].
- 109) Schumpeter, J. (1934). The Theory of Economic Development Harvard University Press. Cambridge, MA.
- 110) Shakow, D., & Shuldiner, R. (1999). A comprehensive wealth tax. *Tax L. Rev.*, 53, 499.
- 111) Shāqūl, Yūsef (1390 SH/2011). Jāygāh-e Mālekīyat dar Falsafeḥ-ye Siyāsī-ye Locke va Kant [The Place of Property in the Political Philosophy of Locke and Kant] (Master's thesis). University of Isfahan, Isfahan, Iran [in Persian].
- 112) Shoḡā'ī, Majīd (1388 SH/2009). Mobārezeh bā Jarāyem-e Eqteṣādī [Combating Economic Crimes]. Tehran, Iran: Mo'āvenat-e Āmūzesh-e NAJA [in Persian].

- 113) Shīkhī, Sa'īd; & Farrokhi, Reżā (1391 SH/2012). Barrasī-ye Naqš-e Hadafmand-sāzi-ye Yārāneh-hā dar Eqtešād-e Īrān [Assessing the Role of Subsidy Reform in Iran's Economy]. Regional Conference on National Production and Support for Iranian Labor and Capital [in Persian].
- 114) Smith, Ādām (1375 SH/1996). Šarwat-e Melal [The Wealth of Nations] (trans. Sirus Ebrāhīm-zādeh). Tehran, Iran: Payām [in Persian].
- 115) Vīzheh, Moḥammad-Reżā (1388 SH/2009). Negarshī Taṭbīqī bar Mālekīyat dar Feqh-e Eslāmī va Ḥoqūq-e Gharb [A Comparative View of Property in Islamic Jurisprudence and Western Law]. Pazhūhesh-hā-ye Ḥoqūqī [Legal Studies], 4(15), pp. 205-227 [in Persian].
- 116) Wā'eẓ, Moḥammad; & Mo'īnī, Shahrām (1392 SH/2013). Softeh-Bāzī-ye Kūtāh-Moddat dar Bāzār-hā-ye Eqtešādī va Mālī [Short-Term Speculation in Economic and Financial Markets]. Jostār-hā-ye Eqtešādī [Economic Essays], 10(20), pp. 29-56 [in Persian].
- 117) Whitehead, M. (2017). The Actual Implications of a Capital Gains Tax, <https://thestandard.org.nz/the-actual-implications-of-a-capital-gains-tax/>

Mental Model of the Beneficiaries of Qarz al-Hasneh in Iran's Qarz al-Hasneh Mehr Bank

Author: Ali Elyasi | Gholam Hasan Taghi Nataj Malekshah | Mohammdd Solgi
Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.245995.1888>

الگوی ذهنی ذینفعان قرض الحسنه در بانک قرض الحسنه مهر ایران
نویسندگان: علی الیاسی | غلامحسن تقی نتاج ملک‌شاه | محمد سلگی
پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.245995.1888>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Mental Model of the Beneficiaries of Qarz al-Hasneh in Iran's Qarz al-Hasneh Mehr Bank

Ali Elyasi: M.A in Financial Management, Department of Islamic Financial Management, Faculty of Management and Economics, Imam Hussein University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

alielyasi7576@gmail.com | 0009-0001-4511-9553

Gholam Hasan Taghi Nataj Malekshah: Faculty Member, Faculty of Management, Faculty of Accounting and Financial Sciences, Tehran, Iran.

taghinataj@ut.ac.ir | 0009-0008-7846-1487

Mohammad Solgi Faculty Member, Islamic Financial Management Department, Faculty of Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran.

kpmsolgi@ihu.ac.ir | 0000-0002-8635-631X

Abstract

1. Introduction and Objective

The loan has always been used as one of the financing tools to provide the resources needed by the borrower, while at the same time, the payment of loans in the form of qard al-hasana has been greatly encouraged and usury condemned. Therefore, attention to Islamic banking in Islamic countries is of utmost importance. Qard al-hasana banks are currently a symbol of the focus on Islamic banking in the country. Qard al-hasana banks are one of the types of banks integrated within the monetary system of Iran, operating like other banks based on the monetary and banking law, the law of banking operations without usury, and the directives issued by the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. Qard al-hasana deposits, as one of the important mechanisms for operationalizing the usury-free banking system, have faced numerous challenges in recent years. One of the most significant of these challenges is the gradual reduction in the share of these deposits, and consequently, the decrease in the allocation of qard al-hasana facilities by banks. The low ratio of qard al-hasana deposits to total deposits underscores the importance of understanding the mental models of qard al-hasana stakeholders to address this issue. The success of Islamic banking and qard al-hasana banks is largely dependent on the community's view of investing in qard al-hasana banks, which makes identifying the mental models of stakeholders significant for creating a positive perspective in society. This study was conducted with the aim of identifying the mental

models of qard al-hasana stakeholders at the Qard al-hasana Mehr Bank of Iran.

2. Methods and Materials

The research was applied in nature, and it used a mixed exploratory method. To identify discourse space phrases, semi-structured interviews (qualitative) were conducted, and for identifying patterns, factor analysis and the Q method (quantitative) were used. Additionally, the research was descriptive in nature and data collection was conducted through surveys, interviews, and questionnaires. Given that the goal of this research is to understand the mental models of stakeholders regarding Qarz al-Hasanah Mehr Iran, the Q method was employed. The statistical population of this research consisted of all stakeholders of Qarz al-Hasanah Mehr Iran in the city of Qom, from which 50 individuals were selected through availability for semi-structured interviews created by the researcher. Multiple sources such as articles, books, and websites were utilized in the library section, and interviews were used in the field section. The questionnaire used included 4 general questions and 12 questions to identify the components of the mental model, where the questions were elaborated to collect the opinions of stakeholders and their mental models. After collecting the interviews, the data were reread multiple times by the researcher, and then each sentence that appeared useful and relevant to the study was noted separately. In the next stage, the meaning of each sentence was extracted by the researcher, resulting in 45 propositions from the interview texts. Then, through further review and refinement of the concepts, efforts were made to ensure the concepts were sufficiently specific, distinct, and non-repetitive, leading to the extraction of 37 concepts from the interview texts, which were utilized in the Q option set.

3. Research Findings

The analysis of the results indicates that the stakeholders of Qarz-al-Hassaneh Mehr Iran had 7 different mental models, which are quality orientation, recommendation orientation, innovation, habit orientation, trust orientation, spiritual inclination, and perceived value. Only one of these mental models, namely spiritual inclination, aligned with the main goal of this bank, which is to expand Qarz-al-Hassaneh services. According to the results, only 10% of stakeholders

had a mental model of spiritual inclinations, which is a very low percentage and caused this model to rank last among the mental models. Based on the obtained results, perceived value was the most important factor driving stakeholders to open accounts at this bank. In fact, most depositors invest in order to earn points and receive Qarz-al-Hassaneh loans from this bank, which constitutes the mental model of 20% of stakeholders. Additionally, the second most common mental model was innovation. Innovation was one of the most important reasons for stakeholders' inclination towards Qarz-al-Hassaneh Mehr Bank. Innovation, along with quality orientation and trust orientation, formed the mental model of over 48% of the stakeholders of this bank.

4. Discussion and Conclusion

The analysis of the results indicates that the stakeholders of Qarz-al-Hassaneh Mehr Iran had 7 different mental models, which are quality orientation, recommendation orientation, innovation, habit orientation, trust orientation, spiritual inclination, and perceived value. Only one of these mental models, namely spiritual inclination, aligned with the main goal of this bank, which is to expand Qarz-al-Hassaneh services. According to the results, only 10% of stakeholders had a mental model of spiritual inclinations, which is a very low percentage and caused this model to rank last among the mental models. Based on the obtained results, perceived value was the most important factor driving stakeholders to open accounts at this bank. In fact, most depositors invest in order to earn points and receive Qarz-al-Hassaneh loans from this bank, which constitutes the mental model of 20% of stakeholders. Additionally, the second most common mental model was innovation. Innovation was one of the most important reasons for stakeholders' inclination towards Qarz-al-Hassaneh Mehr Bank. Innovation, along with quality orientation and trust orientation, formed the mental model of over 48% of the stakeholders of this bank.

5. Acknowledgments and Funding

The authors express their sincere gratitude to all participants for their contributions to this research. This research received no financial support.

6. Keywords

Mental Models; Bank Stakeholders; Qarz-ol-Hasanah; Qarz-ol-Hasanah Mehr Iran Bank; Q method.

7. JEL Classification: C15, D81, G21.

الگوی ذهنی ذینفعان قرض الحسنه در بانک قرض الحسنه مهر ایران

علی الیاسی: دانش‌آموخته کارشناس ارشد مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) alielyasi7576@gmail.com
غلامحسن تقی نتاج ملک‌شاه: عضو هیأت علمی، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، ایران. taghinataj@ut.ac.ir
محمد سلگی: عضو هیأت علمی، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران. kpmsolgi@ihu.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف: قرض همواره به‌عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی برای تأمین منابع موردنیاز قرض‌گیرنده مورد استفاده بوده و در عین حال، پرداخت قرض به‌صورت قرض‌الحسنه عمیقاً مورد تشویق قرار گرفته و ربا مذمت شده است. پژوهش حاضر باهدف شناسایی الگوهای ذهنی ذینفعان قرض‌الحسنه در بانک قرض‌الحسنه مهر ایران انجام شد.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر روش اجرا روش آمیخته از نوع اکتشافی بود. برای شناسایی عبارات فضای گفتمان از مصاحبه نیمه ساختاریافته (کیفی) و برای شناسایی الگوها از روش تحلیل عاملی و روش کیو (روش کمی) استفاده شد. همچنین پژوهش از نظر ماهیت و جمع‌آوری داده پژوهش به‌صورت پیمایشی و از طریق مصاحبه و پرسشنامه اقدام شد. با توجه به اینکه هدف از انجام این پژوهش شناخت الگوهای ذهنی ذینفعان نسبت به قرض‌الحسنه مهر ایران است، روش کیو به‌کار گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش را تمامی ذینفعان بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در شهر قم تشکیل دادند که تعداد ۵۰ نفر از آن‌ها برای مصاحبه و پاسخ به سؤال‌های ۱۲ گزینه‌ای نیمه ساختاریافته محقق به‌صورت در دسترس انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش: بررسی نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ذینفعان قرض‌الحسنه مهر ایران دارای ۷ الگوی ذهنی مختلف بودند که عبارتند از کیفیت‌گرایی، توصیه‌گرایی، نوگرایی، عادت‌گرایی، اعتماد‌گرایی، گرایش معنوی و ارزش ادراک‌شده که تنها یکی از این الگوهای ذهنی یعنی گرایش معنوی باهدف اصلی این بانک یعنی گسترش خدمات قرض‌الحسنه تطبیق داشت. براساس نتایج به‌دست‌آمده تنها ۱۰ درصد از ذینفعان دارای الگوی ذهنی گرایش‌های معنوی بودند که درصد بسیار پایینی بوده و باعث شد در رتبه‌بندی الگوهای ذهنی، این الگو در جایگاه آخر قرار گیرد. یافته‌ها همچنین نشان داد که ارزش درک شده ۲۰ درصد از الگوی ذهنی ذینفعان را تشکیل داده که بیشترین فراوانی در بین الگوهای ذهنی بوده است.

واژگان کلیدی: الگوهای ذهنی؛ ذینفعان بانک؛ قرض‌الحسنه؛ بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، روش کیو.

مقدمه

امروزه بانک‌ها در جهان با ساماندهی و تسهیل مبادلات تجاری و بازرگانی موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی شده‌اند و با تجهیز منابع و سوق دادن آن‌ها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، سرمایه‌های اقتصادی را به عوامل مولد تبدیل می‌کنند و از سوی دیگر با افزایش بهره‌وری و به‌کارگیری بخش‌های غیرفعال، اقتصاد را به سمت اشتغال کامل هدایت می‌کنند (موسویان، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۵).

بی‌تردید در جامعه برخی توانایی تأمین نیازهای مالی خود را ندارند و با کسری مالی مواجه‌اند. در برابر بعضی نیز با مازاد مالی مواجه‌اند. در نگاهی کلی، نیازمندان به وجوه مالی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ برخی از کسانی که در زمان حال با کسری مالی مواجه‌اند، این توانایی را ندارند که در آینده کسری گذشته را جبران کنند؛ گروهی نیز می‌توانند کسری به‌وجودآمده را در آینده جبران کنند. در حالت اول، در درجه اول دولت و در درجه دوم آحاد مردم باید با اعطای کمک‌های بلاعوض، نیازهای این گروه را پوشش دهند و کمترین سطح معیشت را برای آنان فراهم آورند؛ اما اگر گروه دوم وضعیت دیگری دارند، هنگامی که فردی بتواند در آینده با تلاش خود برای جبران کسری مالی گذشته خود اقدام کند، عقلانی‌ترین شیوه تأمین نیاز مالی این افراد و پاسخ‌گویی به تقاضای آنان، استفاده از وجوه کسانی است که با مازاد مالی مواجه‌اند و حاضر به عرضه وجوه مازاد خود هستند (محقق‌نیا، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

بانک‌های قرض‌الحسنه یکی از انواع بانک‌های موجود در نظام پولی کشور ایران هستند که همانند سایر بانک‌ها براساس قانون پولی و بانکی، قانون عملیات بانکی بدون ربا و بخشنامه‌های صادرشده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند. این بانک‌ها به‌موجب «دستورالعمل ناظر بر تأسیس و فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه و نظارت بر آن‌ها»، تأسیس شده‌اند و همانند سایر بانک‌ها مجاز به افتتاح حساب‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز هستند. لیکن بانک‌های قرض‌الحسنه انحصاراً در قالب عقد قرض‌الحسنه به‌صورت حساب پس‌انداز و حساب جاری فعالیت می‌کنند و برخلاف سایر بانک‌ها افتتاح حساب از نوع سپرده‌های سرمایه‌گذاری در

بانک‌های قرض الحسنه و اعطای سود به سپرده‌های مذکور ممنوع است (ماده ۲۵، ۲۶ و ۲۷ از دستورالعمل تأسیس و فعالیت بانک‌های قرض الحسنه و نظارت بر آن‌ها، ۱۳۸۶). با توجه به متون اسلامی، رکن اصلی عرضه قرض الحسنه اعطای آن به نیازمندان و رکن اصلی تقاضای قرض الحسنه نیاز است. همچنین فاکتورهایی نظیر: توزیع مناسب درآمدها، افزایش کارایی طبقات کم‌درآمد، ایجاد انگیزه کار و تلاش، تأمین نیازهای تولیدی و خدماتی محدود، مشارکت مردمی و عدم انتفاع را از فاکتورهای سازگاری نهاد قرض الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی است (حبیبیان نقیسی، ۱۳۹۰، ص. ۹). انگیزه‌های احتمالی قرض‌دهنده عبارتند از: پاداش اخروی، کسب اخلاق پسندیده، تعاون و همیاری، پس‌انداز، کسب جایزه. انگیزه اول صرفاً اخروی و انگیزه دوم و سوم معنوی و انگیزه چهارم و پنجم صرفاً مادی است، اما در مورد قرض‌گیرنده، قرض گرفتن یک امر ناپسندی است، مگر آنکه در جهت رفع یکی از نیازهای ضروری تکوینی همچون نیاز به مسکن یا ازدواج، تشریعی مانند حج یا اجتماعی مانند رعایت شأن فرد در جامعه از آن استفاده شود. با توجه به مطالب فوق دو مشخصه مهم قرض الحسنه یعنی «داشتن انگیزه معنوی یا اخروی برای قرض‌دهنده» و نیز «صرف آن در جهت رفع نیاز ضروری قرض‌گیرنده» نمایان می‌شود. علاوه‌براین، باید در نظر داشت که با توجه به مضامین روایات اخذ هرگونه مبلغی فراتر از اصل مال، اگرچه با عناوینی همچون خسارت تأخیر تأدیه، کارمزد و جبران کاهش ارزش پول باشد که از جهت حقوقی و فقهی نیز هیچ مشکلی ندارد، قرض را از قرض الحسنه دور می‌نماید.

تسهیلات قرض الحسنه برای تأمین نیازهای اساسی مانند ودیعه مسکن، ازدواج و فرزندآوری، کمک‌هزینه، مخارج ناشی از حوادث و فوت، هزینه‌ها و مخارج زندگی، کمک‌هزینه درمان، ادای دیون، سفرهای زیارتی، کمک‌هزینه تحصیلی، خرید کالاهای بادوام، که موردنیاز ضروری هستند - مانند یخچال و ماشین لباسشویی - مصرف می‌گردد. همچنین نیازهای مالی بنگاه‌های کوچک و خرد، اعم از بنگاه‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و تهیه مسکن، از طریق تسهیلات قرض الحسنه تأمین می‌گردد. بانک‌های قرض الحسنه می‌توانند علاوه‌بر تخصیص منابع، که صرفاً از طریق اعطای

قرض الحسنه صورت می‌گیرد، با ارائه دیگر خدمات بانکی به مشتریان، از آنان کارمزد دریافت نمایند (بیدار، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۱).

سپرده‌های قرض الحسنه به‌عنوان یکی از بازوهای مهم عملیاتی کردن نظام بانکداری بدون‌ربا، در سال‌های گذشته با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، کاهش تدریجی سهم این سپرده‌ها و به تبع آن کاهش تخصیص تسهیلات قرض الحسنه اعطایی بانک‌هاست. نسبت پایین سپرده‌های قرض الحسنه به کل سپرده‌ها، اهمیت شناخت الگوی ذهنی ذینفعان قرض الحسنه را برای رفع این مشکل نشان می‌دهد. باید اشاره نمود که در زمینه قرض الحسنه مطالعات بسیاری صورت گرفته است اما الگوی ذهنی ذینفعان قرض الحسنه موردتوجه قرار نگرفته است. در این مقاله قصد بر آن است تا نخست لایه‌های قرض الحسنه را موشکافی شود و به این سؤال‌ها پاسخ داده شود که ادراک و عقاید ذینفعان قرض الحسنه در بانک قرض الحسنه مهر ایران چه است؟ مهم‌ترین گزاره‌هایی که در خصوص قرض الحسنه وجود دارند کدام‌اند؟ آیا الگوهای خاصی برای این ذهنیت‌ها وجود دارد؟ با توجه به اینکه تاکنون در زمینه الگوی ذهنی ذینفعان قرض الحسنه تحقیقی توسط محقق یافت نشد، انجام این مقاله از اهمیت خاصی برخوردار است.

۱. ادبیات تحقیق

۱-۱. واژه قرض الحسنه

قرض از نظر لغوی به معنای قطع کردن یا بریدن معنی شده است. واژه «حسنه» از مشتقات «احسان» و در عربی به معنای «نیکی کردن» به دیگران است. قصد «حسن» ظاهراً مفید آن است که اتفاق از مال پاک و با نیت پاک و با قصد قربت باشد و بعداً پشیمان نگردد و با منت و اذیت بعدی توأم نباشد (قریشی، ۱۳۶۷، ص. ۳۰۷).

۱-۲. مفهوم اصطلاحی قرض الحسنه

آن مالی که آدمی به دیگری می‌دهد به شرط آنکه مثل آن را پس دهد، قرض می‌نامند و «هزینه‌ای که مؤمنین در راه خدا خرج می‌کنند مانند قرض گرفتن خودش می‌شمارد که همان قرض الحسنه است» (طباطبایی، ۱۳۶۷، ص. ۲۷). پس در تعریف قرض الحسنه

می‌توان گفت هر وامی که برای خشنودی خدا و بدون درخواست سود به مؤمنان برای نیازمندی آنان پرداخت گردد.

در ماده ۱۵ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، با افزودن کلمه «حسنة» به دنبال «قرض»، قرض الحسنه به شرح زیر تعریف شده است: «قرض الحسنه، عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین (قرض‌دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض‌گیرنده) تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده مثل یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض‌دهنده رد نماید» (خاوری، ۱۳۷۵). در این تعریف، «قرض الحسنه» صرفاً در معنای «وام بدون سود» به کار گرفته شده است.

۳-۱. جایگاه قرض الحسنه در قوانین پولی و بانکی

«قانون پولی و بانکی ایران» در سال ۱۳۳۹ به تصویب شورای ملی رسید که در حقیقت مبنای تأسیس بانک مرکزی ایران است. در این قانون از شورای پول و اعتبار به عنوان یکی از ارکان بانک مرکزی نام برده شده و وظیفه آن، سیاست‌گذاری و نظارت بر بانک‌ها تعیین گردیده است. این قانون از سال ۱۳۵۱ مورد بازبینی قرار گرفت و «قانون پولی و بانکی کشور» به تصویب رسید. طبق قانون مذکور، نظارت بانکی از شورای پول و اعتبار به بانک مرکزی محول شد، اما چارچوب نظارت بانکی همچنان برعهده شورای پول و اعتبار باقی ماند.

پس از انقلاب اسلامی، بازبینی قوانین و ساختار نظام بانکی کشور ضروری می‌نمود، لذا در شهریورماه ۱۳۶۲، قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) به تصویب رسید. در این قانون به ضرورت وجود معاملات واقعی به عنوان مبنای ارائه اعتبارات توجه شد و انواع عقود که بانک‌ها مجازند تا بر مبنای آن به عملیات بانکی بپردازند، تعیین و عملیات واسطه‌گری بانک‌ها در قالب سپرده‌گیری و وام‌دهی قرض الحسنه مجاز اعلام شد (علیزاده قره‌باغ و روحانی، ۱۳۹۳-الف، ص. ۴۷). نقطه عطف قرض الحسنه در ایران تصویب قانون عملیات بانکی بود که یکی از اهداف نظام بانکی «گسترش قرض الحسنه از طریق جذب وجوه آزا، اندوخته‌ها، پس‌اندازها، سپرده‌ها و تجهیز این منابع باهدف تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری به منظور اجرای بندهای (۲) و (۹) اصل چهل و سوم قانون اساسی» بود. پیرامون موضوع قرض الحسنه در نظام

بانکی، علاوه بر مواد مرتبط در قانون عملیات بانکی بدون ربا، در دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی بانکها، برای اعطای وام قرض الحسنه سقفی معادل ۱۰ درصد کل تسهیلات اهدایی در نظر گرفته شد. اعطای جوایز به صاحبان حسابهای سپرده قرض الحسنه نیز موضوعی است که در ماده (۶) قانون عملیات بانکی بدون ربا، به آن اشاره شده است. بر این اساس بانکها مجازند به منظور جذب و تجهیز سپردهها، جوایز غیر نقدی یا جنسی را برای سپردههای قرض الحسنه اختصاص دهند (روحانی و عزیزاده قره باغ، ۱۳۹۳-ب، ص. ۱۳).

۴-۱. جایگاه قرض در رفتار قرض دهنده و قرض گیرنده

یک فرد مسلمان پس از کسب درآمد، قسمتی از آن را جهت رفع نیازهای مصرفی خود، صرف می نماید، بنابراین تصمیم می گیرد که چه مقدار از درآمد خود را به زمان حال اختصاص دهد. درواقع در این مرحله سطح درآمد و نیز میل نهایی به مصرف مؤثر هستند. در مرحله بعد، برای تصمیم گیری در مورد باقیمانده درآمد دو راه پیش رو دارد:

الف) به خاطر کسب سود مشروع آن را از طریق مشارکت، سرمایه گذاری نماید.

ب) برای کسب بازدهی معنوی و اخروی آن را قرض دهد.

سهم قرض از درآمد به پیش بینی فرد از نرخ سود آینده و نیز سلیقه او که ناشی از کیفیت انگیزه های معنوی و اخروی وی است، بستگی دارد (هادوی نیا، ۱۳۹۶، ص. ۷۴). قرض گیرنده نیز اگر مبلغ وام را جهت تولید به کار گیرد، قرض را تبدیل پس انداز به سرمایه گذاری می داند و اگر قرض از نوع مصرفی باشد، در شرایط کنونی به طور معمول صرف خرید کالای مصرفی بادوام می شود و این به معنای افزایش مخارج مصرفی است.

۵-۱. سپرده ها در بانکداری بدون ربای ایران

در سیستم تعریف شده برای بانکداری بدون ربا، همانند سایر سیستم های بانکی انواع مختلفی از سپرده ها تعریف شده که مبنای تعریف آنها براساس قواعد اسلامی بوده است. در ادامه این سپرده ها معرفی شده است.

۱-۵-۱. سپرده جاری (قرض الحسنه)

حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربا ایران، ماهیت قرض دارد و مانند حساب جاری در بانکداری متعارف است و همانند آن‌ها خدمات حساب جاری را در اختیار صاحب حساب می‌گذارد و به موجودی این‌گونه حساب‌ها هیچ سودی تعلق نمی‌گیرد. استفاده از حساب جاری، افزون بر حفظ پول در بانک، موجب تسهیل پرداخت‌ها و بی‌نیازی صاحب حساب از حمل و نگهداری وجوه نقدی می‌شود (دستورالعمل تأسیس و فعالیت بانک‌های قرض الحسنه و نظارت بر آن‌ها، ۱۳۸۶).

۱-۵-۲. سپرده پس انداز (قرض الحسنه)

این نوع حساب نیز مانند سپرده جاری ماهیت قرض دارد، بانک اصل مال آن‌ها را ضامن است ولی هیچ‌گونه سودی به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد، زیرا در قرض رابطه حقوقی مالکیت بین سپرده‌گذار و سپرده قطع می‌شود؛ بنابراین، بانک مالک این‌گونه سپرده‌ها محسوب شده و می‌تواند در هر راهی که مصلحت بداند آن‌ها را به کار گیرد (رجایی، ۱۳۸۰).

۱-۵-۳. سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار

نوعی از سپرده بانکی با یک دوره زمانی مشخص است که بر پایه مدت سپرده، به آن پول بهره تعلق می‌گیرد. سپرده‌های مدت‌دار گونه‌ای سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌آیند که فرد با سپردن پول به یک مؤسسه بانکی، در طول مدتی مشخص، سود دریافت خواهد کرد که پس از پایان دوره، اصل پول نیز توسط بانک بازپرداخت می‌شود یا برای یک مدت مشخص دیگر، سپرده مدت‌دار تمدید خواهد شد (دستورالعمل نرخ سپرده‌های بانکی، ۱۳۹۴). بانک‌ها وجوه این حساب‌ها را به وکالت از صاحبان سپرده در امور مشارکت، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مضاربه، مزارعه، مساقات، معاملات سلف، سرمایه‌گذاری مستقیم و جعاله به کار می‌گیرند.

۱-۶. تسهیلات اعطایی بانک

در قانون عملیات بانکی بدون ربا، راه‌های تخصیص منابع براساس عقود اسلامی برنامه‌ریزی شده است. شیوه‌های تخصیص منابع بانکی موجود در این قانون را می‌توان

به چهار گروه کلی «قرض الحسنه»، «عقود مشارکتی»، «عقود مبادله‌ای» و «سرمایه‌گذاری مستقیم» تقسیم نمود.

۱-۶-۱. قرض الحسنه

قراردادهای قرضی بدون بهره یا قرض الحسنه اولین نوع قراردادهایی است که به موجب آن بانک‌ها می‌توانند به عنوان قرض به افراد و یا شرکت‌ها واگذار نمایند. گیرنده این وام نیز متعهد می‌شود که معادل مبلغی را که دریافت نموده را بازپرداخت نماید (موسویان، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۷). البته با توجه به اینکه دریافت و پرداخت وام‌های قرض الحسنه برای بانک هزینه‌هایی به همراه دارد براساس ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی، هزینه‌های صرف شده از قرض گیرنده اخذ خواهد شد (رجایی، ۱۳۸۰).

۱-۶-۲. عقود مشارکتی

در قراردادهای مشارکتی، تمام یا بخشی از سرمایه موردنیاز برای یک شرکت تولیدی، خدماتی یا اجرایی تأمین شده و درنهایت سود حاصل از این فعالیت براساس قرارداد فی‌مابین بین صاحبکار بنگاه اقتصادی و بانک در پایان فعالیت اقتصادی تعیین شده تقسیم خواهد شد. این نوع قراردادها به سه صورت مضاربه، مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی اعمال خواهد شد.

۱-۶-۳. عقود مبادله‌ای

به‌طورکلی عقود مبادله‌ای به دودسته «عقود با بازدهی ثابت» و «عقود با بازدهی متغیر» تقسیم می‌شوند. در عقود با بازدهی ثابت سرمایه موردنیاز برای یک فعالیت اقتصادی از طرف بانک تأمین می‌شود و بعد از انعقاد قرارداد و قبل از آغاز فعالیت سود دریافتی بانک تعیین خواهد شد و تحولات اقتصادی و تغییرات احتمالی فعالیت اقتصادی موردنظر ربطی به بانک نخواهد داشت این عقود عبارتند از: فروش اقساطی، اجاره به‌شرط تملیک، خرید دین (هروانی، ۱۳۸۹، ص. ۳۸)؛ اما در قراردادهای با بازدهی متغیر سود بانک نیز براساس تحولات اقتصادی و یا تغییرات فعالیت اقتصادی طرف قرارداد متغیر خواهد شد در این قراردادها حتی ممکن است بانک متضرر گردد (هروانی، ۱۳۸۹، ص. ۴۴). این عقود عبارتند از: معاملات سلف و جعاله.

۱-۶-۲. سرمایه‌گذاری مستقیم

سرمایه‌گذاری مستقیم عبارت است از تأمین تمام سرمایه لازم جهت اجرای طرح‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی که به‌صورت شرکت‌های سهامی تشکیل می‌شوند و توسط یک یا چند بانک (بدون مشارکت اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر) انجام می‌گیرد (هروانی، ۱۳۸۹، ص. ۵۶). در این روش منابع نقدی بانک تبدیل به سرمایه‌های فیزیکی چون زمین، ساختمان، ماشین‌آلات و ابزار تولید می‌شود؛ اما از جهت مالکیت هیچ تغییری رخ نمی‌دهد یعنی بعد از انجام سرمایه‌گذاری مستقیم، در طول اجرای طرح و در طول زمان بهره‌برداری از طرح، موضوع طرح در مالکیت مشاع بانک و سپرده‌گذاران مذکور خواهد ماند و سود حاصل از طرح نیز به آنان متعلق خواهد بود، بنابراین در این روش بانک‌ها مسئولیت مستقیم طرح‌های مذکور را به عهده خواهند داشت و سودوزیان آن‌ها مستقیماً روی سود و زیان بانک‌ها و به‌تبع آن روی سودوزیان سپرده‌گذاران اثر می‌گذارد (موسویان، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۱).

۱-۷. بانک قرض الحسنه

بانک‌های قرض الحسنه یکی از انواع بانک‌های موجود در نظام پولی کشور هستند که همانند سایر بانک‌ها براساس قانون پولی و بانکی کشور، قانون عملیات بانکی بدون ربا و بخش‌نامه‌های صادره از سوی بانک مرکزی فعالیت می‌کنند. بانک‌های قرض الحسنه منحصرأ در قالب عقد قرض الحسنه به‌صورت حساب پس‌انداز و جاری فعالیت می‌کنند و برخلاف سایر بانک‌ها افتتاح حساب از نوع سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌های قرض الحسنه و اعطای سود به سپرده‌ای مذکور ممنوع است (معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۳).

بانک‌های قرض الحسنه با توجه به نقش فعالی که در بازار پولی کشور دارند، بر فرایند خلق پول تأثیر می‌گذارند. از آنجاکه بانک‌های قرض الحسنه به جذب سپرده‌های قرض الحسنه اقدام می‌کنند و از سوی دیگر آن‌ها را در قالب وام قرض الحسنه در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند، منشأ اثر روی نقدینگی و ضریب تکاثری نقدینگی خواهد بود (علیزاده قره‌باغ و روحانی، ۱۳۹۳-الف، ص. ۴۹).

۸-۱. حساب قرض الحسنه در بانک‌های ایران

تقریباً تمامی بانک‌های داخل کشور ایران دارای امکان افتتاح حساب قرض‌الحسنه هستند که براساس اعلام بانک مرکزی درصد حساب‌های قرض‌الحسنه از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ روند کاهشی و از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ روندی افزایشی داشته است؛ جدول (۱) درصد و میزان حساب‌های قرض‌الحسنه را در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ نشان داده است.

جدول (۱). سهم سپرده‌ها و اعتبارات قرض‌الحسنه بانک‌ها (میلیارد ریال - درصد)

سال	سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه	کل سپرده‌های غیردیداری	سهم سپرده قرض‌الحسنه از کل
۱۳۹۰	۱۷۸۴۸۳.۵	۳۶۵۶۳۳	۵/۱۶
۱۳۹۱	۲۱۶۲۲۹.۷	۴۵۶۷۵۹۶	۵/۳۱
۱۳۹۲	۲۸۱۳۹۴	۵۳۴۷۹۱۸	۵/۲۶
۱۳۹۳	۳۱۶۸۶	۶۲۴۰۹۴۴	۵/۰۷
۱۳۹۴	۳۶۵.۹	۷۲۹۸	۵/۰۱
۱۳۹۵	۴۶۲.۷	۹۱۰۱	۵/۰۸
۱۳۹۶	۵۹۲.۲	۱۰۸۲۳.۲	۵/۴۹
۱۳۹۷	۶۰۳.۴	۳۴۵۵۶۳	۶/۴۳
۱۳۹۸	۱۴۰.۲۲	۵۶۷۸۹۲	۸/۹۱
۱۳۹۹	۱۷۰.۵۳	۵۸۰۳۴۴	۹/۳۳
۱۴۰۰	۱۷۷۲۵	۵۹۸۲۲۱	۹/۴۱
۱۴۰۱	۱۷۴۵۳	۵۹۹۳۶۲	۸/۷
۱۴۰۲	۱۷۹۳۰	۶۰۳۲۶۵	۹/۶

منبع: (فرهنگ و دیگران، ۱۴۰۲).

۹-۱. الگوی ذهنی

الگوها و باورهای ذهنی ما با افکاری که در مغز رشد می‌کنند رابطه مستقیمی دارند و همچنین این افکار رابطه مستقیمی با تصمیمات و تصمیمات ما رابطه مستقیمی با رفتار

و اعمالمان دارند. ذهنیت ذینفعان نسبت به قرض الحسنه براساس الگوهای شکل می گیرد که این الگو در قالب رفتار ذینفعان خود را نمایان می کند و سبب ایجاد ذهنیت نسبت به قرض الحسنه می شود. در این پژوهش منظور از الگوهای ذهنی، مجموعه ای از ذهنیت ها و دیدگاه هایی است که ذینفعان بانک قرض الحسنه مهر ایران نسبت به قرض الحسنه داشته و این دیدگاه ها است که سبب ایجاد و تداوم یا سایر رخدادهای قرض الحسنه شده اند. درواقع الگوهای ذهنی دسته بندی از ذهنیت ذینفعان قرض الحسنه را ارائه می دهد که دارای عقاید مشابه هستند و براساس این تشابهات ذهنی، ذینفعان در دسته بندی های مختلف قرار می گیرند.

۲. پیشینه تحقیق

در سال های اخیر و به ویژه پس از تأسیس بانک های قرض الحسنه، پژوهش های متعددی در زمینه قرض الحسنه صورت گرفته است. به نظر می رسد به منظور یافتن خلأهای موجود در این زمینه پژوهشی و جمعیت نظرات در این باب، بررسی جامع تری بر مطالعات سال های اخیر در باب قرض الحسنه مفید باشد. محمد و سعد^۱ در سال ۲۰۱۶ میلادی یک چارچوب کلی جهت پذیرش تأمین مالی قرض الحسنه را پیشنهاد می کنند که شامل پیشنهادهایی از جمله: تأثیرگذاری نگرش نسبت به قرض الحسنه بر پذیرش آن، تأثیرگذاری دانش قرض الحسنه بر پذیرش آن، مزایای درک شده قرض الحسنه بر پذیرش آن، تأثیرگذاری حمایت دولت بر نیت مشتریان، تعهدات مذهبی بر پذیرش قرض الحسنه، اثرات تعدیل شمول مالی بر رابطه موارد بالا است.

روزیک و دیگران^۲ (۲۰۲۴م) در مقاله ای با عنوان «عوامل مؤثر بر عملکرد مالی بانکداری اسلامی در اندونزی»، نشان دادند که شایستگی کارکنان، اخلاق تجاری اسلامی و نظارت به طور قابل توجهی بر ریسک تأمین مالی بانکداری اسلامی تأثیر می گذارد.

هاریانتو و دیگران^۳ (۲۰۲۴م) در مقاله ای با عنوان «عوامل تعیین کننده ریسک در بانکداری اسلامی اندونزی: یک بررسی تجربی»، به بررسی عوامل تعیین کننده ریسک

1. Muhammad & Saad
2. Roziq et al
3. Haryanto et al

در بانکداری اسلامی اندونزی پرداختند. این پژوهش، نشان می‌دهد که رشد و کارایی تأمین مالی اثرات ناچیزی بر ریسک دارد. نتایج حاکی از آن است که بانک‌های اسلامی برای مدیریت مؤثر ریسک باید بین تأمین مالی و سپرده‌ها تعادل برقرار کنند و بر اهمیت عملیات کارآمد و رشد پایدار تأکید کنند.

مصطفی و دیگران^۴ (۲۰۲۳م) در مقاله‌ای با عنوان «آیا باید از خدمات بانکداری اسلامی استفاده کنم؟ عوامل مؤثر بر قصد رفتاری مشتریان غیر مسلمان در زمینه مالزی»، به مطالعه رفتار و واکنش مشتریان در استفاده از خدمات بانکدار اسلامی پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که دانش بانکداری اسلامی بر باورهای غیراسلامی (نگرش، کنترل و هنجار) تأثیر مثبت دارد. همچنین، این مطالعه رابطه معناداری بین نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری ادراک‌شده با نیت غیرمسلمان نسبت به خدمات بانکداری اسلامی نشان داد. علاوه‌براین، اثر میانجی نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری درک شده مورد حمایت قرار گرفت.

سقیب و دیگران^۵ (۲۰۱۵م) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین مالی کشاورزی محلی و بانک‌های اسلامی: آیا راه‌حل قرض‌الحسنه امکان‌پذیر است؟»، بیان داشتند که قرض‌الحسنه گزینه مناسبی برای تأمین مالی کشاورزی محلی است اما نهاد بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی معمولاً به مشارک (شرکت)، مباحه (فروش با سود)، ایجاره (اجاره)، سلام (پیش‌پرداخت)، بیع (اجرت‌المثل)، استصناع (عقد ساخت) و غیره تکیه می‌کنند و به‌ندرت از قرض‌الحسنه استفاده می‌کنند. این ابزار تأمین مالی کشاورزی می‌تواند توسط بانک‌ها یا مؤسسات مالی اسلامی برای تأمین منابع مالی ضروری کشاورزان خرد کشورهای اسلامی و همچنین کسانی که در کشورهای غیراسلامی زندگی می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد.

خان و همکاران^۶ (۲۰۲۱م) در مقاله‌ای با عنوان «یک مدل فین‌تک اسلامی مبتنی بر هوش مصنوعی و NLP با ترکیب زکات و قرض‌الحسنه برای مقابله با اثرات نامطلوب کووید ۱۹ بر شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) و افراد»، بیان داشتند تمرکز از

4. Mustapha et al

5. Saqib et al

6. Khan et al

گسترش این بیماری کووید ۱۹ به پیامدهای اقتصادی آن برای جامعه تغییر کرده است. کمبود تولید منجر به کمبود عرضه و در نتیجه از دست دادن شغل و اشتغال میلیون‌ها نفر در سراسر جهان شده است. دو بخش از مهم‌ترین بخش جامعه یعنی کارگران روزمزد و شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) باید آسیب‌های عمده این بحران را تحمل کنند. امور مالی اسلامی ظرفیت بسیار زیادی برای مبارزه با هر نوع وضعیت (همه‌گیری) دارد. زکات و قرض‌الحسنه اگر باهم ترکیب شوند می‌توانند ترکیبی مرگبار برای مبارزه با اثرات نامطلوب کووید ۱۹ باشند.

گودرزی فراهانی و کارخانه (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عملکرد مؤسسات قرض‌الحسنه در رشد تولید به عنوان مؤسسات تأمین مالی خرد در ایران»، نشان دادند که تسهیلات قرض‌الحسنه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر تولید بخش‌های مختلف اقتصادی داشته است.

اثنی‌عشری (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران با استفاده از یک تابع تقاضای پول»، میزان وابستگی سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها به انتظارات تورمی را طی دوره فروردین ماه ۱۳۴۰ تا اسفندماه ۱۳۸۶ موردبررسی قرار دادند و نشان دادند تغییر حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۶ نسبت به انتظارات تورمی برون‌زا است و با افزایش یک‌درصدی انتظارات تورمی در اقتصاد ایران، حجم سپرده قرض‌الحسنه بانک‌ها تقریباً ۰/۰۱۴ درصد کاهش می‌یابد.

توحیدی‌نیا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «جذب سپرده قرض‌الحسنه به کمک ابزار مالی-اسلامی (صکوک)» به بررسی راه‌های افزایش تأمین نقدینگی بانک‌های قرض‌الحسنه پرداخته است.

بیدار (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی»، به بررسی مشروعیت کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن می‌پردازد و سه راهکار (تأمین هزینه‌های قرض‌الحسنه از بیت‌المال، اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری و محاسبه کارمزد واقعی) به‌منظور تأمین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه بیان گردیده است.

موسویان و میثمی (۱۳۹۳) در کتابی با عنوان «بانکداری اسلامی»، پیشنهاد کرده‌اند که برای صندوق‌های قرض‌الحسنه مؤسسه مادری زیر نظر بانک مرکزی یا هر ارگان دیگری تعریف و تأسیس شود تا ضمن محافظت از صندوق‌ها در برابر بحران‌ها و خطرات، زمینه رشد و توسعه آن‌ها فراهم گردد.

عزتی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی اثر بازارهای مالی بر بازار قرض‌الحسنه در ایران»، ضمن ارزیابی بازارهای مالی به تأثیر این بازارها بر بازار قرض‌الحسنه پرداخته و بیان نموده که درآمد، سن و نهادها و سرمایه‌های دینی اثر مثبت بر گسترش قرض‌الحسنه دارند و افزایش قیمت مسکن، فعالیت‌های قرض‌الحسنه را کاهش می‌دهند.

۳-۱. نوع و روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا روش آمیخته است زیرا داده‌ها در دو بخش کیفی و کمی جمع‌آوری گردید. برای شناسایی عبارات فضای گفتمان از مصاحبه نیمه ساختاریافته (کیفی) و برای شناسایی الگوها از روش تحلیل عاملی و روش کیو (روش کمی) استفاده گردیده است.

روش‌شناسی کیو، فنی است که پژوهشگر را قادر می‌سازد تا نخست ادراک و عقاید فردی را شناسایی کند و سپس بعد از طبقه‌بندی این عقاید، گروه‌های مختلف افراد را براساس این ادراک طبقه‌بندی نماید. در روش کیو پژوهشگر به دنبال اندازه‌گیری خصوصیات افراد نیست بلکه از افراد می‌خواهد ذهنیت خود را درباره یک موضوع خاص بیان کند (خوش‌گویان‌فرد، ۱۳۸۶).

روش کیو در مقاله حاضر در پنج مرحله انجام شده که عبارتند از:

- ۱- ایجاد فضای گفتمان و مجموعه کیو؛
- ۲- انتخاب مشارکت‌کنندگان ارزش‌گذاری کیو؛
- ۳- تکمیل ارزش‌گذاری نمودارهای کیو و استخراج مصاحبه‌ها؛
- ۴- تحلیل داده‌های اطلاعاتی؛
- ۵- تفسیر عامل‌ها یا الگوهای ذهنی.

در گام اول فضای گفتمان و مجموعه کیو تهیه شده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز برای تشکیل فضای گفتمان مطالعه کیو می‌توان از منابع بسیار متعدد و مختلفی استفاده نمود. شایان ذکر است فضای گفتمان مطالعه کیو لزوماً شامل حقایق نیست، بلکه عقاید شخصی، برداشت‌های مردم از رفتارها، گفتگوها و هر آنچه به‌گونه‌ای با موضوع موردنظر پژوهش کیو ارتباط داشته باشد، می‌تواند در شکل‌دهی به فضای گفتمان پژوهش مؤثر باشد (خوش‌گویان‌فرد، ۱۳۸۶).

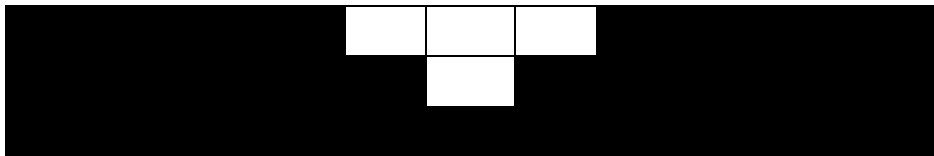
در این مطالعه برای شناسایی فضای گفتمان هم از روش کتابخانه‌ای و هم از روش میدانی استفاده شد؛ بنابراین در گردآوری عبارات فضای گفتمان از رویکرد ترکیبی استفاده گردید. در بخش کتابخانه‌ای از منابع متعدد مانند مقاله‌ها و کتاب‌ها و وبگاه‌های اینترنتی استفاده و در بخش میدانی از مصاحبه استفاده گردید. پرسشنامه مورد استفاده شامل ۴ سؤال عمومی و ۱۲ سؤال جهت شناسایی مؤلفه‌های الگوی ذهنی بود که سؤالات به‌صورت تشریحی سعی در جمع‌آوری نظرات دینفعان و الگوی ذهنی آن‌ها داشت. پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها، داده‌ها چند بار توسط محقق بازخوانی شدند، سپس هر جمله که در مصاحبه به نظر مفید می‌آمد و با موضوع پژوهش ارتباط داشت جداگانه یادداشت شد. در مرحله بعد، مفهوم هر جمله توسط محقق استخراج شد که در این مرحله تعداد ۴۵ گزاره از متن مصاحبه‌ها به دست آمد. سپس با بررسی مجدد و پالایش بیشتر مفاهیم، سعی شد تا مفاهیم به‌اندازه‌ی کافی خاص و مجزا و غیرتکراری باشند که در نهایت تعداد ۳۷ مفهوم از متن مصاحبه‌ها استخراج شد که این مفاهیم در مجموعه گزینه‌های کیو به‌کار گرفته شد.

بنابراین جمع‌آوری فضای گفتمان از طریق پرسشنامه نیمه ساختاریافته (مصاحبه) تهیه و براساس نظرات دینفعان، این فضای گفتمان شناسایی شده شامل ۳۷ عبارت کیو بود؛ بنابراین روش جمع‌آوری اطلاعات، روش میدانی و پیمایشی بوده و در آن برای تهیه فضای گفتمان، پرسشنامه نیمه ساختاریافته و برای بررسی ذهنیت دینفعان جداول کیو بوده است.

پس‌ازاین مرحله نوبت به طراحی دسته کیو رسید. منظور از دسته کیو جملات یا اظهاراتی هستند که از فضای گفتمان انتخاب شده‌اند و هریک از آن‌ها روی یک کارت

قرار می‌گیرند و مجموع این کارت‌ها همان دسته کیو هستند. نمونه کیو باید طوری انتخاب شود که نمایاننده نظرات و نگرش‌های مختلف در خصوص موضوع باشد. سپس این دسته در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار می‌گیرد تا مرتب‌سازی آن را انجام دهند. این اشخاص به منزله متغیرهای پژوهش خواهند بود (امینی، ۱۳۹۲، ص. ۹۵). در روش‌شناسی کیو، نمونه افراد (همچون روش‌های کیفی) به‌طور هدفمند و غیراحتمالی با اندازه کوچک انتخاب می‌شود. پاسخ‌گویان از میان افرادی انتخاب می‌شوند که ارتباط و تعلق ویژه‌ای به موضوع مطالعه دارند (Excel, 2005, p.70). تعداد افرادی که در این روش انتخاب می‌شوند، بهتر است بین ۱۰ تا ۵۰ نفر باشند، در غیراین صورت، احتمال می‌رود که پاسخ‌ها به سمت نرمال میل کند (کالتون^۷، ۱۳۷۱، ص. ۳۴۱). بر همین اساس با توجه به اینکه تعداد عبارات کیو ۳۷ عبارت در نظر گرفته شد تعداد مشارکت‌کنندگان ۵۰ نفر انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس بوده است. در مرحله مرتب‌سازی از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود که گویه‌ها را از نظر شخصی خود، با توجه به اولویت‌ها و قضاوت‌ها یا احساساتشان درباره موضوع تحت بررسی، عمدتاً در توزیعی نرمال رتبه‌بندی و جای‌گذاری کنند. اینکار به کمک جدول مرتب‌سازی مشابه نمودار (۱) صورت می‌گیرد. جدول شبیه توزیع نرمال است طوری تنظیم شده است که تعداد خانه‌های آن برابر تعداد گویه‌های پژوهش باشد. با این فرآیند رتبه‌دهی، افراد مفاهیم ذهنی خود را درباره گویه‌ها بیان می‌کنند و با انجام دادن اینکار دیدگاه‌های ذهنی خود را بروز می‌دهند (پویا و لقمانی، ۱۳۹۲، ص. ۹۲).

بیشترین تأثیر	پیوستار نزدیک به بیشترین تأثیر				بی‌تأثیر	پیوستار نزدیک به کمترین تأثیر				کمترین تأثیر
+۵	+۴	+۳	+۲	+۱	۰	-۱	-۲	-۳	-۴	-۵



نمودار (۱): کیو با توزیع شبه نرمال

منبع: (خنیفیر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۴۷۶)

همان‌طور که در نمودار (۱) دیده می‌شود برای انجام این پژوهش از نمودار کیو با توزیع شبه نرمال استفاده شد. این نمودار شامل ۳۷ خانه به تعداد ۳۷ عبارات کیو است. افراد مشارکت‌کننده ۳۷ کارت کیو تهیه‌شده را باید در این ۳۷ خانه جای‌دهی نمایند.

مرحله پایانی به تحلیل داده‌های گردآوری‌شده با روش تحلیل عاملی و تفسیر عامل‌های استخراج‌شده اختصاص دارد (خوش‌گویان‌فرد، ۱۳۸۶، ص. ۲۱). از ویژگی‌های مهم روش کیو، اکتشافی بودن آن است که به پژوهشگر کمک می‌کند ذهنیت‌ها، ادراک‌ها و عقیده‌های اشخاص را شناسایی و اشخاص را براساس آن‌ها گروه‌بندی نماید. حال اینکه بسیاری از روش‌های پژوهش کیفی و حتی کمی، فارغ از اشخاص و فقط با ادراکات، نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد سروکار دارند. در روش کیو، به‌جای متغیرها، افراد تحلیل می‌شوند. برخلاف روش‌های پژوهش متداول که n نفر را انتخاب و m ویژگی را از آن‌ها اندازه‌گیری می‌کنند، در مطالعه کیو m نفر انتخاب می‌شوند تا خود آن‌ها n ویژگی را اندازه‌گیری کنند؛ بنابراین در حالت نخست، افراد انتخابی رفتاری انفعالی دارند و این اندازه‌ها هستند که اهمیت دارند، درحالی‌که در مطالعه کیو، افراد انتخابی رفتاری فعال در اندازه‌گیری دارند و درواقع اندازه‌گیری آن‌ها موردتوجه پژوهشگر است (خنیفیر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص. ۴۷۲).

در پژوهش‌های کیفی و برای تعیین روایی محتوایی از نظر خبرگان و صاحب‌نظران استفاده می‌شود. به‌این‌ترتیب که پرسشنامه باز و پاسخ‌ها به رؤیت و تأیید اساتید و صاحب‌نظران رسیده و در حین فرآیند پژوهش نیز، متن برخی از پاسخ‌ها موردبازنگری ناظرین قرار می‌گیرد، یعنی کدها و طبقات استخراج‌شده علاوه‌بر محقق، توسط چند نفر از اعضای هیأت‌علمی بررسی گردید.

برای سنجش پایایی در پژوهش‌های کیفی از روش بازآزمون هولستی استفاده می‌شود. شاخص ثبات یا پایایی باز آزمون PAO به میزان سازگاری طبقه‌بندی داده‌ها در طول زمان اشاره دارد. برای محاسبه پایایی بازآزمون براساس نظر کید و وازوئ که بین ۵ تا ۷ درصد کل محتوا را، حجم نمونه مناسب برای محاسبه ضریب پایایی می‌دانند، به فاصله بیست روز تعداد موردنیاز از پرسش‌نامه‌ها به روش تصادفی ساده انتخاب و مورد کدگذاری مجدد قرار می‌گیرد و از طریق میزان توافقات موجود در دو مرحله کدگذاری (کدهای مشابه در دو فاصله زمانی)، شاخص ثبات برای آن محاسبه می‌گردد. با توجه به اینکه براساس نظر رایف^۸، پژوهش‌های اساسی و مهم تحلیل محتوا که ضریب پایایی آن‌ها از ۷۰ درصد کمتر باشد، برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار پژوهش با مشکل روبرو خواهند بود. حصول ارقام بالاتر از ۷۰ درصد پایایی ابزار گردآوری اطلاعات را تأیید می‌نماید.

جدول (۲): پایایی عبارات فضای گفتمان

نتیجه	PAO	عبارات مشترک m	تعداد عبارات نفر دوم n2	تعداد عبارات نفر اول n1
تأیید پایایی	۰/۷۲	۳۶	۴۵	۵۵

منبع: (یافته‌های تحقیق)

براساس جدول (۲) با توجه به اینکه مقدار ضریب پایایی هولستی بیشتر از ۰/۷ بود. پایایی عبارات فضای گفتمان تأیید گردید. روایی روش کیو به دو گونه قابل‌بررسی است که عبارتند از: روایی محتوا و روایی صوری. در روایی محتوا انتظار می‌رود بین محتوای عباراتی که بر روی درجه یکسانی از طیف یا بر روی درجه‌های مجاور قرار دارند، تناسبی وجود داشته باشد و در روایی صوری با این سؤال مواجه هستیم که آیا عبارات موجود، به ابعاد مختلف موضوع تحت بررسی پرداخته‌اند تا آن‌ها بتوانند از طریق مرتب‌سازی ذهنیت خود را بیان کنند یا خیر؟ با توجه به اینکه عبارات انتخاب‌شده در اختیار متخصصان قرار می‌گرفت تعدادی از آن‌ها بیان می‌کردند که بر مبنای دسته‌بندی خاصی گزاره‌ها را در یک ردیف قرار می‌دهند؛ به‌طور مثال برخی از

مشارکت‌کنندگان گزاره‌های مربوط به اعتمادگرائی و توصیه‌پذیری در یک ردیف قرار می‌دادند که این موضوع روایی محتوایی کارت‌ها را نشان می‌دهد. در رابطه با روایی صوری نیز از متخصصان خواسته می‌شد که طبق دستورالعمل، ابتدا تمامی گزاره‌ها را مطالعه کنند و با آن‌ها آشنا شوند که بعد از مطالعه برخی از آنان رضایت خود از عبارات را اعلام می‌کردند؛ بنابراین روایی صوری ابزار پژوهش نیز تأیید گردید.

برای مرتب‌سازی کیو، پایایی نیز قابل‌طرح است یعنی می‌توان پرسید که آیا مشارکت‌کننده یک دسته کیو را با دستورالعمل یکسان در تکرارهای مختلف به یک‌شکل مرتب می‌کند؟ باید توجه داشت که برحسب موضوع مطالعه کیو، درجات طیف و تعداد کارت‌ها می‌توان انتظار داشت که تکرار مرتب‌سازی، منجر به نتایج کاملاً یکسان نشود. باوجوداین، دنیس^۹ (۱۹۸۸م) بر پایایی بالای داده‌های کیو تأکید دارد و براون^{۱۰} (۱۹۸۰م) معتقد است تکرار مرتب‌سازی کیو تا ۸۵ درصد با مرتب‌سازی قبلی سازگار خواهد بود. روش‌های رایج برای بررسی پایایی، مانند آزمون مجدد برای محاسبه ضریب پایایی مرتب‌سازی کیو قابل‌اجراست. همچنین اگر بتوان عبارات را به دودسته به نسبت مشابه تقسیم کرد، روش دونیمه کردن نیز برای بررسی پایایی امکان‌پذیر است. شیوه دیگر، به‌کارگیری یک دسته کارت برای دو نمونه افراد مشابه یا به‌کارگیری دودسته کارت مشابه برای یک نمونه افراد است. در پژوهش حاضر از روش یک دسته کارت برای دو نمونه افراد استفاده‌شده است.

۳. یافته‌ها

۳-۱. یافته‌های توصیفی

فراوانی نمونه آماری براساس سن، تحصیلات، شغل و جنسیت به‌صورت زیر است.

جدول (۳): فراوانی نمونه آماری براساس سن

بازه سنی	تعداد	درصد
زیر ۳۰ سال	۹	۱۸
۳۰ تا ۴۰ سال	۱۶	۳۲

بازه سنی	تعداد	درصد
۴۰ تا ۵۰ سال	۱۰	۲۰
بالای ۵۰ سال	۱۵	۳۰
جمع بندی	۵۰	۱۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۴): فراوانی نمونه آماری براساس تحصیلات

تحصیلات	تعداد	درصد
دیپلم و زیر دیپلم	۱۷	۳۴
فوق دیپلم	۴	۸
کارشناسی	۱۵	۳۰
کارشناسی ارشد	۱۰	۲۰
دکتری	۴	۸
جمع بندی	۵۰	۱۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۵): فراوانی نمونه آماری براساس جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد
مرد	۴۲	۸۴
زن	۸	۱۶
جمع بندی	۵۰	۱۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۶): فراوانی نمونه آماری براساس شغل

شغل	تعداد	درصد
کارمند	۲۰	۴۰
آزاد	۲۵	۵۰
بیکار	۵	۱۰
جمع بندی	۵۰	۱۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در مرحله پایانی با استفاده از نرم افزار spss۲۳ و بر مبنای تحلیل عاملی کیو تعدادی از عوامل چرخش نیافته به دست آمد که جهت انجام تحلیل عاملی از ماتریس همبستگی استفاده شد. عامل ها به روش واریماکس که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافتند. بعد از انجام تحلیل عاملی اکتشافی برای شناسایی عوامل، جدول کل واریانس به دست آمده که براساس عواملی که مقدار واریانس تبیین شده آن بیشتر از ۱ است عوامل اصلی شناسایی شد.

جدول (۷): جدول کل واریانس تبیین شده

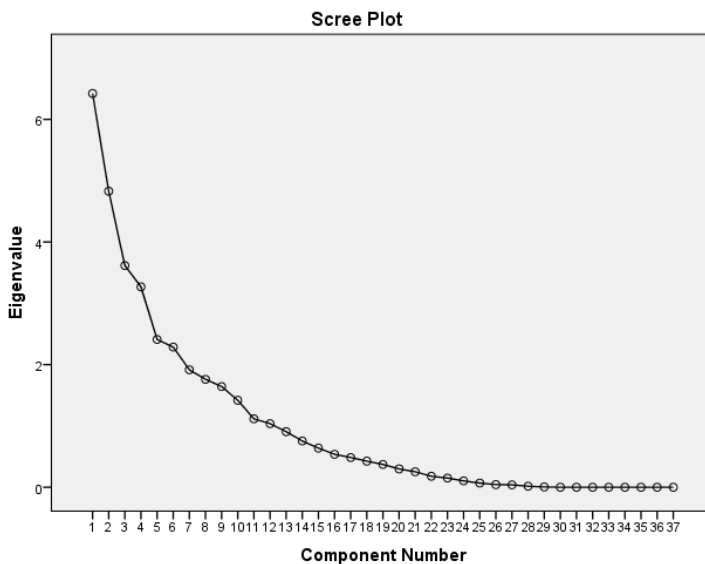
مقادیر ویژه اولیه			چرخش مجموع مربعات بارها			عامل
مجموع	درصد واریانس	درصد تجمعی	مجموع	درصد واریانس	درصد تجمعی	
۶.۴۲۲	۱۷.۳۵۷	۱۷.۳۵۷	۶.۴۲۲	۱۷.۳۵۸	۱۷.۳۵۸	۱
۴.۸۲۸	۱۳.۰۵۰	۳۰.۴۰۷	۴.۸۲۸	۱۳.۰۵۰	۳۰.۴۰۷	۲
۳.۶۱۶	۹.۷۷۴	۴۰.۱۸۱	۳.۶۱۶	۹.۷۷۴	۴۰.۱۸۱	۳
۳.۲۶۸	۸.۸۳۳	۴۹.۰۱۴	۳.۲۶۸	۸.۸۳۳	۴۹.۰۱۴	۴
۲.۴۱۱	۶.۵۱۵	۵۵.۵۳۰	۲.۴۱۱	۶.۵۱۵	۵۵.۵۳۰	۵
۲.۲۸۶	۶.۱۷۸	۶۱.۷۰۷	۲.۲۸۶	۶.۱۷۸	۶۵.۷۰۷	۶
۱.۹۱۶	۵.۱۷۸	۶۶.۸۸۵	۱.۹۱۶	۵.۱۷۸	۶۷.۷۳	۷
۱.۷۶۱	۴.۷۵۸	۷۱.۶۴۴	-	-	-	۸
۱.۶۴۳	۴.۴۳۹	۷۶.۰۸۳	-	-	-	۹
۱.۴۱۹	۳.۸۳۵	۷۹.۹۱۸	-	-	-	۱۰
۱.۱۱۶	۳.۰۱۶	۸۲.۹۳۴	-	-	-	۱۱
۱.۰۳۸	۲.۸۰۵	۸۵.۷۳۸	-	-	-	۱۲
۰.۹۰۷	۲.۴۵۲	۸۸.۱۹۰	-	-	-	۱۳
۰.۷۵۵	۲.۰۳۹	۹۰.۲۲۹	-	-	-	۱۴
۰.۶۳۹	۱.۷۲۶	۹۱.۹۵۵	-	-	-	۱۵
۰.۵۳۷	۱.۴۵۲	۹۳.۴۰۷	-	-	-	۱۶
۰.۴۸۵	۱.۳۱۱	۹۴.۷۱۸	-	-	-	۱۷

مقادیر ویژه اولیه			چرخش مجموع مربعات بارها		
عامل	مجموع	درصد واریانس	درصد تجمعی	مجموع	درصد واریانس
۱۸	۰.۴۲۶	۱.۱۵۱	۹۵.۸۶۹	-	-
۱۹	۰.۳۷۲	۱.۰۰۶	۹۶.۸۷۵	-	-
۲۰	۰.۲۹۹	۰.۸۰۷	۹۷.۶۸۲	-	-

منبع: (یافته‌های تحقیق)

براساس جدول (۷) درمجموع ۷ عامل دارای بیشترین واریانس را دارا بودند که عامل اول دارای واریانس ۱۷/۳۵۸، بیشترین واریانس را دارا بوده و پس از آن واریانس عامل دوم ۱۳/۰۵۰، عامل سوم ۹/۷۷۴، عامل چهارم ۸/۸۳۳، عامل پنجم ۶/۵۱۵، عامل ششم ۶/۱۷۸ و عامل هفتم ۵/۱۷۸ بوده است.

درمجموع، تمامی ۷ عامل توانستند ۶۷/۷۳ از واریانس ۳۷ عبارت کیو را تبیین کنند. نمودار (۲) که مربوط به نمودار سنگریزه است، ۷ عامل شناسایی شده به وسیله افراد نمونه را نمایش داده شده است. نمودار سنگریزه تصویر مقدار ویژه را در هریک از مؤلفه‌های استخراج شده نشان می‌دهد که چون از بزرگ‌ترین مقدار ویژه شروع می‌شود همواره یک نمودار نزولی است. مقدار ویژه با استخراج عامل‌های بعدی به سرعت افت می‌کند. همان‌طور که در این نمودار نشان داده شده، درصد بالایی (۶۷/۷۳) از واریانس مربوط به ۳۷ عبارت کیو توسط ۷ عامل تبیین شده است. در این نمودار عامل‌های با مقدار بالای ۱ به عنوان عوامل یا الگوهای ذهنی اصلی به روشنی شناسایی شده‌اند.



نمودار (۲): سنگریزه ۷ عامل شناسایی شده

منبع: یافته‌های تحقیق

برخلاف تحلیل عاملی اکتشافی که عوامل دسته‌بندی می‌شوند، مشارکت‌کنندگان براساس ذهنیت‌ها استخراجی دسته‌بندی می‌شوند. در این جدول مشارکت‌کنندگانی که دارای ذهنیت مشابه بودند در کنار هم قرار گرفتند.

جدول (۸): مشارکت‌کنندگان با الگوی ذهنی مشابه

مشارکت‌کنندگان	الگوی ذهنی
۱-۲-۷-۳۰-۳۴-۳۵-۴۳-۴۶	۱
۳-۹-۱۰-۱۴-۱۵-۴۲	۲
۴-۵-۱۲-۱۳-۱۶-۱۷-۴۱-۴۷-۵۰	۳
۶-۸-۲۲-۳۹-۴۸	۴
۱۹-۲۰-۲۹-۲۳-۲۷-۴۰-۴۹	۵
۲۴-۲۶-۲۸-۳۸-۴۵	۶
۱۱-۱۸-۲۱-۲۵-۳۱-۳۲-۳۳-۳۶-۳۷-۴۴	۷

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۳. استخراج عامل‌ها

در این بخش هر الگو به صورت یک نمودار کیو در نظر گرفته شده است؛ بنابراین با توجه به استخراج ۷ الگوی ذهنی، ۷ نمودار کیو به دست آمده است. این نمودارها قادرند تا ۶۷ درصد از دیدگاه‌های ذینفعان قرض الحسنه را تبیین نمایند.

✓ الگوی ذهنی اول (کیفیت‌گرایی): این الگوی ذهنی مربوط به مشارکت‌کنندگان ۱-۲-۴۶-۴۳-۳۵-۳۴-۳۰-۷ بوده که با توجه به تعداد کل مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت الگوی ذهنی ۱۶ درصد از مشارکت‌کنندگان را شامل شده است. براساس این الگو دقیق و منظم بودن (۱۶ درصد)، تنوع خدمات (۳ درصد) و اشتباه کم در انجام خدمات (۵ درصد)، رضایت از خدمات (۲۵ درصد) و برخورد مناسب کارکنان (۳۰ درصد) و کیفیت مناسب خدمات (۳۴ درصد) معیارهای ارائه‌شده توسط این گروه بوده که این شاخص‌ها منجر به ارائه الگوی ذهنی گردید که براساس معیارهای ارائه‌شده «کیفیت‌گرایی» نامیده شد.

✓ الگوی ذهنی دوم (توصیه‌گرایی): الگوی دوم ذهنی را ۵ شرکت‌کننده شماره ۳-۹-۴۲-۱۵-۱۴-۱۰ تشکیل داده بودند. این تعداد از شرکت‌کنندگان ۱۲ درصد از کل مشارکت‌کنندگان را تشکیل داده بود؛ بنابراین می‌توان گفت ۱۲ درصد از مشارکت‌کنندگان به دلایل توصیه‌گرایی و به توصیه دیگران از این بانک قرض الحسنه مهر استفاده می‌کنند. تعریف و تمجید دیگران (۷ درصد)، تبلیغات بانک (۸ درصد)، تعریف و تمجید دوستان از خدمات (۹ درصد) و معرفی از طرف دوستان بیشترین دلایل استفاده از خدمات قرض الحسنه این بانک توسط این گروه از ذینفعان بوده است. این شاخص‌ها منجر به ارائه الگوی ذهنی گردید که براساس معیارهای ارائه‌شده «توصیه‌گرایی» نامیده شد.

✓ الگوی ذهنی سوم (نوگرایی): الگوی سوم ذهنی را شرکت‌کنندگان شماره ۴-۵-۱۲-۵۰-۴۷-۴۱-۱۷-۱۶-۱۳ تشکیل داده بودند. این تعداد از شرکت‌کنندگان ۱۸ درصد از کل مشارکت‌کنندگان را تشکیل داده بود؛ بنابراین می‌توان گفت ۱۸ درصد از مشارکت‌کنندگان به دلایل نوگرایی و استفاده از خدمات نوین بانکی و امکانات

بانکداری الکترونیک از آن استفاده می‌کنند. ارائه خدمات نو و جدید (۱۰ درصد)، روش کار جدید (۱۱ درصد)، تنوع خدمات الکترونیکی (۲۴ درصد)، مناسب بودن خدمات الکترونیکی (۳۱ درصد)، بروز بودن خدمات (۳۶ درصد)، امکانات مناسب و جدید (۳۷ درصد) بیشترین دلایل استفاده از خدمات قرض الحسنه این بانک توسط این گروه از ذینفعان بوده است. این شاخص‌ها منجر به ارائه الگوی ذهنی گردید که براساس معیارهای ارائه‌شده «نوگرایی» نامیده شد.

✓ الگوی ذهنی چهارم (عادت‌گرایی): الگوی چهارم ذهنی را شرکت‌کنندگان شماره ۴۸-۳۹-۲۲-۸-۶ تشکیل داده بودند. این تعداد از شرکت‌کنندگان ۱۰ درصد از کل مشارکت‌کنندگان را تشکیل داده بود؛ بنابراین می‌توان گفت ۹ درصد از مشارکت‌کنندگان به عادت و استفاده‌های قبلی از آن استفاده می‌کنند. عادت کردن به مؤسسه (۱۲ درصد)، عادت به استفاده از خدمات این بانک (۱۴ درصد) و سابقه استفاده از این بانک (۲۶ درصد) بیشترین دلایل استفاده از خدمات قرض الحسنه این بانک توسط این گروه از ذینفعان بوده است. این شاخص‌ها منجر به ارائه الگوی ذهنی گردید که براساس معیارهای ارائه‌شده «عادت‌گرایی» نامیده شد.

✓ الگوی ذهنی پنجم (اعتماد‌گرایی): الگوی پنجم ذهنی را شرکت‌کنندگان شماره ۴۹-۴۰-۲۷-۲۳-۲۹-۲۰-۱۹ تشکیل داده بودند. این تعداد از شرکت‌کنندگان ۱۴ درصد از کل مشارکت‌کنندگان را تشکیل داده بود؛ بنابراین می‌توان گفت ۱۴ درصد از مشارکت‌کنندگان به دلیل اعتماد به این بانک از آن استفاده می‌کنند. محلی بودن بانک (۴ درصد)، قابل اعتماد بودن خدمات (۶ درصد)، آشنا بودن با سایر ذینفعان (۱ درصد)، آشنا بودن کارکنان (۱۷ درصد)، امن بودن (۲۲ درصد)، اعتبار قابل قبول (۲۸ درصد)، دارا بودن مجوز (۲۹ درصد) بیشترین دلایل استفاده از خدمات قرض الحسنه این بانک توسط این گروه از ذینفعان بوده است. این شاخص‌ها منجر به ارائه الگوی ذهنی گردید که براساس معیارهای ارائه‌شده «اعتماد‌گرایی» نامیده شد.

✓ الگوی ذهنی ششم (نگرش معنوی): الگوی ششم ذهنی را شرکت‌کنندگان شماره ۴۵-۳۸-۲۸-۲۶-۲۴ تشکیل داده بودند. این تعداد از شرکت‌کنندگان ۱۰ درصد از کل مشارکت‌کنندگان را تشکیل داده بود؛ بنابراین می‌توان گفت ۱۰ درصد از

مشارکت‌کنندگان به دلیل دلایل معنوی از آن استفاده می‌کنند. غیرربوی بودن (۱)، خداپسندانه بودن خدمات (۲)، اطمینان از هزینه درست پس‌اندازها (۱۸)، اطمینان از کمک به نیازمندان (۱۹)، قرض‌الحسنه بودن کار (۲۰) بیشترین دلایل استفاده از خدمات قرض‌الحسنه این بانک توسط این گروه از ذینفعان بوده است. این شاخص‌ها منجر به ارائه الگوی ذهنی گردید که براساس معیارهای ارائه‌شده «گرایش معنوی» نامیده شد.

✓ الگوی ذهنی هفتم (ارزش درک شده): الگوی ذهنی هفتم را شرکت‌کنندگان شماره ۴۴-۳۷-۳۶-۳۳-۳۲-۳۱-۲۵-۲۱-۱۸-۱۱ تشکیل داده بودند. این تعداد از شرکت‌کنندگان ۲۰ درصد از کل مشارکت‌کنندگان را تشکیل داده بود؛ بنابراین می‌توان گفت ۲۰ درصد از مشارکت‌کنندگان به دلیل ارزش‌های درک شده از این بانک از آن استفاده می‌کنند. عوامل شناسایی شده از مشارکت‌کنندگان: انتخاب مجدد مؤسسه (۱۳ درصد)، تأمین همه نیازهای مالی (۲۱ درصد)، عدم اتلاف وقت (۲۳ درصد)، باارزش بودن خدمات (۲۷ درصد)، وام گرفتن آسان (۳۳ درصد)، منظم بودن (۳۵ درصد) بیشترین دلایل استفاده از خدمات قرض‌الحسنه این بانک توسط این گروه از ذینفعان بوده است. این شاخص‌ها منجر به ارائه الگوی ذهنی گردید که براساس معیارهای ارائه‌شده «ارزش درک شده» نامیده شد.

جدول (۹): درصد الگوهای ذهنی شناسایی شده

ردیف	الگوی ذهنی	درصد نمونه
۱	ارزش درک شده	۲۰
۲	نوگرایی	۱۸
۳	کیفیت گرائی	۱۶
۴	اعتمادگرائی	۱۴
۵	توصیه‌گرایی	۱۲
۶	عادت‌گرائی	۱۰
۷	نگرش معنوی	۱۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۴. تحلیل نتایج

بررسی نتایج به دست آمده نشان داد که ذینفعان بانک قرض الحسنه مهر ایران دارای ۷ الگوی ذهنی مختلف بودند که تنها یکی از این الگوهای ذهنی یعنی گرایش معنوی باهدف اصلی این بانک براساس ماده سوم مندرج در اساسنامه این بانک یعنی گسترش خدمات قرض الحسنه تطبیق داشت. براساس نتایج به دست آمده تنها ۱۰ درصد از ذینفعان دارای الگوی ذهنی گرایش های معنوی بودند که درصد بسیار پایینی بوده و باعث شده در رتبه بندی الگوهای ذهنی این الگو در جایگاه آخر قرار گیرد. براساس نتایج به دست آمده ارزش درک شده مهم ترین عامل گرایش ذینفعان به افتتاح حساب در این بانک بوده است. درواقع بیشتر سپرده گذاران برای کسب امتیاز و دریافت وام قرض الحسنه در این بانک سرمایه گذاری می کنند که این دیدگاه، الگوی ذهنی ۲۰ درصد از ذینفعان را تشکیل داده است. همچنین دومین الگوی ذهنی رایج، نوگرایی بوده است. نوگرایی یکی از مهم ترین دلایل گرایش ذینفعان به بانک قرض الحسنه مهر بوده است. استفاده از فناوری اطلاعات و پیاده سازی بانکداری الکترونیکی و استقرار سیستم مدیریت دانش و تبدیل بانک به یک سازمان پیشرو توانسته خدمات نوین و مشتری پسندی را به کاربران و مشتریان بانک ارائه دهد. نوگرایی به همراه کیفیت گرائی و اعتمادگرائی الگوی ذهنی بیش از ۴۸ درصد از ذینفعان این بانک را تشکیل داده است.

در گذشته مؤسسات قرض الحسنه که باهدف پیاده سازی بانکداری اسلامی و ارائه تسهیلات وام قرض الحسنه رشد زیادی در کشور پیدا نموده بود به یکباره دچار مشکل و ورشکستگی شده و خسارات زیادی را به مشتریان وارد نموده نمود. به همین دلیل شباهت کار این بانک با مؤسسات قرض الحسنه پیشین، ابهاماتی را برای سرمایه گذاران ایجاد نموده بود که نتیجه شناسایی الگوهای ذهنی نشان داد بانک قرض الحسنه مهر ایران توانسته ذهنیت مشتریان را نسبت به مشکلات گذشته مؤسسات مشابه تغییر داده و نزدیک به ۱۵ درصد از ذینفعان با نگرشی و الگوی ذهنی اعتمادگرائی با این مؤسسه همکاری می کنند. این اعتماد نه تنها در بین مشتریان بانک بلکه در بین کارکنان نیز وجود داشت زیرا اعتمادگرائی الگوی ذهنی کارکنان را نیز تشکیل داده بود.

علاوه بر آن توصیه‌گرایی نیز در کنار اعتمادگرایی الگوی ذهنی درصد زیادی از ذینفعان را تشکیل داده بود ۱۴ درصد از ذینفعان با توصیه دوستان و اطرافیان و همکاران به این بانک اعتماد و همکاری می‌کردند که نشان می‌دهد وفاداری مشتریان و توصیه‌گرایی در بین مشتریان این بانک جایگاه خاص و ویژه‌ای داشته و تعدادی مشتریان با توجه به رضایت از نحوه عملکرد این بانک آن را به دیگران توصیه نمودند. از سوی دیگر ۱۶ درصد از ذینفعان با توجه به کیفیت خدمات این بانک از آن استفاده نموده و الگوی ذهنی‌ها را تشکیل داده است. این الگوی ذهنی نشان می‌دهد که کیفیت انجام خدمات این بانک توانسته تا حدودی در مشارکت سرمایه‌گذاران با این بانک مؤثر باشد. همچنین ۲۰ درصد از مشتریان با توجه به ارزش ادراک‌شده و با آگاهی از ارزشمند بودن خدمات این بانک، با این بانک همکاری می‌کنند. کارکنان نیز ارزش همکاری با این بانک را درک کرده و علاوه بر درک ارزش معنوی همکاری با آن، امنیت شغلی و آینده مثبتی را برای خود و شغل خود متصور بودند. همچنین این درصد بالای در الگوی ذهنی ارزش درک شده نشان می‌دهد که درصد بالایی از ذینفعان جهت استفاده از تسهیلات قرض‌الحسنه اقدام به افتتاح حساب در این بانک می‌نمایند.

بانک‌های قرض‌الحسنه به‌عنوان نهادهایی مردمی و خودجوش در بستر فرهنگ اسلامی کشور شکل گرفتند. این نهاد به جهت نیت خیرخواهانه مؤسسين و ماهیت عقد قرض‌الحسنه در زمره مؤسسات خیریه قلمداد شده است. انتظار می‌رود ذینفعان و سرمایه‌گذارانی که به سمت این نوع بانک‌ها گرایش پیدا می‌کنند با دیدگاه شریک شدن در اجر معنوی این فرایند به همکاری با این نوع بانک‌ها بپردازند. با این وصف مشاهده شد که بیشتر ذینفعان به دلایلی همچون اعتماد به بانک، متنوع بودن خدمات و کیفیت و همچنین نوگرایی و کسب منفعت از ارزش‌های این بانک از آن استفاده می‌کنند که لازم است فرهنگ‌های بیشتری در زمینه استفاده و همکاری با این نوع بانک‌ها در سطح جامعه به‌عمل آید. براساس رتبه‌بندی برترین مؤسسات مالی اسلامی در جهان که توسط نشریه بین‌المللی بنکر^{۱۱} در سال ۲۰۱۸ منتشر شد، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در صدر مؤسسات مالی اسلامی در جهان قرار گرفت. نشریه بین‌المللی بنکر رشد

دارایی‌های مؤسسات کاملاً اسلامی و مؤسسات با بوجه‌های اسلامی را مورد بررسی قرار داده است که براساس آن این بانک به عنوان بانک کاملاً اسلامی با ۶۱/۱ درصد رشد و ۳ هزار و ۸۷۸ میلیون دلار دارایی منطبق بر شریعت، در رتبه اول بانک‌های ایران و رتبه برتر مؤسسات کاملاً اسلامی دنیا قرار گرفت.

پیشنهادهای

در ابتدا پیشنهاد می‌شود فرهنگ‌سازی لازم جهت گسترش همکاری با بانک‌های قرض الحسنه در سطح جامعه انجام پذیرد و همچنین با توجه به اینکه الگوی ذهنی نوگرانی در رتبه دوم الگوهای ذهنی قرار گرفت به بانک‌ها پیشنهاد می‌شود در جهت ارائه خدمات نو و به‌روز و منطبق با فناوری‌های جدید برنامه‌ریزی‌های لازم صورت پذیرد. افزایش کیفیت خدمات و تنوع خدمات درصد بالایی از الگوهای ذهنی ذینفعان را تشکیل داد به همین جهت به بانک‌ها پیشنهاد می‌شود با استفاده برنامه‌ریزی‌های مدون و استفاده از الگوهای جهانی کیفیت خدمات خود را بهبود بخشند. در زمینه پژوهشی پیشنهاد می‌شود مطالعه‌های دیگر در زمینه الگوهای ذهنی بانک‌های غیر قرض الحسنه یا در دیگر شهرها انجام و نتایج آن به صورت تطبیقی با نتایج این مطالعه مقایسه شود و همچنین نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی همانند سن، جنسیت و تحصیلات در تشکیل این الگوهای ذهنی بررسی گردد.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است. - تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد. بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

- ۱) امینی، سعید (۱۳۹۳). شناسایی دیدگاه‌های حاکم بر آسیب‌پذیری شهرها در برابر مخاطرات محیطی و استخراج مولفه‌های تاثیرگذار در آن با استفاده از روش کیو، دو فصلنامه مدیریت بحران، ۳(۱)، ۸۴-۹۹.

- ۲) اثنی‌عشری ابوالقاسم، بابایی سمیرمی محمدرضا (۱۳۸۸). برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۷ (۵۱)، ۹۳-۱۰۴.
- ۳) بیدار، محمد (۱۳۹۱). بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۴(۷)، ۹۷-۱۱۴.
- ۴) پویا، علیرضا؛ و لقمانی، هدیه (۱۳۹۲). راهبرد پژوهشی روش‌شناسی کیو: جایگاه، کاربرد، روش، محدودیت‌ها و تقابل آن با روش‌شناسی آر. توسعه‌سازمانی پلیس، ۱۱(۴۵)، ۸۷-۱۰۶.
- ۵) توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۹۱). جذب سپرده قرض‌الحسنه به کمک ابزار مالی اسلامی (صکوک)، تحقیقات مالی اسلامی، ۱(۲)، ۱۴۳-۱۶۰. DOI: [10.30497/ifr.2012.1526](https://doi.org/10.30497/ifr.2012.1526)
- ۶) حبیبیان نقیسی، مجید (۱۳۹۰). قرض‌الحسنه و راهبرد تأمین نیازهای اساسی. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۸(۳۵)، ۵-۳۶.
- ۷) خاوری، محمود رضا. (۱۳۷۵). بانکداری اسلامی، حسابدار، ۱۵۹، ۱-۲۳.
- ۸) خنیفر، حسین؛ و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. ایران، تهران: نگاه دانش.
- ۹) خوش‌گویان‌فرد، علیرضا (۱۳۸۶). روش‌شناسی کیو. ایران، تهران: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۰) رجایی، محمد (۱۳۸۰). مقایسه اجمالی تخصیص و تجهیز منابع پولی در دو نظام بانکداری ربوی و غیرربوی در ایران. معرفت، ۱۰(۴۱)، ۱۹-۳۲.
- ۱۱) روحانی، سید علی؛ و علیزاده قره‌باغ، رضا (۱۳۹۳-ب). جایگاه بانک‌های قرض‌الحسنه در نظام پولی ایران، بسترهای قانونی و تحلیل عملکرد مالی. همایش بانکداری اسلامی.
- ۱۲) گودرزی‌فراهانی، یزدان؛ و کارخانه، راضیه (۱۴۰۱). بررسی عملکرد مؤسسات قرض‌الحسنه در رشد تولید به‌عنوان مؤسسات تأمین مالی خرد در ایران. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱(۴۱)، ۱۵۷-۱۸۰.
- ۱۳) علیزاده قره‌باغ، رضا؛ و روحانی، سیدعلی (۱۳۹۳-الف). بانک‌های قرض‌الحسنه در ایران (ابعاد قانونی، روند شکل‌گیری و ارزیابی عملکرد). ایران، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- ۱۴) عزتی، مرتضی (۱۳۹۳). ارزیابی اثر بازارهای مالی بر بازار قرض‌الحسنه در ایران. جستارهای اقتصادی، ۵(۲۲)، ۱۸-۱۵۵.

- ۱۵) قریشی، سید علی اکبر (۱۳۶۷). قاموس قرآن (جلد ۵). ایران، تهران: سمیه.
- ۱۶) کالتون. ج (۱۳۷۱). روش تحقیق (کاظم ایزدی، مترجم) (چاپ سوم). ایران، تهران: کیهان.
- ۱۷) طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۷). تفسیر المیزان (سید محمدباقر همدانی، مترجم) (جلد ۱۹). ایران، تهران: علامه طباطبایی.
- ۱۸) مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ایران، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- ۱۹) محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۸). بررسی جایگاه قرض الحسنه در ایران و الگوی مبتنی بر اتحادیه‌های اعتباری. اقتصاد، ۱۱(۷-۸)، ۷-۳۴.
- ۲۰) موسویان، سید عباس (۱۳۸۱). بانکداری اسلامی. ایران، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- ۲۱) موسویان، سید عباس (۱۳۸۳). ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده جدید. اقتصاد اسلامی، ۱۵(۱)، ۳۴-۵۱.
- ۲۲) موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). احکام فقهی بانکداری بدون ربا. ایران، قم: وثوق.
- ۲۳) موسویان، سید عباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۳). بانکداری اسلامی (ویرایش سوم). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۴) هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۹۶). نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی، دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ۱(۲)، ۱-۳۲.
- ۲۵) هروانی، مهدی (۱۳۸۹). حسابداری تخصیص منابع (مضاربه، سرمایه‌گذاری و اجاره به شرط تملیک (در بانکداری اسلامی)، معرفت اقتصاد اسلامی، ۴(۲)، ۵۱-۷۶.
- 26) Alizadeh Qarabagh, R., & Rouhani, S. A. (1393 SH/2014). *Qarz al-Hasaneh Banks in Iran: Legal Dimensions, Formation Process, and Performance Evaluation*. Tehran, Iran: Islamic Consultative Assembly. [in Persian].
- 27) Amini, S., (1393 SH/2014). Identifying the prevailing views on the vulnerability of cities to environmental hazards and extracting the influential components in it using the Q method, *Bi-Quarterly Journal of Crisis Management*, 3(1), 84-99. [in Persian].
- 28) Bidar, M., (1390 SH/2011). Investigating Qarz al-Hasna fee and its Calculation Methods in Islamic Banking, *Marafet Islamic Economy*, 4(7), 97-114. [in Persian].
- 29) Brown, S. R. (1980). *Political Subjectivity: Applications of Q Methodology in Political Science*. Yale University Press Google Schola,

- 2, 262-274.
- 30) Colton. J., (1371 SH/1992). Research Methodology. (Kazem Izadi, Translator) (Third edition). Iran, Tehran: Keyhan. [in Persian].
- 31) Ezzati, M., (1393 SH/2014). Evaluating the Impact of Financial Markets on the Qarz al-Hasanah Market in Iran, *Economic Research*, 5(22), 18-155. [in Persian].
- 32) Excell, R. M. (2005). Exploring Attitudes: the Case for Q methodology. *Health Education Research*, 20(2), 206-213.
- 33) Goodarzi Farahani, Y; & Karkhaneh, R., (1401 SH/2022). Studying the Performance of Qarz-ol-Hasanah Institutions in Production Growth as Microfinance Institutions in Iran. *Islamic Economics and Banking*, 11(41), 157-180. [in Persian].
- 34) Haryanto, S., Safriliana, R., Ridloah, S., Ariefudin, M. U., & Khotimah, L. K. (2024). Determinants of Risk in Indonesian Islamic Banking: An Empirical Investigation. *Share: Jurnal Ekonomi dan Keuangan Islam*, 13(1), 24-42.
- 35) Habibian Naghibi, M., (1390 SH/2011). Qard-ul-Hasana and the Strategy of Providing Basic Needs. *Economic Research and Policies*, 8(35), 5-36. [in Persian].
- 36) Hadavinia, Ali Asghar. (1396 SH/2017). The role of Qarz al-Hasana in the resistance economy, *Bi-Quarterly Journal of Resistance Economy Research*, 1(2), 1-32. [in Persian].
- 37) Hervani, Mehdi. (2010). Accounting for resource allocation (Mudaraba, investment and leaseback (in Islamic banking), *Marafat Eqtasem Islamic*, 4(2), 51-76.
- 38) Islamic Consultative Assembly of the Islamic Republic of Iran (1388 SH/2009). Law on Interest-Free Banking Operations and the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Iran, Tehran: Islamic Consultative Assembly. [in Persian].
- 39) Khan, S., Hassan, M. K., Rabbani, M. R., & Atif, M. (2021). An Artificial Intelligence-Based Islamic FinTech Model on Qardh-Al-Hasan for COVID 19 Affected SMEs. *Islamic Perspective for Sustainable Financial System*, 234-249.
- 40) Khavari, Mahmoud Reza. (1375 SH/1996). Islamic Banking, *Accountant*, 159, 1-23. [in Persian].
- 41) Khneifer, H; & Moslemmi, N., (1396 SH/2017). Principles and Foundations of Qualitative Research Methods. Iran, Tehran: Negah Danesh. [in Persian].
- 42) Khoshgoianfard, A, R., (1386 SH/2007). Q Methodology. Iran, Tehran: Islamic Republic of Iran Broadcasting [in Persian].
- 43) Muhammad, S. A., & Saad, R. A. J. (2016). Moderating Effect of Attitude Toward Zakat Payment on the Relationship Between Moral

- Reasoning and Intention to Pay Zakat. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 219, 520-527.
- 44) Mustapha, N., Mohammad, J., Quoquab, F., & Salam, Z. A. (2023). "Should I Adopt Islamic Banking Services?" Factors Affecting Non-Muslim Customers' Behavioral Intention in the Malaysian Context. *Islamic Marketing*, 14(10), 2450-2465.
 - 45) Moussavian, S, A., (1381 SH/2002). Islamic Banking. Iran, Tehran: Monetary and Banking Research Institute. [in Persian].
 - 46) Mosian, S, A., (1383 SH/2004). Evaluation of Bank Deposits and New Deposit Proposals. *Islamic Economics*, 15(1), 34-51. [in Persian].
 - 47) Moussavian, S, A., (1386 SH/2007). Jurisprudential Rulings on Interest-Free Banking. Iran, Qom: Vosooq. [in Persian].
 - 48) Moussavian, S, A; & Mesmi, H., (1393 SH/2014). Islamic Banking (Third Edition). Iran, Tehran: Monetary and Banking Research Institute. [in Persian].
 - 49) Mohaghegh-Nia, M, J., (1388 SH/2009). Studying the Position of Qarz-ul-Hasaneh in Iran and the Model Based on Credit Unions. *Economic*, 11(7-8), 7-34. [in Persian].
 - 50) Pouya, A, R; & Loghmani, H., (1392 SH/2013). Research Strategy of Q methodology: its Position, Application, Method, Limitations and its Contrast with R methodology, *Police Organizational Development*, 11(45), 87-106. [in Persian].
 - 51) Qureshi, S, A, A., (1367 SH/1988). Dictionary of the Quran (Volume 5). Iran, Tehran: Somayeh. [in Persian].
 - 52) Rouhani, S, A; & Alizadeh Qarabagh, R., (2014-B). The Position of Qarz al-Hasaneh Banks in the Iranian Monetary System, Legal Frameworks and Financial Performance Analysis, Islamic Banking Conference. [in Persian].
 - 53) Roziq, A., Shulthoni, M., Anugerah, E. G., Mawardi, A. A. K., & Prasetyo, W. (2024). Three Research Method Approaches: Musharaka Financing Performance Model in Indonesian Islamic Banks. *Islamic Accounting and Business Research*.
 - 54) Saqib, L., Zafar, M. A., Khan, K., Roberts, K. W., & Zafar, A. M. (2015). Local Agricultural Financing and Islamic Banks: is Qard-al-Hassan a Possible Solution?. *Islamic Accounting and Business Research*, 6(1), 122-147.
 - 55) Tohidinia, A., (2012). Attracting Qarz al-Hasanah Deposits Using Islamic Financial Instruments (Sukuk), *Islamic Financial Research*, 1(2), 143-160. DOI: [10.30497/ifr.2012.1526](https://doi.org/10.30497/ifr.2012.1526) (In Persian).
 - 56) Rajaei, M., (1380 SH/2001). A Brief Comparison of the Allocation and Mobilization of Monetary Resources in the Two Usurious and

Non-Usurious Banking Systems in Iran. Marefat, 10(41), 19-32. [in Persian].

- 57) Tabatabaei, S, M, H., (1367 SH/1988). Tafsir al-Mizan (Seyyed Mohammad Baqer Hamadani, Translator) 19 edition. Iran, Tehran: Alameh Tabatabaei [in Persian].

Examining the Role of Commodity Investment Funds in Islamic Economy: Opportunities and Challenges

Author: Zahra Zamen Ghadirli | Hamed Tajmir Riahi

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246819.1907>

بررسی نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی در اقتصاد اسلامی: فرصت‌ها و چالش‌ها

نویسندگان: زهرا زامن قدیرلی | حامد تاجمیر ریاحی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246819.1907>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Examining the Role of Commodity iInvestment Funds in Islamic Economy: Opportunities and Challenges

Zahra Zamen Ghadirli: M.A. in Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran
(Corresponding Author).

parvanehghadiri87@gmail.com | 0009-0000-1335-7429

Hamed Tajmir Riahi: Faculty Member, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran.

h.tajmir@khu.ac.ir | 0000-0002-4611-6389

Abstract

1. Introduction and Objective

In recent years, investment funds have emerged as one of the most prominent indirect investment methods within capital markets. Among them, commodity investment funds stand out due to their direct impact on the real economy. These funds can play a pivotal role in regulating commodity markets by mitigating destructive speculative activities, which in turn helps promote social justice, a fundamental pillar of Islamic economics. The primary objective of this study is to identify and evaluate the opportunities and challenges associated with commodity investment funds from an Islamic economic perspective and to explain how such funds align with the broader framework of Islamic financial principles.

2. Methods and Materials

Given the conceptual nature of the study, a qualitative, expert-oriented methodology was adopted. A purposive sampling technique was used to select 10 experts in finance and economics who possess specialized knowledge in Islamic economic systems. Data were analyzed using the Analytical Hierarchy Process (AHP) to systematically prioritize the benefits, disadvantages, and challenges of commodity investment funds. This method allowed for a structured comparison of key factors affecting the performance and alignment of these funds with Islamic principles.

3. Research Findings

The prioritization results showed that market-based volatility was ranked as the most critical challenge facing commodity funds. Other major challenges included political instability and economic crises. From an Islamic economic perspective, speculative activity and its impact on real commodity prices were identified as particularly concerning. On the positive side, the research revealed several benefits of commodity funds, such as professional investment management, risk diversification, and the development of commodity markets, particularly those related to export-oriented products.

4. Discussion and Conclusion

The study's findings highlight both the potential and complexity of integrating commodity investment funds into an Islamic economic framework. While these funds offer several strategic advantages, they also pose significant risks—especially related to market instability and speculative behavior, which conflict with Islamic ethical standards. Nevertheless, if designed and managed appropriately, commodity funds can serve as effective tools for economic development, resource allocation, and the promotion of justice in financial markets. Policymakers and fund managers are encouraged to consider Shariah-compliant mechanisms that minimize speculation and enhance transparency to ensure the alignment of such funds with Islamic economic goals.

6. Keywords

Commodity Investment Fund; Islamic Economy; Speculation; Market-Based Volatility.

7. JEL Classification: G20, G29, Z12.

بررسی نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی در اقتصاد اسلامی: فرصت‌ها و چالش‌ها

زهرا ضامن قدیرلی: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) parvanehghadiri87@gmail.com

حامد تاجمیر ریاحی: عضو هیأت علمی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

h.tajmir@khu.ac.ir

چکیده

صندوق‌های سرمایه‌گذاری از جمله روش‌های سرمایه‌گذاری غیرمستقیم است که در سالیان اخیر مورد استقبال بازار سرمایه قرار گرفته است. صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی باتوجه به تأثیر آن بر اقتصاد واقعی می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت بازار کالاهای مختلف داشته باشد؛ ازجمله مهم‌ترین کارکردهای آن کاهش سفته‌بازی مخرب بر روی کالای مدنظر در بازار است که منجر به افزایش عدالت اجتماعی که از اهداف اقتصاد اسلامی است می‌شود. مقاله حاضر درصدد است فرصت‌ها و چالش‌های این صندوق‌ها را براساس نگرش اقتصاد اسلامی استخراج کند و به‌واسطه آن نقش این صندوق‌ها در چارچوب اقتصاد اسلامی تبیین شود. روش تحقیق مدنظر با توجه به ماهیت موضوع خبره محور است که براساس نمونه آماری تعداد ۱۰ نفر از خبرگان مالی و اقتصاد به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی مزایا، معایب و چالش‌های صندوق‌های کالایی اولویت‌بندی شد. نتایج نشان داد که نوسانات مبتنی بر بازار در رتبه اول چالش‌های صندوق کالایی قرار گرفته است. پس‌از آن بحران‌های سیاسی، بحران‌های اقتصادی قرار داشتند. همچنین نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده اهمیت بالای سفته‌بازی و تأثیر آن بر قیمت کالا در بازار اقتصاد واقعی به‌عنوان چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی است. مدیریت حرفه‌ای سرمایه، متنوع‌سازی ریسک و توسعه بازارهای کالایی درزمینه محصولات صادراتی ازجمله مزیت‌های صندوق‌های کالایی برشمرده شد.

واژگان کلیدی: صندوق سرمایه‌گذاری کالایی؛ اقتصاد اسلامی؛ سفته‌بازی؛ نوسانات مبتنی بر

بازار.

مقدمه

کالاها کمترین درک را از طبقات دارایی اصلی دارند. سهام و اوراق قرضه با جزئیات زیادی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و رفتار آن‌ها به‌خوبی مستند شده است. برعکس، کالاها علی‌رغم اینکه بیش از یک قرن در بازارهای سرمایه مبادله می‌شدند، از نبود داده‌های تاریخی طولانی رنج می‌بردند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری نهادهای مالی هستند که موضوع اصلی فعالیتشان سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار است و مالکان آن به نسبت‌گذاری سرمایه خود در سودووزیان صندوق شریک هستند. این نهادها به‌عنوان یک واسطه مالی میان سرمایه‌گذاران و شرکت‌های منتشرکننده عمل می‌کنند. نقش این نهادها در جذب سرمایه‌های خرد و کلان سرمایه‌گذاران و هدایت این منابع به سمت تولید و کاهش نقدینگی بسیار مهم است. این منابع جریان نقدی ورودی به صندوق‌های سرمایه‌گذاری را شکل می‌دهند که به‌نوبه‌خود ارزش بازار سرمایه کشور را از طریق خرید، نگهداری و فروش سهام (توسط صندوق‌ها) می‌تواند تحت‌تأثیر قرار دهد. صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک برای سرمایه‌گذاران مزایای مدیریت حرفه‌ای پرتفوی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری از طریق تنوع، هزینه پایین، معافیت‌های مالیاتی و سطح بالای شفافیت عملیاتی نسبت به سایر مؤسسات مالی نظیر بانک‌ها، اتحادیه‌های اعتباری، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی دارند که این امر می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز خانوارها باشد. صندوق‌های کالایی در مواد خام یا محصولات کشاورزی اولیه سرمایه‌گذاری می‌شود که به‌عنوان کالا شناخته می‌شوند. این صندوق‌ها در فلزات گران‌بها مانند طلا و نقره، منابع انرژی مانند نفت و گاز طبیعی و کالاهای کشاورزی مانند گندم سرمایه‌گذاری می‌شود. صندوق‌های کالایی ممکن است در شرکت‌هایی که این کالاها را تولید می‌کنند نیز سرمایه‌گذاری شوند (حسینی و لعل‌بار، ۱۳۹۹).

صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی یکی از نهادهای مالی فعال در بورس کالا است که از راه عرضه واحدهای سرمایه‌گذاری خود به عامه مردم، وجوه موردنیاز خود را تأمین

می‌کنند. این صندوق‌ها با مدیریت افراد متخصص، بر پایه اساسنامه و امیدنامه خود فعالیت کرده و وجوهی را که سرمایه‌گذاران در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. در راستای ایجاد بازده مناسب‌تر در مقایسه با سایر فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشابه و به حداقل رساندن ریسک سرمایه‌گذاری، با توجه به ماهیت و در قالب ترکیب دارایی‌های قیدشده در امید نامه خود در سبد متنوعی از اوراق بهادار مبتنی بر کالا، اوراق با درآمد ثابت و یا سپرده‌های بانکی با نرخ ترجیحی و... سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

استفاده از سرمایه‌های آحاد جامعه برای تقویت بازارهای مختلف مالی ازجمله بازارهای کالایی نقش اصلی در توسعه پایدار کشورها بازی می‌کند که به‌کارگیری این انرژی در بازارها نیازمند تعریف دقیق نقش و نظارت بر آن است (Mulendur, 2018). مقاله حاضر سعی دارد میزان کارکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالا را از جهت تحقق اهداف تأسیس آن‌ها بررسی کند و همچنین از منظر فقه اسلامی، قراردادهای این صندوق‌ها را بررسی نماید. بر این اساس مهم‌ترین اهداف تحقیق عبارتند از: شناسایی مزایا و معایب و چالش‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی از منظر اقتصاد اسلامی و اقتصاد کلان.

۱. مبانی نظری

محصولاتی مانند طلا، نقره، نفت خام، گاز طبیعی، ذرت، گندم و سویا عموماً به‌عنوان «کالا» در نظر گرفته می‌شوند. این‌ها و صدها نوع کالای دیگر روزانه در سرتاسر جهان معامله می‌شوند (Carter et al, 2021). کالاها در بازار نقدی معامله می‌شوند، جایی که خریدار کالا را فوری تحویل می‌گیرد. کالاها همچنین در بازارهای مشتقه از طریق ابزارهایی مانند معاملات آتی و آپشن معامله می‌شوند (Bronti et al, 2021). این مشتقات به خریداران و فروشندگان این امکان را می‌دهد که قیمت‌ها را برای مبادلات کالاها در تاریخ آتی، در مورد معاملات آتی، تعیین کنند، یا در برابر تغییرات قیمت و سایر خطرات پوشش ریسک را انجام دهند (Gorton et al, 2016).

اولین صندوق کالایی در سال ۲۰۰۴ میلادی در بورس لندن راهاندازی شد. کالای پایه این صندوق فلز گرانبهای طلا بود. راهاندازی این صندوق موجب شد صندوقهای کالایی با طیف وسیعی از انواع کالا شروع به کار کنند. حوزههای اصلی فعالیت صندوقهای کالایی شامل: محصولات کشاورزی، فلزات صنعتی، حاملهای انرژی و فلزات گرانبها است. با راهاندازی اولین صندوقهای کالایی بسیاری از کشورها اقدام به راهاندازی اینگونه صندوقها کردند. بهطوری که باگذشت حدود ۱۲ سال از راهاندازی این صندوقها طیف وسیعی از کالاها و حجم زیادی از سرمایه جذب این صندوقها شده است. این در حالی است که آمار رشد صندوقهای کالایی طبق پیشبینیها همچنان ادامهدار خواهد بود.

وجود اینگونه صندوقها برای سرمایهگذاران حوزههای مختلف است. در حال حاضر، از میان کالاهای مختلف، صندوقهای مبتنی بر کالاهای نفت خام و فلزات گرانبها شامل طلا و نقره، بیشترین محبوبیت را بین سرمایهگذاران را دارند؛ زیرا نوسانات قیمتی این کالاها در بازارهای جهانی به نسبت زیاد است و به دنبال آن بازار این کالاها از نقدینگی بالایی برخوردارند. همچنین برای این کالاها در بازارهای جهانی تقاضای فیزیکی زیادی وجود دارد. علاوه بر کالاهای نامبرده، ابزارهای مختلف نیز میتواند به عنوان کالای پایه این صندوقها قرار بگیرد (روابط عمومی و بینالملل شرکت بورس کالای ایران، ۱۳۹۶).

با توجه به پیچیدگیهای موجود در ساختار مدیریتی و ورود و خروج سرمایهگذاران در این صندوقها امکان شکلگیری آنها در ایران تا چند سال اخیر فراهم نشده بود. ایجاد این صندوقها به عنوان یکی از انواع نهادهای مالی فعال در بازار سرمایه نیاز به فراهم نمودن بستر قانونی مناسب و تنظیم مقررات اجرایی و نظارتی مربوط به خود را داشت. شرایط اولیه برای ایجاد صندوقهای سرمایهگذاری با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در مجلس شورای اسلامی در آذرماه ۱۳۹۲ فراهم شد. پس از تنظیم و تصویب مقررات

مربوطه در سازمان بورس اوراق بهادار در اواخر سال ۱۳۹۴ با طراحی ساختار فعالیت این صندوق‌ها، اولین مجوز فعالیت آن‌ها توسط سازمان بورس اوراق بهادار صادر شد تا این صندوق‌ها بتوانند به‌عنوان یکی از نهادهای مالی جدید حضوری فعال در بازار سرمایه ایران داشته باشند (چاوشی، ۱۳۹۹). در حال حاضر تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی در بورس کالای ایران، برابر با ۱۲ صندوق است که ۱۰ مورد آن در حوزه طلا و ۲ مورد در حوزه کشاورزی فعالیت می‌کنند.

با توجه به جدید بودن صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی در بازار سرمایه کشور ایران، مطالعاتی که به بررسی چالش‌هایی که این صندوق‌ها با آن مواجه هستند، پرداخته باشند تاکنون در ایران صورت نگرفته است، لذا از این جهت مقاله حاضر با جمع‌آوری نظرات و ایده‌های متخصصان عملیاتی این امر، دارای جنبه‌های نوآوری خواهد بود. علاوه بر آن جمع‌آوری نظرات و ایده‌های متخصصان فقه مالی، جهت تطبیق عملکرد صندوق‌ها با قراردادهای اسلامی یا رفع چالش‌های موجود با قراردادهای و ابزارهای اسلامی هم جنبه نوآوری خواهد داشت.

۲. مطالعات تجربی

۲-۱. مطالعات تجربی خارجی

چودوری، افتخار، بالی و بروین^۱ (۲۰۲۴م) در مطالعه‌ای به سبک‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌های سهام اسلامی در ۲۲ کشور از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸ میلادی پرداختند. نتایج نشان داد سرمایه‌گذاری در کشورهای اسلامی از سهام با سرمایه متوسط به سهام بزرگ تغییر یافته، در حالی که سرمایه‌گذاری در کشورهای غیراسلامی در سهام بسیار بزرگ باقی‌مانده است. تمایل تغییر سبک در نوع دارایی بیشتر از اندازه دارایی است.

کارواو، کارلوس و پاتریشیا^۲ (۲۰۲۴م) در مطالعه‌ای به صندوق‌های سرمایه‌گذاری مسئولیت‌پذیر اجتماعی در بازار کشورهای پرتغال و اسپانیا پرداخته و عملکرد آن‌ها را

1. Chowdhury, Iftekhar, Balli & Bruin
2. Carvalho, Carlos & Patrícia

موردبررسی قرار دادند. نمونه به کاررفته در این مطالعه ۱۲۵ صندوق سرمایه گذاری شامل ۴۳ صندوق مسئولیت اجتماعی و ۸۲ صندوق غیرمسئولیت اجتماعی است. یافته های مطالعه آن ها نشان داد که تفاوت معناداری بین صندوق های مسئولیت اجتماعی و هم تایان متعارف آن ها وجود ندارد. اکثر صندوق ها در دوره های بحران در مقایسه با دوره های بدون بحران، تغییرات عملکردی را تجربه نموده اند.

پلاتک، اوتایو و فیگیوردو^۳ (۲۰۲۳م) در مطالعه ای به بررسی عملکرد مالی صندوق های سرمایه گذاری پایدار و حاکمیتی در کشور برزیل پرداختند، نتایج مطالعه آن ها نشان داد که سرمایه گذاری های پایدار از نظر عملکرد مالی از صندوق های سهام متعارف در طول یک دوره نزولی بازار جدا نمی شوند و نوسانات مشابهی دارند. این مطالعه از مقایسه بازده ماهانه و نوسانات در طول دوره ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی استفاده نموده است.

ساجی، جاسم الدین و حسن^۴ (۲۰۲۲م) در مطالعه ای موضوع عملکرد صندوق های سرمایه گذاری مسئولیت اجتماعی در کشور چین و مقایسه با صندوق های سنتی را موردبررسی قرار دادند. نتایج نشان می دهد که تفاوت بین بازده صندوق های سرمایه گذاری مسئولیت اجتماعی چین و صندوق های سنتی ناچیز است و ریسک صندوق های سرمایه گذاری مسئولیت اجتماعی به طور قابل توجهی کمتر از صندوق های سنتی است. تحلیل رگرسیون نیز بر روی مدل مسئولیت اجتماعی به عنوان عامل مؤثر بر عملکرد صندوق ها انجام شده است. متعاقباً، نتایج نشان می دهد که مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبت معناداری بر بازده صندوق در بازار چین دارد.

ساکاس و تسروماتیس^۵ (۲۰۲۰م) در مطالعه ای به بررسی سرمایه گذاری کلایی مبتنی بر عامل پرداختند. نتایج نشان می دهد راهبرد زمان بندی واریانس اعمال شده در

3. Platttek, Otávio & Figueiredo

4. Saci, Jasimuddin & Hasan

5. Sakas & Tsromatis

پرتفوی فاکتورهای کالا، سودهای زمان‌بندی را برای کالا ایجاد می‌کند، اما نه سایر عوامل کالا.

پاستور و ورساتز^۶ (۲۰۲۰م) در مطالعه‌ای موضوع عملکرد و جریان‌ات صندوق سرمایه‌گذاری مشترک در طول بحران کووید-۱۹ را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اکثر صندوق‌های فعال در طول بحران از معیارهای غیرفعال ضعیف عمل می‌کنند که با یک فرضیه رایج در تناقض است. صندوق‌هایی که دارای رتبه‌بندی پایداری بالا هستند، عملکرد خوبی دارند. وجوه مالی از روندهای پیش از بحران پیشی گرفته است، اما نه به‌طور چشم‌گیری. سرمایه‌گذاران از صندوق‌هایی که معیارهای خروج را اعمال می‌کنند و صندوق‌هایی با رتبه‌بندی پایداری بالا، به‌ویژه صندوق‌های زیست‌محیطی را ترجیح می‌دهند.

روزلی و کامسو^۷ (۲۰۱۳م) در مطالعه‌ای دیدگاه یک پزشک را بیان می‌کنند که پنج اصل اساسی محرک فعالیت‌های اسلامی که بر سرمایه‌گذاری اسلامی تأثیر می‌گذارد عبارتند از: ممنوعیت پرداخت سود (ربا)، منع بلا تکلیفی (غرر)، در قراردادها و ممنوعیت قمار، منع از معامله با فعالیت‌های غیرمجاز، اعمال قانون. تجارت و بازرگانی (البای) و تعهد به اشتراک‌گذاری ریسک و تعهد به پشتوانه هرگونه معامله مالی با دارایی. با ترکیب این اصول شرعی برای یافتن راه‌حلی برای مدیریت نقدینگی و سرمایه‌گذاری، تلاش‌هایی در دو حوزه انجام می‌شود: توسعه اوراق قرضه در قالب اوراق بهادار با پشتوانه دارایی و توسعه صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی، شامل پرتفوی اوراق بهادار که محدود به سهام یا صندوق کالا نیست.

پلنتر^۸ (۲۰۱۲م) در مطالعه‌ای به بررسی بازارهای کالا و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک کالا پرداخته است. بررسی داده‌های ICI در مورد جریان‌های خالص هفتگی و

6. Pástor & Vorsatz
7. Rosly & Kamsu
8. Planter

ماهانه به صندوق‌های مشترک کالایی نشان می‌دهد که این جریان‌ها تأثیر کمی بر نرخ رشد کلی قیمت‌های کالاها دارند یا هیچ تأثیری ندارند. به‌ویژه، جریان‌های هفتگی به صندوق‌های مشترک کالایی منجر به تغییرات آتی غرر قیمت کالا نمی‌شود. این نتایج با مقالات دانشگاهی که تأثیر اندک یا بدون تأثیر سرمایه‌گذاران شاخص کالا بر قیمت کالاها در بازارهای فردی را یافته‌اند، سازگار است.

لویس و محمد^۹ (۲۰۰۹م) در مطالعه‌ای موضوع نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی در ترویج سرمایه‌گذاری‌های اسلامی را موردبررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی باید در قبال دارندگان وجوه خود امانت‌دار و پاسخ‌گو بوده و در فرآیند سرمایه‌گذاری خود شفاف باشند. افشای اطلاعات، عملکرد مالی و شرایط بازار در بازارهای سرمایه‌ای که سرمایه‌گذاری خود را در آن متمرکز می‌کنند، می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را به این صندوق‌های سرمایه‌گذاری افزایش دهد. پندارکی، زوپونیدیس و دومپوس^{۱۰} (۲۰۰۵م) در مطالعه‌ای موضوع ایجاد سبد دارایی صندوق مشترک و روش‌شناسی چند معیاری و کاربردی در بازار صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک کشور یونان را موردبررسی قرار دادند. نتایج پژوهش بیانگر این موضوع است که با توجه به رشد چشم‌گیر بازار صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و اینکه صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک برخلاف سهام دارای انواع گوناگونی از اهداف و راهبردهای سرمایه‌گذاری هستند، انتخاب صندوق‌هایی متناسب با سیاست تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، سطح ریسک‌پذیری و اهداف سودآوری آن‌ها نیز به‌مراتب دشوار می‌شود.

۲-۲. مطالعات تجربی داخلی

خداپناه، کریمی کندوله و یاری (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی نقش صندوق‌های ثروت ملی در توسعه کشورها پرداختند. نتایج مطالعات تجربی و نظری در این مطالعه نشان داد که این صندوق‌ها نقش برجسته‌ای در کاهش نوسانات در نرخ ارز و تورم دارند. همچنین

9. Lewis & Muhammad

10. Pendaraki, Zopounidis & Doumplos

این صندوق‌ها با توجه به سرمایه‌گذاری متنوع آن‌ها در داخل و خارج از کشور، به متنوع‌سازی درآمد‌های دولت و همچنین حفظ بخش بزرگی از آن برای نسل‌های بعدی در راستای اهداف توسعه‌ای کمک شایانی می‌کند. در نهایت این صندوق‌ها با افزایش شفافیت در جامعه به کاهش فساد و رانت نیز کمک زیادی می‌کند.

اشعری (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به ارائه طرحی برای گواهی سپرده نوین باعنوان گواهی سپرده مزایده‌ای و ارزیابی ریسک‌های مربوطه در مقایسه با سایر گواهی‌های رایج در کشور ایران با استفاده از روش بهترین- بدترین و مصاحبه از ۱۵ متخصص و کارشناس پرداخته است. نظر به اینکه این نوع گواهی با فرض عقلایی رفتار کردن صاحبان سپرده و ایده طراحی و بنا خواهد شد، لذا می‌بایست ضمن توجه به مشکلات آتی احتمالی در خصوص نرخ این نوع گواهی در بخش مقررات بانکی، پیش‌بینی‌هایی برای تعدیل این مهم نیز در هنگام طراحی این گواهی صورت گیرد که براساس تجارب نخبگان و مطابق تم‌های استخراج‌شده یکی از راهکارها می‌تواند ایجاد امتیازهایی برای دارنده گواهی باشد. وطنی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی فقهی استفاده از فرصت‌های آربیتراژی موجود در بورس کالا و کسب بازده مازاد بر سود بانکی به‌صورت موردی برای خرید گواهی سپرده کالایی نگین زعفران و فروش آن در بازار آتی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که فرصت‌های سرمایه‌گذاری براساس آراء و استفتاء گرفته شده از مراجع عظام، دارای اشکال نیست. ولی عدم استفاده زیاد از این قواعد فقهی به دلیل تازگی موضوع جای پژوهش بیشتر دارد.

ماهیکار (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای موضوع مدل کارآمد برای گواهی سپرده کالای کشاورزی در بازار سرمایه کشور ایران را موردبررسی قرار داد. گواهی سپرده کالایی راهی برای تسهیل تجارت، تأمین مالی و مدیریت ریسک از طریق سیستم بازار بورس کالا است. از آنجایی‌که این ابزار مبتنی بر محصولات کشاورزی در بازار سرمایه تدوین شده، بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای توسعه و اثربخشی آن در ایران، جنبه‌های مختلف

سیاستی، حقوقی، اقتصادی و مالی آن نیازمند توجه است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد «سیاست‌ها و مقررات» و «زیرساخت» در بالاترین سطح و ابعاد «اقتصادی» و «فرهنگ‌سازی» در سطح بعدی بیشترین تأثیر را در توسعه گواهی سپرده کالایی در کشاورزی دارند.

برمخشد (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای بیان می‌کند در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت بازارهای مالی و نوسانات بازار ارز و سکه، گسترش ابزار جدید مالی بازار آتی سکه طلا در بورس کالا با توجه به جذابیت سرمایه‌گذاری آن، موردتوجه قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان داد از بین فرضیه‌های پژوهش متغیر اعتماد مشتریان، نیاز مشتریان، محافظت مالی و پوشش ریسک تأثیر مثبت و معناداری بر روی سرمایه‌گذاری داشته و متغیر اعتماد مشتریان بیشترین تأثیر را بر روی جذب سرمایه‌گذاری داشته است. همچنین رضایتمندی مشتریان به‌طور مستقیم تأثیری بر روی سرمایه‌گذاری بورس کالایی در طول دوره موردبررسی نداشته است.

دیواندری، اسفیدانی، فدایی-نژاد و جلیلیان (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای موضوع مدل توسعه محصولات مالی جدید در بازار سرمایه کشور ایران را موردبررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل نهایی از ۶ مقوله اصلی، ۲۰ زیرمقوله و ۱۲۹ مفهوم اصلی تشکیل شده است. بیشترین فراوانی مفاهیم به ترتیب مربوط به شرایط مداخله‌گر (۶۹ کد)، شرایط علی (۱۵ کد)، راهبردها (۱۳ کد)، شرایط زمینه‌ای (۱۲ کد)، پدیده محوری و پیامدها (هرکدام ۱۰ کد) بود. «مراحل» توسعه محصول مالی جدید به‌عنوان پدیده محوری تشخیص داده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مدیران و سیاست‌گذاران بازار سرمایه برای توسعه موفقیت‌آمیز محصولات و ابزارهای مالی جدید باید به همه مقوله‌های شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها توجه کنند و با رویکرد بازارگرا و چندگانه، مراحل شناسایی شده برای توسعه محصول مالی جدید را طی نمایند.

موسویان، ماهیکار و غلامی جمکرانی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای ابزار و امکان‌سنجی فقهی گواهی سپرده کالایی را به روش اجتهاد چندمرحله‌ای موردبررسی قرار دادند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ابزار مذکور مصداق عقد بیع بوده و ضوابط عمومی و اختصاصی مربوط به آن حسب نظر خبرگان فقه مالی و آرا مراجع عظام تقلید رعایت گردیده است. میرلوحی، ابراهیم -نژاد و فرح -آبادی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی جریانات نقدی و بازده سرمایه‌گذاران صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک (شواهد تجربی از بازار بینی سرمایه‌گذاران) پرداخته‌اند. با استفاده از داده‌های جریانات نقدی هر صندوق در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۵ نشان داده شده است که تصمیمات زمانی نادرست سرمایه‌گذاران صندوق‌ها برای ورود و خروج سرمایه به صندوق، منجر به کاهش بازدهی آن‌ها تا ۲/۲ درصد ماهانه شده است. این اثر منفی قابل توجه می‌تواند حتی در صندوق‌های پربازده نیز، بازده کسب‌شده توسط سرمایه‌گذاران را به‌طور چشم‌گیری کاهش دهد.

ترابی، یارمحمدی و موسویان (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای موضوع طراحی صندوق سرمایه‌گذاری خرید دین سازگار با فقه امامیه را مورد ارزیابی قرار دادند. جهت مطالعات فقهی نیز از روش تطبیق نظرات فقهی امامیه راجع به مبحث دین و خرید دین با ارکان و روابط صندوق استفاده شده است و برای اعتبارسنجی مدل عملیاتی، پرسشنامه‌ای طراحی شد و نظرات خبرگان در این خصوص جمع‌آوری گردید. با توجه به نتایج حاصله حدود ۸۰ درصد از خبرگان با پیشنهادها و راهکارهای محقق کاملاً موافق یا موافق هستند. محمدی‌نسب و مستوفی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک بر توسعه اقتصادی کشور ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه ضمن ارائه تعاریف، انواع سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار و انواع صندوق‌ها، به عملکرد و نقش صندوق‌ها در بهبود جذب سرمایه‌گذاری‌ها و رشد اقتصاد ملی پرداخته شد.

براساس مبانی نظری مطرح شده در این بخش مزایا، معایب و چالش‌ها را می‌توان به صورت جدول (۲) خلاصه کرد.

جدول (۲): خلاصه مزایا، معایب و چالش‌ها

ردیف	مزایا	منبع
۱	مدیریت سرمایه حرفه‌ای	Abdullah, 2016
۲	تنوع ریسک سرمایه‌گذاری	Zaga-Mendez et al, 2021
۳	مقررات قانونی دقیق	Adjemian et al, 2013
۴	آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین	Drechsel, 2019
۵	کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی در مقیاس	Rahdari, 2020
۶	در دسترس بودن اطلاعات	Moskal et al, 2022
۷	بهینه‌سازی استراتژی‌های کلان در تأمین کالاهای اساسی	Rohingya, 2021
۸	مقابله با شوک‌های قیمتی در کالاهای اساسی	Sukmana, 2020
۹	توسعه بازارهای کالایی در زمینه محصولات صادراتی	Jeanneret, 2011
۱۰	کاهش ریسک کالاهای استراتژیک وارداتی	Larson, 2014
۱۱	شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار	Hatami, 2015
ردیف	معایب	منبع
۱	فقدان فرصت برای شخصی‌سازی سبد سرمایه‌گذاری	Sanders et al, 2011
۲	فقدان بازده تضمین شده	Drechsel, 2019
۳	فرصت‌های محدود برای به دست آوردن بازده جاری منظم	Lehecka, 2015
۴	عدم امکان واکنش سریع به شرایط متغیر بازار	Drechsel, 2019
ردیف	چالش‌ها	منبع
۱	نوسانات مبتنی بر بازار	Christensen et al, 2016
۲	بحران‌های سیاسی و غیرسیاسی	Nissanke, 2010

Christensen et al, 2016	محدودیت‌های عرضه کالایی	۳
Sukmana, 2020	استفاده از عرضه کالاها به‌عنوان اهرم فشار توسط کشورهای قدرتمند	۴
Nissanke, 2010	عدم تناسب مبتنی بر نیاز و تقاضا در بازار و توجه صرف به سودآوری	۵
منبع	چالش‌های صندوق‌های کالایی از منظر اقتصاد اسلامی	ردیف
Tuna & Tuna, 2019	تقلید از بازارهای مالی متعارف	۱
Mohamad, 2013	نقدشوندگی	۲
Lehecka, 2015	تقسیم سود و زیان و مشکلات آن	۳
Mohamad, 2013	توجه به امر مسئولیت اجتماعی	۴

۳. روش‌شناسی

روش تحقیق: از آنجایی که این تحقیق کمکی برای مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی جهت شناسایی مزایا، معایب و چالش‌ها از منظر اقتصاد اسلامی است، روش این تحقیق براساس هدف کاربردی است. از حیث روش این تحقیق به دلیل اینکه شرایط یا پدیده‌ها را توصیف می‌کند تحقیق توصیفی است زیرا نتایج عینی از موقعیت گرفته شده و بدون هیچ‌گونه استنتاج ذهنی است. روش تحقیق پیمایشی است زیرا درباره اینکه گروهی از مردم چه می‌دانند، چه فکر می‌کنند یا چه کاری انجام می‌دهند، تحقیق می‌کنیم چون داده‌های موردنظر از طریق نمونه‌گیری از جامعه برای بررسی توزیع ویژگی‌های جامعه آماری انجام می‌شود پیمایشی بوده که به شیوه مقطعی صورت می‌پذیرد و متغیرهای تحقیق از طریق پرسشنامه اندازه‌گیری شده است.

متغیرهای تحقیق:

جدول (۳): متغیرهای تحقیق

نماد	معیار	زیرمعیار
SO1	مزایا	مدیریت حرفه‌ای سرمایه

نماد	معیار	زیر معیار
		متنوع سازی ریسک
		نظارت و مقررات دقیق
		آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین
		کاهش هزینه از طریق صرفه جویی در مقیاس
		در دسترس بودن اطلاعات
		بهینه سازی راهبردهای کلان در تأمین کالاها
		مقابله با شوک های قیمتی کالاها
		توسعه بازارهای کالایی در زمینه محصولات صادراتی
		کاهش ریسک کالاهای استراتژیک وارداتی
		شناخت نیازمندی ها مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار
		نقدشوندگی (ورود و خروج آسان)
		دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)
		نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل
S02	معایب	مشکلات شخصی سازی سبد سرمایه گذاری
		عدم وجود بازده تضمین شده
		فرصت های محدود برای به دست آوردن بازده جاری منظم
		عدم امکان واکنش سریع به شرایط متغیر بازار
SO3	چالش ها	نوسانات مبتنی بر بازار
		بحران های سیاسی
		محدودیت های عرضه کالایی
		استفاده از عرضه کالاها به عنوان اهرم فشار توسط تولیدکننده هایی که سهم بیشتری از آنها دارند
		عدم تناسب مبتنی بر نیاز و تقاضا در بازار و توجه صرف به سودآوری
		بحران های اقتصادی
S04		عدم ایجاد صندوق در کالاهای اساسی مبتنی بر عدالت اقتصادی

نماد	معیار	زیرمعیار
	چالش‌ها از منظر اقتصاد اسلامی	سفته‌بازی و تأثیر آن بر قیمت کالا در بازار اقتصاد واقعی
		عدم توجه به مسئولیت اجتماعی
		عدم همبستگی کامل با رشد اقتصادی
		عدم خرید واحدهای صندوق توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی کالا

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری این تحقیق کلیه خبرگان، شامل کارشناسان و اساتید دانشگاهی در حوزه علوم اقتصادی و مدیریت هستند. ریزا و وازیلیس^{۱۱} (۱۹۹۸م) معتقد است که تعداد خبرگان برای مطالعات مبتنی بر مقایسه زوجی نباید زیاد باشد و در کل ۵ الی ۱۵ نفر را پیشنهاد می‌کنند. همچنین ساعتی (۲۰۰۲م) نیز تعداد ده نفر از خبرگان را کافی می‌داند (اسماعیل پور و دیگران^{۱۲}، ۲۰۱۴م؛ نصیری و دیگران، ۱۳۹۴). پرسشنامه مقایسات زوجی بین ۱۰ نفر کارشناسان و اساتید دانشگاهی در حوزه علوم اقتصادی و مدیریت توزیع شده است.

قلمرو تحقیق:

- **قلمرو موضوعی:** بررسی نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری کلایی در اقتصاد اسلامی: فرصت‌ها و چالش‌ها است.
- **قلمرو زمانی:** قلمرو زمانی این تحقیق مربوط به اواسط تابستان ۱۴۰۱ تا اواسط زمستان ۱۴۰۱ است.
- **قلمرو مکانی:** قلمرو مکانی آن مربوط به صندوق‌های سرمایه‌گذاری کلایی است.

11. Riza & Vasilis

12. Esmailpour & others

ابزار گردآوری اطلاعات:

- روش کتابخانه‌ای: برای بررسی ادبیات موضوع، مدل و سؤال‌های تحقیق به‌طور عمده از کتاب‌ها، مقاله‌ها و منابع لاتین و فارسی حاصل از جستجو در اینترنت، منابع اطلاعاتی و کتابخانه‌ها استفاده خواهد شد.
- روش میدانی: به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنظر و سنجش متغیرهای تحقیق، از پرسشنامه استفاده شده است. ما در فن فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، به مقایسه زوجی مزایا، معایب، چالش‌ها و چالش‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی از منظر اقتصاد اسلامی می‌پردازیم و دوبه‌دو عوامل مزایا، معایب، چالش‌ها و چالش‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی از منظر اقتصاد اسلامی را ارزیابی می‌کنیم.
- روش پاسخ دادن به پرسش‌ها و الگوی امتیازدهی:

جدول (۴): روش پاسخ دادن به پرسش‌ها و الگوی امتیازدهی:

ارزش	اولویت‌ها	توضیح
۱	ترجیح یکسان	گزینه یا شاخص i نسبت به j اهمیت برابر دارد.
۳	کمی مرجح	گزینه یا شاخص i نسبت به j کمی مهم‌تر است.
۵	خیلی مرجح	گزینه یا شاخص i نسبت به j مهم‌تر دارد.
۷	خیلی زیاد مرجح	گزینه i دارای ارجحیت خیلی بیشتری از j است.
۹	کاملاً مرجح	گزینه i از j مطلقاً مهم‌تر و قابل مقایسه با j نیست.
۲ و ۴ و ۶ و ۸	بینابین	ارزش‌های بین ارزش‌های ترجیحی را نشان می‌دهد مثلاً ۸ بیانگر اهمیتی زیاده‌تر از ۷ و پایین‌تر از ۹ برای i است.

مثال: در مقایسه معیار i با معیار j اگر اهمیت هر دو معیار یکسان بود عدد یک را علامت بزنید. اگر معیار سمت راست مهم‌تر بود به همان اندازه که با اهمیت‌تر است عدد

سمت راست انتخاب شود. مثلاً اگر معیار سمت راست ۳ درجه مهم‌تر بود عدد ۳ سمت راست را علامت بزنید اما اگر عدد سمت چپ مهم‌تر بود عدد سمت چپ را علامت بزنید. دقت کنید فقط عدد یک سمت یعنی سمت آیتمی که مهم‌تر است را علامت بزنید.

جدول (۵): نمونه مقایسات زوجی

معیار i	اولویت‌ها																معیار j
معیار ۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
معیار ۲	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

روش تجزیه و تحلیل: روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق براساس مدل AHP است. در این بخش ضمن توضیح این مدل، چگونگی کاربرد آن نیز در تحقیق حاضر تشریح خواهد شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از نرم افزار آماری Expert Choice و Super Decision استفاده شده است.

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP): فرآیند تحلیل سلسله مراتبی یکی از معروف‌ترین فنون تصمیم‌گیری چند شاخصه است که توسط ساتی^{۱۳} در دهه ۱۹۷۰ میلادی ابداع گردید. این روش هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه و شاخص تصمیم‌گیری روبرو است، می‌تواند مفید باشد. شاخص‌ها می‌توانند کمی یا کیفی باشند.

اساس این روش بر مقایسات زوجی نهفته است. فرآیند رتبه‌بندی و اولویت‌بندی گزینه‌ها در روش AHP دربرگیرنده مراحل به شرح زیر است:

ساخت سلسله مراتبی: در این مرحله مسأله تعریف می‌شود و هدف از تصمیم‌گیری به صورت سلسله مراتبی از عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده تصمیم ترسیم می‌شود. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، نیازمند شکستن مسأله تصمیم با چندین شاخص به سلسله مراتبی از سطوح است. بدین منظور از درخت تصمیم استفاده می‌شود که از چند سطح تشکیل شده است. سطح اول شامل هدف کلی از تصمیم‌گیری است. در سطح دوم معیارهای کلی قرار دارند که تصمیم‌گیری براساس آن‌ها صورت می‌گیرد. در سطح سوم زیرمعیارها قرار می‌گیرند.

مقایسه‌های زوجی: در این مرحله خبرگان مقایسه‌هایی را بین معیارها و زیرمعیارهای تصمیم‌گیری انجام داده و امتیاز آن‌ها را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند. این مقایسه‌ها براساس جدول (۳) کمیتی انجام می‌شود. ارجحیت یک گزینه یا عامل نسبت به خودش مساوی با یک است، لذا اصل معکوس بودن یک عامل نسبت به دیگری و ارجحیت یک برای یک عامل یا گزینه نسبت به خودش، دو خاصیت اصلی ماتریس مقایسه‌ای دوجه‌دویی در فرآیند AHP هستند.

محاسبه وزن نسبی: برای محاسبه وزن نسبی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. از میان این روش‌ها، بیشتر از روش بردار ویژه استفاده شده است، اما در صورتی که ابعاد ماتریس‌ها زیاد باشد، محاسبه مقادیر و بردارهای ویژه طولانی و وقت‌گیر خواهد بود. مگر اینکه از نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای حل آن کمک گرفته شود. به همین دلیل، پروفیسور ساعتی به ارائه چهار روش تقریبی زیر می‌پردازد: ۱- مجموع سطری، ۲- مجموع ستونی، ۳- میانگین حسابی و ۴- میانگین هندسی. در این تحقیق از روش میانگین هندسی استفاده شده است. در این روش برای محاسبه وزن نسبی گزینه‌ها ابتدا

میانگین هندسی سطرهای ماتریس معیار را به دست می‌آوریم و سپس آن‌ها را نرمال می‌نماییم.

وزن نهایی گزینه‌ها: در یک فرآیند سلسله مراتبی وزن نهایی گزینه‌ها از مجموع حاصل ضرب اهمیت معیارها در وزن گزینه‌ها به دست می‌آید. برای اینکار از «اصل ترکیب سلسله مراتبی» که منجر به یک «بردار اولویت» با در نظر گرفتن همه قضاوت‌ها در تمامی سطوح سلسله مراتبی می‌شود، استفاده خواهد شد.

محاسبه مجموع وزنی:

○ گام (۱): محاسبه بردار مجموع وزنی (AW): ماتریس مقایسه زوجی را در بردار ویژه ضرب کنید. بردار جدیدی را که به این طریق به دست می‌آید، بردار مجموع وزنی نامیده می‌شود.

○ گام (۲): محاسبه بردار سازگاری (AW/W): هر عنصر بردار مجموع وزنی را بر عنصر متناظر در بردار ویژه تقسیم کرده، بردار حاصل بردار سازگاری نامیده می‌شود.

○ گام (۳): برآورد λ_{max} : میانگین عناصر بردار سازگاری λ_{max} را به دست می‌دهد. بیشتر مواقع به جای محاسبه λ_{max} از روش تقریبی میانگین هندسی استفاده می‌شود. پارامتر λ مقدار تقریبی λ_{max} است.

○ گام (۴): محاسبه شاخص سازگاری (CI): اگر تعداد عناصر جدول مقایسه زوجی n باشد، شاخص سازگاری از رابطه (۱) به دست می‌آید:

$$\lambda_{max} = \frac{N}{N-1} \quad \text{رابطه (۱)}$$

○ گام (۵): محاسبه شاخص تصادفی: شاخص تصادفی بودن از جدولی مانند جدول (۶) استخراج می‌شود.

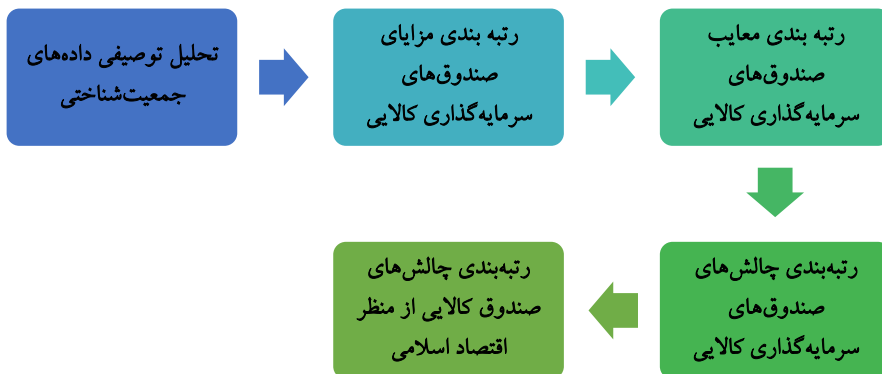
1/5A	10
1/5V	14
1/5B	13
1/5C	12
1/5I	11
1/6A	10
1/6F	9
1/6	8
1/6F	7
1/6F	6
1/10	5
1/AA	4
1/52	3
.	2
.	1
RI	N

$$CR = CI / \text{رابطه (۲):}$$

RI

در این تحقیق به منظور تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است که گام های اجرایی آن مطابق شکل (۱) نشان داده شده است. همان گونه که در شکل (۱) مشاهده می گردد تجزیه و تحلیل داده ها در این مقاله پنج گام اصلی را طی می کند.

در مرحله اول به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیت‌شناختی پرسشنامه شناسایی عوامل، داده‌های جمع‌آوری شده به صورت جدول‌های آمار توصیفی و فراوانی ارائه می‌شود. در مرحله دوم تجزیه و تحلیل، به منظور تحقق هدف پژوهش مبنی بر رتبه‌بندی مزایا، معایب و چالش‌های صندوق کالایی با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مقایسات زوجی، میزان اهمیت هریک از عوامل از طریق نرم افزار Expert Choice تعیین می‌گردد.



شکل (۱): مراحل تجزیه و تحلیل

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۴-۱. آمار توصیفی

• آمار توصیفی خبرگان

○ توصیف اعضای نمونه براساس جنسیت:

جدول (۴) ترکیب (فراوانی) جنسیتی اعضای نمونه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مردان، ۶۰ درصد از حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند، درحالی‌که ۴۰ درصد از حجم نمونه به زنان تعلق دارد.

جدول (۷): ترکیب فراوانی اعضای نمونه براساس جنسیت

جنسیت			
مجموع	مرد	زن	
۱۰	۶	۴	فراوانی
۱۰۰	۶۰	۴۰	درصد

○ توصیف اعضای نمونه براساس گروه‌های سنی:

جدول (۸) ترکیب فراوانی اعضای نمونه براساس گروه‌های سنی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود از بین افراد نمونه بیشترین میزان مشارکت مربوط به سن بالای ۴۰ سال با میزان مشارکت برابر با ۶۰ درصد بوده است.

جدول (۸): ترکیب فراوانی اعضای نمونه براساس گروه‌های سنی

گروه‌های سنی			
مجموع	بیش از ۴۰ سال	کمتر از ۴۰ سال	
۱۰	۶	۴	فراوانی
۱۰۰	۶۰	۴۰	درصد

○ توصیف اعضای نمونه براساس سابقه شغلی:

جدول (۹) ترکیب فراوانی اعضای نمونه براساس سابقه شغلی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد ۴ نفر دارای سابقه شغلی زیر ۱۰ سال و ۶ نفر دارای سابقه شغلی بالای ۱۰ سال بوده است.

جدول (۹): ترکیب فراوانی اعضای نمونه براساس سابقه شغلی

سابقه شغلی			
مجموع	بیش از ۱۰ سال	کمتر از ۱۰ سال	
۱۰	۶	۴	فراوانی
۱۰۰	۶۰	۴۰	درصد

○ مشخصات نمونه آماری از لحاظ تحصیلات:

سطح تحصیلات نمونه نیز در جدول (۱۰) خلاصه شده و همان‌طور که مشاهده می‌شود ۶۰ درصد نمونه در مقطع دکترا و ۴۰ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند.

جدول (۱۰): مشخصات نمونه آماری از لحاظ تحصیلات

فراوانی	درصد فراوانی	
۴	۴۰	کارشناسی ارشد
۶	۶۰	دکترا
۱۰	۱۰۰	مجموع

۴-۲. رتبه‌بندی مزایای صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی

در گام نخست، مدل سلسله مراتبی موردنیاز برای فرآیند تحلیل سلسله مراتبی براساس ۱۴ عامل تأییدشده در جدول (۱۱) ایجاد گردید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مدل، دولایه به‌صورت سلسله مراتبی وجود دارد. لایه یا سطح اول، گرهی هدف نامیده می‌شود که تنها یک‌بار ظاهرشده و در بالاترین سطح درخت قرار گرفته است. گره هدف مزایای صندوق کالایی است. گره‌های سطح دوم، گزینه‌های تصمیم برای سطح اول هستند. نحوه اتصال گره‌ها در درخت به این صورت است که هر گره سطح بالاتر به کلیه گره‌های یک سطح پایین‌تر خود که به نحوی مربوط به موضوع گره سطح بالاتر می‌شوند، متصل شده است. لازم به ذکر است که تعیین و نام‌گذاری معیارهای سطح دوم و تخصیص عوامل به این معیارها براساس نظرات جمعی از کارشناسان مورد مطالعه انجام شده است.

جدول (۱۱): مدل سلسله مراتبی معیارها و زیرمعیارهای تحقیق

مزایای صندوق کالایی
مدیریت حرفه‌ای سرمایه
متنوع‌سازی ریسک
نظارت و مقررات دقیق
آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین
کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی در مقیاس
در دسترس بودن اطلاعات
بهینه‌سازی استراتژی‌های کلان در تأمین کالاها
مقابله با شوک‌های قیمتی کالاها
توسعه بازارهای کالایی در زمینه محصولات صادراتی
کاهش ریسک کالاهای استراتژیک وارداتی
شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار
نقدشوندگی (ورود و خروج آسان)
دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)

مزایای صندوق کالایی
نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در این مرحله، هریک از عوامل زیرمجموعه گره‌های سطح دوم با یکدیگر و به‌صورت زوجی توسط هر یک از خبرگان به‌صورت انفرادی مقایسه شد. این مقایسه به‌منظور تعیین اهمیت نسبی عوامل انجام می‌گردد. لازم به ذکر است داده‌های لازم برای تشکیل ماتریس‌ها از طریق پرسشنامه مورد مطالعه گردآوری شده است. در این مقاله به‌منظور افزایش دقت و صحت نتایج از نرم‌افزار Expert Choice نسخه ۱۱ برای تشکیل ماتریس‌ها و محاسبه نرخ سازکاری استفاده شده است. جدول (۱۲)، ماتریس مقایسه زوجی را براساس نظرات خبرگان نشان می‌دهند.

جدول (۱۲): ماتریس مقایسه زوجی مزایا

مدیریت حرفه‌ای سرمایه	۱.۰۰۰	مدیریت حرفه‌ای سرمایه
متنوع‌سازی ریسک	۰.۱۴۳	متنوع‌سازی ریسک
متنوع‌سازی ریسک	۷.۰۰۰	متنوع‌سازی ریسک
نظارت و مقررات دقیق	۷.۰۰۰	نظارت و مقررات دقیق
آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین	۷.۰۰۰	آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین
کاهش هزینه از طریق صرف‌جویی	۸.۰۰۰	کاهش هزینه از طریق صرف‌جویی
در دسترس بودن اطلاعات	۸.۰۰۰	در دسترس بودن اطلاعات
بهینه‌سازی راهبردهای کلان در	۸.۰۰۰	بهینه‌سازی راهبردهای کلان در
مقابلۀ با شوک‌های قیمتی کالاها	۷.۰۰۰	مقابلۀ با شوک‌های قیمتی کالاها
توسعه بازارهای کالایی در زمینه	۸.۰۰۰	توسعه بازارهای کالایی در زمینه
کاهش ریسک کالاهای استراتژیک	۷.۰۰۰	کاهش ریسک کالاهای استراتژیک
شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه	۷.۰۰۰	شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه
نقدشوندگی (وود و خروج آسان)	۴.۰۰۰	نقدشوندگی (وود و خروج آسان)
(کمک به تعامل بازار)	۶.۰۰۰	(کمک به تعامل بازار)
دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت	۶.۰۰۰	دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت
نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل	۸.۰۰۰	نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل

نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل	۳۰.۰۰۰	۶۰.۰۰۰	۰.۱۴۲	۰.۱۲۵
دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)	۱۰.۰۰۰	۰.۱۴۲	۰.۱۶۶	۰.۱۱۱
تقدشوندگی (ورود و خروج آسان)	۰.۵۰۰	۰.۱۲۵	۰.۱۶۶	۰.۱۶۶
شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه	۳۰.۰۰۰	۰.۱۲۵	۱۶۶.۰۰۰	۰.۱۴۲
کاهش ریسک کالاهای استراتژیک	۰.۲۵۰	۰.۱۴۲	۰.۱۶۶	۰.۱۶۶
توسعه بازارهای کالایی در زمینه	۰.۲۵۰	۰.۱۶۶	۰.۲۰۰	۰.۲۰۰
مقابله با شوک‌های قیمتی کالاها	۰.۲۵۰	۰.۲۰۰	۲.۰۰۰	۰.۲۰۰
بهینه‌سازی راهبردهای کلان در	۰.۵۰۰	۰.۲۰۰	۰.۵۰۰	۰.۲۰۰
در دسترس بودن اطلاعات	۵۰.۰۰۰	۰.۳۳۰	۰.۵۰۰	۱.۰۰۰
کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی	۰.۲۵۰	۰.۳۳۰	۱.۰۰۰	۲.۰۰۰
آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین	۴۰.۰۰۰	۱.۰۰۰	۳.۰۳۰	۳.۰۳۰
نظارت و مقررات دقیق	۱۰.۰۰۰	۰.۲۵۰	۴.۰۰۰	۰.۲۰۰
متنوع‌سازی ریسک	۰.۲۵۰	۰.۲۰۰	۰.۲۰۰	۰.۱۴۳
مدیریت حرفه‌ای سرمایه	۰.۱۴۳	۰.۱۴۳	۰.۱۲۵	۰.۱۲۵
نظارت و مقررات دقیق	آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین	کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی در مقیاس	در دسترس بودن اطلاعات	

نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل	۶.۰۰۰		
دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)	۰.۱۴۲		
تقلیدشوندگی (ورود و خروج آسان)	۰.۱۴۲		
شناخت نیازمندی‌های مبتنی بر عرضه	۰.۱۲۵		
کاهش ریسک کالاهای استراتژیک	۰.۱۴۲		
توسعه بازارهای کالایی در زمینه	۰.۱۴۲		
مقابله با شوک‌های قیمتی کالاهای	۰.۱۴۲		
بهینه‌سازی راهبردهای کلان در	۱.۰۰۰		
در دسترس بودن اطلاعات	۵.۰۰۰		
کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی	۲.۰۰۰		
آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین	۵.۰۰۰		
نظارت و مقررات دقیق	۲.۰۰۰		
متنوع‌سازی ریسک	۰.۱۴۳		
مدیریت حرفه‌ای سرمایه	۰.۱۲۵		
بهینه‌سازی راهبردهای کلان در تأمین کالاهای	مقابله با شوک‌های قیمتی کالاهای	توسعه بازارهای کالایی در زمینه محصولات صادراتی	

نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۷۰۰۰
دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)	۰.۱۴۲	۰.۱۴۲	۱.۰۰۰
تقدشوندگی (ورود و خروج آسان)	۰.۱۴۲	۰.۱۴۲	۱.۰۰۰
شناخت نیازمندی‌های مبتنی بر عرضه	۴.۰۰۰	۱.۰۰۰	۷.۰۴۲
کاهش ریسک کالاهای استراتژیک	۱.۰۰۰	۰.۲۵۰	۷.۰۴۲
توسعه بازارهای کالایی در زمینه	۱.۰۰۰	۰.۲۵۰	۰.۲۵۰
مقابله با شوک‌های قیمتی کالاهای	۶.۰۲۴	۷.۰۴۲	۶.۰۲۴
بهینه‌سازی راهبردهای کلان در	۷.۰۴۲	۸.۰۰۰	۷.۰۴۲
در دسترس بودن اطلاعات	۶.۰۲۴	۷.۰۴۲	۶.۰۲۴
کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی	۶.۰۲۴	۰.۰۰۶	۶.۰۲۴
آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین	۷.۰۴۲	۸.۰۰۰	۸.۰۰۰
نظارت و مقررات دقیق	۴.۰۰۰	۰.۳۳۳	۷.۰۰۰
متنوع‌سازی ریسک	۰.۱۲۵	۰.۱۱۱	۰.۳۳۳
مدیریت حرفه‌ای سرمایه	۰.۱۴۳	۰.۱۴۳	۰.۲۵۰
کاهش ریسک کالاهای استراتژیک و ارداتی شناخت نیازمندی‌های مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار			
تقدشوندگی (ورود و خروج آسان)			

نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل	۵.۰۰۰	
دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)	۱.۰۰۰	
نقدشوندگی (ورود و خروج آسان)	۱.۰۰۰	
شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه	۷.۰۴۲	
کاهش ریسک کالاهای استراتژیک	۷.۰۴۲	
توسعه بازارهای کالایی در زمینه	۰.۲۵۰	
مقابله با شوک‌های قیمتی کالاها	۷.۰۴۲	
بهینه‌سازی راهبردهای کلان در	۷.۰۴۲	
در دسترس بودن اطلاعات	۹.۰۰۹	
کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی	۶.۰۳۴	
آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین	۷.۰۴۲	
نظارت و مقررات دقیق	۱.۰۰۰	
متنوع‌سازی ریسک	۰.۲۵۰	
مدیریت حرفه‌ای سرمایه	۰.۱۶۷	
دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)	نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل	۱.۰۰۰
	۰.۲۰۰	
	۰.۱۴۳	
	۰.۲۰۰	
	۰.۲۰۰	
	۰.۲۵۰	
	۰.۱۲۵	
	۰.۱۶۷	
	۸.۰۰۰	
	۷.۰۴۲	
	۰.۱۶۷	
	۰.۳۳۳	
	۰.۱۴۳	
	۰.۱۲۵	

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در این مقاله، محدوده قابل قبول ناسازگاری مقدار کمتر از ۰.۱ است. براساس رابطه C.I مقدار به دست آمده سازگاری برای ماتریس مزایای صندوق برابر با ۰.۰۳۱۲ می‌باشد که نشان‌دهنده سازگاری است. نتایج ماتریس نرمال شده و وزن معیار هر یک از مؤلفه‌ها در جدول (۱۳) آورده شده است.

جدول (۱۳): ماتریس نرمال معیارها

وزن معیار	۰.۳۳۴	۰.۱۴۱	۰.۳۳۰	۰.۱۱۶
نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل	۰.۱۲۳	۰.۱۰۷	۰.۰۴۶	۰.۰۹۲
حارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)	۰.۳۳۰	۰.۲۲۰	۰.۰۵۵	۰.۰۰۸
تقدشوندگی (ورود و خروج آسان)	۰.۲۷۲	۰.۲۰۴	۰.۳۳۴	۰.۰۰۹
شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار	۰.۰۳۴	۰.۰۴۳	۰.۰۱۴	۰.۰۰۱
کاهش ریسک کالاهای استراتژیک وارداتی	۰.۲۱۵	۰.۲۴۶	۰.۰۰۸	۰.۰۰۴
توسعه بازارهای کالایی در زمینه محصولات صادراتی	۰.۴۱۹	۰.۳۶۷	۰.۰۱۳	۰.۰۰۹
مقابله با شوک‌های قیمتی کالاها	۰.۱۳۴	۰.۱۳۴	۰.۰۰۵	۰.۰۰۴
بهینه‌سازی استراتژی‌های کلان در تأمین کالاها	۰.۱۳۲	۰.۱۱۵	۰.۰۰۸	۰.۰۰۳
در دسترس بودن اطلاعات	۰.۱۱۰	۰.۰۹۶	۰.۰۶۹	۰.۰۰۵
کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی در مقیاس	۰.۱۶۳	۰.۱۰۲	۰.۰۰۵	۰.۰۰۷
آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین	۰.۱۰۱	۰.۰۷۲	۰.۰۵۸	۰.۰۱۴
نظارت و مقررات دقیق	۰.۲۰۵	۰.۱۱۷	۰.۰۲۹	۰.۰۰۷
متنوع‌سازی ریسک	۰.۶۸۷	۰.۰۹۸	۰.۰۲۵	۰.۰۲۰
مدیریت حرفه‌ای سرمایه	۰.۳۴۵	۰.۰۴۹	۰.۰۴۹	۰.۰۴۹
مدیریت حرفه‌ای سرمایه متنوع‌سازی ریسک			نظارت و مقررات دقیق	آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین

۰.۰۴۴	۰.۰۳۱	۰.۰۱۵	۰.۰۸۱
۰.۱۶۳	۰.۰۹۲	۰.۰۰۲	۰.۰۰۲
۰.۰۰۸	۰.۰۰۸	۰.۰۰۶	۰.۰۰۹
۰.۰۱۱	۰.۰۱۰	۰.۰۱۱	۰.۰۱۱
۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۷۹۵
۰.۰۰۵	۰.۰۰۴	۰.۰۰۵	۰.۰۰۵
۰.۰۰۷	۰.۰۰۷	۰.۰۱۰	۰.۰۱۰
۰.۰۱۹	۰.۰۰۳	۰.۰۰۴	۰.۰۳۸
۰.۱۱۶	۰.۰۱۶	۰.۰۰۳	۰.۰۰۸
۰.۰۶۹	۰.۰۶۹	۰.۰۱۴	۰.۰۰۷
۰.۰۱۰	۰.۰۴۱	۰.۰۴۱	۰.۰۲۰
۰.۰۷۲	۰.۰۷۲	۰.۰۴۴	۰.۰۴۴
۰.۱۱۷	۰.۰۵۹	۰.۰۰۶	۰.۱۱۷
۰.۰۱۴	۰.۰۱۴	۰.۰۱۴	۰.۰۲۰
۰.۰۴۹	۰.۰۴۳	۰.۰۴۳	۰.۰۴۳
مقابله با شوک‌های قیمتی کالاهای	بهبودسازی راهبردهای کلان در تأمین کالاهای	در دسترس بودن اطلاعات	کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی در مقیاس

۰۰۸۷	۰۰۴۸	۰۰۶۵	۰۰۹۷
۰۱۰۷	۰۰۷۷	۰۰۷۷	۰۰۶۱
۰۰۵۵	۰۰۰۸	۰۰۰۸	۰۰۲۰
۰۰۶۸	۰۰۱۰	۰۰۱۰	۰۰۲۲
۰۰۳۴	۰۰۰۵	۰۰۱۹	۰۰۱۹
۰۰۲۶	۰۰۰۸	۰۰۳۱	۰۰۳۱
۰۰۱۳	۰۰۱۳	۰۰۵۲	۰۰۵۲
۰۰۱۶	۰۰۳۵	۰۰۱۶	۰۰۵۴
۰۰۱۶	۰۰۳۲	۰۰۱۶	۰۰۱۶
۰۰۸۳	۰۰۹۷	۰۰۸۳	۰۰۶۹
۰۰۲۲	۰۰۰۰	۰۰۲۲	۰۰۰۲
۰۰۱۵	۰۰۱۵	۰۰۰۲	۰۰۸۷
۰۰۵۹	۰۰۱۰	۰۰۱۷	۰۰۱۷
۰۰۳۳	۰۰۱۱	۰۰۱۲	۰۰۱۴
۰۰۸۶	۰۰۴۹	۰۰۴۹	۰۰۴۳
نقدشوندگی (ورود و خروج آسان)	شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار	کاهش ریسک کالاهای استراتژیک وارداتی	توسعه بازارهای کالایی در زمینه محصولات صادراتی

دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)	۰.۰۵۷
نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل	۰.۰۴۳
	۰.۰۲۵
	۰.۰۲۹
	۰.۰۱۰
	۰.۰۰۲
	۰.۱۴۳
	۰.۱۱۰
	۰.۰۰۲
	۰.۰۱۳
	۰.۲۱۶
	۰.۰۳۴
	۰.۰۶۸
	۰.۰۵۵
	۰.۰۷۷
	۰.۰۸۴
	۰.۰۲۷

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۳-۴. رتبه‌بندی معایب صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی

در گام نخست، مدل سلسله مراتبی موردنیاز برای فرآیند تحلیل سلسله مراتبی براساس ۴ عامل تأییدشده در بخش قبل ایجاد گردید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مدل، دولایه به‌صورت سلسله مراتبی وجود دارد. لایه یا سطح اول، گرهی هدف نامیده می‌شود که تنها یک‌بار ظاهر شده و در بالاترین سطح درخت قرار گرفته است. گره هدف معایب صندوق کالایی است. گره‌های سطح دوم، گزینه‌های تصمیم برای سطح اول هستند. نحوه اتصال گره‌ها در درخت به این صورت است که هر گره سطح بالاتر به کلیه گره‌های یک سطح پایین‌تر خود که به نحوی مربوط به موضوع گره سطح بالاتر می‌شوند، متصل شده است. لازم به ذکر است که تعیین و نام‌گذاری معیارهای سطح دوم و تخصیص عوامل به این معیارها براساس نظرات جمعی از کارشناسان مورد مطالعه انجام شده است.



شکل (۳): مدل سلسله مراتبی معایب صندوق کالایی
منبع: (یافته‌های تحقیق)

در این مرحله، هر یک از عوامل زیرمجموعه گره‌های سطح دوم با یکدیگر و به صورت زوجی توسط هریک از خبرگان به صورت انفرادی مقایسه شد. این مقایسه به منظور تعیین اهمیت نسبی عوامل انجام می‌گردد. جدول (۱۴) ماتریس‌های مقایسه زوجی را براساس نظرات خبرگان نشان می‌دهند.

جدول (۱۴): ماتریس مقایسه زوجی معایب صندوق کالایی

مشکلات شخصی سازی سبد سرمایه گذاری	عدم وجود بازده تضمین شده	فرصت‌های محدود برای به دست آوردن بازده جاری منظم	عدم امکان واکنش سریع به شرایط متغیر بازار
۱.۰۰۰	۰.۱۴۳	۰.۱۴۳	۰.۱۶۶

عدم وجود بازده تضمین شده	۶.۹۹۳	۱.۰۰۰	۵.۰۰۰	۰.۱۶۶
فرصت های محدود برای به دست آوردن بازده جاری منظم	۶.۹۹۳	۰.۲۰۰	۱.۰۰۰	۷.۰۰۰
عدم امکان واکنش سریع به شرایط متغیر بازار	۶.۰۲۴	۶.۰۲۴	۰.۱۴۳	۱.۰۰۰

منبع: (یافته های تحقیق)

در این مقاله، محدوده قابل قبول ناسازگاری مقدار کمتر از ۰.۱ است. براساس رابطه C.I مقدار به دست آمده سازگاری برای ماتریس مزایای صندوق برابر با ۰.۰۱۱۴ می باشد که نشان دهنده سازگاری است. نتایج ماتریس نرمال شده و وزن معیار هریک از مؤلفه ها در جدول (۱۵) آورده شده است.

جدول (۱۵): ماتریس نرمال معیارها

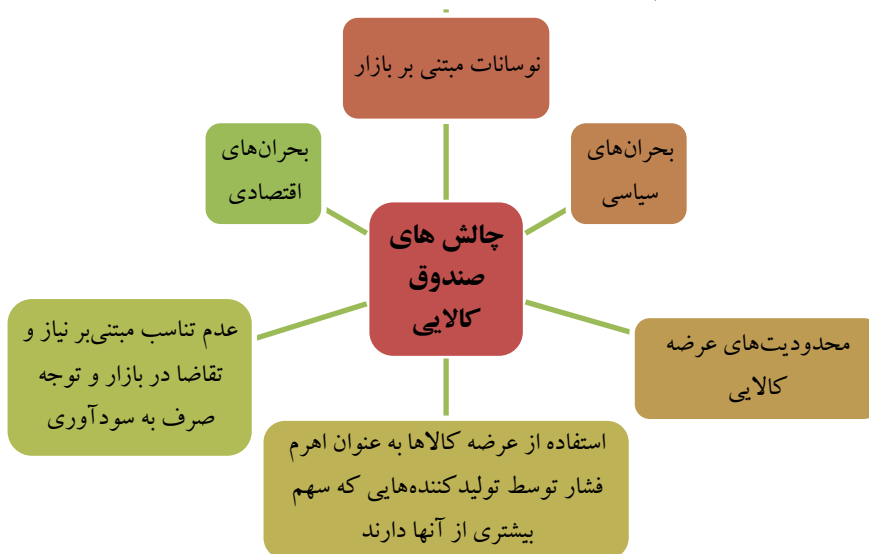
مشکلات شخصی سازی سبد سرمایه گذاری	عدم وجود بازده تضمین شده	فرصت های محدود برای به دست آوردن بازده جاری منظم	عدم امکان واکنش سریع به شرایط متغیر بازار	وزن معیار
مشکلات شخصی سازی سبد سرمایه گذاری	۰.۰۴۸	۰.۰۱۹	۰.۰۲۳	۰.۰۲۷
عدم وجود بازده تضمین شده	۰.۳۳۳	۰.۱۳۶	۰.۷۹۵	۰.۳۲۱
فرصت های محدود برای به دست آوردن بازده جاری منظم	۰.۳۳۳	۰.۰۲۷	۰.۱۵۹	۰.۳۴۰

عدم امکان واکنش سریع به شرایط متغیر بازار	۰.۲۸۷	۰.۸۱۸	۰.۰۲۳	۰.۱۲۰	۰.۳۱۲
---	-------	-------	-------	-------	-------

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۴-۴. رتبه‌بندی چالش‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی

در گام نخست، مدل سلسله مراتبی مورد نیاز برای فرآیند تحلیل سلسله مراتبی براساس ۶ عامل تأییدشده در بخش قبل ایجاد گردید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مدل، دولایه به صورت سلسله مراتبی وجود دارد. لایه یا سطح اول، گرهی هدف نامیده می‌شود که تنها یک بار ظاهر شده و در بالاترین سطح درخت قرار گرفته است. گره هدف چالش‌های صندوق کالایی است. گره‌های سطح دوم، گزینه‌های تصمیم برای سطح اول هستند. نحوه اتصال گره‌ها در درخت به این صورت است که هر گره سطح بالاتر به کلیه گره‌های یک سطح پایین‌تر خود که به نحوی مربوط به موضوع گره سطح بالاتر می‌شوند، متصل شده است. لازم به ذکر است که تعیین و نام‌گذاری معیارهای سطح دوم و تخصیص عوامل به این معیارها براساس نظرات جمعی از کارشناسان مورد مطالعه انجام شده است.



شکل (۴): مدل سلسله مراتبی چالش‌های صندوق کالایی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در این مرحله، هریک از عوامل زیرمجموعه گره‌های سطح دوم با یکدیگر و به صورت زوجی توسط هریک از خبرگان به صورت انفرادی مقایسه شد. این مقایسه به منظور تعیین اهمیت نسبی عوامل انجام می‌گردد. جدول (۱۶) ماتریس‌های مقایسه زوجی را براساس نظرات خبرگان نشان می‌دهند.

جدول (۱۶): ماتریس مقایسه زوجی چالش‌های صندوق کالایی

نوسانات مبتنی بر بازار	بحران‌های سیاسی	محدودیت‌های عرضه کالایی	استفاده از عرضه کالاها به عنوان اهرم فشار توسط تولیدکننده‌هایی که سهم بیشتری از آن‌ها دارند	عدم تناسب مبتنی بر نیاز و تقاضا در بازار و توجه صرف به سودآوری	بحران‌های اقتصادی
نوسانات مبتنی بر بازار	۱.۰۰۰	۸.۰۰۰	۸.۰۰۰	۷.۰۰۰	۷.۰۰۰
بحران‌های سیاسی	۰.۱۲۵	۱.۰۰۰	۹.۰۰۰	۸.۰۰۰	۸.۰۰۰
محدودیت‌های عرضه کالایی	۰.۱۲۵	۰.۱۱۱	۱.۰۰۰	۰.۱۶۶	۰.۱۲۵
استفاده از عرضه کالاها به عنوان اهرم فشار توسط تولیدکننده‌هایی که سهم بیشتری از آن‌ها دارند	۰.۱۲۵	۰.۱۲۵	۶.۰۲۴	۱.۰۰۰	۰.۱۴۳
عدم تناسب مبتنی بر نیاز و	۰.۱۴۳	۰.۱۲۵	۶.۰۲۴	۶.۰۲۴	۱.۰۰۰

						تقاضا در بازار و توجه صرف به سودآوری
۱.۰۰۰	۸.۰۰۰	۷.۰۰۰	۸.۰۰۰	۰.۱۲۵	۰.۱۴۳	بحران‌های اقتصادی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در این مقاله، محدوده قابل قبول ناسازگاری مقدار کمتر از ۰.۱ است. براساس رابطه C.I مقدار به‌دست‌آمده سازگاری برای ماتریس مزایای صندوق برابر با ۰.۰۵۱ است که نشان‌دهنده سازگاری است. نتایج ماتریس نرمال شده و وزن معیار هر یک از مؤلفه‌ها در جدول (۱۷) آورده شده است.

جدول (۱۷): ماتریس نرمال معیارها

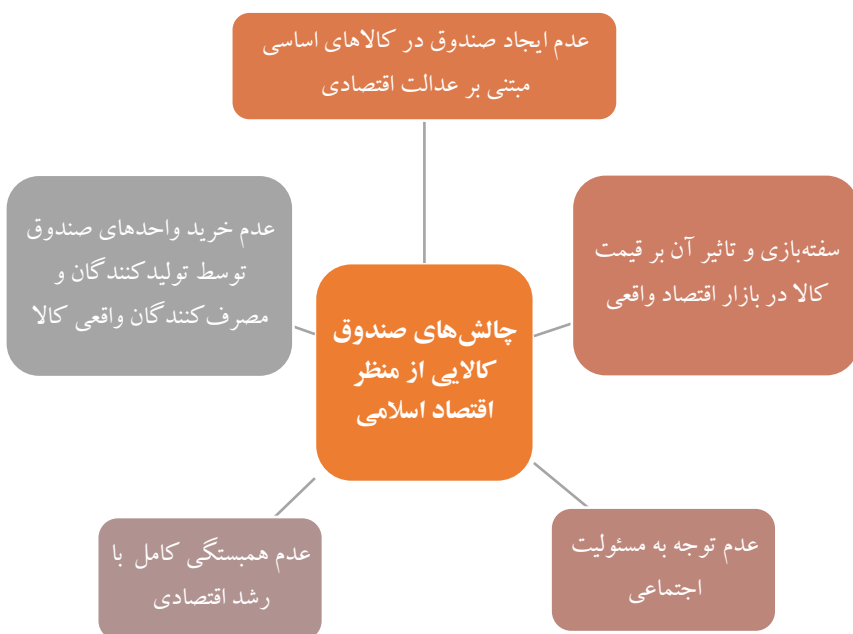
وزن معیار	بحران‌های اقتصادی	عدم تناسب مبتنی بر نیاز و تقاضا در بازار و توجه صرف به سودآوری	استفاده از عرضه کالاها به‌عنوان اهرم فشار توسط تولیدکننده‌هایی که سهم بیشتری از آن‌ها دارند	محدودیت‌های عرضه کالایی	بحران‌های سیاسی	نوسانات مبتنی بر بازار
۰.۴۳۹	۰.۴۲۷	۰.۲۸۸	۰.۲۶۵	۰.۲۱۰	۰.۸۴۳	نوسانات مبتنی بر بازار
۰.۲۵۰	۰.۴۸۸	۰.۳۲۹	۰.۲۶۵	۰.۲۳۷	۰.۱۰۵	بحران‌های سیاسی
۰.۰۲۲	۰.۰۰۸	۰.۰۰۷	۰.۰۰۵	۰.۰۲۶	۰.۰۱۲	محدودیت‌های عرضه کالایی
۰.۰۴۹	۰.۰۰۹	۰.۰۰۷	۰.۰۳۳	۰.۱۵۸	۰.۰۱۳	استفاده از عرضه کالاها به‌عنوان اهرم فشار توسط

							تولیدکننده‌هایی که سهم بیشتری از آن‌ها دارند
۰.۰۸۴	۰.۰۰۸	۰.۰۴۱	۰.۲۰۰	۰.۱۵۸	۰.۰۱۳	۰.۰۸۶	عدم تناسب مبتنی بر نیاز و تقاضا در بازار و توجه صرف به سودآوری
۰.۱۵۵	۰.۰۶۱	۰.۳۲۹	۰.۲۳۲	۰.۲۱۰	۰.۰۱۳	۰.۰۸۶	بحران‌های اقتصادی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۴-۵. رتبه‌بندی چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی

در گام نخست، مدل سلسله مراتبی موردنیاز برای فرآیند تحلیل سلسله مراتبی براساس ۵ عامل تأییدشده در بخش قبل ایجاد گردید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مدل، دولایه به‌صورت سلسله مراتبی وجود دارد. لایه یا سطح اول، گرهی هدف نامیده می‌شود که تنها یک‌بار ظاهرشده و در بالاترین سطح درخت قرار گرفته است. گره هدف چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی است. گره‌های سطح دوم، گزینه‌های تصمیم برای سطح اول هستند. نحوه اتصال گره‌ها در درخت به این صورت است که هر گره سطح بالاتر به کلیه گره‌های یک سطح پایین‌تر خود که به نحوی مربوط به موضوع گره سطح بالاتر می‌شوند، متصل شده است. لازم به ذکر است که تعیین و نام‌گذاری معیارهای سطح دوم و تخصیص عوامل به این معیارها براساس نظرات جمعی از کارشناسان مورد مطالعه انجام شده است.



شکل (۵): مدل سلسله مراتبی چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی
منبع: (یافته‌های تحقیق)

در این مرحله، هریک از عوامل زیرمجموعه گره‌های سطح دوم با یکدیگر و به‌صورت زوجی توسط هر یک از خبرگان به‌صورت انفرادی مقایسه شد. این مقایسه به‌منظور تعیین اهمیت نسبی عوامل انجام می‌گردد. جدول (۱۸) ماتریس‌های مقایسه زوجی را براساس نظرات خبرگان نشان می‌دهند.

جدول (۱۸): ماتریس مقایسه زوجی چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی

عدم ایجاد صندوق در کالاهای اساسی مبتنی بر عدالت اقتصادی	سفته‌بازی و تأثیر آن بر قیمت کالا در بازار اقتصاد واقعی	عدم توجه به مسئولیت اجتماعی	عدم همبستگی کامل با رشد اقتصادی	عدم خرید واحدهای صندوق توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی کالا
عدم ایجاد صندوق در کالاهای اساسی مبتنی بر عدالت اقتصادی	۰.۱۲۵	۹.۰۰۰	۹.۰۰۰	۹.۰۰۰
سفته‌بازی و تأثیر آن بر قیمت کالا در بازار اقتصاد واقعی	۸.۰۰۰	۹.۰۰۰	۹.۰۰۰	۹.۰۰۰
عدم توجه به مسئولیت اجتماعی	۰.۱۱۱	۱.۰۰۰	۰.۱۲۵	۰.۱۱۱
عدم همبستگی کامل با رشد اقتصادی	۰.۱۱۱	۸.۰۰۰	۱.۰۰۰	۰.۱۲۵
عدم خرید واحدهای صندوق توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی کالا	۰.۱۱۱	۹.۰۰۰	۸.۰۰۰	۱.۰۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در این مقاله، محدوده قابل قبول ناسازگاری مقدار کمتر از ۰.۱ است. براساس رابطه C.I مقدار به دست آمده سازگاری برای ماتریس مزایای صندوق برابر با ۰.۰۴۶۱ است که

نشان‌دهنده سازگاری است. نتایج ماتریس نرمال شده و وزن معیار هر یک از مؤلفه‌ها در جدول (۱۹) آورده شده است.

جدول (۱۹): ماتریس نرمال معیارها

وزن معیار	عدم خرید واحدهای صندوق توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی کالا	عدم همبستگی کامل با رشد اقتصادی	عدم توجه به مسئولیت اجتماعی	سفته‌بازی و تأثیر آن بر قیمت کالا در بازار اقتصاد واقعی	عدم ایجاد صندوق در کالاهای اساسی مبتنی بر عدالت اقتصادی
۰.۲۴۹	۰.۴۶۸	۰.۳۳۲	۰.۲۵۰	۰.۰۸۶	عدم ایجاد صندوق در کالاهای اساسی مبتنی بر عدالت اقتصادی
۰.۵۱۹	۰.۴۶۸	۰.۳۳۲	۰.۲۵۰	۰.۶۸۶	سفته‌بازی و تأثیر آن بر قیمت کالا در بازار اقتصاد واقعی
۰.۰۲۵	۰.۰۰۶	۰.۰۰۵	۰.۰۲۸	۰.۰۷۶	عدم توجه به مسئولیت اجتماعی
۰.۰۷۱	۰.۰۰۶	۰.۰۳۷	۰.۲۲۲	۰.۰۷۶	عدم همبستگی کامل با رشد اقتصادی
۰.۱۳۷	۰.۰۵۲	۰.۲۹۵	۰.۲۵۰	۰.۰۷۶	عدم خرید واحدهای صندوق توسط تولیدکنندگان و

						مصرف کنندگان
						واقعی کالا

منبع: (یافته های تحقیق)

نتیجه گیری

صندوق های سرمایه گذاری کالایی را می توان به عنوان صندوق های سرمایه گذاری با ریسک مشخص که در بازار سرمایه معامله می شوند، تعریف کرد که هدف آن ها دستیابی به سطح مشخصی از عملکرد در مقایسه با یک معیار است.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی مزایا، معایب و چالش های صندوق سرمایه گذاری کالایی از منظر اقتصاد اسلامی و از منظر اقتصاد کلان مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش به بیان نتایج تحقیق پرداخته می شود.

رتبه بندی نهایی مزایای صندوق های کالایی در جدول (۲۰) آورده شده است. نتایج به دست آمده نشان دهنده اهمیت بالای مدیریت حرفه ای سرمایه با وزن ۰.۲۳۴ است که در رتبه اول مزایای صندوق کالایی قرار گرفته است. پس از آن متنوع سازی ریسک، توسعه بازارهای کالایی در زمینه محصولات صادراتی، نقدشوندگی (ورود و خروج آسان)، دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)، کاهش هزینه از طریق صرفه جویی در مقیاس، کاهش ریسک کالاهای استراتژیک وارداتی، شناخت نیازمندی ها مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار، مقابله با شوک های قیمتی کالاها، بهینه سازی استراتژی های کلان در تأمین کالاها، نظارت و مقررات دقیق، نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل، آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین و در دسترس بودن اطلاعات به ترتیب در رتبه های دوم تا چهاردهم قرار گرفته اند. بنا بر نتایج به دست آمده کم اهمیت ترین مزیت در دسترس بودن اطلاعات است.

جدول (۲۰): رتبه مزایای صندوق کالایی

رتبه اهمیت	وزن معیار	مزایای صندوق کالایی
۱	۰.۲۳۴	مدیریت حرفه‌ای سرمایه
۲	۰.۱۴۱	متنوع‌سازی ریسک
۳	۰.۰۹۷	توسعه بازارهای کالایی در زمینه محصولات صادراتی
۴	۰.۰۸۷	نقدشوندگی (ورود و خروج آسان)
۵	۰.۰۸۴	دارای بازارگردان جهت حفظ قیمت (کمک به تعادل بازار)
۶	۰.۰۸۱	کاهش هزینه از طریق صرفه‌جویی در مقیاس
۷	۰.۰۶۵	کاهش ریسک کالاهای استراتژیک وارداتی
۸	۰.۰۴۸	شناخت نیازمندی‌ها مبتنی بر عرضه و تقاضای بازار
۹	۰.۰۴۴	مقابله با شوک‌های قیمتی کالاها
۱۰	۰.۰۳۱	بهینه‌سازی راهبردهای کلان در تأمین کالاها
۱۱	۰.۰۳۰	نظارت و مقررات دقیق
۱۲	۰.۰۲۷	نزدیکی بازار به شرایط رقابت کامل
۱۳	۰.۰۱۶	آستانه ورود به بازار نسبتاً پایین
۱۴	۰.۰۱۵	در دسترس بودن اطلاعات

منبع: (یافته‌های تحقیق)

رتبه‌بندی نهایی معایب صندوق‌های کالایی در جدول (۲۱) آورده شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده اهمیت بالای فرصت‌های محدود برای به دست آوردن بازده جاری منظم با وزن ۰.۳۴۰ است که در رتبه اول معایب صندوق کالایی قرار گرفته است. پس‌از آن عدم وجود بازده تضمین‌شده، عدم امکان واکنش سریع به شرایط متغیر بازار و مشکلات شخصی‌سازی سبد سرمایه‌گذاری به ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار گرفته‌اند. بنا بر نتایج به‌دست‌آمده کم‌اهمیت‌ترین عیب مشکلات شخصی‌سازی سبد سرمایه‌گذاری است.

جدول (۲۱): رتبه معایب صندوق کالایی

رتبه اهمیت	وزن معیار	معایب صندوق کالایی
۱	۰.۳۴۰	فرصت‌های محدود برای به‌دست‌آوردن بازده جاری منظم
۲	۰.۳۲۱	عدم وجود بازده تضمین‌شده
۳	۰.۳۱۲	عدم امکان واکنش سریع به شرایط متغیر بازار
۴	۰.۰۲۷	مشکلات شخصی‌سازی سبد سرمایه‌گذاری

منبع: (یافته‌های تحقیق)

رتبه‌بندی نهایی چالش‌های صندوق‌های کالایی در جدول (۲۲) آورده شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده اهمیت بالای نوسانات مبتنی بر بازار با وزن ۰.۴۳۹ است که در رتبه اول چالش‌های صندوق کالایی قرار گرفته است. پس از آن بحران‌های سیاسی، بحران‌های اقتصادی، عدم تناسب مبتنی بر نیاز و تقاضا در بازار و توجه صرف به سودآوری، استفاده از عرضه کالاها به‌عنوان اهرم فشار توسط تولیدکننده‌هایی که سهم بیشتری از آن‌ها دارند و محدودیت‌های عرضه کالایی به ترتیب در رتبه‌های دوم تا ششم قرار گرفته‌اند. بنا بر نتایج به‌دست‌آمده کم‌اهمیت‌ترین چالش مشکلات محدودیت‌های عرضه کالایی است.

جدول (۲۲): رتبه چالش‌های صندوق کالایی

رتبه اهمیت	وزن معیار	چالش‌های صندوق کالایی
۱	۰.۴۳۹	نوسانات مبتنی بر بازار
۲	۰.۲۵۰	بحران‌های سیاسی
۳	۰.۱۵۵	بحران‌های اقتصادی
۴	۰.۰۸۴	عدم تناسب مبتنی بر نیاز و تقاضا در بازار و توجه صرف به سودآوری
۵	۰.۰۴۹	استفاده از عرضه کالاها به‌عنوان اهرم فشار توسط تولیدکننده‌هایی که سهم بیشتری از آن‌ها دارند
۶	۰.۰۲۲	محدودیت‌های عرضه کالایی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

رتبه‌بندی نهایی چالش‌های صندوق‌های کالایی از منظر اقتصاد اسلامی در جدول (۲۳) آورده شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده اهمیت بالای سفته‌بازی و تأثیر آن بر قیمت کالا در بازار اقتصاد واقعی با وزن ۰.۵۱۹ است که در رتبه اول چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی قرار گرفته است. پس‌از آن عدم ایجاد صندوق در کالاهای اساسی مبتنی بر عدالت اقتصادی، عدم خرید واحدهای صندوق توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی کالا، عدم همبستگی کامل با رشد اقتصادی و عدم توجه به مسئولیت اجتماعی به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنج قرار گرفته‌اند. بنابر نتایج به‌دست‌آمده کم‌اهمیت‌ترین چالش عدم توجه به مسئولیت اجتماعی است.

جدول (۲۳): رتبه چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی

رتبه اهمیت	وزن معیار	چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی
۱	۰.۵۱۹	سفته‌بازی و تأثیر آن بر قیمت کالا در بازار اقتصاد واقعی
۲	۰.۲۴۹	عدم ایجاد صندوق در کالاهای اساسی مبتنی بر عدالت اقتصادی
۳	۰.۱۳۷	عدم خرید واحدهای صندوق توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی کالا
۴	۰.۰۷۱	عدم همبستگی کامل با رشد اقتصادی
۵	۰.۰۲۵	عدم توجه به مسئولیت اجتماعی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در خصوص چالش‌های صندوق کالایی از منظر اقتصاد اسلامی باید گفت سفته‌بازی گاهی اوقات می‌تواند قیمت‌ها را فراتر از سطوح معقول، به سمت ارزش‌گذاری‌های بسیار بالا یا پایین سوق دهد که دقیقاً ارزش ذاتی واقعی یک دارایی یا اوراق بهادار را منعکس نمی‌کند. این بدان معنی است که سفته‌بازی ممکن است منجر به نوسانات قیمت شود که حتی اگر صرفاً موقتی باشد، می‌تواند تأثیری بلندمدت بر کل اقتصاد داشته باشد. به‌عنوان مثال، برخی از اقتصاددانان و تحلیل‌گران بازار استدلال کرده‌اند که قیمت‌های

بسیار بالای نفت در اوایل قرن بیست و یکم (حدود ۱۰۰ دلار در هر بشکه) بیشتر به دلیل سفته‌بازی‌های گسترده بود تا شرایط عرضه و تقاضای واقعی در بازار.

در بازار سرمایه اسلامی، گردش سالم و اطلاعات سریع و شفاف بودن بازار موجب عدم اضرار به دیگران، کاهش هزینه مبادلات، واقعی شدن قیمت‌ها، افزایش اطمینان و امنیت و کاهش ریسک غیرمتعارف می‌شود و در نتیجه از شیوع سفته‌بازی غیرمتعارف جلوگیری و به تسریع روند توسعه کمک می‌کند.

حباب سفته‌بازی ناشی از تقاضای سفته‌بازان است که در ابتدا قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، سپس سفته‌بازان بیشتری را جذب می‌کند و قیمت‌ها را بالاتر می‌برد و این چرخه تکرار می‌شود: افزایش قیمت‌ها در نتیجه افزایش تقاضا از سوی دلالتان و به دنبال آن خریداران جدید جذب شده توسط افزایش سریع قیمت‌ها که باعث افزایش بیشتر تقاضا می‌شود و بازار را به سمت قیمت‌های بالاتر سوق می‌دهد و این موضوع باعث اثرات منفی در اقتصاد کشور می‌شود.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است. - تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد. بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی در اقتصاد اسلامی؛ فرصت و چالش‌ها» خانم زهرا ضامن قدیرلی که به راهنمایی آقای دکتر حامد تاجمیر ریاحی در دانشگاه خوارزمی در سال ۱۴۰۲ دفاع شده است.

کتابنامه

- ۱) اشعری، هادی (۱۴۰۲). ارائه طرح گواهی سپرده نوین با عنوان گواهی سپرده مزایه‌ای و ارزیابی ریسک‌های مربوطه در مقایسه با سایر گواهی‌های رایج در کشور (رساله دکتری). پردیس بین‌المللی کیش، تهران، ایران.

- (۲) برمخشد، مهشید (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خرد و تدوین مدل در قراردادهای آتی سکه بورس کالای ایران. <https://civilica.com/doc/1272970>
- (۳) ترابی، سیدمحمدعلی؛ یارمحمدی، رضا؛ و موسویان، سیدعباس (۱۳۹۷). طراحی صندوق سرمایه‌گذاری خرید دین سازگار با فقه امامیه. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۸(۱)، ۱۱۷-۱۴۸. DOI: [10.30497/ifr.2018.2275](https://doi.org/10.30497/ifr.2018.2275)
- (۴) حسنی، محسن؛ و لعل بار، علی (۱۳۹۹). تأثیر متغیرهای بنیادی صندوق‌های سرمایه‌گذاری بر توانایی مدیر در گزینش مناسب سهام و زمان سنجی دقیق بازار. *توسعه و سرمایه*، ۵(۲)، ۱۶۹-۱۹۱
- (۵) چاوشی، بهنام؛ تهرانی، رضا؛ و عباسیان، عزت‌اله (۱۳۹۹). طراحی مدلی برای رتبه‌بندی صندوق‌های سرمایه‌گذاری در ایران با استفاده از رویکرد ارزیابی ریسک سیستمی. بر اساس مدل‌های MES, SES, LTD و CoVaR. *تحقیقات مالی*، ۲۲(۴)، ۴۵۱-۴۷۵.
- (۶) خداپناه، مسعود؛ کریمی کندوله، مریم؛ و یاری، نادیا (۱۴۰۲). بررسی نقش صندوق‌های ثروت ملی در توسعه کشورها. *یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی*.
- (۷) دیواندری، علی؛ اسفیدانی، محمدرحیم؛ فدایی‌نژاد، محمداسماعیل؛ و جلیلیان، حسین (۱۳۹۹). مدل توسعه محصولات مالی جدید در بازار سرمایه ایران. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۲۴(۱)، ۸۱-۱۰۵.
- (۸) روابط عمومی و بین‌الملل شرکت بورس کالای ایران (۱۳۹۶). گزارش عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری. تهران: شرکت بورس کالای ایران.
- (۹) ماهیکار، داود (۱۴۰۰). *ارائه مدل کارا برای گواهی سپرده کالایی در بازار سرمایه ایران* (رساله دکتری). دانشگاه آزاد واحد قم، قم، ایران.
- (۱۰) محمدی‌نسب، مهدی؛ و مستوفی، کامران (۱۳۹۶). بررسی نقش صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک در توسعه اقتصادی کشور. *مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*، ۲(۸)، ۱۷-۳۲.
- (۱۱) موسویان، سیدعباس؛ ماهیکار، داود؛ و غلامی جمکرانی، رضا (۱۳۹۹). بررسی فقهی گواهی سپرده کالایی به روش اجتهاد چندمرحله‌ای. *اقتصاد اسلامی*، ۲۰(۷۹)، ۳۶-۵.

۱۲) میرلوحی، سیدمجتبی؛ ابراهیم‌نژاد، علی؛ و فرح‌آبادی، مهرداد (۱۳۹۷). جریان‌ات نقدی و بازده سرمایه‌گذاران صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک؛ شواهد تجربی از بازاریابی سرمایه-گذاران. *بورس اوراق بهادار*، ۴۲(۱۱)، ۵-۲۸.

۱۳) وطنی، مهدی (۱۴۰۱). *بررسی مالی و فقهی فرصت آربیتراژی خرید گواهی سپرده کالایی و فروش قرارداد آتی در بورس کالای ایران (مطالعه موردی: نگین زعفران)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

1. Abdullah, A. (2016). An Islamic Monetary Theory of Value and Equation of Exchange: Evidence from Egypt (696-1517). *Humanomics*, 32(2), 121-150.
2. Adjemian, M., Garcia, P., Irwin, S. H., & Smith, A. (2013). Non-Convergence in Domestic Commodity Futures Markets: Causes, Consequences, and Remedies. *USDA-ERS Economic Information Bulletin*, (115).
3. Asha'ari, H., (1402 SH/2023). Erā'eh-ye tarḥ-e Gavāhī-ye Seporde-ye Novīn bā 'Onvān-e "Gavāhī-ye Seporde-ye Mazāyedeḥ ī" va Arzyābī-ye Rīsk-hā-ye Marbūteh dar Moghāyeseḥ bā Sāyer-e Gavāhī-hā-ye Rāyej dar Keshvar [A New Design for Auction-Based Deposit Certificates and Risk Assessment Compared to Common National Certificates] (PhD Dissertation). Pardīs-e Beyn al-Melal-e Kish, Tehran, Iran [in Persian].
4. Barmakhshād, M., (1400 SH/2021). Shenākht-e 'Awāmel-e mo'Asser bar Sarmāye Gozārī-ye Khord va Tadvīn-e Model dar Qardādhā-ye ātī-ye Sekkeh-ye Bourse-e Kālā-ye Irān [Identifying Micro-Investment Factors and Model Development in Iran Mercantile Exchange Gold Coin Futures Contracts]. Retrieved from <https://civilica.com/doc/1272970> [in Persian].
5. Bronte, K. Hmyria, V., & Poliakh, S. (2021). Special Features of the National Bank of Ukraine and of National Commodity Fund of the Fund for Investment and Finance of Ukraine.
6. Carter, S. Diersen, M. A., & Wang, Z. (2021). Experiential Learning Trading Agricultural Contracts in a Commodity Fund.
7. Carvalho, L., Mota, C., & Ramos, P. (2024). Socially Responsible Investment Funds – An Analysis Applied to Funds Domiciled in the Portuguese and Spanish Markets. *Risks*, 12(1), 9.
8. Chavoshi, B; Tehrani, R; Abbassian, E., (2020). Developing a Model for Ranking Mutual Funds in Iran Using the Systematic Risk Assessment

- Approach Based on LTD, SES, MES, and CoVaR Models. *Financial Research*, 22(4), 451- 475. [in Persian].
9. Chowdhury, M. I. H., Balli, F., & de Bruin, A. (2024). Investment Styles of Islamic Equity Funds. *International Review of Economics & Finance*, 89, 172-187.
 10. Drechsel, G.N. McLee, G. and Teneriro, F.D. (2019) Funds of Funds Versus Simple Portfolios of Hedge Funds: A Comparative Study of Persistence in Performance. *Derivatives & Hedge Funds*, 13(3), 88-106.
 11. Divāndārī, 'A; Esfidānī, M, R; Fadā'ī-Nejād, M, E; & Jaliliān, H., (1399 SH/2020). Model-e tose'eh-ye Moḥṣūlāt-e Mālī-ye Jadīd dar Bāzār-e Sarmāye-ye Irān [A Model for Developing New Financial Products in Iran's Capital Market]. *Pažūhesh-hā-ye Modiriyyat dar Irān* [Management Studies in Iran], Vol. 24(1), pp. 81-105 [in Persian].
 12. Gorton, C. Thomas, H, & Dieter, K. (2016). A Primer on Commodity Hedge Funds. *Derivatives & Hedge Funds*, 18, 223-235.
 13. Hassani, M., & Lalbar, A. (1399 SH/2020). The Effect of Fundamental Variables of Mutual Funds on the Ability of the Manager to Select the Appropriate Stock and Accurate Market Timing. *Development and Capital*, 5(2), 169-191 [in Persian].
 14. Hatami, R.P. (2015) Alpha, beta and Commodities: Can a Commodities Investment be Both a High Risk-adjusted Return Source, and a Portfolio Hedge? *Wealth Management* 9 (2): 63-84. [in Persian].
 15. Jeanneret, P., Monnin, P., & Scholz, S. (2011). Protection potential of Commodity Hedge Funds. *Alternative Investments*, 13(3), 43.
 16. Khodāpanāh, M; Karīmī Kandūleh, M; & Yārī, N., (1402 SH/2023). Barrasī-ye Naqsh-e Sandūq-hā-ye Servat-e Mellī dar tose'eh-ye Keshvar-hā [Investigating the Role of Sovereign Wealth Funds in National Development]. 11th International Conference on Management, Accounting, and Economic Development [in Persian].
 17. Larson, D. F., Lampietti, J., Gouel, C., Cafiero, C., & Roberts, J. (2014). Food Security and Storage in the Middle East and North Africa. *The World Bank Economic Review*, 28(1), 48-73.
 18. Lewis, M.L., and Muhamed, N.A., (2009), "The Role of Islamic Investment Funds in Promoting Cross-border Islamic Investments", *Islamic Finance news*, 5(41).
 19. Lehecka, G. V. (2015). Do Hedging and Speculative Pressures Drive Commodity Prices, or the Other way Round?. *Empirical Economics*, 49, 575-603.

20. Māhikār, D., (1400 SH/2021). Erā'eh-ye Model-e kārā barā-ye Gavāhī-ye Seporde-ye Kālā'ī dar Bāzār-e Sarmāye-ye Irān [An Efficient Model for Commodity Deposit Certificates in Iran's Capital Market] (PhD Dissertation). Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran [in Persian].
21. Mohamad, A. (2013). Creating a Two-way Market via Short Selling and its Potential use in the Islamic Paradigm. *Economics, Management and Accounting*, 21(2).
22. Moskal, A., Zawadzka, D., & Strzelecka, A. (2022). Application of Linear Mixed Models to Evaluate the Determinants of Effectiveness of Commodity Funds. *Procedia Computer Science*, 207, 3915-3923.
23. Moḥammadī-Nasab, M; & Mostowfī, K., (1396 SH/2017). Barrasī-ye Naqsh-e Sandūq-hā-ye Sarmāye Gozārī-ye Moshtarak dar tose'eh-ye Eqtešādī-ye Keshvar [The Role of Mutual Investment Funds in National Economic Development]. *Motāle'āt-e Kārbordī dar 'Ulūm-e Modiriyyat va Tose'eh* [Applied Studies in Management and Development Sciences], Vol. 2(8), 17-32 [in Persian].
24. Mīrlūhī, S, M; Ebrāhīm-Nejād, A; & Farah-Ābādī, M., (1397 SH/2018). Jarayānāt-e Naqdī va Bāzdeh-e Sarmāye Gozārān-e Sandūq-hā-ye Sarmāye Gozārī-ye Moshtarak; Shawāhed-e Tajrobī az Bāzārbīnī-ye Sarmāye Gozārān [Cash Flows and Returns of Mutual Fund Investors: Empirical Evidence from Investor Market-Timing]. *Bourse-e Orāq-e Bahādār* [Securities Exchange], Vol. 42(11), 5-28 [in Persian].
25. Mūsaviān, S, A; Māhikār, D; & Gholāmī Jamkarānī, R., (1399 SH/2020). Barrasī-ye feqhī-ye Gavāhī-ye Seporde-ye Kālā'ī be rāh-e Ejteḥād-e Chand Marḥale'ī [Jurisprudential Analysis of Commodity Deposit Certificates Using a Multi-Stage Ijtihād Method]. *Eqtešād-e Eslāmī* [Islamic Economics], Vol. 20(79), 5-36 [in Persian].
26. Mulendur, R. (2018). Commodity-Currencies or Currency-Commodities: Evidence from Causality Tests. *Resources Policy*, 60, 162-168.
27. Nissanke, T. (2015). Cargill's Corporate Growth in Times of Crises: How Agro-Commodity Traders are Increasing Profits in the Midst of Volatility. *Agriculture and Human Values*, 34, 211-222.
28. Pástor, L., & Vorsatz, M. B. (2020). Mutual Fund Performance and Flows During the COVID-19 Crisis. *The Review of Asset Pricing Studies*, 10(4), 791-833.

29. Plattek, D. N., & Figueiredo, O. H. (2023). Sustainable and Governance Investment Funds in Brazil: A Performance Evaluation. *Sustainability*, 15(11), 8517.
30. Planter, S. (2012). Exploring Global Retailers' Corporate Social Responsibility Performance. *Heliyon*, 6(8), e04644.
31. Pendaraki, K., Zopounidis, C., & Doumpos, M. (2005). On the Construction of Mutual Fund Portfolios: A Multicriteria Methodology and an Application to the Greek Market of Equity Mutual Funds. *Operational Research*, 163(2), 462-481.
32. Public and International Relations of the Iran Commodity Exchange Company (2017). Investment Funds Performance Report. Iran, Tehran: Iran Commodity Exchange Company. [in Persian].
33. Rahdari, A., Sheehy, B., Khan, H. Z., Braendle, U., Rexhepi, G., & Sepasi, S. (2020). Exploring Global Retailers' Corporate Social Responsibility Performance. *Heliyon*, 6(8).
34. Rohingis, X. (2021). Financialization of Agricultural Commodities: Evidence from China. *Economic Modelling*, 85, 381-389. [in Persian].
35. Rosly, S.A., Kamsu, N., (2013). Investing in Islamic Funds: A Practitioner's Perspective. In book, *Investing in Islamic Funds*. 47-62.
36. Saci, F., Jasimuddin, S.M., Hasan, M., (2022). Performance of socially Responsible Investment fFunds in China: A Comparison with Traditional Funds. *Sustainability*, 14(3). 1476. <https://doi.org/10.3390/su14031476>
37. Sakkas, Athanasios, Tessaromatis, Nikolaos, (2020), Factor based commodity investing,) , 6(8), e04644 [in Persian].
38. Sanders, J., Schapek, M., & Tahir, M. I. (2011). Permissibility and use of Options for Hedging Purposes in Islamic Finance. *Thunderbird International Business Review*, 48(3), 425-443. [in Persian].
39. Sukmana, R. (2020). Critical Assessment of Islamic Endowment Funds (Waqf) Literature: Lesson for Government and Future Directions. *Heliyon*, 6(10).
40. Torabi, S. M. A. , Yarmohammadi, R. & Mousavian, S. A. (1397 SH/2018). The Design of Discounting Investment Fund Conforming with Shi'a Jurisprudence. "Islamic Finance Researches" (IFR), 8(1), 117-148. DOI: [10.30497/ifr.2018.2275](https://doi.org/10.30497/ifr.2018.2275) [in Persian].
41. Tuna, G., & Tuna, V. E. (2019). Which Commodity Group is the Safe Haven for Islamic Stock Markets?. *International Journal of Economics, Management and Accounting*, 27(2), 253-267.

42. Vaṭānī, M., (1401 SH/2022). Barrasī-ye māli va Feqhī-ye Forsat-e Arbitrāzhī-ye Kharīd-e Gavāhī-ye Seporde-ye Kālā'i va Forūsh-e Qardād-e ātī dar Bourse-e Kālā-ye Irān (motāle'eh-ye moradī: Negin-e Za'farān) [Financial and Jurisprudential Analysis of the Arbitrage Opportunity between Buying Commodity Deposit Certificates and Selling Futures Contracts in Iran Mercantile Exchange: A Case Study of Negin Saffron] (MA Thesis). Imam Sadiq University, Tehran, Iran [in Persian].
43. Zaga-Mendez, A., Bissonnette, J. F., Kolinjivadi, V., Cleaver, F., & Dupras, J. (2021). Towards Collective Action in Ecosystem Services Governance: The Recognition of Social Interdependencies in three Collective Agri-Environmental Initiatives in Quebec. *Ecosystem Services*, 51, 101357.

Contents

▪ A Decision-Making Model for the Postponement of Non-Performing Loans in the form of Islamic Contracts	643
<i>Ali Aghajani Khorasgani / Parastoo Mohammadi*</i>	
▪ Examining the Opinions of Experts in the Credit Department of Banks and Borrowers in Relation to the Executive Requirements of Islamic Microfinance (Case Study: Banks and Customers in the City of Yazd)	677
<i>Akram Taftiyan* Behzad Haji Hosseini Fatemeh Mansouri Mohammadabadi</i>	
▪ Jurisprudential Analysis of Insider Trading in the Capital Market of the Islamic Republic of Iran	719
<i>Seyed Mohammad Ali Torabi* Mohammad Tohidi Golam Reza Mesbahi Moghadam</i>	
▪ Examining the Solutions for Reforming the Ownership System in Iran (with an Islamic Approach)	765
<i>Mohammad Zaman Rostami Mohammad Hadi Rostami*</i>	
▪ Mental Model of the Beneficiaries of Qarz al-Hasneh in Iran's Qarz al-Hasneh Mehr Bank	813
<i>Ali Elyasi* Gholam Hasan Taghi Nataj Malekshah Mohammd Solgi</i>	
▪ Examining the Role of Commodity Investment Funds in Islamic Economy: Opportunities and ChallengesQarz al-Hasneh Mehr Bank	847
<i>Zahra Zamen Ghadirli* Hamed Tajmir Riahi</i>	

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

Islamic Finance Researches

30

Quarterly Journal of Islamic Finance Researches

Vol. 13 | No. 4 | Serial 30 | Summer 2024

In Cooperation With Iranian Association of Islamic Finance
and Support of Securities & Exchange Organization

Publisher: Imam Sadiq University

In Cooperation With Islamic Banking and Economic Studies Center of National Bank of Iran

Managing Director: Hosein Hasanzadeh Sarvestani Assistant Professor (Specialty: Financial Management)

Imam Sadiq University

Editor in Chief: Gholam Reza Mesbahi Moghaddam Professor (Expertise: Operations Research Management)

Imam Sadiq University

Manager Editorial: Abbas Pourhassan Yami

Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

Reza Tehrani

Professor (Expertise: Financial Management & Investment) Tehran University

Ali Rezaeian

Professor (Expertise: Organizational Behavior Management) Shahid Beheshti University

Fereydoon Rahnema Roudposhti

Professor (Expertise: Financial & Accounting) Islamic Azad University - Science & Research Branch

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam

Professor (Expertise: Islamic Finance & Economics) Imam Sadiq University

Hasan Agha Nazari

Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Law) Research Institute of Hawzah & University

Gholam Reza Goodarzi

Professor (Expertise: Operations Research Management) Imam Sadiq University

Mohammad Tohidi

Associate Professor (Expertise: Financial Management) Imam Sadiq University

Ali Saeedi

Associate Professor (Expertise: Finance Management & Accounting) Islamic Azad University -Tehran North Branch

Ahmad Shabani

Associate Professor (Expertise: Islamic Economics) Imam Sadiq University

Saeed Sehat

Associate Professor (Expertise: Risk Management & Insurance) Allameh Tabataba'i University

Mohammad Talebi

Associate Professor (Specialty: Financial Management) Imam Sadiq University

Gholam Ali Masuminia

Associate Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Finance) Kharazmi University

Advisory Board:

Mohammad Hosin Ghavam

Assistant Professor (Expertise: Financial Management) Imam Sadiq University

English Editor: Alireza Roshanzamir

Persian Editor, Voter and Cover Designer: Abbas Pourhassan Yami

The Articles in this Publication do not Necessarily the Views of the University The Quotes Are Only Full References

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran. P.O. Box: 14655-159

Scientific & Editorial Management: Islamic Studies & Management Faculty, Telfax: +9821-88080733

Technical management and support: Deputy of Research & Technology, Telfax: +9821-88094915

Website: <https://ifr.isu.ac.ir> Main Email: ifr@isu.ac.ir Support Email(2): ifr.isujournals@gmail.com